

خاطرات
بوش پسر
ترامپ برای برجام
خط و نشان کشید



رایزنی با اروپا
حسن روحانی به دنبال
حفظ برجام است

گفت‌وگو با دکتر مخبر دزفولی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره

۲۰۳۰، حجاب صداوسیما و دانشگاه

بیش از ۷۰ درصد جامعه اصل حجاب را قبول دارند / روحانی به لغو ۲۰۳۰ رای داد / شورای عالی انقلاب فرهنگی به صداوسیما اشرافی ندارد / نظام باید تکلیف خود را با موسیقی روشن کند / تعداد قابل توجهی از جوانان دانشگاهی ما اهل نماز و مناسک هستند در عین حال ریش خود را هم می‌زنند

سیاست مذاکره جدید امتیاز بیشتر

ایران با رویکرد جدید ترامپ
درباره برجام مخالف است

اعلام جدایی

عارف از پایان ائتلاف
اصلاح طلبان - اعتدال گرایان گفت

کودتای نرم

عربستان موفق به تغییر
نظام قطر می‌شود؟

زندگی خوب

گزارشی از یک فعالیت
عام المنفعه جهادی

تل آویو تنها حامی بارزانی

دولت‌های منطقه واکنش سختی نسبت به
همه پرسی اقلیم کردستان نشان داده‌اند





تولید و پخش زبرا و کرکره در طرحها و رنگ های مختلف

تولید و پخش دکورهای پرده ای مثبت کار دست

آماده عقد قرار داد و اجرای کار با منازل،

سازمان ها و نهادهای دولتی و خصوصی

با مدیریت رضا رضی خط مستقیم مدیریت: ۰۹۱۲۶۱۵۲۰۵۸



تترا

ویژگی ها:

- کاهش آلودگی هوا
- کاهش مصرف سوخت
- کاهش رسوب در موتور خودرو
- کاهش مصرف روغن (تبخیر کم)
- افزایش طول عمر موتور
- صرفه اقتصادی برای مصرف کننده
- مناسب برای اکثر خودروها



محصول جدید
ایرانول
مناسب برای
اکثر خودروها

SAE 10W-40

API SL/CF

ISIRI 9186

IRANOL CO.

روغن موتور بنزینی با پایه گیاهی

مناسب خودروهای:

سیتروئن (انتیا، تندر ۹۰، مگان، سوزوکی گرند ویتارا، مزدا ۳، هیوندای ورنه، دنا، پژو (۴۰۵ و پارس)، انواع

سمند (سورن، سریر، LX)، فیات سی یفا، پیرمن، (۵۳۰، X۳۳، ۳۱۵) MVM

تلفن واحد فروش: ۸۸ ۲۱ ۲۹ ۹۹

www.iranol.ir



هواه اول

www.mci.ir

هر هفته هزینه یک موتور ۱۰۰۰
به ارزش هزار میلیون ریال!

* ۱۰۰ * ۲ #

ویژه کاربران بسته‌های اینترنت همراه اول



آینه گردانی

نام مؤلف: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

ناشر: نسیم انقلاب

تعداد صفحات: ۳۹۰



این اثر مجموعه‌ای از اشعار آئینی است که در حضور رهبر انقلاب، قرائت شده است. در حال حاضر، یکی از توصیه‌های رهبر معظم انقلاب گسترش این چنین سروده‌هایی است که در آن‌ها علاوه بر تاریخ اسلام، تاریخ فرهنگ و رسومات ایرانی نیز با زبان شعر و سرود به مردم ارائه می‌شود. در واقع، ایشان سرودن شعر و توانایی و استعداد شعرسرایی را نعمتی خداداد می‌دانند که از این طریق و استفاده‌ای این چنین از این نعمت می‌توان قدری شکر آن را به جای آورد.

کتاب «آینه گردانی»، شامل گزیده‌ای از اشعار قرائت شده طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲، در شب‌های شعر در حضور رهبر معظم انقلاب است. ترتیب اشعار کتاب، براساس ترتیب حروف الفبایی نام خانوادگی شاعران آن‌هاست؛ بنابراین با شعری از سید محمدحسین ابوترابی آغاز شده و با شعری از اسماعیل یکتایی لنگرودی پایان می‌یابد.

این مجموعه که توسط مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای) تنظیم و چاپ شده است، می‌تواند انتخاب افرادی باشد که علاقه به خواندن اشعار مذهبی و آئینی دارند یا کسب آگاهی از تاریخ اسلام و آشنایی با سبک زندگی اسلامی را از طریق شعر می‌پسندند.



محتلت

جلد دوم

رایزنی بااروپا

حسن روحانی به دنبال حفظ برجام است





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَلِّكَ جَعَلْنَاكَ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
وَيُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

فرارسیدن ماه محرم، ایام سوگواری سرور آزادگان جهان
امام حسین (ع) را تسلیت می‌گوییم

خبرنامه

۸-۱۳

رایزنی با اروپا

سوچی؛ سرزیر برف

ناگفته‌های آقای قاضی

ترامپ کدام راهبر را کلید زد؟

گفتارها

۱۴-۱۸

مرد دیوانه

رئیس‌جمهور متوهم

بور و کرات غیر مستقل

هیلی در یک قدمی وزارت خارجه

سیاست

۳۴-۱۸

۲۰۳۰، حجاب، صداوسیما و دانشگاه

اعلام جدایی

از استقلال ضرر نخواهیم کرد

باید ائتلاف را ادامه بدهیم

تأثیر نهضت سیدالشهدا (ع)

سخنرانی در جمع روحانیون قم،

تهران و آذربایجان

من از علمای محترم آذربایجان و اهل علم آنجا و علمای تهران و برادران علمای اهل سنت تشکر می‌کنم و سلامت و سعادت همه را از خداوند تعالی مسئلت می‌کنم. در آستانه شهر محرم، مصیبتی بر همه ما وارد شد و آن شهادت این پیر هشتادساله [است] که عمر شریف خودش را در راه اسلام و در راه خدمت به مردم و راه تهذیب جامعه صرف فرمود. ملت ما از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتادساله را در راه خدا فدا کرد و این اقتدا به

بزرگمرد تاریخ، حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - است. حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر چه باید کرد. با اینکه از اول می‌دانست که در این راه که می‌رود، راهی است که باید همه صاحب‌خودش و خانواده‌خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلام قربانی کند، لکن عاقبتش را هم می‌دانست. اگر نبود این نهضت؛ نهضت حسین - علیه السلام - یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می‌دادند. و از اول، اینها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولیای اسلام حقد و حسد داشتند.

سیدالشهدا با این فداکاری که کرد، علاوه بر اینکه آنها را به شکست رساند و اندکی که گذشت، مردم متوجه شدند که چه غائله‌ای و چه مصیبتی وارد شد. و همین مصیبت



تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - امید کرمانی‌ها حنیف غفاری

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خمانند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

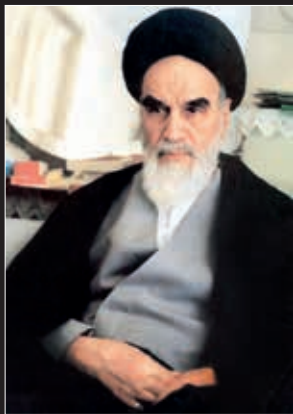
فکرنو: علی حاجی‌ناصری (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش‌صحبان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک‌نیزی

مثلاً؛ هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارهای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام‌خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



و برادران شیعی مذهب، تحقق پیدا کرده است و این اخوت اسلامی فراموش نخواهد شد و این انقلاب به خواست خدای تبارک و تعالی شکست نخواهد خورد. گو اینکه همه قدرتهای بزرگ دنیا و آنهایی که در بلوک شرق و غرب هستند، با انقلاب ما دشمن باشند، گو اینکه همه رسانه های گروهی دنیا بر ضد این نهضت قلمفرسایی کنند و دروغپردازی؛ آنچه حقیقت است، روشن خواهد بود و روشن خواهد شد. آن روزی هم که حضرت سیدالشهدا را مظلوم شهید کردند، بعضی از اشخاصی که بودند، او را به اسم خارجی و اینکه در حکومت حق وقت، قیام کرده است، اینطور معرفی کردند. لکن نور خدای درخشد و خواهد درخشید و عالم را خواهد از نور پر کرد.

موجب به هم خوردن اوضاع بنی امیه شد، علاوه بر این، در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است. از قلت عددترسید، عدد، کار پیش نمی برد، کیفیت اعداد، کیفیت جهاد، اعدای مقابل اعدا، آن است که کار را پیش می برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند، لکن در کیفیت باشند یا پوچ. و افراد ممکن است کم باشند، لکن در کیفیت توانا باشند و سرفراز.

◀◀ شکست ناپذیری انقلاب در پرتو عنایات الهی

تاریخ، این نهضت ایران را و این انقلاب را فراموش نخواهد کرد، و این فداکاری ای که در همه قشرهای ملت اسلامی است در ایران، فراموش نخواهد کرد. و این وحدتی که بین اقشار ملت از هر طبقه هستند، بین برادران اهل سنت

سیاست خارجی

خاطرات بوش پسر
گروکشی برجانی ترامپ از ماکرون
شکاف
ترامپ تعادل رفتاری ندارد



بین الملل

احتمال لشکر کشی نظامی
تل آویو تنها حامی بارزانی
کودتای نرم
ناکامی سیاست چماق و هویج



فرهنگ

زندگی خوب
آرزوی بزرگ
سرمایه دارها کمک نمی کنند
مغفول محبوب



طراح جلد: مصطفی مرادی
عکس جلد: عدنان جعفری



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیتاله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمدابراهیم محمد پورزندی
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی ها: تلفن: ۸۵۰۵۸۴۸-۰۹۱۲
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان
توزیع: نشر گستر امروز
نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،
پلاک ۱۹
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: امیر طلایی کیوان - عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی و نرگس حاجیلو
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار
سازمان آگهی ها: محمد شکر الهی
بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی
انفروماتیک: شهرام زحمتی
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

سفر به ایالات متحده

اصلی ترین دغدغه رئیس جمهور کشورمان به نیویورک، مقابله با جوسازی های دولت ترامپ علیه توافق هسته ای میان ایران و اعضای ۵+۱ بود. بدون شک، این سخت ترین سفر روحانی به نیویورک در طول سال های اخیر محسوب می شد. حضور ترامپ در راس معادلات سیاسی و اجرایی ایالات متحده آمریکا، مولد بحران هایی در حوزه سیاست خارجی این کشور بوده است. این مساله به برجام نیز تسری پیدا کرده است.

تیتریک



رایزنی با اروپا

حسن روحانی به دنبال حفظ برجام است

ایران از گذشته، پرچم دار تسامح در حق ادیان و اقوام مختلف بوده است. ما همان ملتی هستیم که یهودیان را از رنج اسارت بابلی نجات دادیم؛ ارمنیان مسیحی را با آغوش باز در میان خویش پذیرفتیم و در میان خود یک «قاره فرهنگی» و تنوعی کم نظیر از اقوام و ادیان را جای داده ایم. این همان ایران است که همواره از مظلومان دفاع کرده است؛ قرن ها پیش مدافع حقوق یهودیان و اکنون مدافع حقوق فلسطینیان است. ایران همان ایران حق جو و آرامش طلب است.

ما امروز در صف مقدم مبارزه با تروریسم و تندروی مذهبی در خاورمیانه قرار داریم نه از موضع فرقه ای و قومی که از موضعی انسانی، اخلاقی و استراتژیک. ایران نه می خواهد، امپراتوری تاریخی اش را احیا کند و نه می خواهد مذهب رسمی اش را حاکم کند و نه می خواهد انقلابش را با زور سرنیزه صادر کند. ما به استواری فرهنگ مان، حقیقت مذهب مان و اصالت انقلابمان آنگذر باور داریم که هرگز نمی خواهیم آنها را چنان اهداف استعماری جدید بر کوله سربازان صادر کنیم. ما برای ترویج فرهنگ تمدن و مذهب و انقلابمان، در قلب ها وارد می شویم و با عقل ها سخن می گوئیم. شعر می خوانیم و با حکمت سخن می گوئیم. سفیران ما، شاعران و عارفان و حکیمان مان هستند. ما با مولوی تا این سوی اقیانوس اطلس را در نور دیده ایم. ما با سعدی در دل آسیا نفوذ کرده ایم. ما با حافظ جهان را فتح کرده ایم پس چه نیازی دیگر به فتح جدید داریم؟!

برجام ایجاد یک تعامل نو در مناسبات جدید جهانی است. تعاملی مبتنی بر مشارکت و سازندگی دو جانبه، میان ما و جهان. ما درهای تعامل و همکاری را گشودیم. ما ده ها قرارداد توسعه با دولت های توسعه یافته شرق و غرب بستیم. متأسفانه برخی خود را از این امکان تازه محروم کردند. به خودتحریمی دست زدند و حال با احساس غبن، فکر می کنند فریب خورده اند. در حالی که ما نه فریب خورده ایم و نه کسی را فریب داده ایم. ما سطح برنامه هسته ای خود را، خود تعیین کرده ایم. ما بازدارندگی هسته ای را نه از سلاح هسته ای که از دانش و مهم تر از آن از مقاومت ملت خود به دست آورده ایم. این هنر و تکنیک ماست. آنها می خواستند سلاح

سفر رئیس جمهور کشورمان به نیویورک جهت حضور و سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در حالی صورت گرفت که طی هفته های گذشته، دونالد ترامپ و دیگر مقامات آمریکایی از مجمع عمومی سازمان ملل؛ به عنوان محلی برای لابی علیه توافق هسته ای خبر داده بودند. دیدار دونالد ترامپ با بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی (قبل از سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل) در همین راستا صورت گرفت. اصلی ترین دستورکار ترامپ در نیویورک، تضعیف برجام و ترغیب سایر بازیگران نظام بین الملل در خصوص تغییر توافق هسته ای، به سود منافع آمریکا بود. در این راستا، نتانیاهو اصلی ترین مشوق ترامپ محسوب می شد.

پاسخ به سخنان جنجالی ترامپ

سخنرانی رئیس جمهور کشورمان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، درست یک روز پس از اظهارات جنجالی دونالد ترامپ علیه ایران صورت گرفت. سخنان اهانت آمیز و دروغین ترامپ در خصوص حکومت و ملت ایران سبب شده بود تا بسیاری از مخاطبان، خصوصاً ملت ایران در انتظار سخنرانی آقای روحانی و واکنش وی نسبت به سخنان ترامپ به سر ببرند. این انتظار سرانجام به پایان رسید. رئیس جمهور کشورمان در سخنرانی خود به موارد زیر اشاره کرد:

- ادبیات جاهلانه، زشت، کینه توزانه و مشحون از اطلاعات غلط و اتهامات بی پایه ای که از زبان رئیس جمهور آمریکا علیه ملت ایران در این مجمع محترم شنیده شد، نه تنها در شأن سازمان ملل نبود بلکه در تقابل با خواسته امروز ملت ها از این اجلاس - یعنی اتحاد دولت ها برای مقابله با جنگ و تروریسم - قرار داشت.

- در دنیای امروز صلح، امنیت، ثبات و پیشرفت کشورها در هم تنیده شده اند. نمی شود مردم فلسطین توسط رژیمی شرور و نژادپرست از کمترین حقوق انسانی محروم باشند و غاصبان این سرزمین در امنیت. نمی شود یمن، سوریه، عراق، بحرین، افغانستان، میانمار و در بسیاری مناطق دیگر در فقر و جنگ و درگیری زندگی کنند و عده ای گمان کنند که می توانند امنیت و رفاه و توسعه بلند مدت در کشورهای خود داشته باشند.

نشست خبری روحانی با رسانه ها

رئیس جمهور کشورمان در نشست خبری خود در نیویورک نیز سخنان ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد را مورد انتقاد قرار داد و از ترامپ خواست تا بابت سخنان خود از ملت ایران عذرخواهی کند. همچنین روحانی در خصوص حوادث تلخ جاری در میانمار نیز موضع گیری صریحی در نشست رسانه ای خود اتخاذ کرد: «در هفته های گذشته منطقه آسیا با فاجعه میانمار روبه رو شده است و حدود ۴۰۰ هزار نفر خانه هایشان به آتش کشیده شده و مجبور شدند به بنگلادش مهاجرت کنند. مجموع مهاجران تا کنون به ۸۰۰ هزار نفر رسیده است و این از نظر انسانی برای ما بسیار اهمیت دارد، کمک به مردم و فشار به دولت میانمار یکی از اهدافی بود که در این سفر دنبال شود و سازمان همکاری اسلامی در این زمینه جلسه ای را برگزار کرد.»

دیدار روحانی با ترزا می

یکی از دیدارهایی که در جریان سفر اخیر آقای روحانی به نیویورک مورد توجه تحلیلگران قرار گرفت، دیدار وی با نخست وزیر انگلیس بود. این دیدار در حالی صورت گرفت که دولت انگلیس، رویکرد چندگانه و مبهمی در قبال برجام داشته و در برخی موارد نیز با ایالات متحده در خصوص نقض توافق هسته ای همراهی کرده بود. با این حال، رئیس جمهور در دیدار نخست وزیر انگلستان با استقبال از حمایت قاطع اتحادیه اروپا و لندن از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) تاکید کرد که جمهوری اسلامی ایران آماده است روابط خود را با انگلستان در همه عرصه ها توسعه و تعمیق بخشد. دکتر روحانی روز چهارشنبه در دیدار «ترزا می» گفت: «برجام توافقی است که با تلاش های طولانی و سخت هفت کشور محقق شده است و همه این کشورها باید با عمل کامل به تعهداتشان، در حفظ آن بکوشند. همه باید برای پایداری برجام و منافع همه طرفین از آن تلاش کنیم چرا که اکنون نگاه جهان این است که آیا دیپلماسی و توافق برای حل مشکلات می تواند موفق باشد یا نه؟» روحانی، تسهیل همکاری های مناسب بانکی را گامی مهم در توسعه روابط اقتصادی دانست و با توجه به اظهارات نخست وزیر انگلیس ابراز امیدواری کرد که شاهد برقراری روابط مناسب بانکی برای توسعه روابط اقتصادی تهران-لندن باشیم.

روحانی در دیدار با ماکرون چه گفت؟

دیدار رئیس جمهور کشورمان و رئیس جمهور فرانسه نیز در نوع خود از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. این دیدار در حالی صورت گرفته که دونالد ترامپ فشار زیادی بر مقامات فرانسوی در خصوص تغییر برجام و تبدیل آن به عنوان یکی دیگر وارد ساخته بود. از سوی دیگر، فرانسه به عنوان یکی از اعضای ۵+۱ و یکی از اعضای دائمی شورای امنیت، نقش مهمی در پیوسته حفظ برجام دارد. روحانی در این دیدار که در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل انجام شد، به اشتراکات فرهنگی گسترده دو ملت ایران و فرانسه اشاره کرد

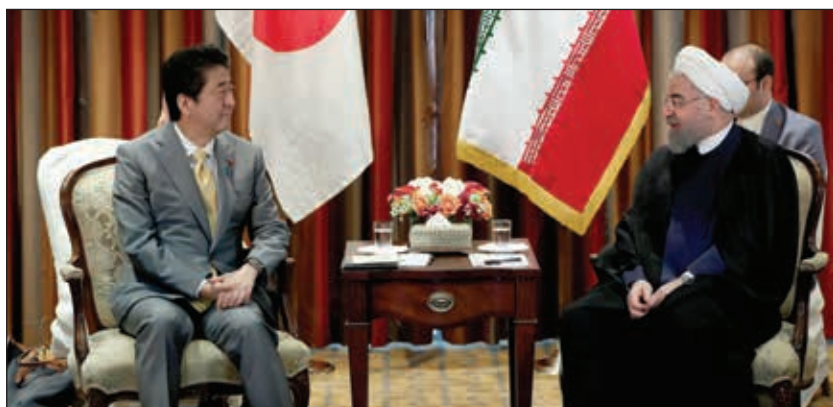
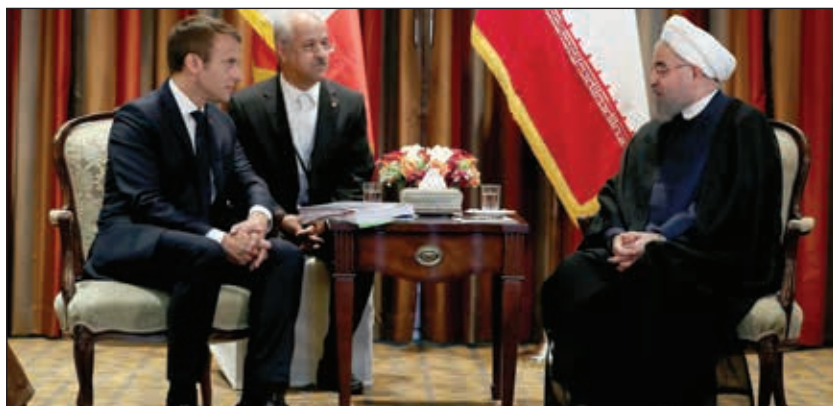
درگیری لفظی صالحی با وزیر انرژی آمریکا



ناگفته های آقای قاضی



سوچی سر زیر براف



و با تاکید بر ضرورت ارتقای مناسبات فرهنگی، علمی، فناوری و دانشگاهی دو کشور، گفت: «از حضور سرمایه گذاران فرانسوی برای همکاری های مشترک در بخش های مختلف در ایران حمایت می کنیم.» رئیس جمهور همچنین با بیان اینکه نباید اجازه داد دستاوردهای برجام تضعیف شود و همه طرفین باید علاوه بر پایبندی، سایر اعضا را به اجرای کامل تعهدات خود یادآور شوند، اظهار داشت: «برجام حاوی این پیام بود که مسائل پیچیده بین المللی را می توان از طریق گفت و گو و در چارچوب رویکرد برد-برد حل و فصل کرد و هر آسیبی به آن می تواند انتقال دهنده این پیام خطرناک به جهان باشد که دیپلماسی قادر به رفع مشکلات نیست.» روحانی رفتارهای دولت فعلی آمریکا در ارتباط با برجام را برای جامعه جهانی نگران کننده برشمرد و تاکید کرد: «تنها نهادی که باید بر برجام نظارت کند آژانس بین المللی انرژی اتمی است که تاکنون هفت بار صراحتاً بر پایبندی ایران بر این توافق تاکید کرده است و نباید برخی ها توافق روشنی همانند برجام را به مسائل دیگر مشروط کنند.» رئیس جمهور همچنین همکاری های مشترک ایران و فرانسه در زمینه مسائل منطقه ای و به ویژه مبارزه با تروریسم را ضروری خواند و با تاکید بر نقش این همکاری ها در حل و فصل مسائل منطقه ای، گفت: «ایران در حال مبارزه با تروریسم در منطقه است و در همین ارتباط مستشاران نظامی ما به درخواست دولت های رسمی عراق و سوریه در این کشورها حضور دارند.»

◀ دیدار با نخست وزیر ژاپن

برجام و همکاری های تجاری، اصلی ترین محور دیدار رئیس جمهور کشورمان و شینزو آبه، نخست وزیر ژاپن را تشکیل می داد. در این دیدار روحانی تاکید کرد که جمهوری اسلامی ایران براساس هفت گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی همواره بر تعهدات خود در چارچوب برجام، پایبند بوده و به آنها عمل کرده است. حمایت قاطع ژاپن از برجام در تحکیم صلح و ثبات منطقه موثر است. ما آغازگر نقض برجام نخواهیم بود و امیدواریم بقیه کشورها هم پایبند به تعهدات قانونی، حقوقی و اخلاقی خودشان باشند. رئیس جمهور کشورمان تاکید کرد: «زمینه های سرمایه گذاری و توسعه همکاری های مشترک ژاپن با ایران فراوان است. از توسعه روابط و همکاری های همه جانبه تهران و توکیو استقبال می کنیم. ژاپن می تواند در بخش های گوناگون از جمله نفت، گاز، پتروشیمی و توسعه بنادر در ایران حضور یافته و فعالیت کند. توسعه بنادر جنوبی از جمله چابهار نقش مهم و موثری در گسترش روابط ایران و ژاپن و کل منطقه خواهد داشت و سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی ژاپن نیز می توانند در توسعه بنادر و شبکه ریلی، سرمایه گذاری کنند.» در نهایت اینکه اصلی ترین دغدغه رئیس جمهور کشورمان به نیویورک، مقابله با جو سازی های دولت ترامپ علیه توافق هسته ای میان ایران و اعضای ۵+۱ بود. بدون شک، این سخت ترین سفر روحانی به نیویورک در طول سال های اخیر محسوب می شد. حضور ترامپ در راس معادلات سیاسی و اجرایی ایالات متحده آمریکا، مولد بحران هایی در حوزه سیاست خارجی این کشور بوده است. این مساله به برجام نیز تسری پیدا کرده است. در هر حال، باید در انتظار آثار و تبعات سفر اخیر رئیس جمهور به نیویورک و تحلیل های ارائه شده از سوی رسانه های مختلف دنیا در این خصوص ماند. تحلیل هایی که معمولاً تا چند هفته پس از پایان برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سوی رسانه ها مورد توجه قرار می گیرد. ▶

اعتراف به نسل کشی

سکوت پایان یافت

آنگ سان سوچی، رهبر میانمار پس از سکوتی طولانی، «همه خشونت‌ها و اقدامات ناقض حقوق بشری» در ایالت راخین میانمار را محکوم کرد و گفت که عاملان این خشونت‌ها طبق قانون مجازات می‌شوند. سوچی در نخستین خطابه خود از آغاز خشونت‌ها علیه اقلیت مسلمانان و مهاجرت دسته‌جمعی آنها به بنگلادش، مراتب تأسف عمیق خود را بابت رنجی که غیرنظامیان در این درگیری‌ها می‌کشند، ابراز داشت و گفت که می‌خواهد هر چه سریع‌تر این خشونت‌ها پایان یابد. وی پس از فرار بیش از ۴۰۰ هزار مسلمان روہینگاییی گفته است: «ما نگران مهاجرت تعداد زیادی از مسلمانان به بنگلادش هستیم. من این خشونت‌های ضدبشری را به شدت

محکوم می‌کنم و میانمار آماده بازگشت آوارگان است. « آنگ سان سوچی همچنین گفت که میانمار از بررسی‌های دقیق جامعه بین‌الملل درباره رخدادهای صورت گرفته در راخین نمی‌ترسد و به دنبال راه‌حلی مناسب برای این درگیری‌هاست. با این حال، برنده جایزه صلح نوبل گفته است که «وضعیت روہینگاییی‌ها در میانمار ایمن است» و «روستاهای مسلمان نشین در راخین تحت تأثیر خشونت‌ها در میانمار قرار نگرفته‌اند.»

او همچنین از دیپلمات‌ها دعوت کرده تا «بیایند و خودشان مشاهده کنند.» با وجود آنکه سوچی پس از انتقاد گسترده فعالان و گروه‌های حقوق بشری سکوت خود را شکست، اما پناهندگان روہینگاییی که موفق به

فرار از خشونت‌ها در میانمار شده‌اند، اظهار نگرانی خانم سوچی را در مورد وضع وخیم خود رد کرده‌اند. فعالان حقوق بشری نیز همچنان او و دولتش را متهم می‌کنند که در مورد خشونت‌ها علیه ساکنان ایالت راخین «سر خود را زیر برف پنهان کرده‌اند.» به گزارش خبرگزاری الجزیره، روز سه‌شنبه پناهندگان روہینگاییی در کمپی در یک روستای مرزی میان میانمار و بنگلادش ادعای آنگ سان سوچی مبنی بر امن بودن شرایط برای اقلیت مسلمان در میانمار را رد کرده و گفته‌اند که وعده او برای بازگرداندن پناہجویان روہینگایا هیچ اعتباری ندارد.

«سلطان احمد» ۸۰ ساله یکی از کسانی که دو هفته پیش، به همراه صدها هزار پناہجو به بنگلادش گریخته است، می‌گوید: «سوچی خائن است. ما نمی‌توانیم به حرف‌های او اعتماد کنیم.» سلطان احمد به الجزیره گفته است که باور ندارد سوچی به حرف‌هایی که زده، عمل کند؛ چرا که «همه تصمیمات توسط ارتش صورت می‌گیرد و عمل می‌شود.» ▶



آنها در خوشی زندگی می‌کنند یا ظلم و ستم.» گروه‌های حقوق بشری، همچنان به انتقاد از خانم سوچی ادامه می‌دهند و به سخنان او شکاکانه می‌نگرند. یکی از این گروه‌ها، در بیانیه‌ای اعلام کرده است: «گرچه موجب خرسندی است که خانم سوچی در نهایت نقض حقوق بشر در ایالت راخین را محکوم کرد، اما او همچنان در مورد نقش نیروهای امنیتی و ارتش در این خشونت‌ها، سکوت کرده است.» ▶

سوچی؛ سرزیر برف

برنده صلح نوبل

در قدرت و بیرون قدرت

سوچی که برنده جایزه صلح نوبل است، به خاطر سکوت در مورد خشونت‌ها علیه مردم روہینگاییی مورد انتقاد شدید گروه‌های بین‌المللی قرار گرفته است. برخی از گروه‌های حقوق بشری حتی با جمع‌آوری امضا به دنبال بازپس‌گیری جایزه صلح نوبل او هستند. حالا او سکوت خود را شکست و «همه موارد نقض حقوق بشر» را در ایالت راخین محکوم کرد و قول داد تا کسانی را که مرتکب تخلفی شده‌اند، مجازات کند؛ اما خانم سوچی در مورد رفتار نیروهای ارتش که منجر به فرار بیش از ۴۲۰ هزار روہینگاییی به بنگلادش شده و سازمان ملل از این عملیات، به عنوان «پاکسازی قومی» یاد کرده، سخنی نگفته و آن را محکوم نکرده است.

با این حال شاهد هستیم که روہینگاییی‌ها از سخنان خانم سوچی مبنی بر اینکه «مردم روہینگایا، خود مسئول

بدبختی‌شان هستند» عصبانی‌تر هستند. سوچی بی‌شرمانه اعلام می‌کند که در روستاهای ایالت راخین امنیت وجود دارد و از دیپلمات‌ها برای مشاهده وضع مردم دعوت کرده است. نهادهای حقوق بشری در مقابل سوچی می‌گویند: «بسیار خب، به دیپلمات‌ها اجازه دهید تا بیایند و بدبختی مردم را از نزدیک ببینند. ارتش میانمار مردم را زندانی کرده است؛ اگر به دیپلمات‌ها و رسانه‌های دنیا اجازه داده شود از وضع مردم مطلع شوند می‌بینند که

پیوستن جبهه پایداری به جمن

سیدمحمد حسینی، عضو شورای مرکزی جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی با اشاره به آخرین تحولات این جبهه بیان کرد در گذشته جبهه پایداری در ترکیب نبود که این بار تصمیم بر این شده که آنها نیز اضافه شوند.

حسینی در ادامه در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه عده‌ای از اصلاح‌طلبان از امروز مشغول سرمایه‌گذاری روی رئیس مجلس برای انتخابات ۱۴۰۰ هستند، نظر شما در این باره چیست اظهار کرد:

«نمی‌توان روی این مساله حساب باز کرد؛ اصلا باید ببینیم ائتلاف اصلاح‌طلبان با دولت باتوجه به دلخوری‌هایی که از ترکیب کابینه دارند، دوام خواهد داشت یا خیر.»



درگیری لفظی صالحی با وزیر انرژی آمریکا



خبرگزاری رویترز از درگیری لفظی علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و وزیر انرژی آمریکا در نشست سالانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر سر میزان نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران خبر داد. دعوا میان نمایندگان ایران و آمریکا بر سر این مساله بالا گرفت که فعالیت‌های هسته‌ای ایران به چه شکلی باید تحت کنترل باشد و این در حالی است که آمریکا طی روزهای اخیر خواستار نظارت بیشتر بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران شده بود. نیکی هیلی، نماینده آمریکا در سازمان ملل نیز چندی پیش در سفری به وین، خواستار نظارت بیشتر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران شده بود.

هشدار علم‌الهدی

نسبت به فتنه «خودی‌ها»

آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی در نطق پیش از دستور سومین اجلاس پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری به موضوع فتنه اشاره کرد و افزود: «اینگونه نیست که دشمن همیشه عملیات فتنه را از طریق نفوذ در جریان‌های مقابل انجام دهد، در بعضی موارد فتنه به وسیله عملیات روانی در خودی‌ها صورت می‌گیرد.»

وی ادامه داد: «مانند اینکه با شایعه‌سازی مبنی بر تغییر ذائقه مردم نسبت به

ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، در بین عناصر انقلابی نسبت به ترویج ارزش‌های انقلاب ایجاد ناامیدی کرده، اهداف خود در فتنه را با دامن زدن به شایعات دنبال کرده و ایجاد یأس و ناامیدی می‌کنند.»



آیت‌الله جنتی خواهان تذکر خبرگان به رئیس‌جمهور



آیت‌الله جنتی در نطق

خود در افتتاحیه مجلس خبرگان رهبری گفت: «مجلس خبرگان پیگیر و مطالبه‌گر است و باید به‌عنوان خبرگان به رئیس‌جمهور تذکر دهیم.» او همچنین در بخش دیگری از سخنرانی امروز خود، در مورد

«فتنه» و «نفوذ» آن در کشور هشدار داد و گفت: «الان فتنه‌گران حضور دارند، بنابراین باید مراقب باشیم و حتی به‌عنوان خبرگان به رئیس‌جمهور تذکر دهیم هرچند که در این جلسه رئیس‌جمهور حضور ندارد.» رئیس مجلس خبرگان رهبری همچنین نسبت به همه‌پرسی کردستان عراق هشدار داد و گفت: «آمریکا می‌خواهد کردستان را تجزیه کند و از دل آن یک اسرائیل دیگر به وجود آورد و ما باید مواظب باشیم که خواست آمریکادر این زمینه به جایی نرسد.»

شاهزاده سعودی برای ایران زبان باز کرد!

رئیس سابق سرویس

اطلاعات عربستان سعودی در گفت‌وگو با شبکه اسکای نیوز، ایران را به خالت در امور کشورها متهم کرد. ترکی الفیصل گفت: «دنیا باید در برابر دخالت‌های آشکار ایران در منطقه بایستد.» وی مدعی شد که حتی در صورت لغو توافق هسته‌ای، دخالت‌های ایران در منطقه متوقف نخواهد شد. رئیس سابق اطلاعات عربستان مدعی شد که دخالت‌های ایران از زمان توافق هسته‌ای تهران با کشورهای غرب نبوده بلکه ایران از ابتدای انقلاب اسلامی در امور سایر کشورها دخالت می‌کند.

فیصل به بحران قطر نیز اشاره و از اینکه قطر از «آمال و اهداف خطرناک ایران» در منطقه حمایت می‌کند، ابراز تأسف کرد.

تابش با مرعشی به اختلاف خورد

عضو شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان



با اشاره به اظهارات مرعشی درباره شکل‌گیری شورایی بالاتر از این شورا گفت: تشکیل شورایی بالاتر از شورای عالی معنا و مفهومی ندارد.

محمدرضا تابش گفت: «باتوجه به نقدها، اصلاحات و

پیشنهادهایی که ارائه شد، ساختار شورای عالی موردبازبینی قرار گرفت و تغییر کرد. الان پیشنهاداتی وجود دارد که مورد توجه قرار می‌گیرد.» وی در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه حسین مرعشی از تشکیل شورایی بالاتر از شورای عالی اصلاح‌طلبان سخن گفته بود؛ آیا چنین مسأله‌ای صحت دارد، گفت: «از خود آقای مرعشی پرسید: تشکیل شورایی بالاتر از شورای عالی معنا و مفهومی ندارد.»

ناگفته‌های آقای قاضی

پس از هشت سال که از حوادث سال ۸۸ می‌گذرد، سیامک مدیرخراسانی قاضی که حکم جنجالی محکومیت مرتضوی به پرداخت ۲۰۰ هزار تومان جریمه نقدی و انفصال دائم از خدمات قضایی را داده بود، هنوز هم ناگفته‌هایی درباره آن پرونده دارد. او که با خبرگزاری تسنیم گفت‌وگو کرده، در این باره گفته که در پرونده قضات کهریزک معتقد به معاونت حیدری‌فر هم در قتل بوده و در حکم هم این را نوشته است اما نظر بقیه قضات این نبوده و نهایتاً حکم به تبرئه از معاونت در قتل داده شد.

او همچنین گفته؛ وقتی که مرتضوی دادستان بود، هیچ رابطه دوستانه‌ای با او نداشته و سعی می‌کرده از او دوری کند. مدیرخراسانی همچنین در این مصاحبه گفته که در این پرونده تخلفات محرز بوده و حکمی که برای مرتضوی صادر و او را به انفصال دائم از خدمات قضایی محکوم کرده، مانند حکم اعدام است.

اما این تنها موضوع مهم در این گفت‌وگو نیست؛ موضوع حساب‌های قوه قضائیه که چندی پیش سرودهای زیادی به پا کرد و همچنین پرونده محمود احمدی‌نژاد که قاضی آن پرونده هم مدیرخراسانی بود، در این گفت‌وگو مورد بحث قرار گرفت و به یکی از مهمترین مصاحبه‌های هفته گذشته تبدیل شد. مدیرخراسانی از موضع قوه قضائیه در ماجرای حساب‌های بانکی دفاع می‌کند و می‌گوید سود حاصل از حساب‌های دادگستری حق قوه قضائیه است. او همچنین می‌گوید می‌دانسته که رسیدگی به پرونده احمدی‌نژاد تبعات دارد و حتماً یک جنجالی به پا می‌شود اما این کار را برعهده گرفته است.

پرونده کهریزک «لایه‌های غیر قابل بیان» زیادی دارد

مدیرخراسانی که نزدیک به ۱۲ سال ریاست شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران (شعبه ۶ فعلی) را برعهده داشته، وقتی گفت‌وگو به پرونده قضات کهریزک می‌رسد، می‌گوید: «این پرونده لایه‌های غیر قابل بیان زیادی دارد.» او تخلفات در این پرونده را محرز دانسته است: «دادستان یک شهر بایستی بر نیروهای زیردست خود نظارت داشته باشد و نبود و نمی‌دانم که پذیرفته نیست.

نظر آیت‌الله علوی گرگانی درباره حضور بانوان در ورزشگاه

آیت‌الله علوی گرگانی در دیدار با مشاور حقوقی رئیس‌جمهوری با ورود زنان به ورزشگاه‌ها مخالفت کرد و گفت: «حتماً جلوی این کار گرفته شود.» این مرجع تقلید شیعیان تأکید کرد: «اخیراً مطلع شدیم که مسئولان کشور یواش‌یواش زمزمه می‌کنند که در صورت امکان زمینه حضور خانم‌ها در مسابقه‌های کشتی و مسائلی که مربوط به ورزشگاه‌ها است فراهم شود.» آیت‌الله علوی گرگانی با بیان اینکه این گونه اقدامات بی‌احترامی به خون هزاران شهید گلگون کفن است افزود:



«برخی به دنبال بدعت‌گذاری در جامعه هستند که به نام رئیس‌جمهور تمام می‌شود که در این خصوص آقای روحانی باید هوشیار باشد.»

بقایای باز هم دادگاهی می‌شود



رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران گفت: «جلسه رسیدگی به پرونده «حمید بقایی» ۲۵ مهرماه برگزار می‌شود.»

عباس پوریانی اظهار کرد: «برای پرونده «حمید بقایی» معاون اجرایی رئیس‌جمهور دولت دهم قبلاً کیفرخواست صادر شده بود که جلسه دادگاه آن، ۲۵ مهرماه تعیین شده است.» وی خاطرنشان کرد: «شعبه ۱۰۵۷ در مجتمع قضایی کارکنان دولت به این پرونده رسیدگی خواهد کرد.»

گفتنی است، چندی پیش عباس جعفری دولت‌آبادی از صدور کیفرخواست ۳۰ صفحه‌ای با ۵ عنوان اتهامی برای حمید بقایی خبر داده بود.

به اینستاگرام مثلث بیبوندید

اینستاگرام هفته نامه مثلث فعال شده است. کاربران این شبکه اجتماعی می توانند با پیوستن به اینستاگرام مثلث تصاویر مربوط به هفته نامه را مشاهده کنند.

mosalas_magazine

به ما پیامک بزنید:

۳۰۰۴۱۱۷۱۱

✓ اجرای برنامه های اردوهای جهادی با اعزام نیروهای داوطلب و افتخاری به ویژه از طبقات دانش آموز و دانشجویی برای خدمات رسانی به مناطق محروم کشور، حقیقتا جای تشکر و قدردانی بی پایان دارد.

✓ همان طور که نباید در برابر گناهانی مثل دروغ، غیبت، تهمت و... سکوت کنیم و از همه بدتر لبخند هم بزیم. نباید در برابر گناه بی حیایی هم سکوت کنیم یا لبخند تاییدآمیز بزیم و با نگاهمان طوری به طرف مقابل القا کنیم که هیچ کار بدی انجام نداده.

✓ کار دولت در قبال نقض های پی در پی برجام توسط آمریکا خواندن بیانیه پشت بیانیه شده است. درخواست ما این است که نهادهای فراتر از دولت برای جلوگیری از خسارت بیشتر ورود پیدا کند و با قدرت ملت جلوی پیشروی آمریکا در برجام را بگیرد. به دولت نمی توان امیدوار بود.

✓ برنامه هسته ای یک برنامه ملی است زیرا منافع یک ملت در آن نهفته است بنابراین صحیح نیست که در مورد چنین موضوع ملی تیمی با تفکری خاص و دارای تجربه منفی تصمیم گیری کند، تیم هسته ای کشور باید متشکل از تمام گروه های کارشناسی نظام باشد.

✓ به مسعود بارزانی عرض می کنم از سرنوشت پدر خویش در متابعت از شیطان بزرگ عبرت بگیرد که پس از انقضای تاریخ مصرفش چگونه با او رفتار کردند!

✓ از سردار حاجی زاده، فرمانده شجاع و باتدبیر هوافضای سپاه پاسداران به خاطر اخبار دلگرم کننده ای که از توان نظامی کشور ارائه دادند تشکر می کنیم. سپاه و ارتش همیشه مایه عزت و سربلندی کشور بوده اند و هستند.

✓ آنهایی که به خاطر کشته شدن چند سنگ ولگرد در جلو دوربین خود را ناراحت نشان می دادند چرا در قبال جنایت وحشیانه ارتش خانم سوچی صلح نویلی در میانمار علیه مسلمانان این کشور سکوت کرده اند و خاک مرده روی آنها پاشیده شده است؟!

✓ ترامپ و نتانیاهو هر چقدر بیشتر در مورد ایران حرف می زنند چهره واقعی خود را بیشتر نمایان می کنند. واکنش های مردمی به حرف های ترامپ باید به گوش آمریکا برسد.

✓ سیاست های دولت ترکیه در این چند سالی که منطقه درگیر جنگ و ناامنی بوده و در بسیاری موارد این کشور بیتاثیر در ناامنی ها نبوده و خوب از آب گل آلود ماهی گرفته پس دولتمردان ما زیاد به سیاستمداران این کشور اطمینان نکنند.

ترامپ کدام راهبر در اکلید زد؟

واکنش ها به سخنرانی رئیس جمهور آمریکا

مورد عتاب قرار می دهند! البته آنان در انتقادات خود از ترامپ همچنان تلاش دارند تا میان ترامپ و اوپاما تفاوت قائل بشوند در حالی که همین سخنان ترامپ علیه ایران را اوپاما به زبانی دیگر بارها تکرار کرده و البته که هنوز باید سال ها مصوبه امضا کند تا بتواند به اندازه اوپاما تحریم ظالمانه و وحشیانه به مردم ایران تحمیل کند! آنان که خود را به ندیدن تحریم های اوپاما و دست چپنی وی در دستکش مخملین زدند و حتی برای سلفی انداختن رئیس جمهور آمریکا با برج آزادی تهران روزشمار راه انداختند، امروز از امضای تحریم های به مراتب کوچک تر توسط ترامپ به فریاد آمده و ناله سر می دهند! باز هم باید سجده شکر بابت وجود ذی قیمت رهبر فرزانه انقلاب به جا آورد که همواره همگان را به ماهیت استکباری سیستم آمریکا فارغ از روی کار بودن هر فرد در این کشور رهنمون ساخته است. رضا سراج، تحلیلگر مسائل سیاسی نیز ذیل این پرسش که «ترامپ کدام راهبر در اکلید زد؟» می نویسد: «اظهارات سخیف ترامپ درباره ایران که به شدت نیز مورد توجه نخست وزیر رژیم صهیونیستی قرار گرفت: اجرایی شدن راهبرد دولت ترامپ در قبال ایران است. راهبرد دولت ترامپ، دست بالا گرفتن در قبال ایران برای اعمال سخت گیری و آغاز مذاکره مجدد درباره برجام است. در این ارتباط، تمدید تعلیق ۱۲۰ روزه تحریم ها و بالا نگاه داشتن ریسک سرمایه گذاری در ایران، تصویب و اعمال تحریم های جدید علیه ایران، اعلام عدم پایبندی ایران به برجام از ارکان این راهبرد است. در این شرایط سکوت و بی عملی در مقابل آمریکا، دلخوش بودن به برجام اروپایی و احیاناً مذاکره مجدد، خطاهای استراتژیکی است که از یک سو جدول مورد نظر دولت ترامپ را کامل می کند و از سوی دیگر کشور را با تحریم های جدید، امنیت زدایی و بی ثباتی مواجه می سازد. شرایط مذکور می طلبد که ایران هم در مقابل آمریکا و لفاظی های سخیف ترامپ، دست بالا را بگیرد. راهبرد دست برتر و پیشدستانه ایران در مقابل ایالات متحده باید حفظ برجام در برابر رفع تحریم ها و اجرای تمام تعهدات باشد. اکنون با اظهارات ترامپ و اجرایی شدن راهبرد دولت وی در قبال برجام، توبت آقای روحانی است که با موضع بالا از عزت ملی، منافع ملی و امنیت ملی ایران دفاع نماید. ▶

دونالد ترامپ که برای اولین بار به مجمع عمومی سازمان ملل آمده بود در سخنرانی بلندبالای خود ایران و کره شمالی را مورد هدف قرار داد و از برجام با عنوان توافق وحشتناک یاد کرد. او که قرار بود ۱۵ دقیقه سخنرانی کند، ۴۰ دقیقه حرف زد. حرف هایی که مطابق خواست عربستان و اسرائیل بود. همچنان که پس از آن با وجود انتقادهایی که نتانیاهو در پیامی توئیتری این سخنرانی را در ۳۰ سال گذشته بی سابقه خواند. بعد از انجام این سخنرانی برخی از فعالان سیاسی و مجازی به آن پاسخ دادند و به تحلیل آن پرداختند. عبدالله گنجی، مدیرمسئول روزنامه جوان در این باره نوشت: «حملات و اتهامات ترامپ به جمهوری اسلامی ایران خارج از نزاکت و عرف دیپلماسی بود اما چنین سخنانی از ایشان غیرمنتظره نبود. آنچه باید بدان توجه کرد استفاده ایشان از ادبیات عوامانه ای بود که با آن رای آورد. به تعبیر بهتر پیام ترامپ برای داخل ایران خطاب به نخبگان و تحصیل کردگان و روشنفکران نبود بلکه با ادبیان عوام پسند، کمک به حماس و حزب الله در حالی که خودشان مشکل دارند را برجسته کرد. مشاوره دهندگان به ترامپ بر خلاف مشاوره دهندگان به اوپاما به او مشاوره داده اند. اوپاما ایران هسته ای را علت مشکلات مردم ایران می دانست و ترامپ ایرانی را که به قول او - حامی تروریست است عامل مشکلات داخلی می داند. نگرانی از امنیت صهیونیست ها در دوران پسداداعش نگرانی درونی ترامپ است و سوسه های نتانیاهو در نطق او موثر بوده است. تحریک اجتماعی در ایران راهبرد سخنان بیشرمانه وی بود. قطعا روحانی باید فردا در دهان ترامپ بکوبد و گرنه با انتقادات تند داخلی مواجه خواهد شد. «کمال لطفی، روزنامه نگار و فعال مجازی نیز سخنرانی ترامپ را «دوگانه رئیس جمهور خوب رئیس جمهور بد!» خوانده می نویسد: «سخنان تند ترامپ علیه ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بازتاب گسترده ای را به همراه داشته است اما نکته جالب در این میان انتقادات تند غربگرایان داخلی و آنان که عمری آمریکا را قبله آمل خود قرار داده اند، بوده است! دل جریانی که روزگاری برای اوپاما به عنوان رئیس جمهور آمریکا گنج می رفت امروز آمریکایی ها را به خاطر انتخاب چنین فردی به عنوان رئیس جمهور خود

توئیت اسحاق جهانگیری در واکنش به اظهارات ترامپ سخنان متناقض و غیرمنطقی ترامپ ناشی از آشفتگی در ذهن، استراتژی و سیاست بود



عزت الله ضرغامی با انتشار این تصویر از دیدار با فرزند مهدی کروی خبر داد



یک میلیارد هزینه خرید ماشین و تابلت

اعتراض به خریدهای شورای شهر تازه نفس

خبر اقدام معاونت امور مالی و اجرایی شورای شهر تهران جهت خرید ۲۱ عدد تابلت ۴ میلیون و ۵۷۰ هزار تومانی و ۲۱ دستگاه پژو پارس ۴۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومانی برای اعضای شورای شهر تهران که حدود یک میلیارد تومان هزینه صرف آن شده در فضای مجازی منتشر شد. پس از انتشار اسناد این خریدها جمعی از کاربران فضای مجازی واکنش‌های انتقادی نسبت به این موضوع نشان دادند.

یکی از کاربران نوشت: ۹۶ میلیون تومان دستگاه تابلت ۹۰۰ میلیون تومان دستگاه پژو پارس شورای شهری‌های محترم گفتن این خودروها برای نوسازی هست ولی کسی نگفت ۲۱ عدد تابلت ۴ میلیونی مال چه کاریه یا چرا ۲۱ عدد پژو پارس ۴۰ میلیونی قیمتش میشه ۹۰۰ میلیون تومن. آیا حقوق و امتیازات و پاداش و غیره این افراد کفایت شون رو نمی‌کنه؟

کاربر دیگری اینگونه اعتراض کرد: «میگه: شورای شهر تهران از جیب شهرداری برا خودشون ۲۱ دستگاه پرشیا و ۲۱ عدد تابلت خریدن!!! می‌گم: هنوز مونده یک میلیارد هزینه رفتن تو لیست امید رو دربارن!!!»

مجید هم در واکنش به آن به عدم توازن قیمت تابلت‌ها اشاره کرده و می‌نویسد: «اصلا به پول ماشین کاری نداریم که ۹۰۰ میلیون شده!!! ۲۱ تابلت ۹۶ میلیون تومان. هر عدد تابلت ۴/۵ میلیون. با این تفاسیر به قیمت خریداری شدن تابلت‌ها باز هم خدارو شکر که لپ تاپ نخریدن وگرنه قیمت اون چند می‌شد؟»

اکثر کاربران نیز با ردن هشتگ #بیل مال به این خرید اعتراض کرد. در طرف دیگر با زیاد شدن اعتراض‌ها برخی از اعضای شورای شهر از جمله مجید فراهانی (از اعضای حزب ند) اعلام کرد که تا پایان دوره پنج شورای شهر از خودروی قدیمی استفاده خواهد کرد و خودروی جدید را تحویل نخواهد گرفت. ▶

حمله هماهنگ شده به آستان قدس

چه کسی اعضای شورای شهر را دعوت نکرد؟

نیروهای اصلاح طلب با حمله هماهنگ و سازمان یافته به آستان قدس رضوی، اصولگرایان را در زمینه عدم دعوت زنان شورای شهر مشهد برای افتتاحیه ورزشگاه امام رضا (ع) متهم کردند، این درحالی بود که دولت مجری برگزاری مراسم افتتاحیه این ورزشگاه بود. سطح حمله و پروپاگانداي اصلاح طلبان به حدی بود که به یکی از داغ‌ترین سوزهای شبکه اجتماعی توییتر بدل شد. اصلاح طلبان که خود وعده ورود زنان به ورزشگاه و حضور بانوان در کابینه روحانی را در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ سر داده بودند، در این حوزه ناکام ماندند. از این جهت با زمزمه عدم دعوت زنان شورای شهر مشهد به ورزشگاه امام رضا (ع) بدون توجه به واقعیت جهت انحراف افکار عمومی دست به تخریب حجت الاسلام رئیسی زدند.

اما در ادامه مشخص شد که اساسا دعوت کننده برای این مسابقه وزارت ورزش دولت دوازدهم بوده نه آستان قدس. ▶

بررسی رسانه‌ای هفته

آسیب شبکه‌های اجتماعی



روزنامه خراسان در بخشی از گزارشی که در آن به بررسی محاسن و آسیب‌های محتوای تولید و منتشره در فضای مجازی پرداخته است، نوشت: «شبکه‌های اجتماعی اگر چه پس از سال‌ها توانسته به شهروندان و کسانی که عضو این شبکه‌ها هستند ابزارهای شگفت انگیزی برای ابراز عقیده و دیدگاه خود بدهد، اما در این فرآیند به وفور شاهد مواردی هستیم که به واسطه ذات فضای مجازی عملا به دادگاهی یک طرفه برای محکومیت افراد تبدیل می‌شود. بسیاری از ما در روز شاهد پخش گسترده شایعات و

اخباری که صحت و سقم آن اصلا مشخص نیست درباره افراد و وقایع مختلف هستیم. روزی یک هنرمند مشهور تنها با یک پست و ادعا به تجاوز متهم می‌شود و روزی دیگری عکس یا تصویر یا دستکاری یا صدا گذاری به روایتی الصاق می‌شود که هیچ بهره‌ای از حقیقت ندارد. نمونه اخیر آن ماجرای شنیده شدن صداهای عجیب از آسمان شهر آستارا بود، یا اینکه یک موج یا هشتگ بدون واکاوی دقیق موضوع و با برجسته ساختن بخشی از واقعیت یا حتی با اهداف خاص چنان در فضای مجازی همه گیر می‌شود که به واسطه همان خصوصیتی که پیشتر گفته شد یعنی «خصلت تصدیق جمعیت دیجیتالی» تعداد زیادی از کاربران را با خود همراه می‌کند. «نویسنده در ادامه یادآور می‌شود: «حال سوال این است که باید با این پدیده چه کرد؟ آیا طرد، بستن و فیلتر این شبکه‌ها راه چاره است؟ برخورد جدی با افرادی که این فضا را دامن می‌زنند باید در دستور کار قرار گیرد؟ جرم انگاری جدید راجع به برخی از رفتارهای کاربران فضای مجازی و پدیده‌های مربوط به این فضا باید صورت گیرد؟ پرواضح است که هیچ کدام نمی‌تواند عواقب و آثار زیان بار این بخش از فضای مجازی را بی‌اثر کند. شاید مهم‌ترین چیزی که بتواند راهکاری برای مقابله با این مساله به دست بدهد تغییر در باور و ذهنیت کاربران نسبت به آن چه در فضای مجازی می‌بینند و می‌خوانند نهفته باشد. باید آن چه را از فضای مجازی دریافت می‌کنیم قبل از آنکه به باور خود تبدیل کنیم و نشر دهیم در مقابل، اما و اگر و سوال‌های جدی در ذهن خود قرار دهیم.»

سه برابر کردن هزینه‌های جاری دولت

کاهش تصدی گری دولت و کاستن از هزینه‌های آن که ۴ سال ۳ برابر شده، پیش شرط خدمت رسانی به مردم است. محمد کاظم انبارلویی در سرمقاله روزنامه رسالت نوشت: «روحانی، دولتی را کارآمد می‌داند که در چارچوب اهداف کلان حرکت کند و کمترین هزینه را داشته باشد. آیا امروز تصویری از عملکرد چهار ساله دولت در مورد حرکت در چارچوب اهداف کلان نظام وجود دارد؟» سرمقاله نویسنده روزنامه رسالت ادامه می‌دهد: «اکنون زمان اجرای برنامه ششم است. با آنکه ماه‌هاست این برنامه به تصویب رسیده است، دولت آن را به دستگاه‌ها ابلاغ نکرده و گاهی گوشه و کنار شنیده می‌شود رئیس دولت گفته است برنامه ششم را قبول نداریم و به آن عمل نمی‌کنیم. دومین پیش شرط خدمت رسانی، داشتن یک نظام اداری سالم و عاری از فساد است. چهار سال که دولت پشت سر گذاشت اخباری که از فساد اداری در رسانه‌ها بازتاب داده شد چنین تصویری را نشان نمی‌دهد. سومین پیش شرط اساسی خدمت رسانی، رژیم لاغری و کاهش تصدی گری است. هزینه‌های دولت طی چهار سال گذشته سه برابر شده و این در حالی است که هزینه عمرانی تغییر چندانی نکرده است. حجم نقدینگی سه برابر شده است اما هیچ نشانی از هدایت این نقدینگی به سمت و سوی تولید وجود ندارد. از همه مهم‌تر موضوع اجماع در مورد امر رفاه، توسعه و خدمت رسانی به مردم به بوته فراموشی سپرده شده است. قرار بود تدبیر شود راه حل‌های ملی و نیز عزم ملی برای مشکلات پیدا شود. اما منتقدین دلسوز و دوستان مشفق دولت و رئیس جمهور هر بار مساله‌ای را مطرح می‌کردند یا عباراتی همچون بی سواد، بی دین، حسود، افراطی، بی شناسنامه، متوهم، بزدل، عقب مانده، عصر حجر، هوچی باز، نواخته شده و به جهنم حواله شدند.»



این راه که می‌روی...

مهدی محمدی بعد از سخنرانی ترامپ و روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل به بحث اصلی این سخنرانی‌ها و نسبت آن با برجام پرداخت. او می‌نویسد: «با اینکه دونالد ترامپ موضع خود را درباره ایران و برجام شفاف کرده، موضع آقای روحانی چندان شفاف نیست. ترامپ به طور کاملاً واضح تعبیری بی‌شرمانه علیه ایران به کار برده و وزیر خارجه او گفته اگر برجام اصلاح نشود آمریکا از آن خارج خواهد شد. آمریکایی‌ها وقتی از اصلاح برجام سخن می‌گویند طبعاً نظر به بدر کردن آن دارند و گزینه‌های این موضوع هم از همین حالا علنی شده و روشن است اما متقابلاً، آنچه آقای روحانی گفته این است که اگر آمریکا از برجام خارج شود «ایران گزینه‌های خودش را خواهد داشت». نه آقای روحانی و نه تیم او هرگز علناً نگفته‌اند این گزینه‌ها دقیقاً چیست. آنچه اکنون اهمیت حیاتی دارد این است که این گزینه‌ها کاملاً شفاف شود و برای مردم توضیح داده شود چه چیز به نفع ایران است. «به اعتقاد سرمقاله نویسنده وطن امروز، آمریکا بر اثر برخی آدرس‌های گمراه کننده که باز هم از داخل ایران ارسال شده اینگونه محاسبه می‌کند: «در صورت فشار بیشتر قادر خواهد بود امتیازهای بیشتری در حوزه‌های غیر هسته‌ای از ایران بگیرد. همان زمان که آقای رئیس جمهور از برجام‌های بعدی حرف زد، گفتیم که اعلام آمادگی برای برجام‌های بیشتر به معنی مواجه شدن با تحریم‌های بیشتر است اما تسویه حساب‌های مرتبط با سیاست داخلی نگذاشت دولت آقای روحانی تبعات آنچه را که می‌گوید به دقت محاسبه کند. اکنون تنها راه پیش رو این است که این محاسبات به هم بخورد. ایران اکنون به اندازه کافی قدرتمند هست که بتواند در این نبرد محاسباتی برنده شود. هیچ کس، نه در آمریکا و نه در اروپا - و من حتی به جرات می‌گویم نه در اسرائیل - نمی‌خواهد برنامه هسته‌ای ایران به مرحله ماقبل توافق بازگردد. الگوی رفتار آمریکا تنها زمانی تغییر خواهد کرد که دورنمای قطعی تغییر الگوی رفتار ایران را ببیند. اگر می‌خواهید برجام پاره نشود، دورنمای آتش زدن آن را به آمریکائیان دهید.»



سخنرانی ترامپ در سازمان ملل، غیردیپلماتیک و غیرمتعارف بود و چنین سخنرانی بین روسای جمهور کشورها معمول نیست. حتی می توان این سخنرانی و تهدیدات علنی را نوعی اعلان جنگ توصیف کرد. پیش از این چنین بیانات توهین آمیز و برخوردی را تنها از سوی بنیامین نتانیاهاو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی دیده و شنیده بودیم.

مرد دیوانه

ایران باید از فرصت دوری اروپا از آمریکا استفاده کند



عدم پایبندی ایران به توافق هسته ای را اعلام کند اما این اجماع حاصل نشد و کماکان اجماع کشورها در حمایت از برجام پشت سر ایران است و کشور باید قدر این شرایط را بداند و برای حفظ آن به تعهدات خود کماکان به عنوان عضو قابل اعتماد جامعه بین المللی ادامه دهد. ایران نباید در صحنه بین المللی رو در روی آمریکا قرار بگیرد و پاسخی به تحریمات ترامپ بدهد بلکه باید با پایبند ماندن به برجام اروپا، روسیه و چین و کشورهای دیگر را در قبال آمریکا مدعی نگه دارد. ما باید اجماعی که پشت سرمان ایجاد شده است را تقویت کنیم. باید سعی کنیم در صحنه سیاسی و دیپلماتیک یارگیری کنیم و یک گروه از کشورهای اروپایی و روسیه و چین را در کنار خود داشته باشیم. جهان از نوع سخنرانی ترامپ نگران است، بنابراین به سیاست های او پاسخ مثبت نخواهد داد.

راهکار ترامپ نقد ایران در عرصه موشکی و پیش بردن یک دیپلماسی فشرده با اروپایی هاست تا آنان را با خود همراه کند. همین جاست که جمهوری اسلامی ایران باید کاملاً هوشیار عمل کند تا اجماع حاضر و حمایت قوی اروپا را از دست ندهد. با چنین هوشیاری ای توافق هسته ای در پیچ و خم سیاست بازی ها پیش می رود تا موانع را یکی پس از دیگری از جلوی پا بردارد.

از سوی دیگر کره شمالی، ایران، کوبا، سوریه و ونزوئلا کشورهایی بودند که از سوی ترامپ تهدید شدند اما چنین اظهاراتی در شرح وظایف رئیس جمهور یک کشور نیست و این ادعاها زمانی می تواند موضوعیت داشته باشد که کشوری به طور رسمی بتواند وارد جنگ شود. به طور کلی می توان گفت که ترامپ این اظهارات را انجام داد و بار دیگر بی کفایتی و نداشتن کیاست خود را بیش از پیش نمایان کرد.

در نهایت بسیاری از رهبران جهان روی ترامپ حساب زیادی باز نمی کنند و در داخل و خارج آمریکا بسیاری معتقدند که او نقش مرد دیوانه را بازی می کند و به عبارتی به عنوان کسی که قابل پیش بینی نیست یا غیرمنتظره است، باید مراقب دشمنی ها و تخریب های او باشیم. ▶

اشاره شد، حتی در مورد گروه ۵+۱ حداقل آلمان، فرانسه، روسیه و چین با ترامپ هیچ گونه قرابت و نزدیکی ندارند، بنابراین نگاه او را نباید سیاست خارجی گروه ۵+۱ در نظر گرفت. دشمنی ترامپ با برجام و تلاش ها برای لغو آن از نخستین روزی که به کاخ سفید پا گذاشت، کلید خورد؛ دونالد ترامپ می گرد و رجز می خواند تا یکی از شعارهای پرسروصدایی که در دوران انتخاباتی داده، به منصه ظهور برسد و مردم جهان او را باور کنند. یکی از این شعارهای پرطمطراق، شعار پاره کردن توافق هسته ای با ایران است که با وجود گذشت ۹ ماه از دوران ریاست جمهوری اش نتوانسته کوچک ترین خدشه ای بر آن وارد سازد. زیرا اولاً توافق هسته ای یک توافق چند جانبه و بین المللی است. ثانیاً این توافق در این مرحله فقط یک پایه مستحکم دارد که اگر سست شود، توافق هسته ای فرو می ریزد و آن پایه جمهوری اسلامی ایران است که تا زمانی که به تعهداتش در برجام عمل کند، توافق هسته ای فرو نمی ریزد؛ حتی اگر آمریکا قصد آن را داشته باشد. ثالثاً این توافق با یک قطعه نامه شورای امنیت (۲۲۳۱) مورد حمایت قرار گرفته است؛ مگر پنج عضو دائم شورای امنیت مشترکاً نخواهند آن را نقض کنند که اکنون چنین نیست و چهار عضو دیگر مخالف آمریکا هستند.

برخی از کشورهای اروپایی که متحد آمریکا بودند نیز این سخنرانی را یک اعلان جنگ دانستند و گفتند که رئیس جمهور یک کشور حق ندارد به سازمان ملل آمده و برای نابودی یک کشور دیگر مانند کره شمالی حکم صادر کند. اگر قرار است کاری انجام شود باید موضوع در شورای امنیت سازمان ملل بررسی شده و تصمیم جهانی گرفته شود، از این رو این سخنرانی جایگاهی در عرف دیپلماتیک و عرف سازمان ملل نداشت و به همین دلیل هم صرفاً نشان دهنده خصوصیات شخصی آقای ترامپ بود و حاکی از بدگویی کشورهایی مثل عربستان و رژیم صهیونیستی بود.

در خصوص مساله ایران در سخنرانی رئیس جمهور آمریکا باید مدنظر داشت که ترامپ تلاش کرد علیه ایران اجماعی را پشت سر خود ایجاد کند تا بتواند دو ماه دیگر

◀ علی خرم

نماینده پیشین ایران در سازمان ملل



نطق سه شنبه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در سازمان ملل متحد نه به مذاق کشورهایی که در نطق ترامپ مورد خطاب قرار گرفتند، خوش آمد و نه حتی به مذاق متحدان اروپایی آمریکا. البته بعد از روی کار آمدن ترامپ در آمریکا، فاصله میان واشنگتن و پایتخت های اروپایی روز به روز بیشتر شد و اختلاف بر سر مسائلی چون پیمان پاریس، ناتو و همچنین برجام، این دو متحد قدیمی را از یکدیگر تاحدودی دور کرد.

باید توجه داشت که سخنرانی ترامپ در سازمان ملل، غیردیپلماتیک و غیرمتعارف بود و چنین سخنرانی بین روسای جمهور کشورها معمول نیست. حتی می توان این سخنرانی و تهدیدات علنی را نوعی اعلان جنگ توصیف کرد. پیش از این چنین بیانات توهین آمیز و برخوردی را تنها از سوی بنیامین نتانیاهاو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی دیده و شنیده بودیم. در حال حاضر به نظر می رسد نتانیاهاو، عربستان و تندروهای اطراف ترامپ و نیز جمهوریخواهان روی این سخنرانی به توافق رسیده بودند و آن را می توان نتیجه کار مشترک آنها دانست.

همچنین همان طور که اشاره شد در عرصه بین الملل این سخنرانی مورد پسند نبوده و به همین دلیل مخالفت بسیاری از کشورها را به دنبال داشت. اما نول ماکرون، رئیس جمهور فرانسه که بعد از ترامپ سخنرانی کرد، انتقادهایی را متوجه وی کرد. ماکرون بر خلاف ترامپ توافق هسته ای را راهی برای ادامه صلح و دوری از تنش دانست. به دنبال اظهارات اخیر ترامپ، سوئد و اتریش هم به نوعی نارضایتی خود از این سخنرانی را مطرح کردند. بنابراین سیاست های ترامپ رانمی توان یک سیاست کاملاً مدون جهانی در خصوص برجام دانست زیرا همان طور که

تایید می‌کند ما نسبت به تعهداتمان وفادار هستیم، این مساله نشان می‌دهد که دولت و ملت ایران مسئولیت‌پذیر و عهدپذیر است. ما باید ادامه‌دهنده همین راه باشیم و در مسیر انفعال حرکت نکنیم.

اکنون ترامپ مشکلات فراوانی در داخل و خارج دارد ما باید اجازه دهیم که او با آن مشکلات دست‌وپنجه نرم کند.

از سوی دیگر باید توجه داشت که وزنه ترامپ در دنیا در حدی نیست که بخواهد به این حرف‌ها جامه عمل بپوشاند؛ او در خود آمریکا تنهاست چه برسد در صحنه بین‌المللی. بنابراین نگرانی در خصوص صحبت‌های ترامپ وجود ندارد.

هدف او این است که با چنین صحبت‌های تند اعراب را به خود نزدیک کنید. در حال حاضر ترامپ با اروپا فاصله دارد. همچنان که شاهد بودیم امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در واکنش به موضع‌گیری‌های ترامپ در قبال برجام گفته است ما به جز برجام راه دیگری نداریم. در عین حال بیشتر کشورهای اروپایی از برجام و حفظ آن حمایت کرده‌اند و نمی‌خواهند در مساله برجام دنباله‌رو ترامپ باشند.

رئیس‌جمهور متوهم

سخنرانی ترامپ بسیار سخیف بود

در به شکست کشاندن این گروه داشته ایران بوده است. باید توجه داشت که اگر سخنان ترامپ مورد قبول تمام آمریکا باشد، برای ایران بسیار جای بحث دارد؛ زیرا این کشور هر جا که در منطقه در گل مانده است دولت ایران به آن کمک کرده اما هر زمان مشکلی نداشته شروع به لگدپرانی کرده است.

همچنان که در یکی، دو دهه اخیر در افغانستان، بوسنی، عراق و مبارزه با داعش که مورد چهارم است، آمریکا هم از کمک‌های ایران برای حل معضلات جهانی استفاده کرده و هم در نهایت شاهد قدرناشناسی این کشور بوده‌ایم. جالب اینجاست که چنین فردی با این شخصیت، گفتار و کلام، باز از ایران درخواست کمک کرده که مشکل زندانیان آمریکایی در ایران حل شود. این فرد نمونه بارز تناقض است؛ از یک طرف



سخنرانی اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل به خصوص در رابطه با ایران بسیار سخیف بود. در رابطه با این سخنرانی ترامپ می‌توان به ضرب‌المثل «از کوزه همان تروارد که در اوست» اشاره کرد. البته با توجه به پیشینه و سابقه‌ای که از رئیس‌جمهور آمریکا تاکنون شاهد بودیم، کسی از ترامپ انتظار صحبت دیپلماتیک نداشت. اما هیچ‌کس این انتظار را هم نداشت کسی که خود را در جایگاه ابرقدرت می‌بیند و می‌خواهد نظم، امنیت و صلح جهانی را با گفته‌هایش تامین کند، چنین بیاناتی داشته باشد.

بنابراین سخنان او بسیار سطح پایین بود و تحلیل می‌شد که ترامپ در سخنانش به ایران، سوریه و کره شمالی حمله کند اما حتی بدین‌ترین افراد نیز فکر نمی‌کردند که او در سخنانش لحن تحقیرآمیز در قبال کشورهای مهم جهان به کار گیرد.

نام‌بردن از ایران به عنوان یک حکومت کوچک مصداق توهین و تحقیر به کشور است و به دستگاه دیپلماسی ایران این فرصت را می‌دهد که در سازمان ملل نسبت به این سخنان انتقاد و طی یادداشت رسمی این سخنان را مصداق تحقیر و تهدید تلقی و ثبت کند.

نکته دیگر دلسوزی ترامپ نسبت به مردم ایران است، باید توجه داشت که مردم ایران، مردمی رشید و عاقل هستند. در عین حال ترامپ در شأن و مقامی نیست که بتواند برای مردم ایران تعیین تکلیف کند.

همچنین در این سخنرانی، ترامپ، برجام را برای خودش مایه شرم خوانده است. اگر بخواهیم برجام را از زاویه‌ای که او نگاه می‌کند و فکر می‌کند به ایران امتیازات زیادی داده‌اند، نگاه کنیم، ما به مراتب می‌توانیم برجام را برای خودمان شرم‌آورتر بدانیم. اما ما از آن زاویه به برجام نگاه نمی‌کنیم بلکه از زاویه تعامل بین‌المللی نگاه می‌کنیم و آن راهی قلمداد می‌کنیم که می‌تواند ملت‌ها را در یک نظم، همسویی و هماهنگی قرار دهد. به گونه‌ای که کشورهای امضاکننده برجام، هم بتوانند از مواهب طبیعی و خدادادی استفاده کنند و هم از پیشرفت علم و فناوری دیگر کشورها در یک چارچوب پذیرفته‌شده بین‌المللی تا در این صورت بتوانند به نیازهای مردمشان پاسخگو باشند. بنابراین ادعاهایی که ترامپ مطرح کرده کاملاً نگاهی توهمی است که از ابتدای ورود به کاخ سفید دنبال کرده است.

مثلاً رئیس‌جمهور آمریکا در زمینه تروریسم یا مبارزه با تروریسم در منطقه، به خودش و متحدانش بسنده کرده و از ایران نامی نبرده است که این یک خلاف مبین است. زیرا همه مردم دنیا می‌دانند یکی از محورهای مهم مبارزه با داعش که نقش مهمی



همکاری را نقض و از طرف دیگر درخواست کمک و همکاری می‌کند.

البته نباید خیلی صحبت‌های ترامپ را مورد واکاوی قرار داد زیرا به نظر می‌رسد که این صحبت‌ها بیشتر شعاری است و نباید آنها را مبنای سیاستگذاری‌هایمان قرار دهیم. البته باید در مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل مراتب اعتراض خود را نسبت به سخنان توهین‌آمیز و مداخله‌گرانه ترامپ اعلام کنیم ولی نباید سیاستگذاری، روش و برخوردمان در قبال آمریکا را به دلیل صحبت‌های ترامپ پایه‌گذاری کنیم.

ایران در خصوص برجام رویکرد درستی را اتخاذ کرد و خوشبختانه وقتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

بنابراین ترامپ این صحبت‌ها را از این جهت مطرح کرده که از یک سو به نوعی به رای‌دهندگان پاسخ دهد و از سوی دیگر به اعراب نیز نظری دارد و به ذخایر اندوخته کشورهای عربی چشم دوخته است. ترامپ دنبال این اقدام نیست که برجام را به هم بزند یا کار خاصی کند بلکه بیشتر در پی آن است که بتواند به رای‌دهندگان نزدیک شود و اعراب را به سمت خود جذب کند.

هدف شوم و اصلی ترامپ در ارتباط با ایران امتیازگیری است و نه لغو برجام. ترامپ به دنبال اخذ امتیاز از ایران در صحنه خاورمیانه و فن‌آوری موشکی از ایران است و بعید می‌دانم توفیقی در این راه داشته باشد. ان‌شاءالله! ▶

بوروکرات غیر مستقل

آمانو در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ماند



دسترسی نداشته باشد. این اصل عمومی، مورد پذیرش همه کشورهای دنیا قرار گرفته است. در حال حاضر نیز این قاعده به قوت خود باقی است. بر این اساس، نه تنها آژانس، بلکه هیچ نهاد و سازمان دیگری حق دسترسی به اماکن نظامی کشورمان را ندارد.

در هر حال، یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌ها و چالش‌های آمانو طی چهار سال پیش رو، مساله برجام است. فشارهای دولت ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از اعضای شورای حاکم به آمانو در این خصوص افزایش یافته است. آمانو نیز در عمل نشان داده است که در مقابل فشار اعضای شورای حکام به راحتی تسلیم می‌شود.

موضوع دیگری که باید در این خصوص مدنظر قرار داد، به مصالحه آمانو با سران رژیم صهیونیستی بر سر برنامه هسته‌ای تل آویو بازمی‌گردد. همگان مستحضر هستند که رژیم صهیونیستی دارای انواع سلاح‌های هسته‌ای ممنوعه بوده و به دور از هر گونه نظارتی (حتی نظارت‌های حداقلی) در حال پیشبرد این برنامه است.

به راستی چرا مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موضوع فعالیت‌های هسته‌ای رژیم صهیونیستی را به صورتی جدی به چالش نمی‌کشد؟ حتی در دیدارهایی که میان آمانو و نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی صورت گرفت است، شاهد مواضع نرم مدیرکل آژانس در این خصوص بوده‌ایم. آیا آمانو می‌خواهد همچنان به این روش خود ادامه دهد؟ آیا او قصد دارد مانند هشت سال گذشته، امنیت جامعه جهانی را قربانی معاملات سیاسی خود با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی سازد؟ بدون شک، این موضوع از سوی هیچ یک از بازیگران مستقل نظام بین‌الملل از جمله جمهوری اسلامی ایران قابل پذیرش نیست.

در نهایت اینکه اباقی آمانو در مسند مدیرکلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بار دیگر با لابی ایالات متحده آمریکا و اعضای اروپایی شورای حکام صورت گرفته است. بدیهی است که مدیرکل ژاپنی آژانس کارنامه خوبی در دفاع از حقوق حقه اعضای آژانس ندارد. موضوعی که طی ۴ سال آتی نیز به عناوین مختلف شاهد آن خواهیم بود. ▶

بازی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در زمین ایالات متحده آمریکا است. این رویکرد آمانو، برای بسیاری از افرادی که رویکرد وی در راس آژانس را طی سال‌های اخیر رصد کرده‌اند دارای پیام مشخصی است! واقعیت امر این است که رویکرد آمانو در آژانس بیش از آنکه متغیری وابسته به اصول حقوقی و وظیفه ذاتی آژانس در دفاع از حقوق اعضای خود باشد، تابعی از فشارها و بازی‌های سیاسی بوده است.

در هر حال، آمانو و همراهانش آزمون سختی را پیش رو دارند. اگر آمانو تسلیم فشارهای ایالات متحده آمریکا و دولت ترامپ شود، خود به یکی از عوامل اصلی بر هم زدن توافق هسته‌ای تبدیل خواهد شد. در این صورت، آمانو باید پاسخگوی عملکرد غیر بیطرفانه خود در قبال یکی از مهم‌ترین توافقات بین‌المللی باشد. آنچه مسلم است اینکه عملکرد آمانو و دیگر مقامات آژانس زیر ذره‌بین افکار عمومی در ایران و دنیا قرار دارد. آمانو باید به خوبی بداند که دوران بازی در زمین ایالات متحده آمریکا گذشته است، خصوصاً زمانی که فردی مانند دونالد ترامپ در راس معادلات سیاسی و اجرایی این کشور قرار داشته باشد. در هر حال، تجربه هشت سال اخیر نشان داده است که آمانو نمی‌تواند فرد مطمئنی در راس معادلات اجرایی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد.

لازم به ذکر است که در جریان برگزاری مذاکرات هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱، موضوع بازرسی از اماکن نظامی ایران به یکی از موضوعات چالشی در گفت‌وگوها تبدیل شد. حتی جدال بر سر این مساله میان طرفین مذاکرات، منجر به طولانی شدن روند رسیدن به توافق هسته‌ای و امضای برجام شد. با این حال، رهبر معظم انقلاب اسلامی در آن زمان تأکید کردند که بازرسی از اماکن نظامی کشورمان خط قرمز جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

سوءسابقه قبلی مقامات و بازسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این خصوص بی‌تأثیر نبود. از سوی دیگر، اصول حفاظتی و امنیتی ایجاب می‌کرد که کشور با نهادهای خارجی به اطلاعات و اماکن نظامی در کشورمان

اباقی آمانو در مسند مدیرکلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آن هم برای سومین دور متوالی، مولد دغدغه‌ها و سوالات زیادی در خصوص عملکرد وی طی هشت سال اخیر بوده است. یوکیو آمانو برای سومین دور متوالی، به عنوان مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انتخاب شده است. بر این اساس آمانو تا سال ۲۰۲۱ در این سمت باقی خواهد ماند. وی که اکنون ۷۱ سال سن دارد، برای اولین بار در سال ۲۰۰۹ به عنوان مدیرکل آژانس جانشین «محمد البرادعی» شد.

او پیش از این سمت، نماینده ژاپن در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود. آمانو در اظهارات خود برای ادای سوگند گفت که از هیچ دولت یا مقام بیرون از آژانس، دستور نخواهد گرفت! البته اگر چنین ادعایی واقعیت داشت، می‌توانست مایه خرسندی اعضای آژانس و کشورهای مستقل در دنیا باشد. اما این ادعای آمانو در حالی مطرح شده است که کارنامه وی در طول مدت حضور هشت ساله‌اش در مسند مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چیز دیگری را نشان می‌دهد.

تأثیرپذیری آمانو از لابی‌های پشت پرده و آشکار ایالات متحده آمریکا در جریان مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران، موضوعی نیست که بتوان آن را کتمان کرد. در تازه‌ترین این موارد، آمانو پس از سفر نیکی هیلی به وین و دیداری که میان این دو صورت گرفت، در یک موضع‌گیری جنجالی تأکید کرد که مطابق پروتکل الحاقی، می‌توان به هر پایگاهی در ایران، اعم از نظامی یا غیر نظامی دسترسی داشت این موضع‌گیری آمانو با واکنش مقامات کشورمان مواجه شد. دکتر علی اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل تأکید کرد که بازرسی از اماکن نظامی ایران، اختراع آمانو محسوب می‌شود و آژانس عملاً چنین اجازه‌ای را ندارد.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال زیاده‌خواهی‌های نیکی هیلی و دیگر مقامات آمریکایی در خصوص برجام تا کنون اقدامی صورت نداده است. اظهارات اخیر آمانو در خصوص مجاز بودن دسترسی به اماکن نظامی در ایران، نماد و مصداق آشکار از ادامه

شکست دولت ترامپ در حوزه سیاست خارجی آمریکا تبدیل خواهد شد. اوزمانی قصد دارد در وزارت امور خارجه آمریکا حضور یابد که این کشور با بحران‌های مختلفی در نظام بین‌الملل دست و پنجه نرم می‌کند. نباید فراموش کرد که علاوه بر اکثر شهروندان آمریکایی، بسیاری از دولت‌های اروپایی نیز برای خروج ترامپ از کاخ سفید لحظه‌شماری می‌کنند. در این معادله، تکلیف وزیر امور خارجه دولت ترامپ نیز مشخص است

از سوی دیگر تیلرسون پس از استعفا از سمت خود، در خصوص دوران سختی که در وزارت امور خارجه آمریکا داشته است، سخنان زیادی خواهد گفت این مواضع و سخنان نیز می‌تواند بر فعالیت نیکی هیلی در مسند وزارت امور خارجه آمریکا سایه بیفکند. لازم به ذکر است که رکس تیلرسون با اقدامات غیر منطقی ترامپ در قبال توافق هسته‌ای مخالف است. این مخالفت، نه به دلیل دفاع تیلرسون از برجام، بلکه به علت ناتوانی وزارت امور خارجه آمریکا در مواجهه با تبعات بعدی اقدامات ضد برجامی ترامپ صورت می‌گیرد. با این حال، نیکی هیلی به ترامپ وعده داده است که همگام با آنچه او می‌خواهد، نهایت تلاش خود را در راستای برهم زدن توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ صورت دهد.

نکته پایانی اینکه بلندپروازی‌های نیکی هیلی، صرفاً معطوف به حضور وی در مسند وزارت امور خارجه آمریکا نیست. به عنوان مثال یک دیپلمات ارشد اروپایی که خواستار عدم انتشار نامش شده، به رویترز اعلام کرده است: «نیکی هیلی برای آمریکا، قابل توجه و خارق‌العاده است. او کسی است که خیلی قابل دسترس است و از منظر سیاسی هم بسیار پر ادعا است. این احتمال را می‌بینم که او جای تیلرسون (در وزارت خارجه) را بگیرد. مشخص است که هدف بلندمدت او (نیکی هیلی) ریاست جمهوری است.»

از این رو می‌توان نیکی هیلی را با افرادی مانند هیلاری کلینتون و سارا پیلین مقایسه کرد. این دو سیاستمدار زن آمریکایی نیز نهایت تلاش خود را برای حضور در مسند ریاست جمهوری در ایالات متحده به کار بردند اما در این مسیر ناکام ماندند. با این حال، برخی نیز معتقدند که حضور نیکی هیلی در سایه دولت ترامپ و در مسند وزارت امور خارجه، آن هم در شرایطی که ترامپ نزد شهروندان آمریکایی روز به روز منفور تر می‌شود، نشان‌دهنده یک آینده سیاسی ناموفق برای نیکی هیلی و دیگر مقامات دولت وی خواهد بود. ▶

هیلی در یک قدمی وزارت خارجه

آیا تیلرسون استعفا می‌دهد؟

مواضعی را اتخاذ کرده است. در هر حال، هم اکنون بسیاری از سیاستمداران و رسانه‌های آمریکایی، حقیقتی به نام حضور پررنگ نیکی هیلی در حوزه سیاست خارجی آمریکا را پذیرفته‌اند.

هیلی یکی از بلندپروازترین افرادی است که در دولت ترامپ مشغول فعالیت است و برای پیروزی بر تیلرسون رقابت می‌کند که موجب کاهش نفوذ و بودجه وزارت امور خارجه آمریکا شده است. پیش‌بینی می‌شود نیکی هیلی تقریباً در همه دیدارهای دوجانبه با ترامپ و تیلرسون حضور داشته باشد و نقش وی به عنوان نماینده آمریکا در سازمان ملل، ارتقا یابد. هیلی همچنین در مرور کردن سخنانی که پیش‌بینی می‌شود ترامپ در نشست مجمع عمومی سازمان ملل ایراد کند، نقش دارد.

حتی برخی منابع آمریکایی معتقدند که استعفا تیلرسون از سمت وزارت امور خارجه آمریکا، زودتر از موعد مقرر صورت خواهد گرفت و احتمالاً تا حدود دو ماه بعد، نیکی هیلی به عنوان وزیر امور خارجه دولت ترامپ معرفی خواهد شد. نیکی هیلی در این خصوص از حمایت سنا آمریکا نیز برخوردار است.

اکثر سناتورهای حزب دموکرات و جمهوریخواه نیز در این خصوص با نیکی هیلی همراه هستند حتی به نظر می‌رسد بسیاری از جمهوریخواهان سنتی به دلیل نزدیکی مواضع تیلرسون و ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، از خروج وی از مسند وزارت امور خارجه استقبال کنند. زمانی که رکس تیلرسون به عنوان وزیر امور خارجه پیشنهادی دولت ترامپ به سنا آمریکا معرفی شد، برخی از سناتورهای دو حزب دموکرات و جمهوریخواه، وی را نسبت به وابستگی بیش از حد به ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و دولت این کشور متهم کردند. با این حال تیلرسون در نهایت توانست رای اعتماد سنا را برای حضور در راس معادلات سیاست خارجی آمریکا کسب کند.

با این حال سوال اصلی اینجاست که آیا نیکی هیلی می‌تواند نمایش موفقیت‌آمیزی در حوزه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا داشته باشد؟ پاسخ این سوال منفی است! بدون شک نیکی هیلی در آینده‌ای نزدیک به پیام‌آور

حنیف غفاری

روزنامه نگار



نیکی هیلی، نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد، برای استعفای رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه فعلی این کشور و خروج وی از ساختمان وزارت خارجه لحظه‌شماری می‌کند. بسیاری از تحلیلگران و منابع خبری معتقدند که تیلرسون به زودی از سمت خود کنار می‌رود و نیکی هیلی به عنوان جایگزین وی در راس معادلات سیاست خارجی ایالات متحده قرار خواهد گرفت. البته این جابه‌جایی مدت‌هاست در حوزه سیاست خارجی آمریکا صورت گرفته است! هم‌اکنون نیکی هیلی عملاً به سنگبگوی ترامپ در حوزه سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده و در مقابل، تیلرسون به حاشیه رانده شده است.

منابع آمریکایی قبلاً اعلام کرده بودند که قرار است رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه فعلی دولت ترامپ تا پایان سال ۲۰۱۷ میلادی (تا پایان آذرماه امسال) از سمت خود استعفا دهد. اختلافات تیلرسون و ترامپ بر سر مسائل مختلف از جمله برجام، از اصلی‌ترین دلایل استعفا اجباری وی خواهد بود. در این خصوص پایگاه اینترنتی پلیتیکو گزارش داده است اگر قرار باشد رکس تیلرسون، از دولت این کشور خارج شود، نیکی هیلی، نماینده آمریکا در سازمان ملل، به‌طور مشخص، مهم‌ترین نامزد برای جایگزینی تیلرسون تلقی می‌شود. اختلاف نظر میان مقامات دولت ترامپ و روشنفکران سیاست خارجی واشنگتن در این باره نیست که آیا هیلی جایگزین تیلرسون می‌شود یا نه، بلکه مساله این است که چه زمانی این اتفاق روی می‌دهد.

ترامپ طی دو ماه اخیر سعی کرده است نقش نیکی هیلی را در حوزه سیاست خارجی آمریکا پررنگ سازد. سفر نیکی هیلی به وین و دیدار وی با یوکیو آمانو مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در همین راستا صورت گرفت. از آن گذشته، نیکی هیلی در قبال کره شمالی نیز نه تنها در مسند نماینده آمریکا در سازمان ملل، بلکه به عنوان نزدیک‌ترین فرد به ترامپ در حوزه سیاست خارجی آمریکا



گفت و گوی داغ

یک گفت و گوی کاملاً متفاوت با دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگ؛ درباره موضوعات بسیار مهم حوزه فرهنگ. دکتر محمد رضا مخبر دزفولی در گفت و گوی تفصیلی با هفته نامه مثلث پاسخگوی سوالات صریح و مهمی بوده است. او به روشنی درباره معضلات و چالش های فعلی حوزه فرهنگ سخن گفته و البته به عنوان دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی نگاه خوبی هم به جامعه و هم به دانشجویان و محیط دانشگاهی دارد. شما را دعوت می کنیم به خواندن این گفت و گوی دو ساعته.

سیاست



گفت و گو با دکتر مخبر دزفولی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره

۲۰۳۰، حجاب، صداوسیما و دانشگاه

تی وی یا شبکه من و تو یا فارسی وان که قدیمی تر است، صحبت کردید. ببینید! این یک جنگ رسانه‌ای است. بله، آنها دنبال این هستند که سبک زندگی مردم را تغییر دهند. باورهای مردم را دچار چالش کنند. شبهه‌های گوناگونی را در ذهن جامعه‌ای که هدف تهاجمشان قرار دارد، شکل دهند. عینا همان کار را ما باید برای انتقال مفاهیم به مردم‌مان و دفاع از مردم‌مان انجام دهیم. یعنی چه؟ یعنی اینکه ما هم باید برای شادی مردم برنامه‌ریزی کنیم و هم برای تفریح مردم و هم برای مردم فیلم‌های طراز انقلاب و ارزش‌های اصیل انسانی و فطری بسازیم. شما ببینید سینمای ما مقدر فیلم برای نشان دادن امید به جامعه و آینده بسیار خوب برای جامعه ایرانی ساخته است؟ شما چند فیلم امیدبخش می‌توانید به من معرفی کنید؟ اما من چندین فیلم از هالیوود به شما معرفی می‌کنم که همه آنها دورنماهای پیشرفته حتی صد سال آینده را از جامعه خود نمایش می‌دهند. کدام فیلم غربی‌ها آن قدر در موضوع یک جامعه خود غربی کنکاش می‌کند که آن جامعه را سیاه، عقب‌مانده، فاسد و فاسد نشان دهد؟ کدام یک این کار را می‌کنند؟ ببینید! آن طرف بنیان‌های فرهنگی ما را می‌زند و ما هم در داخل دچار یک پراکندگی فرهنگی هستیم. حالا می‌گویم شورای انقلاب فرهنگی برای اینکه این پراکندگی‌ها را دنبال کند که تبدیل به یک قدرت جمعی شود، چه کار کرده است؟ ما دچار یک پراکندگی و تشتت فرهنگی شده‌ایم. اتفاقا فرهنگ جزو مقوله‌هایی است که اظهار نظر در خصوص آن زیاد است و چون امر تحکمی نیست، تکرر در آن زیاد خودش را نشان می‌دهد و از مقولات دیگر مثل علم سخت‌تر است. با همدیگر بنشینیم بحث کنیم و بگوییم که مثلا در مقوله علم چگونه باید کار را جلو ببریم؟ تازه، گرفتاری و مشکلاتمان در مقوله علم را هم برایتان خواهیم گفت. ببینید! ما برای اینکه بگوییم در مقابله با این هجمه و تهاجم دشمن که خانواده را هدف گرفته، زن را هدف گرفته، جوان را هدف گرفته، بنیادهای فکری و اخلاقی جامعه را هدف گرفته، چه باید بکنیم؟ شما باید برنامه داشته باشید. برنامه شما چیست؟ مقرر شد نقشه جامع فرهنگی و نقشه مهندسی فرهنگی تهیه و اجرا شود فرض کنید که شما جای بنده و همکاران من هستید و به شما بگویند مهندسی فرهنگی چیست؟ چه کار باید کرد برای اینکه جامعه‌اولا غنای فرهنگی پیدا کند و ثانيا در مقابل این تهاجمات مصونیت پیدا کند؟ یا در علم شما می‌خواستید در مقام رقابت جهانی قرار بگیرید. باید برنامه داشته باشید و نمی‌توانید بی‌برنامه جلو بروید. یا در آموزش و پرورش که یکی یکی به آن می‌رسیم. رهبر معظم انقلاب قبل از اینکه بنده دیر شورای انقلاب فرهنگی شوم فرمودند که امروز باید سند مهندسی فرهنگی روی میز من باشد. من تقریبا اواخر ۸۴ کارم را شروع کردم، در دیدار سال ۸۴ من عضو شورا بودم و به عنوان عضو حقیقی شورا و نه دبیر حضور داشتم. فرمودند من در پیشگاه خدا احتجاج می‌کنم که شما را گذاشتم که این کار را باید انجام دهید. بعد تغییر و تحولات که شد، بنده دبیر شورای انقلاب فرهنگی شدم. خدمت ایشان که رسیدم، فرمودند که اولویت اول و اصلی تان این باشد که نقشه علم کشور، نقشه مهندسی فرهنگی کشور و سند تحول در آموزش و پرورش را آماده کنید. در حکم مکتوب در سال ۸۶ هم ایشان تاکید بر این سه عنصر داشتند که زودتر اجرا شود. اما ما باید چه کار می‌کردیم؟ از آنجا که ما نهاد اجرایی نیستیم و نهاد استراتژیک هستیم که در دنیا تعریف خاص خودش را دارد، در اجرا دخالت نمی‌کنیم. حالا شما می‌خواهید بگویید که شورای انقلاب فرهنگی چرا فلان جا اشکال دارد و چرا شورا وارد فلان مسأله نشده است؟ مثل اینکه بگویید چرا مجلس وارد آن نشده

حرف را بزند اما باید کار کنیم. اینکه شما بگویید ناامید شویم، نه، ناامید نباید بشویم. چرا در خارج از مرزها ما در رساندن حرف‌ها و پیام‌های فرهنگی و اخلاقی انقلاب موافقیم؟ چرا هر کسی از نیروهای ما که برای دفاع از محرومین و مظلومین در سطح جهانی مطرح و وارد می‌شود، چهره انقلاب اسلامی را یک چهره بسیار متعالی نشان می‌دهد؟ شهید شاطری در لبنان یک چهره فرهنگی و معرف انقلاب اسلامی است. کسی می‌تواند بگوید امثال ایشان با دروغ نسبتی دارند؟ با عدم صداقت و فساد نسبتی دارند؟ با بداخلاقی و نامهربانی نسبتی دارند؟ با خشونت نسبتی دارند؟ کسی نمی‌تواند بگوید. جز مهربانی و محبت و انتقال مفاهیم ارزشی، خدمت به محرومین و مردم و هر انسانی که روی زمین باشد و نیازمند کمک باشد صرف نظر از دین و مذهب، انقلاب اسلامی پیامش را رسانده و می‌دهد. از این نمونه‌ها که از رویش‌های انقلاب اسلامی است موارد فراوان قابل اشاره است. می‌گویید چرا در داخل این طوری نیستیم؟ بخشی از آن به خودمان برمی‌گردد. همیشه این طوری نیست که فکر کنیم اشکالات اجتماعی را مسئولان با بخشنامه و حکم و دستور می‌توانند حل کنند. درواقع یک چرخه زمانی برای این تحولات احتیاج داریم. گرفتاری‌های گوناگون هم می‌تواند اینها را تشدید کند یا تضعیف کند.

آنچه من از صحبت‌های شما متوجه شدم شاید در همین جملات آخرتان است. اگر درست متوجه شده باشم تصور شما این است که بیشتر از اینکه این طرف نقص باشد از طرف هست. به صحبت‌های رهبری در دیدار با اعضای شورا استناد می‌کنم که ایشان می‌فرمایند در مسائل تهاجمی و در مواجهه با پدیده‌ها هم موقع ورود و حتی قبل از ورود باید مقابله انجام داد و برنامه‌ریزی داشت. ایشان به دیر جنیب‌ها و دیر فهمیدن‌ها اشاره می‌کنند و در این مورد تذکر می‌دهند. اتفاقا فکر می‌کنم اگر حتما صحبت‌های شما را هم در بخشی که به مردم مربوط می‌شود، درست بدانیم، یک بخش اصلی مشکل همین جاست. حالا من وظیفه مسئولان و نهادهای ذی‌ربط را صرفا صدور بخشنامه و دستورالعمل نمی‌بینم. یعنی احساس می‌کنم وقتی یک شبکه با عنوان «جم» و قبل تر از آن «فارسی‌وان» همزمان با آن «من و تو» یکباره به‌شماره‌های راحت شاید سرجمع با صد تا کارمند یک تحول در فرهنگ ما ایجاد می‌کند یک مشکلی این طرف هست که فرهنگ تهاجمی آنها را می‌پذیرد. این درحالی است که صداوسیما مادر داخل و خارج از مرزها چند هزار کارمند در استخدام دارد. شما می‌دانید که فارسی‌وان چه بلایی بر سر فرهنگ اجتماعی و زندگی‌های خانوادگی ما آورد؟ در شبکه من و تو با یک برنامه بغرمایید شام زندگی مردم تحت تاثیر قرار گرفت، یا همین شبکه جدیدی که تازه آمده است. می‌خواهم بگویم که اشکالی ندارد ما می‌خواهیم به مردم‌مان بگوییم که فلان شبکه با فلان برنامه را نبین! اشکالی ندارد اما به جای آن چه ببینید؟ بالاخره شما در اینجا سیاستگذار فرهنگی هستید. سیاستگذاران فرهنگی در جمهوری اسلامی در این مورد چه کارنامه‌ای دارند؟

اتفاقا با شما در این موضوع هم عقیده هستم. من گفتم همه این تحولات پایه‌های مختلف دارد و یک بخش آن مردم است. دقت کنید! همین الان از جم

ما شما را در شورای عالی انقلاب فرهنگی، با استناد به گفتمان رهبری به عنوان پیشرو و مسئول حوزه فرهنگی می‌شناسیم. شما جزو قدیمی‌های این شورا هستید و البته از معتمدترین افراد. از سال ۸۴ مسئولیت دبیرخانه را دارید، هم در دو دولت آقای احمدی نژاد و هم در دولت‌های اول و دوم آقای روحانی در جریان امور هستید. فکر می‌کنم این نقطه خوبی برای شروع باشد که از شما در مورد جایگاه شورا در نظام پیرسیم. هم حضرت امام (ره) و هم حضرت آقا فرمایشاتی در این مورد دارند. حتی حضرت آقا وقتی که رئیس جمهور بودند خدمت امام (ره) که می‌رسند از ایشان می‌پرسند که تکلیف اجرای مصوبات شورا چه می‌شود و حضرت امام (ره) می‌فرمایند که انجام می‌شود. بعد حضرت آقا می‌فرمایند که یعنی در شکل قانون هست. امام می‌فرمایند ضوابط و قواعدی را که شورای محترم عالی انقلاب فرهنگی وضع می‌نمایند، باید ترتیب اثر داده شود. بله، بعد حضرت آقا تفسیرشان این است که در حکم قانون است.

بعدا هم آقا در این مورد تصریح کردند. فرمودند مصوبات مر قانون و در حکم قانون است.

درجای دیگری فرمودند: «شورای عالی انقلاب فرهنگی از نهادهای قانونی و قطعی نظام و مصوبات آن لازم الاجرا است و همه دستگاه‌ها باید خود را موظف به اجرای تصمیمات این شورا بدانند.»

خب، این یعنی اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی جایگاه مهمی دارد. رهبری در همه این سال‌ها تاکید فراوانی در حوزه فرهنگ داشته‌اند. به نظر شما نه صرفا به عنوان دبیر بلکه به عنوان کسی که این همه سال در این شورا حضور دارید و از امور مطلع هستید، آیا ما در فرهنگمان انقلاب کرده‌ایم و توانسته‌ایم آن ایده‌ای که حضرت امام (ره) و حضرت آقا در این حوزه داشتند را اجرایی کنیم؟ آیا اینجایی که اکنون ایستاده‌ایم می‌توانیم ادعا داشته باشیم که توانسته‌ایم انقلاب فرهنگی کنیم؟

اگر من بخواهم برای شما بگویم که آیا در همه زمینه‌ها موفق شدیم که فرهنگ مطلوبی را که چه امام بزرگوارمان و چه مقام معظم رهبری و چه متفکرانمان از قبل انقلاب دنبال می‌کردند و از بعد انقلاب همه برایش تلاش کرده‌اند و به آن رسیده‌ایم؟ پاسخ این است که به طور کامل این امر محقق نشده است ولی حرکت به سمت آن آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف بوده و توفیقات و پیشرفت‌هایی داشته‌ایم و در کنار آن نارسایی‌ها، ناکامی‌ها و کوتاهی‌ها هم داشته‌ایم ولی در هم این سال‌ها تلاش براین بوده که در این راستا حرکت کنیم. یک عده ممکن است که بگویند چرا در جامعه بداخلاقی داریم و چرا بعضی از آسیب‌های گوناگون فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و فردی در جامعه ما وجود دارد؟ واقعیت این است که تغییر فرهنگ‌ها خیلی سخت و طولانی مدت است. خیلی کار می‌برد ضمن اینکه ما به اندازه و قدر خودش هم برایش برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و اجماع همه جانبه در مقاطع مختلف انقلاب اسلامی نداشته‌ایم. یعنی قطعا اگر از من سوال کنید که وضع اخلاقی مردم ما از قبل از انقلاب بهتر شده، می‌گویم حتما بهتر شده اما اینکه آیا این وضع با وضعی که ما توقع داریم و در واقع شما هم پرسیدید که آیا این وضع قابل قبول در تراز شعارهای انقلاب اسلامی است؟ پاسخش منفی است. هیچ کس نمی‌تواند این



رهبری این است که چرا اینها اجرا نمی‌شود؟ و این سوال را نه در موضع سوال از شورای عالی انقلاب فرهنگی که سوال از کسانی که باید این سند ابلاغ شده رسمی را، ترتیب اثر دهند. این سوال و خواست ما هم هست. به من بگویید که شما مسئول اجرای آن هستید؟ پاسخ منفی است. من مسئول اجرا نیستم. من مسئول پیگیری‌اش هستم. به همین دلیل است که در خصوص سند آموزش ۲۰۳۰ ما می‌گوییم ما یک سند متقن بومی ایرانی داریم که باید اجرا شود و چیز دیگری جایگزین آن شود. الان در هر بخشی که بگویید من به شما می‌گویم ما نه فقط برنامه برای ۱۴۰۴ بلکه برای بعد از ۱۴۰۴ هم طراحی کرده‌ایم. من به شما می‌گویم اکنون بسیار زمان‌بندی شده تا ۵۰ سال آینده برای مرجعیت زبان فارسی که رهبری فرموده‌اند برنامه‌اش را تدوین کرده‌ایم. اکنون در نوبت دستور شورای انقلاب فرهنگی است. در زمینه خانواده و آسیب‌ها که به‌رغم تذکرات مکرر رهبری مشکلاتی داریم و در کنترل و کاهش آسیب‌ها عقب‌ماندگی داریم، چند جلسه در محضر ایشان تشکیل شده و گام‌هایی را به جلو برداشته‌ایم. یعنی دوستان ما در دولت و بخش‌های مختلف کار کرده‌اند، زحمت کشیده‌اند و تلاش کرده‌اند اما باز به آن نقطه‌ای که قابل قبول است نرسیده‌ایم. چه در اعتیاد، چه در موضوع طلاق و موضوعات دیگر و آسیب‌های اساسی که ۴، ۵ آسیب کلان است، وجود دارد که اگر نظام ما بتواند اینها را کنترل کند و کاهش دهد و به‌گونه‌ای مدیریت کند و از پیش‌روی خود به‌عنوان مانع پیشرفت بردارد، بسیاری از تحولات فرهنگی‌مان سرعت پیدا می‌کند.

من خیلی خوشحالم که شما به‌عنوان مسئول فرهنگی در صف منتقدین وضع فعلی

بنابراین رئیس‌جمهور وقتی مصوبه شورای انقلاب فرهنگی را ابلاغ می‌کند، به‌عنوان رئیس‌جمهور این کار را نمی‌کند. می‌نویسند رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی که این مصوبه نافذ باشد در قوای دیگر، چرا که رئیس‌جمهور نمی‌تواند در کار قوای دیگر دخالت کند. ما برای نقشه علم کشور، نخبگان و هفتصد مرکز علمی کشور را مشارکت دادیم. در سند مهندسی فرهنگی؛ خانواده، زن، ازدواج، طلاق، اعتیاد را دیده‌ایم و در خصوص آنها سیاست، اقدام و احکام مشخصی به همراه شاخص‌های ارزیابی داریم. اما اگر بگویید که این باید اجرا شود، من الان با شما هم عقیده‌ام و در یک صفتی مثل شما قرار می‌گیرم که چرا اینها اجرا نمی‌شود؟ چرا یک نسخه‌ای که رهبری می‌فرمایند نسخه شفابخش تحول در آموزش و پرورش است و ۵ سال از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که نزدیک به ۲۳ جلسه صحن شورای عالی انقلاب فرهنگی را دارد، اجرا نمی‌شود؟ رهبری همین اواخر به علت تلاقی با موضوع سند آموزش ۲۰۳۰ که پیش آمد، فرمودند سندی که حاصل اجماع نخبگانی است و عالمانه، پیشرو، منسجم و قابل افتخار است این باید مبنای شما در اجرایی کردن تحولات آموزش و پرورش قرار بگیرد و نه چیز دیگری. اگر شما سند و برنامه نداشته باشید می‌گویید حالا که سند ملی نداریم مثلاً که عیبی ندارد. الان فعلاً در کوتاه‌مدت سند ملی در اختیارم نیست، از جاهای دیگر و تجربیات دیگر کشورها استفاده می‌کنم. اما وقتی شما سند و برنامه ملی دارید، خوب باید همه با هم هم‌تان را بگذارید و یکپارچه و منسجم برای اجرایی کردن آن هم‌افزا شوید، در دوره‌ای رهبری معظم انقلاب می‌فرمایند که احتجاج می‌کنم و اینها باید روی میز من باشد. امروز روی میز است. الان سوال بعدی

است؟ خب مجلس، قانون می‌نویسد. تازه وقتی مجلس قانون می‌نویسد و شورای محترم نگهبان تأیید می‌کند و برای اجرا ابلاغ می‌شود، چندین نهاد نظارتی دارد که یک مصوبه مجلس اجرا شود. یعنی هر کدام از قوانین که اجرا نشود قابلیت این را دارد که پیگرد حقوقی و قانونی شود که تقریباً هیچ کدام از اینها در شورای انقلاب فرهنگی وجود ندارد. با این حال، ما اولویت‌مان را گذاشتیم که این اسناد استراتژیک را برای کشور تدوین کنیم. نه اسناد ذهنی غیرقابل اجرا، غیرقابل باور و غیرقابل وصول. بلکه اسنادی باشد که هم قابلیت دسترسی کمی و کیفی داشته باشند و هم اجرای آن در کشور در مسیر خودش قرار بگیرد. یعنی راحت بتواند به مرحله اجرا دربیاید و هم اینکه اگر گره‌ای وجود دارد آن را بتواند باز کند یا اگر کمبود و کاستی وجود دارد، بتواند برطرف کند. ما سند مهندسی- فرهنگی و سند علم کشور را کار کردیم. سند آموزش و پرورش کشور را کار کردیم. امروز که با شما صحبت می‌کنم هیچ مسئولی در نظام نیست که بگوید این اسناد در اختیار ما نیست. شما باید دستگاه‌ها را مطابق با مأموریت‌ها و وظایفشان تعریف کنید. نمی‌گویم کاستی وجود ندارد، ممکن است همه نهادها از جمله شورای انقلاب فرهنگی، قصور و تقصیری داشته باشند اما مأموریت شورای انقلاب فرهنگی آن است که اسناد استراتژیک کشور را در همه این عرصه‌ها آماده‌سازی کند. اگر نکند، مأموریتش را انجام نداده اما اگر انجام داده، آن وقت سوال بعدی پیش می‌آید که آیا این اسناد برای اجرا، ابلاغ شده است؟ باید در نظر داشت که مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، دایره‌اش فقط برای دولت نیست. دایره مصوبات شورای انقلاب فرهنگی چون منصوب رهبری است، همه ارکان نظام را پوشش می‌دهد.

کنیم. همین اشکالاتی که شما می‌گویید در صداوسیما وجود دارد اما تلاش‌شان را هم دارند می‌کنند. نه اینکه صداوسیما دوست ندارد کار کند. چه زمانی آن تحول می‌تواند در صداوسیما اتفاق بیفتد؟ وقتی که همین قرارگاه استراتژیک که رصد تحولات فرهنگی را انجام می‌دهد و برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت فرهنگی، آموزشی را تنظیم می‌کند شکل بگیرد. در حقیقت صداوسیما باید عملیات‌کننده نسبت به این سیاست‌ها شود.

**یعنی شورای عالی الان نسبت به صداوسیما...
▲ اشرافی ندارد.**

همان پیگیری‌ای که راجع به ۲۰۳۰ یا موارد دیگر شده، در مورد صداوسیما هم شده است؟

▲ بله. یک مثال می‌زنم؛ اگر یادتان باشد از چندین سال قبل موضوع جمعیت در کشور ما مطرح شد. ما دو استراتژی در موضوع جمعیت داشته‌ایم. استراتژی اصلی که تا مقطع چند سال قبل غالب بود به‌عنوان کاهش و کنترل جمعیت بود. این از قبل از انقلاب برای ایران طراحی شده بود. حالا شما می‌گویید شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه چه کار کرد؟ من به شما عرض کنم که ما نزدیک به سه، چهار سال یک گروه مطالعاتی نخه را گذاشتیم که در این زمینه کل تجربیات جهانی و تحولات جمعیتی را در این چند دهه اخیر مورد ارزیابی قرار دهند و کشور خودمان را هم مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. می‌دانید به چه جمع‌بندی‌ای رسیدیم؟ به این نکته رسیدیم که ما دچار یک سقوط جمعیتی می‌شویم که علتش را خواهیم گفت و غربی‌ها خودشان را از آن سقوط جمعیتی با طراحی‌ها و مشوق‌ها و سیاست‌گذاری‌های جدید نجات می‌دهند. راهبردی که برای خودشان مثلاً همین آمریکا را مثال بزنیم، در نظر گرفته این است که آمریکا الان جمعیت ۳۵۰ میلیونی دارد، هدفگذاری ۵۰ سال آینده‌اش، ۷۵۰ میلیون نفر است. هیچ کشور اروپایی را نمی‌بینید که اکنون هدفگذاری‌اش کاهش جمعیت باشد. مشوق‌های گوناگونی برای فرزندآوری در غرب تعریف شده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی وارد این میدان شد و گفت که نرخ باروری ما رو به افول می‌رود. یعنی نرخ باروری و فرزندآوری در ایران به زیر حد جایگزینی یعنی حدود ۱/۷ تا ۱/۸ فرزند رسیده بود. حتی یک پدر و مادر مابه‌ازای خودشان یعنی دو فرزند را هم تحویل نسل بعدی و جامعه نمی‌دهند و کمتر از دو فرزند را می‌دهند. در همین تهران، نرخ فرزندآوری کمتر از یک فرزند بوده است. این یعنی چه؟ یعنی در یک دوره ۴۰، ۵۰ ساله به یک کشور فرسوده، پیر و فاقد جوانان که نقش تولیدگر دارند، تبدیل می‌شوید و کاهش نرخ باروری چالش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی و امنیتی برای هر کشوری از جمله ایران پدید می‌آورد.

آخرین وضعیت شاخص‌های جمعیتی در کشور چگونه است؟

▲ طبق نتایج سرشماری، جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵ برابر ۷۹/۹۲۶/۲۷۰ نفر اعلام شده است. جمعیت کشور طی چند دهه گذشته روند صعودی داشته و از ۷۹/۹۲۶/۲۷۰ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۷۹/۹۲۶/۲۷۰ نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. یعنی طی ۶۰ سال گذشته به‌طور متوسط سالانه حدود یک میلیون نفر به جمعیت ایران اضافه شده است. البته این افزایش در پنج ساله منتهی به ۱۳۹۵ به‌طور متوسط سالی ۹۵۰ هزار نفر بوده است.

مطابق نتایج سرشماری، نرخ رشد جمعیت ایران از ۱/۲۹ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱/۲۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده. باتوجه به اینکه نرخ باروری کماکان کمتر



چنین اتفاقی در صحنه نیفتاده که دستگاه‌های مسئول وقتی که شورای انقلاب فرهنگی به یک جمع‌بندی و تصمیم‌گیری در زمینه فرهنگی، علمی، آموزش و پرورش و هکذا امثالهم برسد و مسائلی شبیه به این برسیم و رسیده، بگویند که ما به تعبیر رهبر معظم انقلاب، دیگر خط مقدم شما هستیم و از این به بعد شما که گفتید تا زمانی که شما جمع‌بندی تحول یا نگاه جدیدی را مطرح کنید، ما در این مسیر جلو می‌رویم. اما چنین اتفاقی در صحنه نیفتاده است. صداوسیما کار خودش را می‌کند. آموزش و پرورش کار خودش را می‌کند. ما ده‌ها بار به وزرای گوناگون آموزش و پرورش گفته‌ایم که نقشه راهتان را برای اجرایی کردن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ارائه دهید. به وزارت علوم بارها و بارها گفته‌ایم که ذیل نقشه علمی باید تحولات علمی و فناوری خودتان را برنامه‌ریزی کنید. شما می‌بینید که ما این را داریم اما دوباره می‌روند یک برنامه جدیدی برای خودشان طراحی می‌کنند که زاویه قابل توجهی با مصوبات اصلی شورای انقلاب فرهنگی در این زمینه‌ها دارد. من حرفم این است که باور به قرارگاه دارم و باور به اینکه اینجا می‌تواند نقش یک ستاد کل فرهنگی را بازی کند به شرط اینکه الزامات و اختیارات مربوطه‌اش هم در کنارش باشد.

یعنی می‌فرمایید که این ساختار هنوز درست نشده است؟

▲ هنوز اشکال دارد و نظام قرارگاهی با همه الزامات و اختیارات استقرار نیافته است.

یعنی به تعبیر رهبری قرارگاه وجود دارد اما ساختار فراهم نشده است.

▲ استلزامات و الزامات شکل‌گیری قرارگاه هنوز شکل نگرفته و این را باید یک جوری در کشورمان حل

ایستاده‌اید. البته دلایل جای خودش که چرا شما در این صف هستید ولی خود اینکه چرا شما جزو منتقدین هستید و مثل منتقدین فکر می‌کنید راجع به اشکالات فرهنگی، خیلی جای خوشحالی دارد. در ادبیات نظامی به لبه جلوی منطقه نبرد «لجمله» می‌گویند. اکنون صداوسیما ما در چنین جایی ایستاده است. آیا به نظر شما واقعا در این زمینه در همان چیزهایی که شما احساس خطر می‌کنید که بنیاد خانواده، خود خانواده و اساس فکری و فرهنگی جوانان را هدف گرفته موفق بوده است؟ اگر نبوده و شما هم مثل بنده جزو منتقدین هستید چرا این اتفاق افتاده است. اضافه می‌کنم به اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی به تعبیر آقا شبیه یک قرارگاه است. شما به‌عنوان شورای انقلاب فرهنگی این قرارگاه و همین پیگیری که می‌فرمایید در مورد ۲۰۳۰ داشتید، در مورد صداوسیما هم این اتفاق افتاده است؟

قرارگاه یک الزاماتی دارد. رهبری معظم انقلاب، شورای عالی انقلاب را قرارگاه می‌داند اما برای اینکه اینجا تبدیل به قرارگاه شود، اختیارات و الزاماتی احتیاج دارد و امکاناتی باید داشته باشد. قرارگاه هرگاه اراده کرد باید بقیه تحت امرش قرار بگیرند. ولو آنکه خودش مستقیماً نیرو را در اختیار نداشته باشد. اگر قرارگاه فرماندهی فرهنگی، شورای انقلاب فرهنگی است، هرگاه در موضوعی تصمیم گرفت، بقیه نباید بگویند که ما دیگر چه کار داریم که شورای انقلاب فرهنگی چه کار کرد؟ بقیه باید بگویند که قرارگاه مرکزی الان برنامه‌ریزی کرده برای اینکه مثلاً در زمینه رسانه‌ای این کارها را انجام دهیم. اما

از نرخ مورد نیاز برای جایگزینی جمعیت است، پیش بینی می شود در سال های آینده با کاهش بیشتر نرخ رشد جمعیت مواجه شویم.

خانوار نیز از سال ۱۳۶۵ به بعد سیر نزولی خود را آغاز کرده و از ۱/۵ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۳/۳ نفر در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است.

همچنین؛ طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ جمعیت گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال با سیر کاهشی محسوسی حدود ۱۰ درصد همراه بوده و در مقابل گروه سنی ۳۰ تا ۶۴ سال در همین دوره بیش از ۱۰ درصد افزایش داشته است. به عبارت دیگر جمعیت گروه سنی ۳۰ سال به بالا روند افزایشی خود را با سرعت بیشتر ادامه داده است و این به معنی حرکت ساختار سنی کشور به سوی سالمندی است. طی چهار دهه درصد افراد بالای ۶۵ سال از ۳/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۶/۱ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش داشته است که نشان دهنده افزایش دو برابری است. طی ۵ سال گذشته از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نیز درصد افراد بالای ۶۵ سال از ۵/۷ درصد به ۶/۱ درصد افزایش یافته است. این تحولات حکایت از تغییر ساختار جمعیتی ایران دارد و نشانه حرکت جمعیت به سوی سالمندگی است.

میان سنی از ۲۵ سال در ۱۳۸۵ به ۳۰ سال در ۱۳۹۵ افزایش داشته است. پیش بینی می شود که این شاخص در سال ۱۴۰۴ به حدود ۳۶ سال و در سال ۱۴۲۹ به بیش از ۴۴ سال پیداکند.

درصد افراد دارای همسر طی ده ساله ۱۳۸۵-۱۳۹۵ افزایش یافته است. این میزان برای مردان ۸/۷ درصد و برای زنان ۷/۶ درصد افزایش داشته است.

نتایج پیش بینی های سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ در مورد تحولات باروری نشان می دهد که در هر سه سناریو (پایین، متوسط و بالا) تا سال ۱۴۲۰ سطح باروری ایران به سطح جانشینی افزایش پیدا نمی کند؛ و نرخ رشد جمعیت در هر سه سناریو کاهشی است. در سناریوی حد پایین در سال ۱۴۰۹ نرخ رشد جمعیت ایران به حدود صفر می رسد و بر مبنای سناریوی حد متوسط در سال ۱۴۲۹ نرخ رشد جمعیت ایران منفی می شود.

در حال حاضر کشور ایران نیز مرحله انتقال ساختار سنی از جوانی به میان سالی را تجربه کرده و در آستانه سالخوردگی جمعیت قرار دارد. با اینکه الان جمعیت سالمند سهم کمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده، اما فزونی سرعت رشد جمعیت سالمند در مقایسه با رشد جمعیت کل کشور و پیش بینی افزایش تعداد و سهم سالخوردگان (جمعیت ۶۰ سال و بالاتر) در سال های آتی ضرورت برنامه ریزی آینده نگر برای کنترل مسائل مربوط به این گروه از جمعیت را ضروری می ساخت.

بنابراین جامعه به سمت میانسال شدن و سالمندی می رود. براساس مطالعاتی که تاکنون انجام شده، سن ازدواج که بالا رفته است. اما سالمندان ما در حال افزایش و ازدیاد است. در آینده طبق سناریوهای مختلف که هست اگر این روند جمعیتی را اصلاح نکنیم، حداقل ۲۰، ۳۰ درصد جامعه مان، پیران و سالمندان می شوند. شما باید برنامه ها و سازماندهای متناسب با آنها را در نظر بگیرید. از طرف دیگر اینکه عناصر اصلی پیش برنده یک کشور و جامعه، جوانان هستند. سنین فعال که از ۱۵، ۱۶ سالگی است و جوانی شروع می شود تا ۲۹، ۳۰ سالگی که مرتب کاهش پیدا می کند. وقتی که بررسی کردیم و به این نقطه رسیدیم در جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی گزارش دادیم. بعد همه تصدیق کردند که سقوط آزاد جمعیتی پیدا می کنیم. درصد اصلاح این سیاست برآمدیم که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تدریجی افزایش جمعیت تبدیل شود. بعد یک

عده گفتند که مثلا شغل نداریم و اقتصاد مشکل دارد که خیلی از اینها راه حل های جداگانه دارد. بعد این را در معرض دستگاه ها و از جمله صداوسیما قرار دادیم. وقتی در محضر مقام معظم رهبری این گزارش را رنده و دو، سه تن از همکاران ارائه کردیم، ایشان به شدت از این موضوع اظهار نگرانی فرمودند و گفتند که من برای آینده انقلاب و کشور احساس خطر می کنم. باید مساله جمعیت برای کشور حل شود. بعد اگر دقت کرده باشید طی این چند سال برنامه رهبری معظم انقلاب این است که بحث موضوع افزایش جمعیت را مطرح می کنند که البته این مجموعه که تنظیم شده بود، قرار شد که به مجلس ببریم و مجلس محترم آن را قانون کند تا قانون کنترل جمعیت به قانون افزایش جمعیت تبدیل شود که هنوز متاسفانه به یک نقطه مشخص راهبردی و قانون معینی در زمینه موضوع جمعیت نرسیده ایم. از همان روز اول گفتم یکی از جاهایی که می تواند معرف این باشد که این راهبرد، تبدیل به راهبرد فرزندآوری شود، صداوسیماست؛ در سریال ها، نمایش ها، برنامه ها، مصاحبه ها و گفت و گوها. ما چند جلسه با مسئولان محترم صداوسیما اعم از معاونین، برنامه سازان و مدیران برگزار کردیم و تاکید کردیم باید در موضوع تبدیل استراتژی کنترل جمعیت به افزایش جمعیت در خط مقدم باشید. همین الان بگویید که چقدر این را در برنامه های تلویزیون می بینید؟ الان مقایسه کنیم فیلم آمریکایی را که همیشه نشان می دهد یک خانواده که ۳ تا ۵ فرزند با خود دارند. شما فیلم ها و سریال هایی که می سازیم را ببینید که خانواده چند نفره هستند؟ اگر هم نشان می دهیم، یک خانواده ای بوده که مثلا در حلبی آباد در یک بغوله ای زندگی می کند دارای پنج بچه که دچار سوء تغذیه هم هستند، می باشند. واقعا جامعه این است؟

یعنی می خواهید بفرمایید هیچ اتفاقی نیفتاده و وضع همان طور پیش می رود. درست است؟

▲ نمی گویم اتفاقی نیفتاده است. آقایان قبول می کردند که کارهایی را انجام دهند اما روی آنتن و برنامه های مختلف به صورت جذاب و روش های متنوع رسانه ای چقدر تسری دارد؟ یعنی طوری باشد که هر که نگاه کند اینها را ببیند، ولی اینطور نیست. یکی اینکه ما احتیاج به این داریم که مردم وقتی تلویزیون را روشن می کنند با بیست و چند کانال، بالاخره در یکی از این کانال ها توقف کنند و بگویند این سلیقه مرا تامین می کند. ما متاسفانه با این خواسته به حق فاصله داریم و باید تلاشمان را بیشتر کنیم و آنها هم به تنهایی نمی توانند باید این ارتباطات بیشتر شود. کما اینکه در زمینه خانواده اخیرا در جلسه ای با مسئولین محترم صداوسیما و سایر دوستان بحث شد، وقتی دوستان مان گزارش دادند و گفتند که ما در چند شبکه نشستیم ایم و سند اینکه در حضور خانواده چه بگوییم را تهیه کرده ایم. گفتم شما احتیاجی به این کارها ندارید. این کارها قبلا در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شده، تنها باید اینها را به لسان و زبان رسانه تبدیل کنید. این کار به نظرم تاخیر

دارد و باید سرعت پیدا کند و جذابیت برنامه ها ایجاد شود. همین که شما می گویید یک برنامه و یک شبکه ماهواره ای می گذارد و کل خانواده ها را به هم می ریزد! ما چرا نباید این جاذبه ها را ایجاد کنیم و این طراحی ها را بکنیم؟ به نظرم می توانیم به شرطی که از این برآیند نیروها استفاده کنیم.

قطعا اولین کارکرد یک دانشگاه بحث فرهنگی ماست. شما هم مسلط هستید به جهت اینکه در دانشگاه حضور دارید و وضعیت فرهنگی را می بینید. نظر شما راجع به وضعیت فرهنگی دانشگاه ها چیست؟ آقای دکتر! واقعیت این است که وضعیت فرهنگی دانشگاه ها خوب نیست. حجاب، روابط اجتماعی هم از بحث های دیگر است. چه اتفاقی در دانشگاه های ما می افتد؟ نمی دانم اینجا هم می توانم بپرسم که آیا اساسا شورای انقلاب فرهنگی لاقبل به عنوان اینکه حتی در حد نوشتن برنامه و دستورالعمل و اصلا حرف زدن در موردش کاری انجام داده است؟

▲ مگر دانشگاه یک کل منسجم نیست؟ چرا ما یک جزء را می گیریم. هر موجودی یک قوت ها و یک ضعف هایی دارد. در کل دانشگاه ها در خدمت انقلاب و نظام بوده است. نقطه ای که همه مسئولان با گرایش های سیاسی گوناگون، با ادعاهای متفاوت در مورد آن اتفاق نظر دارند، علم و فناوری است. می توانید بگویید این کار را چه کسی کرده است؟ فارغ التحصیلان دانشگاهی کرده اند. می توانید بگویید این در استقلال کشور نقش نداشته است؟ نمی توانید این را بگویید. استقلال امروز ما و ادعای ما در صحنه جهانی، در زمینه اینکه می توانیم با شما همواردی کنیم در همه زمینه ها به واسطه این قدرتی است که شما در علم و فناوری به دست آورده اید. این قدرت، واقعی است و من به عنوان یک کارشناس به شما می گویم. اصلا قدرت تصنعی نیست. اصلا قدرت اینکه تصور کنید پوشالی است، نیست. یک قدرت درونی شکل یافته در حقیقت از نتایج و رویش ها و ساخت انقلاب است. این یعنی انقلابی. دانشگاه انقلابی ماموریت اصلی اش این است. دانشگاه انقلابی باید بتواند کشورش را اداره کند و امروز شما در بحث هسته ای می بینید. در بسیاری از رشته های علوم می بینید. الان کشورتان در زمینه های پزشکی به غرب احتیاج دارد؟ نه اینکه با غرب تعامل نداریم، نه اینکه با کشورهای دیگر نباید تعامل کنیم، ما با غرب و کشورهای پیشرفته باید تعامل کنیم و بدبستان علمی داشته باشیم. ما باید برویم و بیاییم. دانشجویان استاد و دانشمند ما همه این اتفاقات باید بیفتد. پس این دانشگاه سرجمعش در خدمت نظام است. این دانشگاه نقص ندارد؟ چرا دارد مثل همه ما که نقص داریم. مگر جاهای دیگر نقص ندارند؟ من بنا ندارم از رهبری معظم نکاتی را به عنوان شاهد بیاورم اما حقیقتا گاهی وقت ها آدم فکر می کند ایشان کلماتی می گوید که خیلی شفاف است. ببینید! چند سال قبل در دیدار اساتید ماه مبارک رمضان خدمت ایشان بودیم وقتی بحث و صحبت ایشان شروع شد، ۱۳، ۱۴ موضوع را در ظرفیت های دانشگاه ها مطرح کردند و کارهای دانشگاه ها را بعد از انقلاب برشمردند. بعد در آخر هم فرمودند البته من نمی خواهم مناقب دانشگاه ها را بگویم اما امروز هر مسئولی که می خواهد در مذاکرات پڑی در مقابل بیگانگان بدهد، از دانشگاه مثال می آورد. این دانشگاه شمادت. دانشگاه شما، دانشمند تراز یک جهانی دارد. اینها دستاوردهای انقلاب اسلامی است. من این حرف را برای کسانی می زنم که دائما حرف های ناامیدانه و منفی می زنند. این دانشمندان شما بخش عمده ای شان، جوانان اول

براساس بررسی به عمل آمده در دانشگاه ها، بیش از ۹۰ درصد دانشجویان معتقدند که نماز عامل پیشرفت در زندگی است. همچنین حدود ۸۰ درصد دانشجویان نماز می خوانند و این روند طی سال های اخیر تقریباً سیر صعودی داشته است.



نظام باید تکلیف خود را با موسیقی روشن کند

رسانه مکتوب ببینید که بچه‌ها چگونه هستند. اصلا چهره را که ببینید باورتان نمی‌شود که اهل نماز باشد ولی نه تنها نماز می‌خواند بلکه در شب‌های اعتکاف تهجد دارد. خیلی این قابل تقدیر است. همین را یکی، دو نفر از عزیزان ما پارسال در انقلاب فرهنگی مطرح کردند که عین عبارات شما بود. جناب آقای محمدیان به عنوان مسئول نهاد نمایندگی که نمی‌خواهد خلاف گوئی کند. ایشان عنصر متقی و انقلابی است به این معنا که اگر بدی ببیند هم آن قدر صراحت و شجاعت دارد که حرف بزند. خواهش می‌کنم گزارش‌های آنها را که در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد بگیریید. یعنی حتی گزارش وزارت علوم و بهداشت که مطرح شد، شورا قانع نشد. مقرر شد نهاد مقام معظم رهبری گزارش فرهنگی جامعه دانشگاهیان را به شورای عالی ارائه بدهند. واقعیت این است. البته ما آسیب داریم. مثلا فرض کنید جمعیت بسیار قلیلی که نسبتش با جمعیت دانشجوی کشور معنادار به لحاظ آماری نیست ممکن است متأسفانه دچار اعتیاد باشند. ممکن است دچار آسیب‌های دیگری باشند که آنها را درآورده‌ایم. که قابل ارائه است و باید تجزیه و تحلیل شود. مصداقا و به صورت مشاهده‌ای، ممکن است موارد چندتایی در کلاس و غیرکلاس هم ببینید که آنها هم قابل پذیرش نیست. اما به من بگویید در نگاه کلان دانشجو و دانشگاه ما این طور است؟ می‌گویم، خیر. شواهد نظرسنجی‌ها و پیمایش‌ها آنچه به شما گفتیم را نشان می‌دهد. بالای ۸۰ درصد دانشجویان اهل نماز هستند. در تمام نظرسنجی‌های دولتی و غیردولتی، مستقیم و غیرمستقیم بحث حجاب، بالای هفتاد و چند درصد جامعه اصل حجاب را قبول دارند. اینکه چقدر عمل می‌کنند آن فاصله وجود دارد. یعنی کسی که یک خرده هم حجابش نقص دارد، خودش را با حجاب می‌داند و حجاب را قبول دارد. ما چرا باید اصرار کنیم که نه، قبول ندارد. ما باید تلاش کنیم که بهتر شود با محبت، برنامه و جاذبه. از جناب سردار آقای حاج قاسم سلیمانی، عزیزمان ذکر خیر کنم. ایشان گفتند این قدر جامعه را بد حجاب و با حجاب و اصلاح طلب و اصولگرا نکنید. همه عضو جامعه ما هستند. من خیلی خوشحال شدم از اینکه یک آدمی در این تراز یک الگو و اسوه نه تنها در صحنه ملی که در صحنه بین‌المللی ماست. او محبوب است، مثل یک طیب که اگر درد و بیماری هم می‌بیند می‌گوید این بیماری را باید همه با هم کمک کنیم که درمان شود چون جزو من است، جزو خانواده من و جزئی از اجزای ملت من است. ما باید اینگونه با مردم مان رفتار کنیم. اشکالات را باید با خود مردم همفکری کنیم. در خیلی از موارد من فکر می‌کنم برخی از روش‌هایی که در بعضی از کارهای فرهنگی به کار می‌گیریم و شاید روش‌های درستی نبوده و پاسخ عکس در جاهایی داده، باید اینها را اصلاح کنیم.

خصوص دیگر شاخص‌ها آمار نشان می‌دهد که وضعیت آسیب‌های اجتماعی در دانشگاه‌ها در مقایسه با جامعه یا وضعیت بهتر است یا در برخی موارد یکسان است. این موضوع در دانشگاه‌ها غالب است.

بحث من اصلا راجع به عنصر علمی نیست. اصلا اینکه ما در علم پیشرو هستیم، کسی حرفی ندارد اما آن عنصر علمی است نه عنصر فرهنگی.

▲ نه، عنصر علمی که از دین جدا نیست. اتفاقا مباحثه ما همین است که می‌خواهم بگویم اگر شما به علم متعهد نباشید، چه دلیلی دارد که بچه‌های دانشمند شما بایستند و بگویند ما خودمان باید سانتیفریور درست کنیم. این یعنی دین، یعنی غیرت، یعنی انقلابی بودن و استقلال کشور. هر کدام از اینها معنا دارد. الان از من بپرسید در دانشگاه کسانی از دانشگاهیان هستند که نسبت به این موضوعات بی‌تفاوتند؟ بنده می‌گویم بله. هستند آدم‌هایی که نسبت به این موضوعات عرق ملی و دینی دارند و منافع دینی را با قاطعیت، جرات و جسارت دنبال می‌کنند؟ فراوان‌اند و اینها از نظر من مومن‌اند. باز از آقا نمونه‌یابورم آقا می‌فرماید: «جوانی که شب‌های احیاء قرآن سر می‌گیرد از نظر من حزب‌اللهی است». چه در نماز جماعت او را ببینید یا نبینید. متأسفانه بعضی وقت‌ها آنچنان آدم‌ها را دچار دوگانگی شخصیتی می‌کنیم، شاید آن جوان آن ساعت نمی‌خواهد که نماز بخواند و ساعت دیگری به نماز خواندن می‌پردازد. مگر دین ما گفته که همه باید اول وقت نماز بخوانند؟ واجب کرده است؟ کجای دین ما گفته که همه باید سر اذان نماز بخوانند؟ گفته‌اند فضیلتش بیشتر است، ثوابش بیشتر است. اما اگر یک جوانی به هر دلیلی این کار را نکند، بهتر است و ما بیشتر خوشحال می‌شویم. اما اگر این کار را نکرد، غیرحزب‌اللهی است؟ نه. یک یا دو ساعت دیگر نمازش را می‌خواند. بسیاری از استادها در اتاقشان نمازشان را می‌خوانند. من می‌بینم تعداد زیادی را. بله، قلیلی هم وجود دارد که ممکن است کاهل باشند. می‌خواهم بگویم که آدم باید واقعیت‌ها را سرجمع ببیند.

آنجا که من بحث دارم راجع به عنصر فرهنگی دانشگاه است. مثل شما هم دانشگاه را از علم جدا نمی‌دانم. مساله ما هم فقط دانشگاه نیست. آقای دکتر! حال فرهنگی جامعه ما خوب نیست. حال جامعه دانشگاهی ما خوب نیست. فقط هم منظورم ساعت ۱۲ و اذان ظهر نیست. خروجی دانش‌آموزان ما ۱۲ سال، چند درصدشان نمازخوان هستند؟

▲ نظرسنجی‌ها را بگویم؟ آخرین آمار براساس گزارشی که حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقای محمدیان، مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری آخرین گزارشی که داده‌اند بالای ۸۰ درصد اهل نماز هستند. بعد هم ما باید حمل بر صحت کنیم. یعنی کسی را که از او سوال می‌کنیم، اهل نماز هستی؟ با روش‌های مختلف این را در می‌آورید. می‌گویم من نماز می‌خوانم یک عده هم می‌گویند که من گاهی وقت‌ها نماز می‌خوانم که تعدادشان کم است. ما باید قبول کنیم. من می‌خواهم بگویم ما سیاه مطلق و سفید مطلق نداریم. ما در یک مرحله‌ای هستیم که یک تعداد قابل توجهی از جوانان دانشگاهی و دانشجویی ما اهل نماز و مناسک هستند در عین حال ریش خود را هم می‌زنند. یا دختر دانشجوی ما ممکن است حجاب خیلی جامع و کاملی نداشته باشد اما واقعیت این است که موقع مراسم احیاء و اعتکاف، همان‌ها هستند. خواهش من است که گروهی را به دانشگاه بفرستید چون همیشه معمولا صدا و سیما گروه خبرنگاران را می‌فرستد اما شما به عنوان

انقلاب‌اند. یعنی نسلی هستند که با انقلاب رشد علمی پیدا کرده‌اند و نه قبل از انقلاب. امروز برخی اینها جزو یک درصد دانشمندان برتر دنیا هستند. چه کسانی در صنایع دفاعی تان‌الان کارهای مطالعاتی و علمی و تحقیقاتی انجام می‌دهند؟ غیر از دانشمندان هستند؟ این دانشمندان فارغ‌التحصیل کجا هستند؟ چه کسانی در صنعت صلح‌آمیز هسته‌ای کشور کار می‌کنند؟ غیر از فارغ‌التحصیلان و دانشمندان همین دانشگاه‌ها هستند؟ من می‌خواهم بگویم که اینها قوت‌های دانشگاه است. ما یک نظام مدیریتی داریم. عرض من این است که اینها جزو زیرساخت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی است. ما سه برنامه از اول انقلاب برای تحولات علم در کشور تعریف کرده بودیم و امروز می‌خواهیم که اینها اول این بوده که ساخت وابسته دانشگاه را تبدیل به یک ساخت مستقل در صحنه علمی و جهانی کنیم. این را امام در پیام انقلاب فرهنگی شان فرمودند. دوم، گفتند استاد الهی، متن مادی را هم استاد الهی درس می‌دهد. استاد مادی، متن الهی را هم درس می‌دهد. یعنی استاد مهم بود. هم اکنون ۹۰ هزار تا ۱۰۰ هزار استاد دانشگاه دارید. نجیب‌ترین اقصا جامعه ما با قاطعیت استادان و دانشگاهیان ما هستند. البته ما باید حتما بیشتر کار کنیم که نماز و وسعت بیشتری پیدا کند اما من باز شما را به شب‌های احیاء ارجاع می‌دهم. شب‌های احیاء مسجد دانشگاه تهران دیده‌اید که جانیست؟ در مسجد شریف جانیست؟ عمده اینها همه دانشجوی هستند. شما را به اعتکاف ارجاع می‌دهم. مراجعه کنید و ببینید. دانشجوی تخصصی دارم، دانشجوی عمومی دارم. حالا اینکه در ساعت ظهر همه با هم به نماز جماعت نمی‌آیند، دلیل بر این نیست که نمی‌خواهند بلکه گاهی نمی‌توانند.

براساس بررسی به عمل آمده در دانشگاه‌ها، بیش از ۹۰ درصد دانشجویان معتقدند که نماز عامل پیشرفت در زندگی است. همچنین حدود ۸۰ درصد دانشجویان نماز می‌خوانند و این روند طی سال‌های اخیر تقریبا سیر صعودی داشته است. در بررسی نگرش‌ها و رفتارهای مذهبی دانشجویان که نتایج آن اخیرا اعلام شد، شاخص‌های مورد ارزیابی اکثرا وضعیت خوبی داشتند.

اجازه دهید این جسارت را بکنم و این سوال جسورانه را از شما بپرسم که شما بنده را راجع می‌دهید. بنده شما را به دانشگاه دعوت می‌کنم. حتما حضور داشتید، استاد هستید و دیده‌اید. البته در قدامت میهمان بیایید و نه استاد. بیایید و ببینید که مساله فقط نماز نیست.

▲ سوال من این است که شما این مجموعه را پذیرفتید؟

بله، پذیرفتم.

▲ خب، این مجموعه همان طور که به شما گفتیم ممکن است نقص هم داشته باشد.

شاید اصلا اصل سوال را خوب نپرسیده باشم. منتها شما اگر از یک جزء برسید به آن کل و آن کل را نبینید، اگر به خدمات دانشگاه بعد از انقلاب بی‌توجهی کنید، به این می‌رسیم که ما می‌توانیم در گوشه یک پیکره بزرگ در جایی هم یک مشکلات و آسیب‌ها و نارسایی‌هایی را ببینیم و برای برطرف کردن آن تلاش کنیم و به وضعیت فعلی حتما بسنده نکنیم.

باید توجه کرد که دانشگاه ما بخشی از جامعه ماست. اما این قشر فرهیخته و وضعیت بهتری در شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی دارند. به عنوان نمونه نزدیک به ۹۴ درصد دانشجویان با ثبت رسمی ازدواج موافق هستند و ۸۸ درصد نیز خانواده‌ها را حامی خود می‌دانند که این نشان از تعلق آنها به خانواده است. در

اتفاقا اصلاح و بازنگری در روش‌هاست که می‌تواند جامعه را منسجم‌تر، متحدتر و یکپارچه‌تر کند. در این شرایط که در صحنه بین‌المللی اینقدر دشمن داریم، جزو ضروریات انقلاب اسلامی است و ما باید این کار را بکنیم. حالا در حوزه فرهنگ هم این اشکالات را با کمک خود مردم و با بازنگری در برنامه‌ها برای آینده باید برطرف کنیم که مردم احساس کنند که ما یک حرف جدیدی برایشان داریم طراحی می‌کنیم و خودشان بپذیرند. البته در این کار نشریات مکتوب ما، نشریات دیداری و شنیداری و دیجیتالی و اینترنتی همه نقش دارند.

۲۰۳۰ مهمترین اتفاق در شورا است. شما از چه زمانی متوجه شدید؟ واقعا به شورا گفته نشده بود وقتی که امضا شد؟

▲ ما یکی از چالش‌هایی که با عزیزان مان در دستگاه‌های اجرایی به خصوص آموزش و پرورش در این چند سال داشتیم این بود که چرا سند تحول را پیش روی خودتان نمی‌گذارید تا برنامه و نقشه عملیاتی راه اجرایی شدنش را بررسی کنید. همان‌طور که گفتیم چون آن بازوهای نظارتی بازدارنده و موثر را هم شورای عالی انقلاب فرهنگی ندارد، فقط با همین تعاملات و توصیه‌ها و پیگیری‌هاست. رهبری تعبیر نسخه شفابخش را برای این سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مطرح کردند و گفتند که این کار انجام شده و شما دیگر باید بروید و اجرایش کنید. این عین عبارت ایشان است که بازگو می‌کنم. فرمودند بیش از صد سال است که فلسفه تعلیم و تربیت مان وارداتی و غربی بوده و امروز با این سند تحول بر مبنای تحول یک فلسفه ایرانی- اسلامی برای بچه‌ها برنامه‌ریزی می‌کنید. نمی‌گویم بخش اجرا کامل نشده که زحماتی در این خصوص کشیده‌اند که بتواند اجرایی شود و یک کارهایی کرده‌اند اما در خور یک سند جامع که چند سال است مانده و معطل شده، نیست. یکبار یک سندی در صحنه جهانی به نام سند توسعه پایدار که ۱۷ محور دارد و یک محور آن هم آموزش است همان ۲۰۳۰ است که مطرح و مراسم رونمایی توسط مسئولان گذاشته می‌شود. اولاً موقعی که مطرح می‌شود و دوستانی که به جاهای مختلف می‌روند هیچ مشورتی با نهادهای بالادستی نمی‌کنند. در حالی که این از جنس سیاستگذاری است و اگر بگویم معاهده‌نامه و مقاله‌نامه است که باید به مجلس برود. اگر جنسش یک استراتژی و راهبرد و سیاست است باید نهاد سیاستگذاری این کار را بکند و با مشورت نهاد سیاستگذار آمد و شد و تعاملی برقرار شود اما این کار نشده است. بعد این سند ۲۰۳۰، دو سال است که آمده اما آن سند تحول بنیادین ۵-۶ سال است که تصویب شده است. اگر سرمایه‌ای

هم داریم، امکانی داریم چه به لحاظ نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری باید در خدمت اجرایی کردن آن سند تحول قرار بگیرد. اما می‌بینیم که یک سال و خرده‌ای دوستان کمیسیون‌هایی تشکیل می‌دهند و به ما هم گفته نمی‌شود. حتی نامه معاون اول محترم رئیس‌جمهور که شهریور ۹۵ ابلاغ شده اما به ما هم ابلاغ نشد. وقتی جناب آقای رئیس‌جمهور از من پرسیدند که شما کی متوجه شدید؟ گفتیم همان موقع که اینها رونمایی را در آذرماه ۹۵ انجام دادند. یعنی یک سال و نیم کمیسیون‌ها و کارگروه‌های ۳۰ گانه‌ای بوده که یک سند جداگانه‌ای را در مورد آموزش و پرورش کار می‌کردند. ممکن است چیزهای خوبی هم در آن باشد و بحث بر سر این نیست. اما اینکه شما اولاً یک سند ملی دارید و می‌توانید در صحنه جهانی این سند را روی دست بگیرید و بگویید ما اتفاقا حرف جدید برای شما در صحنه تعلیم و تربیت جهانی داریم، نباشد اما یک سند جایگزین یا به موازات این سند قرار بگیرد و بدون اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی در جریان موضوع قرار بگیرد، مراحل بحث‌هایش را طی می‌کند و بعد یک کمیته ملی برایش شکل می‌گیرد و یک ساختار از مرکز تا استان برای اجرا کردن و با اولویت و با فوریت سند ۲۰۳۰. ما این را اشکال می‌دانیم و این را آن موقع مشفقانه گفتیم.

شما قبل از فرمایشات حضرت آقا این مساله را مطرح کردید؟

▲ بله، من از آذر ۹۵ گفتم. اصلاً حضرت آقا در ایام هفته معلم و در دیدار با معلمان در هفدهم اردیبهشت ۹۶ و چند هفته قبل از انتخابات این مساله را فرمودند. من چند ماه قبل در جلسات تخصصی به خود همین دوستان گفتم.

در صحن هم مطرح می‌شد؟

▲ در صحن شورای عالی که وزیر محترم آموزش و پرورش باید بیاید و گزارش دهد، یک بار هم گزارش نداد. نه، بعد از اینکه شما...

▲ بعد از اینکه ما در دستور گذاشتیم، دوستانی نسبت به موضوع اعتراض کردند. جناب آقای رئیس‌جمهور گفتند که در دستور قرار گیرد. قبل از عید در نوبت دستور بود، به دستور نرسید. بعد از عید قرار شد بحث شود که سخنرانی حضرت آقا که مطرح شد و بعد ما چرا و مباحث بعدی در گرفت که البته عده‌ای بدسیلی‌گی‌هایی هم انجام دادند و این تذکر و هشدار مشفقانه رهبری را می‌خواستند به یک چالش برای کشور تبدیل کنند. رئیس‌جمهور هم از قبل گفته بود که در دستور شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد.

بعد از اینکه حضرت آقا دوباره تأکید فرمودند باز هم شورا در دستور نمی‌گذارد.

▲ در شورا در دستور بود منتها فاصله‌ای افتاد. چون دیگر تقریباً آخرین جلسه‌مان در فروردین ماه بود. بعد که قرار بود جلسه بعدی تشکیل شود به تبلیغات انتخاباتی خورده بود. همه کاندیداها از جمله رئیس‌جمهور محترم هم درگیر کارهای انتخابات بودند و دیگر تا بعد از انتخابات جلسه نداشتیم.

یعنی بعد از انتخابات می‌شود همان جلسه‌ای که...

▲ یک جلسه قبلیش بحث شد و جلسه بعد پیش‌نویس ملغی شدنش را هم در دستور آوردیم و بعد ملغی شد.

جلسه قبلیش ملغی نشد و جلسه بعدش در واقع ملغی شد.

▲ بله. قرار بود در دستور قرار بگیرد و روی آن بحث شود. اعضای هم بودند و تذکراتی را دادند، منتها وقتی که دیگر نظر مقام معظم رهبری مطرح شد خود

جناب آقای رئیس‌جمهور و اعضا گفتند که دیگر بحث اضافه‌ای روی این موضوع نکنید. در اینجا یک پراتنز در محتوای این باز می‌کنم. مدیرکل یونسکو در همان زمانی که بخش آموزش ۲۰۳۰ تصویب می‌شود می‌گوید که ما اهداف جهانی و سیاست‌های خودمان را از طریق همین سند آموزش جلو خواهیم برد و این را به متن درسی کشورها تبدیل می‌کنیم و کشورها را به کشورهای شمال و جنوب تقسیم می‌کنیم. کشورهای شمال یعنی کشورهای پیشرفته و کشورهای جنوب یعنی کشورهای درحال توسعه. یعنی در حقیقت پیام این حرف این است که اینها قدرت برنامه‌ریزی برای خودشان ندارند و ما باید به اینها برنامه دهیم و دیکنه کنیم و برنامه ما برای اینها همین متن سند ۲۰۳۰ است. یا مثلاً آنجا دارد که شهروند جهانی باید تربیت شود. شهروند جهانی یعنی چه؟ یعنی تمام قواعد و مقررات و قوانینی که غرب می‌گوید اینها باید در جوامع ساری و جاری باشد، اگر قرار است از شما شهروند جهانی تعریف کنیم، باید همان شوید. حالا تعریف ما از شهروند جهانی این است؟ ما می‌گوییم که شهروند آزادی دارد. آزادی دین، فرهنگ و عقیده دارند. اما او می‌گوید که من دختر باحجاب به دانشگاه راه نمی‌دهم. مگر فرانسه این کار را نکرد؟ مگر نگفت که به مدرسه راه نمی‌دهم؟ تراز شهروند جهانی این است که با حجاب نباید وارد دانشگاه شوید. این را می‌گوید. یا مثلاً وقتی می‌گویند این نماد دینی شماست، شما حق ندارید از دین در سطح جامعه حرف بزنید. این با آموزه‌های مایحلی فاصله دارد. ضمن اینکه من عین تعریف جناب آقای ظریف را که در شورای انقلاب فرهنگی به خاطر همین موضوع هم تشریف آورده بودند بیان می‌کنم. دو جلسه بحث کردیم و یک جلسه کامل آقایان آمدند و گزارش دادند. هم آقای فانی که وزیر قبلی بود، هم وزیر وقت که آقای دانش‌آشتیانی بود و هم آقای ظریف. آقای ظریف فرمودند من هم قبول دارم آنها اول هنجارسازی می‌کنند و بعد حقوقی اش می‌کنند. یعنی اینکه آنها می‌گویند ما الان زور نمی‌گوییم که این را اجرا کنید ولی به تدریج می‌گویند که چرا این اجرا نشد، چون بازرسی می‌گذارند، بررسی و ارزیابی می‌گذارند و در اجرا کردن آن به شما نمره می‌دهند. به قول ایشان اول هنجارسازی می‌کنند و بعد این را حقوقی می‌کنند. حقوقی شدن یعنی اینکه تبدیل می‌شود به اینکه یک کشوری را محکوم کند و یک کشوری را محکوم نکند.

آقای دکتر روحانی در آن جلسه در این مورد چه گفتند؟

▲ خود آقای رئیس‌جمهور در جلسه شورای عالی به لغوای دادند. عزیزان ما در وزارت خارجه حتی موقعی که این موضوع مطرح شده بود در یک جلسه مطرح کردند که در آنجا به هیات آموزش و پرورش تذکر می‌دهند که شما باید تحفظ دهید و بعد نماینده وزارت خارجه می‌گوید که اگر ندهید ما جلسه را ترک می‌کنیم و می‌گوییم بدون هماهنگی با ما بوده است. یعنی می‌خواهم بگویم این حساسیت را ببینید. این نشان می‌دهد که بدون اینکه یک جایگاه سیاست‌گذاری کلان در کشور در جریان یک موضوع به این مهمی که می‌تواند در تربیت نسل‌های آینده تأثیرگذار باشد، حضور نداشته است. وقتی که وارد شد، همگان کمک کردند که این موضوع کنترل شود و به قول معروف نسبت به لغو آن هم همه رای دادند. بعد الان نکته‌ای که داریم این است که سند تحولی که آقا فرمودند بدین شرح است؛ این نامه‌ای است که در تاریخ ۹۶/۴/۴ جناب آقای محمدی گلپایگانی پی‌نوشت مقام معظم رهبری را برای جناب آقای رئیس‌جمهور ابلاغ کردند که رونوشت آن هم برای من آمده: «خطاب به آقای دکتر روحانی رئیس‌جمهور شورای انقلاب فرهنگی سلام علیکم. مقام معظم رهبری پس از ملاحظه



کسی که یک خرده هم حجابش نقص دارد، خودش را با حجاب می‌داند و حجاب را قبول دارد. ما چرا باید اصرار کنیم که نه، قبول ندارد؟

ساختار اتفاق بیفتد و بعد این قانونمند شود. یعنی همه به آن مقید شوند، چه دولت، چه قوه قضائیه، چه قوه مقننه و چه دستگاه‌های دیگر. ما الان می‌بینیم که بعضی وقت‌ها یک عزیزی در دستگاه اجرایی بعضی مصوبات را اجرا نمی‌کند. حداکثر این است که یک تذکر بفرستیم، تماس بگیریم و پیگیری کنیم.

با توجه به مشخصات پیوست فرهنگی در دولت و مصوبات فرهنگی، حضور دبیر شورا در آنجا الزام است؟

▲ نه، خیلی تفاوتی نمی‌کند. آن الزامات و اختیارات و در حقیقت دایره مأموریتی که داده می‌شود، باید به تناسب آن و متناظر با آن اختیارات داده شود. من می‌گویم اینها الان با هم همخوانی ندارند.

این منافات ندارد شما خواسته حضرت آقا را هم داشته باشید که ساختار به مصوبات تبدیل شود و اگر شما به دولت نزدیک شوید و عضو دولت باشید، به پیوست‌های فرهنگی مصوبات هم توجه بیشتری می‌شود.

▲ من همیشه گفته‌ام که ما دو نهاد استراتژیک شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی را در کشور داریم که یکی در حوزه امنیت و دیگری در حوزه فرهنگ و علم باید اقتدار داشته باشند. اقتدار به معنای جایگاه قانونی و جایگاه همراه با مأموریت‌هایی که به آنها داده می‌شود، اختیارات داشته باشند و بتوانند مصوباتشان را اعمال کنند و فقط ابلاغ نباشد. بتوانند پیگیری کنند و ضمانت‌های اجرایی کردن مصوباتشان را داشته باشند. شاید در حوزه امنیت این اقتدار کمی قوی‌تر است اما در حوزه فرهنگ این‌طوری نیست. اگر چارچوب اختیارات قانونی مشخص نباشد، قابلیت این را دارد که هر کسی هر کاری که انجام می‌دهد را انجام دهد و بگوید که این همان کاری است که به صورت مصوبه به من ابلاغ کردید. در حالی که ما می‌بینیم که بخشی از مصوبات شورای عالی به دلیل اینکه دستگاه اجرایی قائل نیست یا مسئول اجرایی یا مسئولی که این ابلاغیه به آن خطاب شده، باور به این مصوبه ندارد یا بدسلیقگی و درست درک نکردن محتوای این سیاست که فاصله سیاست و اجراست؛ البته که باید فکری برای ضمانت اجرایی بکنیم. می‌بینیم که به این دلایل بعضی وقت‌ها مصوبه معطل می‌ماند. واقعا من معتقدم بالای ۶۰ درصد مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، در خیلی از مقوله‌ها به‌رغم نداشتن همه این عوامل ضمانت‌بخش، اجرایی شده. حالا هر کدام که فکر کنید، در دانشگاه، علم و بخش‌هایی از حوزه فرهنگ هم همین‌طور است. الان مثلا ما در حوزه فرهنگ، نظام‌مند شدن موضوع کتاب و نشر را داریم که جزو مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

در مورد سینما چه کرده‌اید؟

▲ نزدیک به سه سال است که سند سینما را آماده کرده‌ایم و هنوز نتوانسته‌ایم در صحن شورای عالی انقلاب فرهنگی این را به تصویب برسانیم. یعنی می‌خواهم بگویم دبیرخانه در موارد مورد نیاز، سیاست‌ها و ضوابط مورد نیاز را تدوین کرده‌است. در موسیقی هم همین‌طور است. ما سند موسیقی را آماده کرده‌ایم. برخی می‌گویند سند موسیقی یعنی چه؟ به موسیقی چه کار دارید؟ من می‌گویم که نظام باید تکلیف خود را به موسیقی روشن کند.

بله، اینکه در مورد موسیقی چه چیزی را ترویج کنیم و آیا هر چیزی که پخش شد، در آن تشکیک کنیم یا اشکال بگیریم، یا اینکه واقعا اگر آن چیزی که اشکال ندارد و همگان بگویند که اشکال ندارد باید بپذیریم. یا حتی اگر یک موسیقی فاخر است و می‌تواند جهت را به سمت آرمان‌ها و اصالت ملی و بین‌المللی سوق دهد، چرا

نقش رئیس‌جمهور در شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقش قابل توجهی است. در دوره جناب آقای روحانی هم اتفاقات خوبی افتاد. من اولاً به شما بگویم که ایشان در دوره چهارساله قبلی، جلسات را به‌طور منظم شرکت می‌کردند و باورشان شد که این شورا یک شورای نخبگانی است

در شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس‌جمهور رئیس است و روسای قوای دیگر ما نایب‌رئیس‌اند. هرگاه که رئیس‌جمهور به هر دلیلی نتواند در جلسات حضور پیدا کند، جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند با ریاست نایب‌رئیس اداره شود. در واقع رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه نواب رئیس هستند. ایشان در دوره‌ای که خدمت‌شان هستیم، مقید هستند که خودشان جلسات را اداره کنند. بنابراین شاید به همین دلیل تعداد جلسات مان در بعضی از مقاطع کم شده اما عمدتاً دو هفته یک‌بار جلسات مان برقرار شده. در موارد نادری که ایشان سفر بودند یا تائیدی که کردند من خودم می‌خواهم حضور داشته باشم یعنی مقید بودند خودشان حضور داشته باشند و می‌گفتند در صورت امکان این جلسه را به تأخیر بیندازید و یک جلسه فاصله بیفتد.

دوره اول آقای احمدی نژاد با دوره دوم‌شان خیلی متفاوت بود؟

▲ نه، بالاخره تفاوت در این است که یک تغییر نگاهی اتفاق بیفتد. این تغییر نگاه می‌تواند در حمایت از شورای عالی انقلاب فرهنگی، در مقید بودن به اجرایی شدن مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد و به هر حال روسای قوا و به‌ویژه رئیس‌جمهور نقش کلیدی در اجرا شدن و ضمانت‌بخشی به مصوبات شورای عالی دارند و اگر آن نگاه که باید نگاه تقویتی، تأکیدی و پشتیبانی باشد به نوعی تضعیف شود، دیگر آن حمایت‌ها کاهش پیدا می‌کند و بالطبع اجرایی شدن مصوبات ممکن است دچار نقصان و کاستی شود. دوره اول کاملاً با دوره دوم تفاوت داشت. این تفاوت‌ها در صحن هم وجود دارد.

فکر می‌کنید دبیر شورا لازم است که در جلسات هیأت دولت باشد؟

▲ تا الان که بحثی نشده است. البته من با قرارگاه شدن شورای عالی انقلاب فرهنگی به شرط اینکه الزاماتش شکل بگیرد کاملاً موافقم و باید این به نوعی قانونمند شود. چون الان یک عده‌ای هنوز بعضی وقت‌ها تشکیک می‌کنند به‌رغم اینکه گفته می‌شود این و دیعه امام است و بعد امام فرمودند باید ترتیب آثار شود و بعد رهبری انقلاب فرمودند که این مَر قانون است و در حکم قانون است. بارها و بارها روی این تأکید شده و یک شورای ماندگار دوراندیشانه‌ای توسط حضرت امام شکل گرفته است. همه این چیزها وجود دارد، با این حال وقتی می‌خواهد در صحنه خودش را نشان دهد یک عده باز تشکیک می‌کنند که در قانون اساسی هست یا نه؟ ما می‌گوییم وقتی رهبری و ولایت این‌را گفته، که دیگر قانون می‌شود. حتی اگر شما باب اصل ۱۱۰ قانون اساسی و اختیارات ولی فقیه را ببینید، ولی فقیه تشخیص داده، یک بخشی از امور علمی و فرهنگی که جزو اختیارات‌شان است از طریق این شورا انجام بگیرد. من معتقد به قرارگاه شدن هستم. شاید هم اگر بخواهم نقد کنم، در مورد اشکالات، کاستی‌ها و گره‌ها به‌نظم بیش از خیلی‌ها می‌توانم اظهارنظر کنم. اما من در مقامی نیستم که الان بگویم آیا زمینه برای قرارگاه شدن وجود دارد یا نه؟ چون این احتیاج به این دارد که یک تغییر

گزارش‌های تخصصی در رابطه با سند آموزش ۲۰۳۰ و مطالب مطروحه در جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند، از آنجا که سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش به مثابه محصول مشارکت صدها تن از نخبگان کشور بود و همچنین بررسی در بیست و سه جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی یک سند عالمانه جامع، منسجم، پیشرو و قابل افتخار است. ضرورت دارد ضمن لغو مصوبه ۹۵/۶/۲۱ هیأت محترم وزیران از این پس تمامی اقدامات در آموزش و پرورش صرفاً براساس این سند صورت گرفته و از رسمیت دادن به هرگونه سند موازی از جمله چارچوب اقدام ملی آموزش ۲۰۳۰ که می‌تواند ضمن نقض استقلال کشور و همچنین ایجاد ابهام و دوگانگی اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را تحت الشعاع قرار دهد، بحد پرهیز شود.» البته فرمایش حضرت آقا مربوط به یک‌ماه بعد از مصوبه لغو ما در شورا بود.

ظاهراً در جلسه آقای روحانی گفته‌اند که نگویید لغو شده بگویید از دستور کار خارج شده!

▲ نه، چنین چیزی را ایشان نفرمودند. اصلاً برای لغوای گرفتیم.

شما از سال ۸۵ دبیر شورا بوده‌اید، بفرمایید نگاه آقای احمدی نژاد به فرهنگ چطور بود؟

▲ هرکسی را در یک بازه زمانی باید تحلیل کرد. شورای عالی انقلاب فرهنگی فراز و نشیب‌های مختلفی را در دوره‌های زمانی گوناگون طی کرده است. یک وقتی شورای انقلاب فرهنگی به‌گونه‌ای بود که رئیس‌جمهور وقت برای امور جزئی و اجرایی و گره‌های فرهنگی از شورای عالی انقلاب فرهنگی استفاده می‌کرد. بیشتر از این حد شورا بهره نمی‌گرفت و فضا ایجاد نمی‌کرد. یک دوره که در دوره اصلاحات بود گفته می‌شد که فقط شورای انقلاب فرهنگی باید بنشیند و سیاست بنویسد که بعضی از آقایان تعبیر می‌کردند که مافقط «عبارت نویس» شده‌ایم. در حالی که قرارگاه چنین تعریفی ندارد. یک دوره‌ای هم که من آن را تقسیم می‌کنم به دوره اول و دوم آقای دکتر احمدی نژاد. ایشان قبول داشت که شورای عالی انقلاب فرهنگی وارد این بحث‌های دوره اول شود، بنابراین چه خودش و چه روسای دیگر قوا در جلسات به صورت محکم می‌آمدند. بحث‌های استراتژیک بحث عمده‌اش در همان چند سال آمده شد چون هم حمایت و هم باور به این مساله بود. بعد که آن اشکالات، اختلافات و اختلالات پیش آمد که به‌نظم اینها نه برای یک رئیس‌جمهور و نه برای کشور خوب هم نبود. این نقصان و این اختلال در شورای عالی فرهنگی هم تا حدودی پیش آمد. بنابراین در جاهایی هم تلاش می‌شد که مصوباتی از شورا گرفته شود که شورا هم مقاومت می‌کرد ولی در جاهایی هم ممکن بود اتفاقاتی بیفتد. بنابراین اگر بخواهیم واقع‌بینانه بگوییم در خیلی از موارد کارهایی را انجام دادیم. یعنی بالاخره طی این ۱۵ سال گذشته یک دوره ایشان رئیس‌جمهور بودند و یک کارهایی هم کرده‌اند. بالاخره نقش رئیس‌جمهور در شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقش قابل توجهی است. در دوره جناب آقای روحانی هم اتفاقات خوبی افتاد. من اولاً به شما بگویم که ایشان در دوره چهارساله قبلی، جلسات را به‌طور منظم شرکت می‌کردند و باورشان شد که این شورا یک شورای نخبگانی است.

برخی سایت‌ها در زمان انتخابات از کم‌توجهی آقای روحانی نسبت به شورای انقلاب فرهنگی یاد می‌کردند.

▲ این را باید اذعان کرد که ایشان اولاً تمام جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی را شرکت کردند و حتی یک جلسه هم غیبت نداشتند. البته یک نکته این بود که

تقویت و پشتیبانی نشود؟ معلوم شود که بین موسیقی فاخر و مبتذل فرق هست. اینها چه عیبی دارد؟ اینها مسائلی است که در سند موسیقی آمده و سند آماده شده و ما هنوز در نوبت دستور شورای عالی انقلاب فرهنگی هستیم. سند سینما آماده است. ما فکر می‌کنیم سینمای ملی ما یکی از سرمایه‌های کشور ماست. زبان سینما و زبان هنر می‌تواند کشور ما را به اوج برساند. ما حرف‌های زیادی در سینما داریم اما چون این اسناد تدوین شده و بعضا تصویب نشده یا جاهایی باید تکمیل شود، می‌بینیم که مرتب در صنت سینما چه به لحاظ محتوایی و چه به لحاظ شکلی، چه به لحاظ پشتیبانی و چه به لحاظ حمایت‌های مادی و معنوی، اشکال، نابسامانی و آشفته‌گی داریم و خیلی از دلسوزان سینما می‌خواهند که این اتفاق بیفتد. یعنی دارای مجموعه نظام‌مند سینمایی در کشور شویم و سینمای ما هم اتفاقاً ظرفیتش را دارد. سینمای ما هم به لحاظ محتوایی و هم داشتن انسان‌های شایسته و فرهیخته و ضعیف خوبی دارد اما این سردرگمی، این اختلالات را هم با خودش دارد. یکی از وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی، تدوین و تصویب سند سینمای کشور است. این را آماده کرده‌ایم و بیش از سه سال است همه آن کسانی که در این زمینه حرف دارند، حرف زده‌اند. نمی‌گوییم کامل است، می‌گوییم وقتی دوباره در صحن مطرح شد، خودبه‌خود تکمیل شدنش اتفاق می‌افتد. در سند علم کشور دو بار سند نقشه جامع علمی در صحن شورای عالی انقلاب فرهنگی رفت و دوباره پس زده شد و گفته شد که این کامل نیست و دوباره یک سال کار شد و از نخبگان بیشتری دعوت، بعمل آمد. ولی وقتی در چرخه نخبگان گفتمانی یک موضوع مهم قرار بگیرد، حتماً همه آن کسانی که حرفی برای گفتن دارند و تا آن موقع هم نگفته‌اند، به جمع ملحق می‌شوند و با ارائه نظرات این موضوع را کامل می‌کنند. من فکر می‌کنم ما الان باید هرچه زودتر این سند را در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کنیم. و دبیرخانه این کار را کرده است. ما در مورد اخلاق حرفه‌ای کار کرده‌ایم. هنوز در مورد اخلاق حرفه‌ای مطلب داریم. اخلاق حرفه‌ای لایه بیرونی است که ذیل آن وجدان کاری و انضباط را می‌بینید؛ کار مردم را سریع‌تر راه انداختن می‌بینید، شفافیت سلامت اداری را می‌بینید، همه اینها ذیل این سند می‌تواند تعریف شود. بنابراین فکر می‌کنم خیلی کار برای انجام دادن داریم. یعنی من می‌خواهم بگویم که یک کارهایی انجام داده‌ایم. ادعا هم نمی‌کنیم که خیلی زیاد بوده اما یک مقدار از کارهایی که برای یک کشور نشان دهد ما

می‌توانیم در عرصه‌های دارای اولویت‌مان دارای برنامه و سند قابل قبول باشیم، تدوین شده. در حوزه‌های علم، نخبگان، آموزش و پرورش، فرهنگ و بخش‌هایی از هنر هم اسناد مصوب داریم.

تغییر و تحولات در دانشگاه آزاد را چطور می‌بینید؟

▲ آقای دکتر ولایتی بعد از ارتحال حضرت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی رحمه‌الله علیه از ناحیه مقام معظم رهبری به عنوان رئیس هیات موسس انتخاب شدند و مسئولیت پیدا کردند. چون دانشگاه آزاد یک سرمایه نظام است. دانشگاه آزاد با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۶۱ ایجاد شده و همه بزرگان نظام در اینکه این دانشگاه برای کشور مورد نیاز است از قبل اتفاق نظر داشته‌اند و الان هم همین‌طور است. حتماً باید دانشگاه آزاد اولاً تقویت شود، ثانیاً نظام‌مند شود، ثالثاً اگر اشکالات و اختلالاتی در بخش‌های مختلف آن چه مدیریت، چه پژوهش، چه آموزش، چه مسائل مالی و اقتصادی وجود دارد، دارای یک نظام منسجم شود که حاصل و برآیندش در اختیار کشور و نظام قرار بگیرد. آقای ولایتی برای اینکه این کارها را انجام دهد و دوستان‌شان برای این کار آمده‌اند، حتماً از همه ظرفیت‌های خوب دانشگاه آزاد در ابعاد مختلف چه نیروی انسانی و چه به لحاظ ساختاری استفاده خواهند کرد و من فکر می‌کنم ان شاء الله با ظرفیت‌سازی که آقای دکتر ولایتی و آقای دکتر رهبر و دوستانی که الان در دانشگاه آزاد اسلامی مسئولیت دارند و خودشان را هم مقید به حرکت کردن در چارچوب قوانین می‌دانند به سمت خوبی می‌رویم. مثلاً جزو اولین دیدگاه‌هایی که آقایان مطرح کردند اینکه ما خودمان را در چارچوب آمایش آموزش عالی می‌بینیم که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است. چه در بخش سلامت و چه در بخش آمایش آموزش عالی در حوزه غیر پزشکی. یا بحث کیفیت در دانشگاه آزاد که می‌دانید توجه و تمرکز روی کمیت بیش از اندازه حتماً کیفیت را دچار آسیب می‌کند. یا مساله متناسب‌سازی گروه‌های تحصیلات تکمیلی با ظرفیت‌های فنی و تخصصی در دانشگاه آزاد که بخشی از آن استاد و بخشی تجهیزات و امکانات است. من فکر می‌کنم اگر این رویکردها به دور از شائبه‌های سیاسی استمرار پیدا کند، هم تقویت شود و هم از جوانب مختلف به آن مشورت داده شود؛ دانشگاه آزاد نواقضش برطرف خواهد شد. اشکالاتی که در بعضی از موارد وجود دارد هم باید برطرف شود و بتواند دانشگاه آزادی شود که تراز انقلاب اسلامی

است. الان شما ملاحظه بفرمایید در بخش‌هایی که دانشگاه آزاد، دانشجو به خصوص در رشته‌های علوم انسانی گرفته به لحاظ متن، استاد و کم و کیف تدریس اشکالاتی وجود دارد. نمی‌گوییم در دانشگاه دولتی ممکن است وجود نداشته باشد، آنجا هم ممکن است وجود داشته باشد، اما اینکه بخش عمده‌ای از دانشجویان در رشته‌های علوم انسانی پذیرش شوند با این گمان و فکر که علوم انسانی دیگر آزمایشگاه و تجهیزات گوناگون نمی‌خواهد و یک کلاس و یک استاد که درس دهد، دیگر کفایت می‌کند، این تفکر صحیح نیست. درحالی که این استاد باید متن مناسب داشته باشد، دایره علمی یا ظرفیت علمی‌اش قابل قبول باشد. دانشجویان هم هدفدار انتخاب شده و آمده باشند که این رشته‌ها را بخوانند. چون سیل بی‌رویه پذیرش دانشجو منجر به افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان می‌شود. باید کارآمدی و کارایی جزو اولویت‌ها قرار بگیرد و باید در دانشگاه آزاد جزو برنامه‌ها قرار گیرد.

آقای دکتر ولایتی بار دوم است که این حرف را تکرار می‌کنند؛ اینکه اساتیدی حرف‌هایی می‌زنند که مطابق با انقلاب اسلامی نیست و به تعبیر ایشان حرف‌های ضدانقلابی می‌زنند و ایشان گفته‌اند که اگر کسی نمی‌تواند خودش را تطبیق دهد ما اصرار نداریم... نظر شما در این مورد چیست؟ آیا گزارشات در این مورد داشته‌اید؟

▲ همیشه گزارش‌ها در این مورد نادر بوده است. هم در دانشگاه آزاد و هم در دانشگاه دولتی مواردی را داشته‌ایم. این گونه نیست که فکر کنیم هرکسی که در دانشگاه درس می‌دهد خودش را در چارچوب ارزش‌های این جامعه، انقلاب، کشور و نظام قرار می‌دهد. ما حتی بعضی وقت‌ها نمی‌گوییم فردی که کار علمی می‌کند لزوماً باید ویژگی‌های یک عنصر انقلابی و متدین را داشته باشد. ولی باید به منافع ملی و ارزش‌هایی که این مردم به آن پایبند هستند، توجه کند. اگر کسی به اینها توجه نکرد چه در دانشگاه دولتی باشد و چه در دانشگاه آزاد این خلاف رویه است. منتها اینها بسیار معدود، اندک و به قول معروف موارد شاذ و نادر هستند. کسی نیست که مخالف نظر دکتر ولایتی باشد. یک وقتی کسی هست که در کلاس و درس، نقدی را متناسب با درس علمی‌اش می‌کند، جای خودش را دارد اما اگر توهین، افترا و تشکیک در آن باورهای دینی جوانان ما باشد، محل سوال است. ►



محمد رضا عارف اظهار نظر مهمی در مورد پایان ائتلاف با اعتدال گرایان داشته است. این سخنان غیر منتظره محمد رضا عارف است که موجی از واکنش‌ها را به همراه داشته است. او عملاً از پایان ائتلاف گفته و رسماً به عنوان رئیس شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان از حضور مستقل اصلاح‌طلبان در انتخابات سخن به میان آورده است.



اعلام جدایی

عارف از پایان ائتلاف
اصلاح‌طلبان - اعتدال‌گرایان گفت

علی گنجی

روزنامه نگار

۱ «پیش‌بینی من این است که ما در انتخابات سال ۹۸ هم با پرچم اصلاح‌طلبانه وارد می‌شویم یعنی ائتلاف نمی‌کنیم؛ به اندازه کافی هم نیرو داریم و با تعاملی که با شورای نگهبان داریم و با تغییر نگرشی که در برخی از نهادهای حاکمیتی نسبت به جریان اصلاحات به وجود آمده است، ان شاء الله به این نتیجه برسیم که تأیید صلاحیت‌ها روند عادی و قانونی را طی کند و همانند انتخابات‌ها با تورم نیرو مواجه باشیم؛ خوشحال هم می‌شویم که تورم نیرو داشته باشیم. در شورای شهر مشکل ما همین بود که به اندازه کافی با نیروهای واجد شرایط که می‌توانستند در لیست ما قرار بگیرند رو به رو بودیم، بنابراین کمبود نیرو نخواهیم داشت و طبیعتاً می‌توان این

لیست را از سراسر کشور براساس راهبردی که در آن زمان اعلام خواهد شد ببندیم. پیش‌بینی من این است که در ۹۸ ائتلافی در کار نخواهد بود ولی در عین حال شورا باید تشکیل شود و در مورد این مسأله تصمیم‌گیری کند.» این اظهار نظر غیر منتظره محمد رضا عارف است که موجی از واکنش‌ها را به همراه داشته است. او عملاً از پایان ائتلاف گفته و رسماً به عنوان رئیس شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان از حضور مستقل اصلاح‌طلبان در انتخابات سخن به میان آورده است.

همه علیه عارف

سخنان عارف با پاسخ‌های مهربانانه طیف همراه آنها در انتخابات‌های گذشته همراه نشد. محمد عطریانفر، عضو حزب کارگزاران که از حامیان دولت روحانی محسوب می‌شوند، این اظهار نظر عارف را اظهار نظری شخصی

برشمرده و گفته: «اظهار نظر روی مباحث کلان، کلیدی و راهبردی نمی‌تواند اظهار نظر فردی باشد و حتماً باید در زمان و در کانون جمعی اصلاح‌طلبان و با رعایت اقتضائات سیاسی و البته با محوریت شخصیت‌های جامع‌الاطراف از جمله آقای عارف طرح شوم» حسن‌رهامی که یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب است، در خصوص سخنان عارف گفته که «موضع‌گیری نسبت به چگونگی آرایش سیاسی در انتخابات ۹۸ خیلی زود است و نظر عارف در مورد چگونگی حضور در انتخابات مجلس یازدهم نظر شخصی او است نه نظر مجموعه اصلاحات.» محمد جواد حق‌شناس، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی هم گفته که شاید الان زمان مطرح شدن این موضوع نیست زیرا جریان اصلاحات باید ابتدا عملکرد گذشته خود را آسیب‌شناسی کرده و اگر لازم است در ساختار خود تجدید نظر کند و با ساختار جدید به دنبال تعیین راهبردهای

خود برای انتخابات ۹۸ باشد تا بتواند تا تکنیک‌های انتخاباتی لازم را انتخاب کند. علی محمد حاضری فعال سیاسی اصلاح طلب هم گفته است: «تعامل گری با سایر جریان‌ها به عنوان رویکرد و جهت گیری اصلاح طلبان بوده و این رویکرد نه براساس تصمیم گیری‌های فردی، بلکه براساس عقلانیت جمعی اصلاح طلبان است.» او در پاسخ به این سوال که اظهارنظر عارف به معنای جدایی اصلاح طلبان از حامیان دولت است، گفته: «جریان اصلاح طلب رویکرد تعامل گرایی خود با جریان‌های عاقله کشور را ادامه داده ولی مصادیق آن براساس تعامل با جریان‌ها و احزاب دیگر شرایط زمانی و تصمیم گیری جمعی مشخص می‌شود.»

جلال میرزایی عضو فراکسیون امید مجلس دهم با بیان اینکه «بدنه اجتماعی اصلاح طلبان چنین خواسته‌ای داشته‌اند و عارف آن را بیان کرده» گفت: «سیاست‌ورزی در ایران پیچیدگی‌هایی دارد و اکنون نمی‌توان نسخه‌ای را برای آینده که همان انتخابات سال ۹۸ است، پیچید.» وی همچنین ابراز عقیده کرد: «خواست بدنه اجتماعی اصلاح طلبان این است که حساب کسانی که با حمایت اصلاح طلبی به مجلس راه یافتند و راه دیگری را رفتند، مشخص شود.» قاسم میرزایی نگو نماینده دماوند و عضو فراکسیون امید مجلس با تأکید بر اینکه «نگرانی‌های عارف باید سریع و با فراغ بال بررسی شود» اظهار داشت: «ما در مجلس شاهد جریان‌های سودی هستیم که نه اصولگرایی مبنایی بودند و نه اصلاح طلب شاخص و به نوعی در مجلس نقش آفرینی کردند که برخی تعادل‌ها به هم ریخت، اما باید پذیرفت که در نهایت عملکرد این مجموعه به نفع اصولگرایان تمام شد.» محسن رهامی، عضو انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها نیز معتقد است موضع گیری نسبت به چگونگی آرایش سیاسی در انتخابات ۹۸ خیلی زود است و نظر عارف در مورد چگونگی حضور در انتخابات مجلس یازدهم نظر شخصی او باشد نه نظر مجموعه اصلاحات. وی همچنین اظهار داشت که تا انتخابات مجلس زمان زیادی باقی مانده و باید کیفیت آرایش نیروهای سیاسی و موضع شورای نگهبان برای تأیید صلاحیت‌ها را هم در نظر گرفت. همچنین عبدالله ناصری فعال سیاسی اصلاح طلب تأکید کرد: «در حال حاضر برای چگونگی نحوه حضور در انتخابات آتی زود است که تصمیم بگیریم اما همواره اصلاح طلبان براساس عقلانیت و خرد جمعی در انتخابات‌ها حضور پیدا می‌کنند.»

اصلاح طلبان در وضعیت نامتعادل سیاسی هستند

در همین حال عباس عبدی کارشناس مسائل سیاسی

و فعال سیاسی اصلاح طلب در یاداشتی که در هفته‌نامه صدا منتشر شد، نوشته است: «اصلاح طلبی در چه وضعیتی است؟ آینده آن چیست؟ در صورت ادامه وضع موجود چه خواهد شد؟ آیا نیازمند خط‌مشی و راهبرد جدیدی است؟ آیا تشکیلات جدیدی نیاز دارد؟ آیا احزاب و گروه‌های جدیدی می‌توانند موفق شوند؟ و آیا ضرورتی بر شکل گیری این نوع تشکیلات و احزاب هست؟ پرسش‌هایی از این دست پاسخ بسته‌بندی شده‌ای ندارد. اصولاً پاسخ‌هایی این چنینی بیش از آنکه محصول ذهن و هوش و ذکاوت یک نفر باشد، از خلال گفت‌وگوهای آزاد و همه‌جانبه میان افراد ذی‌ربط به دست می‌آید. بنابراین هر اظهارنظری از جانب هر فرد از جمله بنده، فقط در حد یک نظر است و نه بیشتر. البته گفت‌وگو می‌تواند و ترجیح دارد که در عرصه عمومی انجام شود و رسانه‌های جمعی بهترین محل برای انجام این گفت‌وگو هستند و پیشنهاد می‌شود که «صدا» به صورت جدی تری با طرح پرسش‌های اساسی، افراد و کنشگران اصلاح طلب را درباره این پرسش‌ها به چالش بکشد. واقعیت این است که نه تنها اصولگرایان، بلکه اصلاح طلبان نیز در وضعیت نامتعادل سیاسی هستند. وجود برخی از تناقضات در راهبردهای آنان و نیز ناهماهنگی میان راهبردها و تکنیک‌های آنان، به علاوه اقتضایی بودن خط‌مشی‌های اجرایی آنان، جملگی سبب می‌شود که درک روشنی از رفتارهای آنان شکل نگیرد. با این مقدمه کوتاه می‌گویم که به چند نکته مقدماتی و پرسش اساسی در خصوص اصلاح طلبان اشاره کنم.

آیا اصلاح طلبان نیازمند احزاب و سازمان‌های جدید هستند؟ آیا احزاب جدید توانایی برداشتن این بار را دارند؟ هر حزبی متشکل از دو وجه محتوایی و شکلی است. هر حزب جدید باید حداقل در یکی از این دو وجه تغییر کرده باشد، تا به عنوان یک پدیده جدید شناسایی شود. در غیر این صورت تغییر افراد یا اسم به تنهایی نمی‌تواند آن پدیده را جدید نماید. از سوی دیگر هر پدیده جدیدی لزوماً بر پدیده قدیم ارجحیت ندارد. برای اثبات ارجحیت و برتری یا مفیدتر بودن خود باید دلیل بیاورد. منطق تغییرات محتوایی و شکلی خود را باید توضیح دهد. اگر از این زاویه نگاه کنیم احزاب جدید اصلاح طلب فاقد هرگونه نوآوری هستند. آنان در اندیشه و تحلیل و راهبرد خود تغییر قابل توجهی را بیان نکرده‌اند و نگفته‌اند که احزاب پیش از آنان چگونه فکر می‌کرده‌اند و اکنون این گروه چگونه می‌اندیشند و چرا اندیشه و تحلیل آنان با توجه به شرایط بر قبلی‌ها ترجیح دارد. همچنین ساختار تشکیلاتی و حتی عضوگیری آنان با پیشینیان نیز تفاوت قابل توجهی که

مشاهده شود ندارد. و از این دو جالب‌تر اینکه اکثریت افراد آنان نیز همان نیروهای قبلی هستند. فقط اسم تشکیلات آنان فرق کرده است. البته این تغییرات ایرادی ندارد و منطق موقعیت آن را توضیح می‌دهد و یک گام مثبت تلقی می‌شود ولی این پرسش بی‌پاسخ مانده که چرا فعالیت احزاب قبلی با بن بست مواجه شد تا مجبور شوند شبیه آن را در قالب جدید بازسازی کنند؟ اگر راهبرد قبلی‌ها درست بوده است و همان را ادامه خواهند داد، بنابراین دیر یا زود سرنوشت احزاب جدید هم مثل قبلی‌ها خواهد شد و اگر آن راهبرد اشکال داشته و به واسطه آن اشکال کار به اینجا رسیده است، پس آن اشکال چه بوده و اشکال مذکور را اکنون چگونه برطرف کرده‌اند؟

متأسفانه دوستان و احزاب اصلاح طلب تاکنون به این پرسش ریشه‌ای نپرداخته‌اند که اگر راهبرد قبلی آنان ایراد نداشته است، پس چرا با این وضع مواجه شده‌اند؟ اگر این وضع را مطلوب و گریزناپذیر می‌دانند، تا کی می‌توانند به تکرار آن ادامه دهند؟ چگونه می‌توان یک راهبرد و حتی تاکتیک به نسبت ثابتی داشت که هم برای دوران ۷۶ تا ۸۴ کارآمد باشد و هم با دوران ۸۸ و پس از آن کنار آید و هم با ۹۲ به بعد همسو گردد؟ چنین راهبردی یا آن قدر کلی است که نقش راهنمایی کننده ندارد و یا اگر این نقش را دارد، حتماً برای برخی از این مقاطع پاسخ‌های آن نادرست خواهد داد. نکته دیگری که در خصوص اصلاح طلبان نباید نادیده گرفت، اظهارنظر مواضع فردی آنان است. البته به طور قطع نمی‌توان مانع از اظهارنظر کسی شد و نباید هم شد، ولی هنگامی که برخی افراد چسبندگی زیادی به هویت اصلاح طلبی دارند و اظهاراتی متفاوت از میانگین اصلاحات بیان می‌دارند، هزینه‌های آن اظهارات به کل اصلاح طلبان بار خواهد شد. این مساله متاثر از فقدان گفت‌وگو و نیز فقدان یک راهبرد قابل قبول نزد اصلاح طلبان است. این حد از تنوع و پراکندگی هزینه‌هایی را بر اصلاح طلبان باری می‌کند که مانع از پیشبرد اهداف آنان می‌گردد.

راز حرف‌های آقای عارف

شاید برخی معتقد باشند که خاطرات تلخ عارف از ائتلاف‌های گذشته موجب شده که اصلاح طلبان دیگر به ائتلاف فکر نکنند. چرا که اصلاح طلبان در ائتلاف‌های گذشته خود برای ماندن در قدرت، هویت اصلی اصلاح طلبی را زیر پا گذاشتند و تن به ائتلاف دادند اما این ائتلاف‌ها پیروزی چندانی دلچسپی نصیب آنها نکرد.

ثمره ائتلاف‌ها در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم، کناره‌گیری عارف به نفع روحانی و در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ناکامی اصلاح طلبان در کسب کرسی‌های کلیدی مجلس و انتخابات هیات رئیسه مجلس بود. عارف در سال ۹۲ به نفع روحانی کناره‌گیری کرد اما روحانی چه در دولت یازدهم و چه در دولت جدید، چندان روی خوشی به او نشان نداد و مطالبات اصلی اصلاح طلبان از سوی دولت پیگیری نشد، همچنین بی‌اعتنایی روحانی به نظرات فراکسیون امید در انتخاب وزرای کابینه دوازدهم و مشورت نکردن از آنها بر شدت این ناراحتی‌ها افزود. روحانی در مجلس دهم و در جریان انتخابات هیات رئیسه مجلس هم لاریجانی را بر عارف ترجیح داد. با این اوصاف به نظر می‌رسد که عارف مهمترین قربانی ائتلاف‌های گذشته اصلاح طلبان با دولتی‌ها بوده است. حال سوال اینجاست که دم‌زدن رئیس شورای سیاست‌گذاری اصلاح طلبان از «ائتلاف نکردن و متکی بودن بر نیروهای اصلاح طلب»، به دلیل «حفظ هویت اصلاح طلبی» است یا «یک مبارزه شخصی با روحانی»؟





از استقلال ضرر نخواهیم کرد

گفت‌وگوی مثلث با علی صوفی

امید کرمانی

خبرنگار

۲ علی صوفی می‌گوید پایان ائتلاف اصلاحات و اعتدال حرف جدیدی نیست، بلکه همان ابتدای مجلس دهم اتفاق افتاد. دبیرکل حزب پیشروی اصلاحات معتقد است: «اصلاح‌طلبان از ورود مستقل به عرصه انتخابات اصلاً ضرر نمی‌کنند و اکثریت کرسی‌های مجلس یازدهم را نیز به دست می‌آورند.»

قرار است اعتدال و توسعه بیشتر روی انتخابات ریاست‌جمهوری تمرکز کند و اصلاح‌طلبان بیشتر روی انتخابات شوراها، در واقع آن زمان صحبت از یک تقسیم کار بود، نه استقلال رویه اعتدال و اصلاحات.

▲ انتخابات ریاست‌جمهوری به شخص آقای روحانی مربوط می‌شد و آقای روحانی مسئول ستادش را تعیین کرد و تشخیصش این بود که ستادهای انتخاباتی خودش را به اصلاح‌طلبان واگذار کرد و در قالب اعتدال و توسعه به هیچ‌وجه عمل نکرد چون اداره و مدیریت ستاد انتخاباتی خودش را به آقای شریعتمداری سپرد و آقای شریعتمداری نیز تمام روسای ستادهای انتخاباتی استان‌ها را از اصلاح‌طلبان شناخته‌شده در آن استان‌ها انتخاب کرد. در واقع یک نوع گرایش آقای روحانی به سمت اصلاح‌طلبان دیده می‌شد ولی در انتخاب شورا می‌توانست اعتدال و توسعه و اصلاحات با هم باشند که

آقای محمدرضا عارف اخیراً اعلام کرد «سال ۹۸ اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس شورای اسلامی وارد ائتلاف با اعتدالیون نمی‌شوند»، آیا جریان اصلاحات براساس یک آسیب‌شناسی جمعی به این تصمیم رسید یا این نظر شخصی آقای عارف است؟

▲ اصلاح‌طلبان بعد از انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی به این تصمیم رسیدند، به‌ویژه اتفاقاتی که در جریان تعیین رئیس مجلس افتاد. همان زمان این بحث مطرح شد که ائتلاف صورت گرفته موفق نبود. بر همین مبنا دیدیم که در جریان انتخابات شورای شهر ائتلافی با اعتدالیان صورت نگرفت. به عبارت دیگر این رویکرد تازه‌ای نیست و بعد از تشکیل مجلس و مشخص شدن نتیجه ائتلاف با اعتدالیان، نظر اصلاح‌طلبان به سمتی رفت که دیگر در انتخابات شوراها با اعتدالیان ائتلافی صورت نگرفت.

امروز شما می‌گویید از همان انتخابات مجلس ائتلاف اصلاحات و اعتدال به پایان رسید و هر کدام رویکرد و مشی مستقل خود را دنبال کردند و این مساله خود را در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر و روستا نشان داد اما درباره این اتفاق توضیح دیگری داده شد به این شرح که

اساساً این اتفاق نیفتاد. یعنی آن ائتلافی که باید صورت می‌گرفت و نمونه‌اش را هم در تدوین لیست امید انتخابات مجلس دهم شاهد بودیم، در تدوین لیست امید شورای شهر اتفاق نیفتاد. کاملاً شورای عالی سیاستگذاری از بین اصلاح‌طلبان فراخوان کرد و از بین همان نیروهای اصلاح‌طلب گزینش نامزدهای نهایی را انجام داد. الان هم تمام اعضای شورای شهر تهران چهره‌های اصلاح‌طلب هستند و هیچ اعتدالی بین آنها نمی‌بینیم.

چون آقای عارف رئیس مجلس نشد، اصلاح‌طلبان چنین تصمیمی گرفتند که دیگر با اعتدالیان وارد ائتلاف انتخاباتی نشوند؟

▲ خیر، درباره ائتلاف با اعتدالیان در اردوگاه اصلاحات از ابتدا اختلاف نظر وجود داشت، روشن‌تر بگوییم از همان انتخابات مجلس دهم و نحوه تدوین لیست امید این انتقادات و اختلاف نظرها وجود داشت. خیلی از اصلاح‌طلبان به آن لیست انتقاد کردند و انتقادات محدود به فهرست حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر نبود؛ حتی به لیست شهرستان‌ها هم این انتقادات وجود داشت، البته آنجا چاره‌ای نبود. یک تفاوتی که انتخابات مجلس با انتخابات شوراها داشت این بود که در انتخابات مجلس اصلاح‌طلبان عملاً دیگر کاندیدایی نداشتند و چهره‌های شاخص جریان اصلاحات ردصلاحیت شده بودند، بنابراین مجبور شدند فراخوان بدهند. براساس این فراخوان چهره‌های ناشناسی را آوردند. طبعاً آنجا رویکرد دومی که داشتند این بود که

مجلس را از دست برخی طیف‌های حاضر در مجلس نهم بگیرند، به همین علت علاوه بر اعتدالیون، ائتلافی با اصولگرایان معتدل انجام شد. یعنی اصلاح‌طلبان به این نتیجه رسیدند که نباید فرقی بین اعتدالیون و اصلاح‌طلبان گذاشت. بنابراین ستادهایی که در شهرستان‌ها داشتند به عنوان حامیان دولت نامگذاری کردند. در مجموع موضوع انتخابات مجلس متفاوت بود چون ائتلاف بین اصلاح‌طلبان و اعتدالگراها شکل گرفت و بعد مطرح شد که اصولگرایان معتدل نیز به لیست ائتلاف اضافه شوند که به تأیید رسید تا در حوزه انتخابیه‌ای که نامزد اصلاح‌طلب یا اعتدالگرای تأیید صلاحیت شده وجود ندارد، لیست امید از نامزد اصولگرایی معتدل حمایت کند.

این یک ائتلافی بود که در واقع فقط بین اعتدالیون و اصلاح‌طلبان نبود. بین اصلاح‌طلبان و اعتدالیون از یک طرف و یک عده نامزد اصولگرایی معتدل از طرف دیگر انجام شد. اما وقتی منتخبان لیست امید وارد مجلس شدند، تازه صف‌بندی آغاز شد. یعنی اصولگرایان معتدل راه خودشان را جدا کردند و برخی اعتدالیون هم به آنها پیوستند، این طرف اصلاح‌طلبان ماندند که فراکسیون امید را تشکیل دادند.

در واقع حرف آقای عارف به صورت نماد بود نه اینکه محور و حرف اصلی اصلاح‌طلبان بخواد باشد. اصلاح‌طلبان از قبل بحث‌هایی داشتند، و تصمیم‌شان بر این شد که از هویت‌شان عبور نکنند چون لیستی که در انتخابات مجلس دهم بسته بودند خدشه به هویت اصلاح‌طلبی وارد کرد اما در انتخابات شوراهای وقت کاندیدای اصلاح‌طلبان تأیید شدند و همه چهره‌های اصلاح‌طلب حضور داشتند، اصلاً اصلاح‌طلبان نیازی ندیدند که بخوانند برای بستن لیست به فکر جذب نیروهای دیگر جریانات هم باشند. آنجا بود که دیگر بحث عوض شد و خود به خود دیگر شورای عالی سیاستگذاری با همان هویت اصلاح‌طلبی کار خودش را انجام داد.

آیا اصلاح‌طلبان از اینکه حزب اعتدال و توسعه رفیق نیمه‌راه شد، ناراحت هستند یا فکر می‌کنند دیگر کمبود نیرو یا مساله ردصلاحیت ندارد، یعنی به این توانمندی رسیدند که حتی اگر ردصلاحیتی هم صورت بگیرد به اندازه کافی تأمین نیرو را در سراسر کشور انجام می‌دهند، در واقع کدام یک از دو دیدگاه یادشده مطرح است؟

▲ یکی همین قضیه است که اصلاح‌طلبان به این نتیجه رسیدند که با حفظ هویت اصلاح‌طلبی وارد عرصه انتخابات شوند و اجازه دهند جریانات دیگر هم مستقلاً عمل کنند اما نکته مهمتر این است که دیگر خطری تحت عنوان وجود برخی طیف‌ها در مجلس وجود ندارد تا برای حذف آنها نیاز به صف‌بندی باشد.

یعنی سر رفیق نیمه‌راه بودن اعتدالگراها نیست که اصلاح‌طلبان می‌خواهند اعتدالیون را کنار بگذارند؟

▲ خیر، این یک دلخوری یا نقاری بود که پیش آمد اما بحث‌های مبنایی همانی است که عرض کردم. از ابتدا هم مطرح بود که اصلاح‌طلبان همواره با حفظ هویت خودشان وارد عرصه کارزار انتخاباتی بشوند، آن لیست امید هم مورد وفاق اصلاح‌طلبان نبود و خیلی‌ها به آن انتقاد داشتند.

اگر رقابتی بین اعتدالیون و اصلاحات شکل بگیرد، پایگاه رای‌ی که ائتلاف آنها را به قدرت رساند تضعیف نمی‌شود؟

▲ اصل موضوع بحث ریاست جمهوری بود که به هر حال برگزار شد و آقای روحانی هم دیگر برای

ریاست جمهوری احتیاج به مراجعه به آرای عمومی ندارد. دولت آقای روحانی از جهت خیلی از اصلاح‌طلبان نگران نیست و دغدغه ندارد چون می‌داند اصلاح‌طلبان خطری برای دولت محسوب نمی‌شوند. اصلاح‌طلبان در راستای سیاست‌های اصلاح‌طلبی اولاً همراه دولت هستند و از دولت هم حمایت می‌کنند، اگر مجلس یازدهم تشکیل شود همه نمایندگان نیز اصلاح‌طلب باشند، هیچ وقت در مقابل آقای روحانی صف‌آرایی نخواهند کرد. البته مطالبات مردم را پیگیری می‌کنند ولی این طور نیست که مجلس برای آقای روحانی مانع باشد.

آقای روحانی یک پایگاه رای‌ی دارد که می‌تواند پشت سر اعتدالیون قرار بگیرد، در این صورت اصلاح‌طلبان ضرر نمی‌کنند؟

▲ پایگاه رای آقای روحانی اصلاح‌طلبی است. یعنی در رقابتی که می‌خواهد بین اصلاحات و اعتدالیون انجام شوند اصلاح‌طلبان ضرر نمی‌کنند؟

▲ خیر، اصلاح‌طلبان اصلاً ضرر نمی‌کنند. اصلاح‌طلبان تصمیم گرفتند با حفظ هویت خودشان از آقای روحانی حمایت کنند. منتها یک سری توقعات و انتظاراتی هم داشتند. اصلاح‌طلبان پایگاه رای خودشان را دارند. قطعاً باید پاسخگوی دعوت مردم برای رفتن پشت آقای روحانی باشند. یعنی آقای روحانی طبعاً اگر نخواهد به تعهدات خودش عمل کند، اصلاح‌طلبان تحت فشار قرار می‌گیرند.

در واقع شما می‌گویید اگر رقابت سه ضلعی بین اعتدالیون، اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی انجام شود، اکثریت را چه جناحی در مجلس خواهد داشت؟

▲ اصلاح‌طلبان اکثریت را در مجلس یازدهم خواهند داشت. همچنان که تا الان نشان داده‌اند چنین قابلیت‌ها را دارند. اصلاً مردم انتخاب کردند و انتخاب مردم گفتمان و رویکرد اصلاح‌طلبی است. اما در مجلس دهم با وجود ائتلاف اعتدال-اصلاحات، ۱۶۸ منتخب از لیست امید بر کرسی‌های سبز پارلمان جلوس کردند حال آنکه اصولگرایان ۱۲۲ کرسی به دست آوردند. یعنی با این وجود پیش‌بینی می‌کنید حتی اگر ائتلافی بین اعتدالگرایان و اصلاح‌طلبان پیش نیاید، اصلاح‌طلبان در مجلس یازدهم اکثریت خواهند بود؟

▲ بستگی به این دارد که کاندیداهای اصلاح‌طلب ردصلاحیت نشوند.

نکته همین جاست، برخی اصلاح‌طلبان می‌گویند باید اقتضایی عمل کرد یعنی اول ببینیم شورای نگهبان در بررسی صلاحیت نامزدهای یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی چگونه عمل می‌کند، اگر رویکردش انتقابی باشد دوباره اصلاح‌طلبان چاره‌ای جز ائتلاف ندارند. اگر انبساطی عمل کند، می‌شود با لیست مستقل و یکدست اصلاح‌طلب وارد صحنه رقابت سال ۹۸ شد. به عبارت دیگر زود نیست از الان درباره دو سال آینده آقای عارف اعلام استقلال و پایان ائتلاف اعتدال و اصلاحات را اعلام کرد؟

▲ دلیلی ندارد که از الان اعلام موضع شود، باید دید شرایط چه پیش می‌آید یعنی ببینیم شرایط به کدام سو می‌رود و تمایل اعتدالیون چطور است. به عبارت دیگر گرایش اعتدالیون هم در این مساله تعیین‌کننده است. اگر تمایل مثبت به ائتلاف داشتند آن زمان اصلاحات و اعتدال می‌نشینند و با هم صحبت می‌کنند.

احتمال دارد این صحبتی که آقای عارف درباره حضور مستقل اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس شورای اسلامی تا دو سال آینده تغییر کند و دوباره اعتدال و اصلاحات به سمت همگرایی ائتلاف بروند؟

▲ بله، چون جمع‌بندی و تحلیل آقای عارف درباره وضعیتی است که الان در آن قرار داریم. آقای عارف از طرف شورای عالی سیاستگذاری اعلام موضع نکرد. شورای عالی سیاست‌گذاری برای انتخابات مجلس یازدهم اصلاً تشکیل نشده است و معلوم هم نیست برای آن انتخابات مجموعه‌ای تحت عنوان شورای عالی سیاستگذاری وجود داشته باشد، پس باید دید اصلاح‌طلبان چه ساختاری را پیش‌بینی می‌کنند؛ اتاق فکر است یا شورای عالی سیاستگذاری فعال خواهد شد. چه ترکیبی دارد، در آن ترکیب چه تصمیمی می‌گیرند. الان صحبت‌های آقای عارف موضع رسمی از طرف شورای عالی سیاستگذاری تلقی نمی‌شود.

آقای عارف گفته که نگاه شورای نگهبان به اصلاح‌طلبان در مقایسه با سال ۹۴ تغییر کرده است نظر شما چیست؟

▲ تا ما به انتخابات مجلس یازدهم برسیم این مساله مشخص نمی‌شود. مگر اینکه در قوانین انتخابات تغییراتی به وجود بیاید که آقای عارف دنبال این است. آقای عارف امیدوار است که در قانون انتخابات یک سری اصلاحات به وجود بیاید که در آن حق و حقوق کاندیدها حفظ شود.

یعنی هدف آقای عارف این است که قانون جامع انتخابات که لایحه‌اش از طرف دولت تقدیم مجلس شد، به تصویب برسد؟

▲ یعنی یک مورد این است که الان شورای نگهبان برای تأیید یا ردصلاحیت نامزدها چه مبنایی دارد؟ مبنایش احراز صلاحیت است. چون تعداد زیادی ثبت‌نام می‌کنند و شورای نگهبان نمی‌تواند تمام این نامزدها را احراز صلاحیت کند، به ردصلاحیت آنها اقدام می‌کند. در حالی که قبلاً مبنای احراز عدم صلاحیت بود یعنی وقتی صلاحیت نامزدی رد می‌شد پرونده‌اش به شورای نگهبان می‌رفت و این طور نبود که شورای نگهبان در همان ابتدا بخواد همه کاندیدها را بررسی صلاحیت کند.

در سیاست‌های کلی ابلاغی انتخابات نیز آمده است که شورای نگهبان وقت بیشتری را باید به بررسی صلاحیت نامزدها اختصاص دهد؟

▲ حتی اگر زمان بررسی صلاحیت نامزدها نیز افزایش پیدا کند، مساله حل نمی‌شود. مثلاً اگر سه هفته فرصت بررسی صلاحیت نامزدها دو برابر شود، باز هم زمان برای بررسی و احراز صلاحیت ۱۳ هزار نامزد کم است. پس یکی از اشکالات اصلی همین جاست. قانون قبلاً احراز عدم صلاحیت توسط شورای نگهبان بود الان شده احراز صلاحیت توسط شورای نگهبان و این باید تغییر کند. به عبارت دیگر دوباره قانون باید اصلاح و احراز عدم صلاحیت نامزدها ملاً ردصلاحیت باشد.

اگر شورای نگهبان نپذیرد، چه اتفاقی می‌افتد؟

▲ اصلاح قانون در اختیار مجلس است. اما مصوبه مجلس باید به تأیید شورای نگهبان برسد؟

▲ شورای نگهبان برای رد این مصوبه یا باید اشکال نقض قانون اساسی یا مغایرت با موازین شرعی بگیرد که چنین موضوعی نه نقض قانون اساسی است و نه با موازین شرعی مغایرت دارد چون قبلاً وجود داشته است.

اگر شورای نگهبان حاضر نشود طبق این مصوبه محدودیتی در قدرت نظارتی خودش در انتخابات ایجاد کند یا حداقل برای آنکه



نسخه عبور از ائتلاف

گفت‌وگوی مثلث با داریوش قنبری

این است که هر طیف سیاسی با برند سیاسی خودش بیاید. این نکته را هم باید یادآور شد که ائتلاف خیلی به آن معنا که در نظام‌های سیاسی دیگر معنا پیدا می‌کند در نظام سیاسی ما معنا ندارد. یعنی ائتلاف بیشتر خاص نظام‌های پارلمانی است، زمانی که حزبی نمی‌تواند اکثریت را در مجلس داشته باشد برای تشکیل دولت، سعی می‌کند ائتلاف کند تا با چند حزب بتواند اکثریت را در مجلس داشته باشد. این ائتلاف‌هایی که در کشور ما است با آن ائتلاف‌های نظام‌های سیاسی دیگر مشابه نیست و فرق می‌کند. در مجموع جریان‌های سیاسی در کشور ما آن انسجام تشکیلاتی را که در کشورهای دیگر وجود دارد، ندارند؛ از طرف دیگر انتخابات در کشور ما براساس تحزب نیست که مردم به احزاب سیاسی رای دهند تا آن ائتلافی که به معنی واقعی در نظام‌های سیاسی دیگر وجود دارد معنا و مفهوم پیدا کند. معتمد به هر حال بهتر همین است که آقای عارف گفت «هر جناحی با هویت سیاسی خودش

امید کرمانی
خبرنگار

آقای عارف اخیراً گفته که اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس آینده دیگر با اعتدال‌گراها ائتلاف نمی‌کنند و حضوری مستقل در انتخابات خواهند داشت، به نظر شما این رویکرد درست است یا خیر؟

▲ به هر حال اصلاح‌طلبان و معتدلین در یک مقطع برای دفع خطر تندروی و افراط ائتلاف کردند. تا زمانی که خطر تندروی و افراط وجود داشته باشد به هر حال باید این ائتلاف ادامه پیدا کند و معتدلان و اصلاح‌طلبان در کنار هم باشند. البته این صحبت آقای عارف نیز که گفت «هر جناحی با هویت جناحی خودش به عرصه انتخابات مجلس شورای اسلامی بیاید، صحبت منطقی است» درست هم

قانونی شدنش زمان بر نشود روی نظر مخالف خود بایستند و مصوبه با اصرار مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود، آنجا معلوم نیست به چه سرنوشتی دچار می‌شود؟

▲ چون این قانون قبلاً جاری و ساری بود و مدت‌ها اعمال شد و شورای نگهبان هم قبلاً آن را تایید کرد، تحت این عنوان ایرادی از نظر قانون اساسی و شرعی نمی‌توان به آن گرفت. ضمن آنکه آقای دکتر عارف فکر می‌کند می‌تواند با هماهنگی شورای نگهبان این کار را انجام می‌دهد.

▲ بر همین اساس آقای عارف اعلام کرد وارد رایزنی با شورای نگهبان می‌شود؟

بله، آقای عارف چنین رویکردی دارد تا با هماهنگی شورای نگهبان این معضل برطرف شود.

آیا این رایزنی موفقیتی در پی خواهد داشت؟

▲ شرایط به گونه‌ای است که باتوجه به آسیب‌های اجتماعی که دیدیم و کاهش سرمایه اجتماعی، بالاخره باید حاکمیت یک گرایش مثبتی به جریانات سیاسی نشان بدهد و میدان را برای مشارکت جریانات سیاسی فراهم کند. از این نظر فکر می‌کنم این شدنی باشد.

اینکه نظر آقای عارف را که نگاه‌های حاکمیتی نسبت به اصلاح‌طلبان مثبت شده است قبول دارید؟

▲ بله، این همان مسأله‌ای است که عرض کردم. یعنی در انتخابات سال ۹۸ نگاه منفی گذشته را نسبت به اصلاح‌طلبان شاهد نخواهیم بود؟

▲ این طور الان ارزیابی می‌شود. به نظر می‌آید ان شاء الله، آینده این طور باشد.

آن زمان دست اصلاح‌طلبان برای تدوین لیست انتخاباتی برای مجلس پر خواهد بود؟

▲ قطعاً دست اصلاح‌طلبان پر خواهد بود.

اگر اصلاح‌طلبان خیال‌شان از تایید صلاحیت نامزدهای این جریان راحت باشد این مسأله همچون انتخابات شوراهای به معضلی تبدیل نمی‌شود که آن قدر تعداد نامزدها زیاد بود که وقتی فهرست نهایی اعلام شد خیلی‌ها از شورای عالی سیاستگذاری دلخوری پیدا کردند؟

▲ عرض کردم تغییر ساختار شورای عالی سیاستگذاری بر همین مبنا ضروری به نظر می‌رسد. به این ضعف وجود داشت و باید برطرف شود.

تا دلخوری‌هایی مثل انتخابات شورای شهر به وجود نیاید.

▲ بله، ضمن آنکه شورای عالی سیاستگذاری نباید نقش شورای نگهبان را پیدا کند و خودش یکسری را تایید و یکسری را رد کند.

یعنی از الان اصلاح‌طلبان باید دنبال مکانیسم انتخاباتی سال ۹۸ باشند؟

▲ بله.

محوریت باید با احزاب باشد تا اشخاص؟

▲ نمی‌دانم به کجا می‌رسند ولی این تغییر رویکرد ضروری است و اتفاق خواهد افتاد.

برخی معتقدند وقتی شورای هماهنگی جبهه اصلاحات با ساختاری حزبی محور وجود دارد و شخصیت‌های حقیقی جریان اصلاحات نیز باید به سمتی بروند که در قالب حزب حضور پیدا کنند، دیگر تداوم فعالیت شورای عالی سیاستگذاری مفهوم و معنایی نخواهد داشت.

▲ بله، ممکن است این طور شود اما هنوز معلوم نیست. یعنی اصلاح ساختار به نفع احزاب و به کاهش نقش شخصیت‌های حقیقی انجام خواهد شد. ►

وارد عرصه شود» اما واقعیت این است که ائتلافی که بین معتدلان و اصلاح طلبان شکل گرفت بر مبنای یک سری اشتراکات فکری و اندیشه‌ای بود. من فکر می‌کنم تداوم این ائتلاف به نفع کشور است چون خطر افراط‌گرایی هنوز به طور کامل از کشور دفع نشده است.

یعنی آن ائتلافی که حتی قبل از سال ۹۲ تا حدودی به شکل غیررسمی شکل گرفت، به خاطر دفع کسانی بود که می‌خواستند کشور را به سمت بحرانی جدی پیش ببرند آن ائتلاف تا حدود زیادی موفق بود چون توانست کشور را نجات بدهد. بنابراین نباید آثار آن ائتلاف را ناچیز و کم تلقی کنیم.

دفع خطر از تمامیت ارضی کشور، نظام جمهوری اسلامی و برگشت عقلانیت به اداره کشور و ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت‌های سیاسی اینها کلاً نتیجه آن ائتلاف است. سال ۹۴ هم در انتخابات مجلس این ائتلاف شکل گرفت.

من فکر می‌کنم شاید منظور آقای عارف بیشتر نوعی بیان نارضایتی از لیست امید باشد چون در ابتدا تصور می‌شد این لیست اکثریت را در مجلس دارد، البته اکثریت را در مجلس دهم داشت اما این لیست ترکیبی از اصلاح طلبان و مستقلان و اصولگرایان معتدل بود و بعد از شکل‌گیری مجلس آن ائتلاف از هم پاشید. یعنی فراکسیونی که با نام امید شکل گرفت متشکل از اصلاح طلبان بود. بسیاری از نیروهای مورد حمایت لیست امید در این فراکسیون حضور نیافتند.

به نظر من بیشتر منظور آقای عارف به همین وضعیت لیست امید بر می‌گردد و نوعی نارضایتی که از نحوه بسته شدن لیست امید دارد. به همین خاطر آقای عارف صحبت از لیست مستقل برای انتخابات پیش رو دارد. البته در انتخابات سال ۹۴، نظر اصلاح طلبان بر این بود که لیست مستقلی داشته باشند و با هویت خودشان وارد شوند اما از آنجا که چهره‌های اصلاح طلب رده‌صلاحت شدند در برخی حوزه‌های انتخابیه اصلاح طلبان حتی یک نامزد هم نداشتند تا از او حمایت کنند. این صحبت آقای عارف در مجموع مشخص نیست که واقعا اگر اصلاح طلبان سال ۹۸ نیز در شرایط سال ۹۴ قرار بگیرند، چه تصمیمی می‌گیرند، آیا اگر نامزدهای اصلاح طلب در یک حوزه انتخابیه تایید صلاحیت نشوند دیگر اصلاح طلبان در آن حوزه انتخابیه لیست نخواهند داشت یا از نامزدی حمایت نخواهند کرد یا همچنان به سبک سال ۹۴ مجبور می‌شوند به سمت نوعی از ائتلاف بروند؟ در مجموع بستگی دارد به وضعیتی که برای اصلاح طلبان در انتخابات آینده پیش می‌آید.

آقای عارف گفته از الان رایزنی و تعامل را با شورای نگهبان آغاز می‌کند، امیدوار است نامزدهای اصلاح طلب به اندازه کافی تایید صلاحیت شوند، نظر شما چیست؟

▲ سال ۹۴ هم رایزنی انجام شد اما به جایی نرسید، سال ۹۸ هم وضعیت مشابهی پیش خواهد آمد و عملاً تصمیم‌گیری برای اصلاح طلبان و داشتن یک استراتژی و برنامه از الان بسیار دشوار است. در مجموع نمی‌شود از حالا گفت که سال ۹۸ همه اصلاح طلبان به اندازه ۲۹۰ کرسی تایید صلاحیت خواهند شد. آیا اصلاح طلبان این فرصت را دارند که بتوانند در همه حوزه‌های انتخابیه کاندیدا داشته باشند یا خیر؟ این سوالی است که واقعا جوابش همچنان مبهم است.

یعنی شما از جمله کسانی هستید که معتقدید باید اقتضای عمل کرد، یعنی اصلاح طلبان باید صبر کنند بپند و وضعیت بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس آینده چه می‌شود،

۳ داریوش قنبری می‌گوید: «همچون عارف معتقدم هر جناحی با هویت سیاسی خودش وارد عرصه شود اما نمی‌شود حالا گفت که سال ۹۸ همه اصلاح طلبان یا به اندازه ۲۹۰ کرسی تایید صلاحیت خواهند شد.» وی معتقد است: «اگر اصلاح طلبان در انتخابات مجلس آینده، در یک حوزه انتخابیه نامزد تایید صلاحیت شده از اردوگاه سیاسی خود نداشتند، نباید صحنه را به رقیب واگذار کنند، بلکه به حمایت از یک نامزد اعتدالی بپردازند اما با این تفاوت نسبت به سال ۹۴ که نام او را در لیست جناح اصلاحات نیاورند.»

بعد از اعلام نامزدهای تایید صلاحیت شده اعلام کنند ائتلافی بین اصلاحات و اعتدال صورت می‌گیرد یا خیر؟

▲ این بحث را به این شکل مطرح نمی‌کنم. من می‌گویم باتوجه به ابهاماتی که وجود دارد خیلی نمی‌شود امیدوار بود آنچه در گذشته اتفاق افتاد در آینده اتفاق نیفتد و به آینده امیدوار بود که اصلاح طلبان بتوانند رقابت متصفانه داشته باشند.

در مقابل دیدگاه شما که معتقدید چون در تمام حوزه‌های انتخابیه اصلاح طلبان فرصت رقابت پیدا نمی‌کنند مجبور به ائتلاف با اعتدال‌گراها می‌شوند، اصلاح طلبانی همچون آقای عارف دیدگاه دیگری دارند می‌گویند اعتدال‌گراها می‌آیند از ظرفیت پایگاه رای اجتماعی جریان اصلاحات استفاده می‌کنند اما وقتی به مجلس راه یافتند، رویکرد اصولگرایی نشان می‌دهند. بر همین اساس بهتر است صرفاً از نامزدهای اصلاح طلب تایید صلاحیت شده حمایت کرد تا قدرت پاسخگویی هم وجود داشته باشد، نظر شما چیست؟

▲ این واقعا یک ایراد جدی و اساسی است. به هر حال عده‌ای می‌آیند رای مردم را می‌گیرند. مردمی که رای می‌دهند خواسته‌هایی دارند. برخی منتخبان بعد از آنکه به مجلس راه یافتند عملاً فراموش کردند پایگاه حمایتی‌شان را و اصلاح طلبان واقعا از این ناراحت هستند. این ناراحتی و گلایه‌مندی بحق است. اگر این اتفاق تکرار شود در آینده اصلاح طلبان پایگاه رای خودشان را از دست خواهند داد.

اگر قرار باشد عده‌ای زمان انتخابات اصلاح طلب باشند بعد از آنکه انتخابات تمام شد، به سمت اصولگرایی بچرخند قابل قبول نخواهد بود و باعث می‌شود مردم دیگر اعتماد نکنند. در مجموع مردم اعتمادشان را از دست خواهند داد.

قطعا هر انتخاباتی فرصتی برای بیان مطالبات مردم است و راز ماندگاری نظام‌های دموکراتیک آن است که هر چند وقت یک بار با انتخابات پوست اندازی می‌کنند، مطالبات مردم را می‌گیرند و تبدیل به سیاست و قانون

آقای عارف به درستی به این موضوع اشاره کرد: نباید از نیرویی که اصلاح طلب نیست حمایت کرد. البته باید منافع ملی را دید و به همین علت اصلاح طلبان همیشه از حقوق خودشان می‌گذرند

می‌کنند و به آن مطالباتی که مردم دارد پاسخ می‌دهند. به هر حال مردم بیکار نیستند و دنبال این هم نیستند که به بیگاری کشیده شوند در انتخابات. اجباری نیست که در هر زمانی انتخابات برگزار می‌شود مردم در صف بایستند و اسم چند نفر را در برگه بنویسند و داخل صندوق بیندازند. انتخابات معنای خود را دارد. انتخاب یک ایده، اندیشه و برنامه برای اداره کشور و کسانی است که رای دادند که به هر حال انتظار دارند آن رای شان در سیاست‌ها، در قانونگذاری‌ها و در انتصابات دیده شود.

پس شما معتقدید اگر قرار به ائتلافی بین اصلاحات و اعتدال است باید تمام زوایای آن مشخص باشد و این طور نباشد که قبل از انتخابات یک نوع رویکرد از این ائتلاف اعلام شود و بعد از انتخابات هر ضلع ائتلاف رویکرد خاص خود را دنبال کند و عملاً همکاری‌شان از هم گسیخته شود؟

▲ اصلاح طلبان به هیچ وجه نباید از نیرویی حمایت کنند که چارچوب فکری آنها را قبول ندارد. اشکال ندارد از اصولگرایی حمایت کنند که آن اصولگرا چارچوب‌های فکری اصلاح طلبی را قبول داشته باشد و بپذیرد در همین چارچوب عمل کند اما اینکه همین طوری از فردی حمایت کنند که آن فرد در زمان انتخابات اظهار اصلاح طلبی کند اما بعد به سمت رقیب بچرخد، هیچ وقت قابل قبول نخواهد بود، ضمن آنکه این کار غیر اخلاقی هم است.

با اخلاق هم سازگاری ندارد که برخی بیایند و در زمان انتخابات یک طور خودشان را معرفی کنند و بعد از انتخابات طور دیگر؛ این رایا کاری است. این فریب دادن مردم است و در مجموع با چارچوب‌های اخلاقی حاکم بر جامعه ما سازگاری ندارد. در جامعه ما انتظارات برای رعایت اخلاق بیشتر است، باتوجه به اینکه جامعه مذهبی است. هویت سیاسی افراد در زمان انتخابات باید تا پایان قرار گرفتن در آن مسئولیت حفظ شود و ما نباید حرکت‌های زیگزاکی و چرخشی را شاهد باشیم.

یعنی معتقدید آن آفتی که سال ۹۴ بود نباید در سال ۹۸ اتفاق بیفتد؟

▲ قطعاً همین طور است. آقای عارف به درستی به این موضوع اشاره کرد: نباید از نیرویی که اصلاح طلب نیست حمایت کرد. البته باید منافع ملی را دید و به همین علت اصلاح طلبان همیشه از حقوق خودشان می‌گذرند.

پس شما راهکار پیشنهادی‌تان چیست چون از یک طرف معتقدید نباید از غیر اصلاح طلب حمایت کرد اما از طرف دیگری می‌گویید از آنجا که تغییری در رویکرد شورای نگهبان هنگام بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌رغم رایزنی‌ها اتفاق نمی‌افتد، نباید در حوزه‌هایی که اصلاح طلبان نامزدی ندارند صحنه را به حریف واگذار کنند؟

▲ معتقدم باید هویت جناحی حفظ شود. آنچه در سال ۹۴ رخ داد مختص همان سال ۹۴ بود. برای حفظ منافع ملی و نظام در حوزه‌هایی که نامزد اصلاح طلب تایید صلاحیت شده‌ای وجود ندارد اصلاح طلبان صرفاً اعلام کنند این نامزدها گرچه اصلاح طلب نیستند اما از مردم می‌خواهیم به این نامزدها نیز رای بدهند با این تفاوت نسبت به سال ۹۴ که دیگر نام نامزدهای غیر اصلاح طلب مورد حمایت را در لیست جناح اصلاحات قرار ندهند. البته امیدواریم رویکرد حاکم بر شورای نگهبان طوری تغییر کند که اصلاح طلبان بتوانند حضور جدی و مؤثری در انتخابات آینده داشته باشند. ►



باید ائتلاف را ادامه بدهیم

گفت‌وگوی مثلث با احمد خرم

در کلانشهرها عمدتاً لیستی رای دادند. این تعاملی که هر دو جبهه در انتخابات مجلس دهم با یکدیگر داشتند، با این هدف بود که اکثریت کرسی‌ها در اختیار نمایندگان با رویکرد اعتدالی قرار بگیرد، همان‌طور که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ و سال ۹۶ چنین هدفی دنبال شد. البته سال ۹۶ با رد صلاحیت نامزد تندرو در انتخابات ریاست جمهوری نگرانی‌ها از بازگشت تندروی به عرصه اجرایی کشور برطرف شد.

یعنی آقای احمدی‌نژاد؟

▲ بله. البته هنوز جامعه سیاسی ما به تعامل برای دستیابی به اهداف مثبت در راستای حفظ و تقویت منافع ملی سمت‌گیری ندارد. دهه‌ها مانده به اینکه ما مبنای تصمیم‌گیری مان حفظ و ارتقای منافع ملی باشد. هنوز جامعه سیاسی ما بیشتر فردی و جناحی فکر می‌کند تا به منافع ملی.

به نظر شما اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس شورای اسلامی آینده همچون انتخابات شوراهای پنجم فهرستی یکدست اصلاح‌طلب بدهند یا آنکه مثل سال ۹۴ با فهرستی تعاملی مرکب از اصلاح‌طلبان، اعتدالیون و اصولگرایان میانه وارد صحنه رقابت شوند؟

▲ بستگی به شرایط سال ۹۸ دارد. اگر شوراهای شهر و شهرداران کلانشهرهایی که اصلاح‌طلبان در آنها مسئولیت مدیریت شهری را به دست گرفتند و همچنین دولت، توفیق پیدا کنند، نگاه مردم به جبهه اصلاح‌طلبی تقویت می‌شود. در آن صورت اصلاح‌طلبان می‌توانند از

۴ احمد خرم معتقد است رویکرد تعاملی جریان اصلاح‌طلب با جریان اعتدال‌گرا در انتخابات مجلس سال ۹۸ نیز برای تأمین منافع ملی باید ادامه پیدا کند اما پیش از ورود به عرصه انتخابات تمام ابعاد این تعامل روشن و شفاف شود. وزیر دولت اصلاحات می‌گوید: «همکاری‌های تعاملی دو جبهه اصلاحات و اعتدال، منازعات، مناقشات و تخریب‌ها را کاهش می‌دهد چون آن طیف‌هایی که رویکرد تند دارند، این تعامل باعث تضعیف آنها می‌شود.»

شهر با نماینده مجلس آن شهر تفاوت می‌کند. گرچه نماینده مجلس منطقه‌ای انتخاب می‌شود ولی به محض انتخاب شدن نماینده کل مردم ایران است و باید با ملی‌نگری حفظ منافع ملی را دنبال کند اما نماینده شورای شهر در محدود مدیریت شهری رسالت و وظیفه‌ای برعهده دارد بنابراین باید جمع‌جبری شوراهای را به حساب آورد یعنی باید دید در کل شهرهای کشور به چه نسبتی از نیروهای دو جبهه اصولگرایان و اصلاح‌طلبان رای آوردند. مردم انتظارات خود را درباره شورای شهر و شهردار خوب می‌دانند و مسائل را به خوبی لمس می‌کنند. بهداشت شهری، بهداشت روحی و روانی شهروندان، مسائل عمرانی و اجتماعی در محدود شهر کاملاً برای مردم قابل لمس است و به کسانی رای می‌دهند که توقعاتشان را برآورده کنند.

البته در انتخابات شورای شهر مردم برای اولین بار

انتخابات سال ۹۶ این نتیجه را برای اصلاح‌طلبان داشت که تمامی یا اکثریت کرسی‌های شورای شهر را در کلان‌شهرها به دست آوردند. به نظر شما اصلاح‌طلبان باید در انتخابات مجلس یازدهم که سال ۹۸ برگزار می‌شود با چه رویکردی به صحنه رقابت بیایند، همچون سال ۹۶ فهرست‌های انتخاباتی خود را یکدست از نیروهای اصلاح‌طلب بچینند یا آنکه مانند سال ۹۴ با اعتدال‌گرایان ائتلاف کنند؟ در کدام حالت اصلاح‌طلبان بهتر می‌توانند پاسخگوی پایگاه رای اجتماعی خودشان باشند؟

▲ سال ۹۴ در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی ائتلافی صورت نپذیرفت، بلکه مبنای حرکت و ورود به صحنه رقابت، تعامل اصلاح‌طلبان با اصولگرایان معتدل بود. در واقع رویکرد جریان اصلاحات تعامل با حفظ رویکرد اصلاح‌طلبی و طرح شعارهای اصلاح‌طلبانه بود. این رویکرد تعاملی برای اولین بار اتفاق افتاد و باید گفت موضع‌گیری‌ها و رویکردهای عقلانی‌تر و منطقی‌تر شد.

معتقدم این مملکت را باید نیروهای معتدل اداره کنند. تندروی در هر جبهه‌ای مذموم است. تندروی و خشونت جامعه را دچار استبداد و دیکتاتوری می‌کند بنابراین رویکرد تعاملی، مورد تأیید در سیاست داخلی و خارجی است.

مسئله انتخابات شورای شهر یک انتخابات محلی است و بُعد ملی و کشوری ندارد، بنابراین نماینده شورای

موضع قدرت وارد تعامل شوند که این یک اتفاق مثبت برای جریان اصلاحات است.

بیشتر توضیح می‌دهید؟

▲ یعنی تعامل می‌کنند، به شرط اینکه اگر در لیست اصلاح طلبان افرادی از اصولگرایان معتدل هستند، در لیست اصولگرایان معتدل نیز افرادی از اصلاح طلبان باشند.

معنای تعامل این نیست که یک طرف کوتاه بیاید و طرف دیگر کار خودش را بکند و باید جبهه‌ای و جناحی به مسائل بنگرد. به نظر من انتخابات سال ۹۴ یک پالسی از طرف اصلاح طلبان به اصولگرایان معتدل بود که ما آماده‌ایم با شما تعامل داشته باشیم.

البته در انتخابات سال ۹۶ هم بخشی از اصولگرایان معتدل به آقای روحانی رای دادند و این حرکتی که در سال ۹۴ انجام شد، این حرکت کم‌رنگ‌ترش در سال ۹۶ نیز وجود داشت. بالاخره آقای ناطق و آقای لاریجانی در جبهه اصولگرایان معتدل تعریف می‌شوند، حمایت آنها از آقای روحانی که تنها کاندیدای اصلاح طلبان بود قابل کتمان نیست.

قطعا وقتی بخش کوچکی از اصولگرایان به آقای روحانی رای دادند، تعامل داشتن دو جبهه خط مقبولى است. منازعات، مناقشات و تخریب‌ها را کاهش می‌دهد چون آن طیف‌هایی که رویکرد تند دارند، این تعامل باعث تضعیف آنها می‌شود.

دیدگاهی است که بیشتر آقای عارف و

فراکسیون امید به آن اعتقاد دارد و می‌گوید. یکسری از اصولگرایان یا اعتدالگرایانی که سال ۹۴ در داخل لیست امید قرار گرفتند و وارد مجلس شدند، به عبور از گیت‌های مجلس راه خود را جدا کردند و پایبندی به گفتمان نشان ندادند که براساس آن گفتمان وارد مجلس شدند، نظر شما چیست؟

▲ حرف درستی است.

بر اساس همین تحلیل آقای عارف و بخشی از اصلاح طلبان معتقدند نباید سال ۹۸ اقدام مشابهی همچون سال ۹۴ انجام شود. آنها معتقدند باید کل فهرستی که از جریان

نمی‌شود که در انتخابات مجلس یک جبهه سیاسی، جبهه دیگر را تقویت کند و در واقع برای جبهه رقیب خود کرسی بیافریند اما بعد جبهه‌ای که از این تعامل و همکاری سود برده به توقعات جبهه شریکش جامه عمل نپوشاند، پس ابعاد تعامل و همکاری بین جبهه‌ای باید کاملا شفاف و روشن باشد

اصلاحات بیرون می‌آید، مرکب از نیروهای اصلاح طلب باشد و نه آنکه به تعبیر شما مانند سال ۹۴، تعاملی با مشارکت اعتدالیون بسته شود، استدلال هم این است که اگر عده‌ای با فهرست اصلاح طلبان وارد مجلس شوند اما بعد بخواهند راه دیگری پیش گیرند و در بزنگاه‌ها حتی گفتمان رقیب را تقویت کنند، این اتفاق پایگاه اجتماعی جریان اصلاحات را تضعیف و سرخورده می‌کند به طوری که شاید دیگر انگیزه و رغبتی برای حضور دوباره پای صندوق‌های رای نداشته باشند، این دیدگاه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

▲ این حرف درستی است و بر همین اساس می‌گویند عملکرد ملاک است، رای پیش نیاز و عملکرد بعد از رای، ملاک اصلی، حمایت شدن است. اگر اصولگرایانی که در لیست اصلاحات آمدند و برای ورود به مجلس دهم رای آوردند، در لیست قرار نمی‌گرفتند، قطعا رای نمی‌آوردند چون مردم لیستی رای دادند و در تهران کامل لیست امید رای آورد. مساله اعتماد به جریان‌های سیاسی داشت سوسو می‌زد و حرکتش شروع شد، تداوم رویکرد یادشده این حرکت را کور می‌کند، ضمن آنکه اعتماد بین دو جبهه را کاهش می‌دهد.

دو جبهه‌ای که به ظاهر دنبال خدمت و توسعه کشورند و نشان دادند این مساله برای‌شان مهم است، با چنین اتفاقاتی اهداف و اظهارات‌شان مورد خدشه

قرار می‌گیرد. اگر در دوران انتخابات هر دو جبهه مواضع تعاملی دارند، بعد از انتخابات و راهیابی به مجلس نیز باید این رویکردشان ادامه پیدا کند. متأسفانه در مجلس دهم این مساله دیده نشد.

اما دیدگاه دیگری هم در جریان اصلاحات وجود دارد و آن اینکه نمی‌توان از الان گفت لیست را می‌توان یکدست اصلاح طلبی بست چون شورای نگهبان همچون دوره‌های گذشته امکان دارد در تایید صلاحیت نامزدها انقباضی عمل کند، آن موقع کار برای اصلاح طلبان سخت می‌شود اگر بخواهند فقط از نامزدهای اصلاح طلب تایید صلاحیت شده در انتخابات حمایت کنند چون به فرض اگر ۱۰۰ نامزد اصلاح طلب تایید صلاحیت شوند اصلاح طلبان فقط برای ۱۰۰ کرسی از ۲۹۰ کرسی مجلس رقابت می‌کنند و به دیگر کرسی‌ها کاری ندارند، حال آنکه می‌شود نامزدهای تایید صلاحیت شده غیراصلاح طلب اما نزدیک به گفتمان اصلاحات را مورد حمایت قرار داد تا فضای مجلس آینده به آنچه مدنظر اصلاح طلبان است نزدیکتر باشد. دیدگاه مقابل که مربوط به آقای عارف و بخش دیگری از اصلاح طلبان است می‌گوید حمایت از نامزدهای غیراصلاح طلب ریسک بزرگی است چرا که امکان دارد آنها بعد از ورود به مجلس رویکرد دیگری از خود نشان دهند که در این صورت اصلاح طلبان نمی‌توانند پاسخ منطقی به افکار عمومی به ویژه پایگاه رای خود بدهند چون در یک معادله دوسر ضرر وارد شدند. هم از اعتبارشان هزینه کردند و هم به نتیجه مدنظرشان نرسیدند. نظر شما چیست؟

▲ شورای نگهبان به نحوه بسته شدن لیست‌های جناح‌ها کاری ندارد و کار خودش را می‌کند. لیست هم بعد از اعلام تایید صلاحیت‌ها بسته می‌شود. اصولگرایانی که در لیست اصلاحات آمدند و این رویکرد را نشان دادند، در واقع اقتضای عمل کردند و عملکردشان مطابق آنی نبود که قبل از انتخابات قول و قرارش را گذاشتند چون در انتخاب ارکان مدیریتی مجلس حتی روسای کمیسیون‌ها طور دیگری رفتار کردند.

به نظر من عقل حکم می‌کند که تعامل بین دو جریان مثل سال ۹۴ انجام شود اما این تعامل می‌تواند شدت و ضعف داشته باشد.

حالا اینکه سال ۹۸ کدام درجه از تعامل را شاهد باشیم، بستگی به آن دارد که کدام یک از طیف‌های دو جریان در انتخابات احتمال تفوق و برتری‌شان وجود دارد. معتقدم باید مینا منافع ملی باشد نه منافع جناحی. اگر قرار است لیستی تعاملی بسته شود باید همه زوایای آن مشخص باشد تا بعد از آنکه نامزدهای حاضر در فهرست رای آوردند و وارد مجلس شدند، کسی منکر اهداف ترسیمی نشود. بعضی‌ها با برخوردهای سیاسی کارانه خودشان در مقطع انتخابات مواضع طرف مقابل را تایید می‌کنند تا در فهرست مورد اقبال مردم قرار بگیرند اما بعد که روی کرسی‌های مجلس نشستند طور دیگری عمل می‌کنند، بنابراین قبل از بسته شدن فهرست باید کاملا توقعات مشخص باشد.

یعنی نمی‌شود که در انتخابات مجلس یک جبهه سیاسی، جبهه دیگر را تقویت کند و در واقع برای جبهه رقیب خود کرسی بیافریند اما بعد جبهه‌ای که از این تعامل و همکاری سود برده به توقعات جبهه شریکش جامه عمل نپوشاند، پس ابعاد تعامل و همکاری بین جبهه‌ای باید کاملا شفاف و روشن باشد. ►



معنای تعامل این نیست که یک طرف کوتاه بیاید و طرف دیگر کار خودش را بکند و باید جبهه‌ای و جناحی به مسائل بنگرد. به نظر من انتخابات سال ۹۴ یک پالسی از طرف اصلاح طلبان به اصولگرایان معتدل بود که ما آماده‌ایم با شما تعامل داشته باشیم

کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان

نام مؤلف: آدل فابر، الین مازلیش / مترجم: زهرا جعفری

ناشر: مؤسسه انتشارات صابرین

تعداد صفحات: ۲۷۳



پیش از تألیف این کتاب، خانم فابر و خانم مازلیش در حوزه ارتباط میان بزرگسالان و کودکان، فعالیت‌های بسیاری داشته‌اند که ازجمله آن‌ها می‌توان به کارگاه‌هایی اشاره کرد که ویدئوهای آن‌ها هزاران مخاطب داشته است. طبیعتاً مخاطب برنامه‌های او، در درجه‌ی نخست، والدین و معلمان هستند که برقرار ساختن یک ارتباط سالم با کودکان و نوجوانان، بیش از هر چیز دیگر، برایشان از اهمیت برخوردار است. این کتاب، حاصل سال‌ها کار و تجربه حرفه‌ای این دو نویسنده است و می‌تواند در خصوص درگیری‌های والدین با فرزندانشان، برای آن‌ها بسیار راهگشا باشد. پدر و مادرهایی که در میان حجم انبوه اطلاعات در دنیای امروز، گاهی سردرگم می‌شوند؛ این کتاب از مجموعه کتاب‌های «کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان» است که مخاطب اصلی آن‌ها والدین هستند و سعی دارند تا یک سلسله راهبردهای عملیاتی را در اختیار پدر و مادرهای امروزی قرار دهد.

مؤسسه انتشارات صابرین کتاب حاضر را با عنوان «کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان» به چاپ رسانیده؛ اما این کتاب، پیش‌ازاین هم با عنوان‌هایی مانند «به بچه‌ها گفتن، از بچه‌ها شنیدن» و «چگونه به کودکمان گوش کنیم و چگونه با او صحبت کنیم؟» توسط ناشران دیگری به چاپ رسیده بود.

این کتاب شامل هفت فصل است که در فصل اول، بحث کنار آمدن کودک با احساساتش مطرح می‌شود. در این فصل احساسات مختلف کودک، اعم از خشم، ترس و ... و نحوه‌ی مقابله‌ی با آن، بررسی می‌شود. از فصل دوم تا ششم، به ترتیب، مباحث مربوط به جلب همکاری، جایگزین‌های تنبیه، تشویق به استقلال، تحسین و تمجید، و آزاد کردن کودکان از نقش بازی کردن، طرح‌شده و به‌صورت بسیار کاربردی، با مثال‌ها و تمرین‌های متنوع، راهکارهایی در این زمینه‌ها ارائه می‌شود. درنهایت، در فصل هفتم، مؤلفان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و بیان اهداف خود از این کتاب، می‌پردازند.



سیاست مذاکره جدید، امتیاز بیشتر

اگرچه ترامپ در نیویورک تلاش زیادی برای لابی‌گری در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران صورت داد، اما تنها کسی که به صورت مطلق با وی همکاری کرد، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود. او حتی در این خصوص نتوانست موافقت و همراهی کامل و مورد انتظار ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه را به دست بیاورد. ترامپ قصد دارد ضمن همراه سازی فرانسه با آمریکا در پروسه نقض برجام، از پاریس بخواهد تا با برلین نیز در این خصوص وارد مذاکره شود. با این حال، نقشه‌های هسته‌ای و برجامی ترامپ در نیویورک به صورتی که وی انتظار داشت پیش نرفت.

سیاست خارجی

تیتریک

خاطرات بوش پسر

ترامپ در سازمان ملل اتهام‌های زیادی به ایران وارد کرد



نظارت‌های آژانس به اندازه کافی شدید نباشد، واشنگتن از توافق هسته‌ای خارج خواهد شد. این اظهارات ترامپ، نوعی گروکشی از آمانو و همراهانش محسوب می‌شود. نکته قابل تأمل اینکه ترامپ این خواسته را به صورتی علنی و صریح بیان کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که لابی‌های پشت‌پرده و غیر آشکار ایالات متحده به آژانس در این خصوص توانسته است سودی به حال ترامپ و همراهانش داشته باشد. مقامات کشورمان همواره تأکید کرده‌اند که بازدید از سایت‌های نظامی ایران خط قرمز است. آمانو همچنین در کنفرانس سالانه آژانس تأکید کرد که ایران تعهدات خود را در برجام انجام داده است. اخیراً نیز رگس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا به پایبندی ایران به توافق هسته‌ای اذعان کرد. در چنین شرایطی قدرت مانور ترامپ روز به روز محدودتر می‌شود.

وضعیت فعلی خود خارج شود. ترامپ به خوبی دریافته است که لغو توافق هسته‌ای با ایران برای وی هزینه سنگینی خواهد داشت و حتی تروییکای اروپایی نیز در این خصوص همراهی کامل و مطلق را با کاخ سفید نخواهند داشت. از این رو رئیس‌جمهور ایالات متحده در صدد است تا تاکتیک دیگری به عنوان «اصلاح برجام» را مورد توجه قرار دهد. اما این پایان ماجرا نیست در کنار این موارد، ترامپ به فشارهای علنی خود به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت بازرسی از اماکن نظامی کشورمان ادامه می‌دهد. به عبارت بهتر، ترامپ در حال اعمال فشار علیه برنامه هسته‌ای ایران از چندین جبهه مختلف است.

خط و نشان ترامپ برای آمانو

اخیراً دونالد ترامپ در پیامی به کنفرانس سالانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده است که اگر

نشست اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نقطه آشکار ساز تقابل برجامی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی با ایران محسوب می‌شود. مواضع مقامات غربی و صهیونیستی نشان داد که آنها در صدد بازتعریف برجام با گنجانیدن بحث توان موشکی ایران، دسترسی آژانس به اماکن نظامی در ایران و استمرار محدودیت‌های هسته‌ای ایران پس از سال ۲۰۲۵ هستند.

هفته گذشته، دیدارهایی میان دونالد ترامپ با مقامات رژیم صهیونیستی و فرانسه در نیویورک صورت گرفت. وی در دیدار با نتانیاهو، راهکارهای خروج از توافق هسته‌ای یا اصلاح آن را مورد بررسی قرار داد. همچنین در این دیدار، نتانیاهو طرح خود برای خروج آمریکا از برجام را به ترامپ ارائه کرد. با این حال، واشنگتن و تل‌آویو هر دو به این نتیجه رسیده‌اند که باید تروییکای اروپایی را در دوراهی «اصلاح» یا «لغو» برجام قرار دهند تا در نهایت، توافق هسته‌ای از

سیاست ترامپ کسب امتیازات
بیشتر در برجام است
گفت‌وگوی مثلث با دکتر رضاسیمبر



گروکشی برجامی ترامپ از ماکرون
رئیس جمهور فرانسه بر سر
دوراهی قرار دارد



شکاف
تفاوت نظر نتانیاهو و نهادهای
امنیتی بر سر برجام

◀ پروژه نامحدود سازی برجام

یکی از مواردی که نتانیاهو و ترامپ در صدد تغییر آن هستند، محدودیت زمانی برجام است. رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی زمان دار بودن محدودیت‌های اعمال شده علیه برنامه هسته‌ای ایران را بر نمی‌تابند. رکنس تیلرسون در گفت‌وگو با فاکس نیز آمریکا تأکید کرده است: «بندهایی از توافق که بر اساس آن محدودیت‌ها به مرور زمان از بین می‌رود، به صورت ویژه باعث نگرانی ما است اگر که بندهای توافق هسته‌ای ایران با غرب تغییر و اصلاح نیابد، آمریکا از این توافق خارج خواهد شد. به ویژه بندهایی که به مرور زمان در آن محدودیت‌ها بر داشته می‌شود که شیوه معقولاته‌ای در دستیابی به پیشرفت نیست. اگر قرار بر ماندن آمریکا بر این توافق است باید بندهای این توافق تغییر کند.»

این اظهارات تیلرسون در حالی مطرح می‌شود که نیکی هیلی، نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد، طی ماه‌های اخیر به سکندار اصلی سیاست خارجی این کشور تبدیل شده است. همچنین برخی منابع خبری اعلام کرده‌اند که با استعفا احتمالی تیلرسون از مسند وزارت امور خارجه آمریکا (تا پایان سال ۲۰۱۷ میلادی)، نیکی هیلی به عنوان وزیر امور خارجه جدید ایالات متحده آمریکا از سوی ترامپ معرفی خواهد شد.

◀ تلاش واشنگتن و تل آویو برای جلب همراهی اروپا

دونالد ترامپ تمامی تلاش خود را برای خروج از توافق هسته‌ای صورت می‌دهد. او ممکن است در گزارش ماه اکتبر خود، پایبندی ایران نسبت به توافق هسته‌ای را مورد تأیید قرار ندهد و به این بهانه، از برجام خارج شود. همان گونه که تأکید شد، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اظهار کرده است که ترامپ در صدد «تغییر توافق هسته‌ای» با ایران است. مصداق این تغییر، گنجاندن مسائل موشکی و تأکید بر بازرسی نامحدود آژانس از ایران است. موضوعاتی که پاشنه آشیل توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ محسوب می‌شوند. هدف اصلی ترامپ و نتانیاهو، تکیه بر نقاط آسیب برجام است. با این حال، تل آویو و واشنگتن به شدت نیاز به همراهی و همکاری تروییکای اروپایی در این مسیر دارند. مروری بر مواضع اخیر امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه نشان می‌دهد که وی در این خصوص نرمش‌هایی نشان داده است اما در عین حال، همچنان قصد ندارد هزینه همراهی با واشنگتن برای خروج از برجام را بپردازد.

ماکرون اخیراً در مصاحبه با سی‌ان‌ان تأکید کرده است: «رئیس جمهوری آمریکا این توافق را کافی نمی‌داند، من هم با او موافقم اما فعلاً این توافق را داریم. به نظر من نتیجه این توافق آن است که اکنون یک فرآیند نظارت بین المللی داریم و این بهتر از هیچ است. چرا؟ زیرا اگر این توافق را متوقف کنیم... اگر توافق هسته‌ای را متوقف کنیم وارد وضعیتی بسیار شبیه وضعیت کره شمالی می‌شویم. ما به این چارچوب نیاز داریم. اگر این توافق را متوقف کنیم چه چیزی [به جای آن] پیشنهاد می‌دهیم. هیچ؟»

نکته قابل تأمل اینکه ماکرون اعلام کرده است

که جامعه بین‌المللی باید در قبال توسعه موشک‌های بالستیک ایران یک راهبرد جدید تدوین کند. او همچنین معتقد است که باید باب مذاکرات درباره توافق هسته‌ای برای دوره بعد از سال ۲۰۲۵ باز شود.

◀ ماکرون در میان دوراهی

رئیس جمهور فرانسه طی روزهای اخیر با روسای جمهور ایران و ایالات متحده آمریکا دیدار داشته است. امانوئل ماکرون در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل نیز تصریح کرد که نباید توافق هسته‌ای با ایران را کنار گذاشت. ماکرون در حالی از توافق هسته‌ای با ایران حمایت کرد که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در سخنرانی‌اش در مجمع عمومی سازمان ملل علیه برجام موضع‌گیری کرد. با این حال، مقامات آلمانی همچنان در قبال مواضع سلیبی ترامپ و نتانیاهو در قبال برجام سکوت کرده‌اند. پیش‌تر، منابع خبری از جمله پایگاه بلومبرگ اعلام کرده بودند که واشنگتن نهایت تلاش خود را برای جلب رضایت آلمان در مسیر تغییر توافق هسته‌ای و مذاکره دوباره بر سر آن به کار خواهد گرفت. در هر حال، اظهارات اخیر رئیس جمهور فرانسه در نوع خود قابل تأمل است. او در بخش دیگری از این اظهارات اعلام کرده است: «رد کردن توافق هسته‌ای در این مقطع زمانی بدون پیشنهاد دادن چیزی دیگر، اشتباه بزرگی است و احترام نگذاشتن به آن غیرمسئولانه خواهد بود.»

همان گونه که از اظهارات ماکرون برمی‌آید، وی از یک سو توافق هسته‌ای را غیر قابل تغییر می‌داند و از سوی دیگر، به صورت غیر مستقیم اعلام می‌کند که می‌توان با پیشنهاد دادن طرحی دیگر، مذاکراتی را در این خصوص صورت داد. به نظر می‌رسد پاریس به صورت همزمان سعی دارد رضایت ایران و ایالات متحده را در قبال برجام جلب کند. این بازی دوگانه نمی‌تواند تا مدتی نامعلوم ادامه داشته باشد.

مقامات فرانسوی کماکان از تکمیل توافق هسته‌ای برای سال ۲۰۲۵ به بعد، سخن به میان می‌آورند. این در حالی است که تاکنون نیز اعضای ۵+۱ به تعهدات خود در قبال توافق هسته‌ای پایبند نبوده‌اند. وزیر خارجه فرانسه نیز اعلام کرده است که می‌توان توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ را همکاری برای بعد از سال ۲۰۲۵ تکمیل کرد.

«ژان ایو لودریان»، وزیر خارجه فرانسه بار دیگر، بدون اشاره به جزئیات بیشتر تأکید کرد که توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ (برجام) را می‌توان برای بعد از سال ۲۰۲۵ «تکمیل کرد.» منظور آقای «لودریان» از اشاره به سال ۲۰۲۵، زمانی است که برخی

ماکرون از یک سو توافق هسته‌ای را غیر قابل تغییر می‌داند و از سوی دیگر، به صورت غیر مستقیم اعلام می‌کند که می‌توان با پیشنهاد دادن طرحی دیگر، مذاکراتی را در این خصوص صورت داد

از محدودیت‌های ایران در چارچوب برجام به پایان می‌رسند. منتقدان توافق هسته‌ای در آمریکا معتقدند که این محدودیت‌ها بایستی برای ایران دائمی باشند یا پس از انقضا، مجدد تمدید شوند.

تحلیلگران، حتی در خود آمریکا طرح چنین درخواست‌هایی را با توجه به تغییرات در صحنه روابط بین‌المللی، در خواست‌های غیرمنطقی می‌دانند.

«پال پیلار»، تحلیلگر پیشین مسائل خاورمیانه در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) اخیراً در یادداشتی در همین رابطه نوشته است: «معاهدات و توافقات بین المللی عموماً برای همیشه الزام‌آور و بازگشت‌ناپذیر نیستند. هیچ حکومتی نمی‌خواهد در سایه تغییرات احتمالی در فضای بین‌المللی و تغییرات رفتارها و اهداف سایر کشورها خودش و حکومت‌های مابعدش را در معرض تعهدات دائمی قرار دهد.»

◀ لابی‌گری‌های جان کری در آمریکا و اروپا

در آن سو، برخی اعضای حزب دموکرات نیز تلاش‌های خود برای حفظ توافق هسته‌ای را تشدید کرده‌اند. رسانه‌های غربی، از تلاش‌ها و رایزنی‌های پشت‌پرده جان کری، وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده آمریکا برای حفظ توافق هسته‌ای خبر می‌دهند. این در حالیست که اخیراً برخی دیگر از مقامات سابق وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا از جمله وندی شرم، مسئول ارشد تیم مذاکره کننده هسته‌ای این کشور، به ترامپ در خصوص عواقب و تبعات لغو توافق هسته‌ای با ایران هشدار داده‌اند. این تلاش‌های جان کری طی ماه‌های اخیر، یعنی از زمان حضور دونالد ترامپ در راس معادلات سیاسی و اجرایی ایالات متحده مسبق به سابقه بوده است.

مهم‌ترین مانع پیش روی جان کری در مسیر حمایت از توافق هسته‌ای ایران، عدم همکاری دموکرات‌ها با وی و مقامات دولت اوباما است. در جریان تصویب تحریم‌های غیرهسته‌ای علیه ایران، در ابتدا این تحریم‌ها در کمیته سیاست خارجی سنا مورد بررسی قرار گرفت. پس از این بررسی، این تحریم‌ها با ۱۸ رأی موافق (در مقابل ۳ رأی مخالف) به تصویب رسید. پس از آن نیز تحریم‌های پیشنهادی به صحن علنی سن رفت و پس از تصویب، در مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا نیز به تصویب رسید. نکته اصلی و قابل تأمل اینجاست که قبل از بررسی تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران در کمیته سیاست خارجی سنا، جان کری از سناتورهای دموکرات حاضر در این کمیته و حتی از سناتورهای جمهوریخواه خواسته بود تا از وضع تحریم‌های جدید علیه کشورمان اجتناب کنند زیرا این اقدام می‌تواند به توافق هسته‌ای با تهران آسیب بزند. اما سناتورهای دموکرات در این مسیر با کری همراهی نکردند. حتی ۳ سناتور دموکراتی که در کمیته سیاست خارجی سنا به تحریم‌ها رأی منفی داده بودند، در نهایت آرای خود را به سود وضع تحریم‌های جدید علیه ایران تغییر دادند! در این میان، تنها برنی سندرز سناتور ایالت ورمونت و نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ بود که مخالفت خود را با وضع تحریم‌های جدید علیه ایران اعلام کرد. این قاعده در خصوص مجلس نمایندگان

ایالات متحده آمریکا نیز صادق است. در مجلس نمایندگان آمریکا، همه نمایندگان حزب دموکرات به وضع تحریم‌های تازه علیه ایران رای مثبت دادند. آنچه در سنا و مجلس نمایندگان آمریکا در قبال ایران رخ می‌دهد، نشان می‌دهد جان کری قدرت لایه‌گری و تاثیرگذاری چندانی در این خصوص ندارد. از سوی دیگر، برخی منابع غربی از رایزنی‌های کری با مقامات اروپایی در خصوص برجام خبر می‌دهند. اگرچه سران سه کشور اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) نیم‌نگاهی نسبت به امکان بازگشت دموکرات‌ها به کاخ سفید در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ دارند اما در عین حال، ترجیح می‌دهند مذاکرات اصلی بر سر توافق هسته‌ای را با تیم سیاسی مستقر در کاخ سفید پیش ببرند.

گرو و خاک هسته‌ای ترامپ در نیویورک

ترامپ در سخنان خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تاکید کرد که توافق هسته‌ای با ایران بدترین توافق یک طرفه‌ای است که امضا شده است. او یادآور شد توافق هسته‌ای مایه شرمندگی آمریکا است و فصل آخر نیست. وی در بخشی دیگر از سخنان و قیحه‌اش اظهار داشت که دولت ایران باید حمایتش از تروریسم را متوقف کند و به حقوق مردمش احترام گذارد. مردم ایران به دنبال تغییر هستند! این اظهارات ترامپ در حالی مطرح می‌شود که مطابق آخرین نظرسنجی‌ها میزان محبوبیت ترامپ به حدود ۲۸ درصد رسیده است. نظرسنجی‌ها و تحقیقات میدانی به خوبی نشان می‌دهد که مردم کدام کشور به دنبال تغییر هستند. همچنین ترامپ در سخنان خود تاکید کرده است که ما (آمریکا) به قراردادی که به عنوان پوششی برای ساخت بمب اتمی استفاده شود پایبند نخواهیم بود. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز در سخنان خود در نیویورک اعلام کرد: «من با اظهارات ترامپ در مجمع عمومی که توافق هسته‌ای با ایران را مایه خجالت خواند، کاملاً موافقم. ترمیم توافق هسته‌ای ایران به معنای خلاص شدن از مفاد بند انقضاست.» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی سپس سخنانی ترامپ ضد ایران را شجاعانه‌ترین سخنانی ایراد شده در سازمان ملل برشمرد!

پاسخ ظریف به اظهارات ترامپ

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران که برای شرکت در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد

در نیویورک به سر می‌برد، در واکنش به سخنرانی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در این نشست اظهار داشت: «سخنان وی به‌ویژه آنجا که به ملت بزرگ ایران اشاره داشت چنان سخیف، شعاری و بی‌محتوا بود که ارزش پاسخ ندارد.»

ظریف همچنین اظهار داشت: «سخنان وقیحانه و جاهلانه رئیس‌جمهور آمریکا و نادیده انگاشتن واقعیات جمهوری اسلامی ایران در سیاست داخلی و خارجی و مبارزه با تروریسم عمیق بی‌اطلاعی و رفتار و گفتار عوام‌فریبانه او را نشان می‌دهد که در کنار واقعیاتی همچون حمایت دولت آمریکا از رژیم جنایتکار صهیونیستی و رژیم‌های دیکتاتوری منطقه و ایجاد و تقویت گروه‌های تروریستی حاصلی جز انزوا و بی‌اعتباری هرچه بیشتر دولت آمریکا نزد جهانیان نخواهد داشت.»

واکنش منفی اهالی سیاست و رسانه به ترامپ

ریچارد هاس، رئیس «شورای روابط خارجی» آمریکا نیز در توییتهای جالب توجه نوشت: سخنرانی ترامپ در سازمان ملل تکرار «محور شرارت» (جرج دبلیو بوش) بود با این تفاوت که عراق کنار رفته اما ایران و کره شمالی باقی مانده‌اند. در واکنشی مشابه نیز وزیر خارجه سابق سوئد در توییتر خود نوشت: سخنرانی ترامپ یادآور نسخه‌ای تند از سخنرانی «محور شرارت» است که حالا دو عضو دارد. به طرز خطرناکی ساده‌انگارانه است.

در واکنش دیگری، جان کری سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه آمریکا اظهار داشت: ترامپ فرصت بسیار خوبی را در سازمان ملل از دست داد. شرمساری واقعی اینجاست که وی به جای همکاری و احترام دو جانبه از دیگری و منازعه صحبت می‌کند. همچنین شبکه خبری سی‌ان‌ان نوشت: از ترامپ هر وقت راجع به مسائل مهم می‌پرسند می‌گوید: «خواهید دید که چه اتفاقی می‌افتد.» در سازمان ملل نگرانی‌های جدی درباره پایبندی آمریکا به توافق هسته‌ای وین وجود دارد. سناتور دیان فینشتاین عضو ارشد سنای آمریکا نیز با انتقاد از ترامپ در توییتر خود نوشت: سازمان ملل محلی برای پیشبرد صلح است. ترامپ امروز آن را به صحنه جنگ تبدیل کرد.

در این میان باید به واکنش جان بولتون اشاره کرد که گفته است: سخنرانی ترامپ در سازمان ملل بهترین سخنرانی او در مقام رئیس‌جمهوری بود. او در انتقاد از ایران و کره شمالی روشن و صریح بود.



اگرچه ترامپ در نیویورک تلاش زیادی برای لابی‌گری در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران صورت داد، اما تنها کسی که به صورت مطلق با وی همکاری کرد، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود

نامه‌ای هشدارآمیز خطاب به ترامپ

۷۸ نفر از شخصیت‌های سیاسی اروپایی که در میان آنها نام «خاوری سولانا»، مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیده می‌شود از دولت آمریکا خواسته‌اند از هرگونه اقدام یکجانبه درباره توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ خودداری کند.

در این نامه آمده است: «گزارش‌هایی مبنی بر اینکه دولت ترامپ ممکن است در نیمه ماه اکتبر و همزمان با فرارسیدن موعد بعدی تعلیق تحریم‌ها به صورت یکجانبه پایبندی ایران به برجام را تایید نکند، عمیقاً ما را نگران می‌کند.» شخصیت‌های اروپایی با یادآوری اینکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همواره پایبندی ایران به تعهداتش را تایید کرده نوشته‌اند: «در واقع، به گفته مدیرکل آژانس، ایران اکنون در معرض شدیدترین نظام راستی‌آزمایی قرار دارد.»

نگارندگان نامه همچنین نوشته‌اند: «هرگونه اقدام یکجانبه از سوی آمریکا که برجام را به مخاطره بیندازد، خطایی فاحش است. چنین اقدامی باعث لطمه به منافع آمریکا و اعتبار این کشور در اروپا و فراتر از آن خواهد شد و همکاری‌ها در شورای امنیت سازمان ملل متحد را مخدوش خواهد کرد.» شخصیت‌های اروپایی با خاطرنشان کردن اینکه دستیابی به تمامی خواسته‌ها در یک توافق بین‌المللی امکان‌پذیر نیست، نوشته‌اند: «این توافق تا هر زمانی که پابرجا باشد، شایستگی دفاع را دارد.»

پازلی که در نیویورک تکمیل نشد

اگرچه ترامپ در نیویورک تلاش زیادی برای لابی‌گری در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران صورت داد، اما تنها کسی که به صورت مطلق با وی همکاری کرد، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود. او حتی در این خصوص نتوانست موافقت و همراهی کامل و مورد انتظار ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه را به دست بیاورد. ترامپ قصد دارد ضمن همراهسازی فرانسه با آمریکا در پروسه نقض برجام، از پاریس بخواهد تا با برلین نیز در این خصوص وارد مذاکره شود. با این حال، نقشه‌های هسته‌ای و برجامی ترامپ در نیویورک به صورتی که وی انتظار داشت پیش نرفت. هم‌اکنون مقامات آمریکایی و صهیونیستی صراحتاً از مذاکره مجدد بر سر توافق هسته‌ای سخن به میان می‌آورند! این در حالی است که نه تنها جمهوری اسلامی ایران مذاکره مجدد بر سر برجام را بر نمی‌تابد، بلکه این آمادگی در میان روسیه، چین و کشورهایمانند آلمان و فرانسه نیز وجود ندارد. ترامپ که به واسطه وجود مقر سازمان ملل متحد در خاک آمریکا، خود را میزبان نشست اخیر مجمع عمومی سازمان ملل می‌دانست، عملاً نتوانست پروسه لابی‌گری علیه برجام را به نقطه معینی برساند. این در حالی بود که ترامپ قصد داشت در نیویورک، کار توافق هسته‌ای را به نقطه معینی برساند. ترامپ هم‌اکنون فرصت زیادی تا ۱۵ اکتبر ندارد. او به خوبی می‌داند که ادعای وی مبنی بر عدم پایبندی جمهوری اسلامی ایران نسبت به توافق هسته‌ای، مورد پذیرش اکثر بازیگران نظام بین‌الملل قرار نخواهد گرفت. خصوصاً اینکه آژانس در گزارش‌های مکرر خود پایبندی جمهوری اسلامی ایران نسبت به برجام را مورد تایید قرار داده است. در این میان، حتی نقش‌آفرینی نیکو هیل و سفر وی به نقاط مختلف دنیا برای اقناع سیاستمداران جهت برهم زدن توافق هسته‌ای فایده‌ای به حال رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نخواهد داشت. ►

سیاست ترامپ کسب امتیازهای بیشتر در برجام است

گفت‌وگوی مثلث با دکتر رضا سیمبر

▲ همان گونه که اشاره شد، برجام به طور کلی توافقی است که در آن امتیازات زیادی به آمریکا داده شده است. در چنین شرایطی بسیاری از سیاستمداران آمریکایی خروج از برجام و یا تغییر آن را بر نمی‌تابند. لابی‌های جان کری با مقامات اروپایی نیز در همین راستا قابل تحلیل است. با این حال معتقدم ترامپ اراده‌ای واقعی برای خروج از برجام ندارد. همان گونه که اشاره کردم رئیس‌جمهور آمریکا در این خصوص صرفاً به دنبال کسب امتیازات بیشتر از ایران و ایجاد تفرقه در داخل کشورمان و تضعیف قدرت دفاعی ماست.

ترامپ در کنار دیدار با نتانیاهو، دیدارهایی با برخی مقامات اروپایی در خصوص برجام داشته است. به عنوان مثال، موضوع اصلی دیدار ترامپ و ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، توافق هسته‌ای با ایران بوده است. آیا به نظر شما ممکن است کشورهای اروپایی تسلیم فشارهای ترامپ در مواجهه با برجام شوند؟

▲ به طور کلی کشورهای اروپایی تحولات جاری در قبال توافق هسته‌ای با ایران را از منظر اقتصادی و تجاری مورد رصد و تحلیل قرار می‌دهند. اروپاییان در صددند در قالب توافق هسته‌ای، امتیازات اقتصادی بیشتری را از ایران کسب کنند. این قاعده در خصوص دو کشور فرانسه و آلمان بیشتر صادق است. در حال حاضر، اروپا توافق برجام را به سود منافع اقتصادی خود می‌بیند. اتفاقاً کشورهای اروپایی از فشار ایالات متحده آمریکا به ایران بر سر توافق هسته‌ای استقبال می‌کنند تا در این راستا بتوانند امتیازات بیشتری را در حوزه‌های اقتصادی و تجاری از ایران دریافت کنند. دستگاه دیپلماسی ما در این خصوص نیز باید هوشمندانه برخورد کند. ما باید در ازای امتیازات اقتصادی و تجاری که به کشورهای اروپایی می‌دهیم، امتیازات سیاسی محکمی را از آنها دریافت کنیم. نباید این گونه باشد که ما در ازای امتیازات اقتصادی که به کشورهای اروپایی می‌دهیم، تضمین‌ها و امتیازات سیاسی لازم را از آنها دریافت نکنیم. در یک جمع‌بندی کلی باید اشاره کنم که کشورهای اروپایی در صددند از شکاف و تعارض موجود میان ایران و ایالات متحده آمریکا، امتیازات بیشتری را به سود خود دریافت کنند. با این حال آنها در برابر کلیت تلاش ترامپ مبنی بر مقابله با برجام مقاومت می‌کنند زیرا توافق هسته‌ای به سود کشورهای اروپایی است. ▶

۲ تلاش‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در مواجهه با برجام همچنان ادامه دارد. همچنین ترامپ در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بار دیگر از برجام به عنوان توافقی بد برای آمریکا یاد کرد. از سوی دیگر، ترامپ در جریان دیدار خود با



بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، راهکارهای مواجهه با برجام را مورد بررسی قرار دادند. در خصوص آخرین مواضع دولت آمریکا در مورد توافق هسته‌ای، گفت‌وگویی با دکتر رضا سیمبر، استاد تمام رشته روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان صورت داده‌ایم.

باز کرده است. به طور کلی سیاست‌های حمایتی آمریکادر قبال رژیم صهیونیستی، آن هم با توجه به لابی جریان‌های صهیونیستی در ایالات متحده همواره ملموس و قابل توجه بوده است. این روند در دوران ریاست جمهوری ترامپ تشدید شده است. صهیونیست‌ها به دنبال تجزیه منطقه و ایجاد تفرقه میان کشورهای منطقه هستند. این اقدام با حمایت واشنگتن و صرف دلارهای سعودی صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی استقبال نتانیاهو از سخنان اهانت‌آمیز ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل علیه ایران، کاملاً طبیعی است. با این حال، اینها سیاست‌ها و رفتارهای کهنه‌ای است که بارها شاهد آن از سوی تل‌آویو و واشنگتن بوده‌ایم. در چنین شرایطی دستگاه سیاست خارجی کشورمان باید شفاف‌سازی لازم را در خصوص رفتارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی صورت دهد و افکار عمومی را نسبت به تحرکات این دو در منطقه توجیه نماید.

اخیراً جان کری، وزیر امور خارجه سابق آمریکا تحرکاتی را برای مذاکره با کشورهای اروپایی بر سر حفظ برجام صورت داده است. این تحرکات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سخنران دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد چگونه ارزیابی می‌کنید؟ او در تقابل با برجام دقیقاً به دنبال چیست؟

▲ همان گونه که مشاهده کردیم، ترامپ در جریان سخنرانی خود در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل متحد، سخنان اهانت‌آمیزی را علیه کشورمان بیان کرد. نکته قابل تأمل اینکه تقابل رئیس‌جمهور ایالات متحده با برجام در حالی صورت می‌گیرد که توافق هسته‌ای امتیازات زیادی را به آمریکا داده است. بنابراین، می‌توان عنوان کرد که ترامپ به دنبال کسب امتیازات بیشتر در قبال برجام است. به عبارت بهتر، مقامات آمریکایی در صدد تحت فشار قرار دادن ایران جهت مذاکرات برجام ۲، برجام ۳ و... هستند. واشنگتن در این خصوص قصد دارد دست بالا را گرفته و امتیازات بیشتری را از کشورمان دریافت کند. قطعاً انتظار ما از مسئولان حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان این است که پاسخ اظهارات ترامپ را داده و در مقابل زیاده‌خواهی‌های آمریکا ایستادگی کنند. نکته دیگری که ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح کرد، مربوط به حمایت ایران از سوریه بود. ترامپ مدعی شده است که ایران پول مردم کشور خود را صرف حمایت از سوریه می‌کند. این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که ایالات متحده آمریکا با صرف میلیاردها دلار در حال جنگ افروزی در منطقه و نظام بین‌الملل است. مداخله‌های غیرمنطقی آمریکا در جهان منجر به تحمیل هزینه‌های امنیتی زیادی به نظام بین‌الملل گردیده است. در هر حال با توجه به تجربه تلخی که طی دو سال اخیر در خصوص برجام (مخصوصاً در جریان نقض عهدهای آمریکا) به دست آورده‌ایم، تسلیم برجام‌های بعدی از سوی آمریکان نخواهیم شد.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اخیراً اعلام کرده است که باید میان لغو توافق هسته‌ای یا اصلاح آن، یک گزینه انتخاب شود. به عبارت بهتر، وی اظهار کرده است که تل‌آویو و واشنگتن حفظ وضعیت فعلی را در قبال برجام بر نمی‌تابند. نظر شما در این خصوص چیست؟

▲ آنچه مسلم است اینکه رژیم صهیونیستی به دنبال افزایش قدرت مانور خود در منطقه است. نتانیاهو در این خصوص روی حمایت‌های دولت ترامپ حساب ویژه‌ای



گروکشی برجامی ترامپ از ماکرون

رئیس‌جمهور فرانسه بر سر دوراهی قرار دارد

۳ دوشنبه هفته گذشته، امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در نیویورک و در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد دیدار و گفت‌وگو کرد. اصلی‌ترین موضوع گفت‌وگوی روسای جمهوری آمریکا و فرانسه، توافق هسته‌ای با ایران بود. طی هفته‌های اخیر، مقامات فرانسوی نیز در خصوص مذاکره دوباره بر سر برجام چراغ سبزی را به ایالات متحده نشان داده‌اند. سخنگوی دولت فرانسه، اخیراً اعلام کرده است که می‌توان برجام

بانک‌ها و شرکت‌های انرژی آنها منتظر عقد قراردادهای جدید با ایران هستند. اگر کنگره تحریم‌های مخرب را بار دیگر اعمال کند، سرمایه‌گذاران اروپایی مجبور خواهند بود تا بین انجام کسب و کار با آمریکا یا همکاری با ایران، یکی را انتخاب کنند.

اما ترامپ در کنار رویکرد تنبیهی و اعمال فشار بر فرانسه و سایر کشورهای اروپایی، از برخی ابزارهای تشویقی نیز در راستای همراه‌سازی آنها با واشنگتن در تقابل با توافق هسته‌ای استفاده می‌کند! این مساله در

معتقد هستند که می‌توان توافق هسته‌ای را با گنجاندن مسائل موشکی ایران تکمیل کرد. مقامات دولت ترامپ نیز در صدد تغییر توافق هسته‌ای و تبدیل آن به توافقی جدید هستند، توافقی که براساس آن، محدودیت‌های بیشتری علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران اعمال شود.

اما سوال اصلی اینجاست که آیا در نهایت، معامله‌ای میان روسای جمهوری ایالات متحده آمریکا و فرانسه در قبال ایران و برجام صورت خواهد گرفت؟

شواهد و داده‌های موجود نشان می‌دهد که امکان چنین معامله و توافقی بسیار زیاد است. دونالد ترامپ پس از حضور در کاخ سفید، توافق آب و هوایی با فرانسه را لغو کرد. با این حال پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری فرانسه و راهیابی ماکرون به کاخ الیزه، مذاکراتی میان واشنگتن و پاریس در خصوص بازگشت دوباره آمریکا به توافقنامه پاریس صورت گرفت. حتی ماکرون اعلام کرده است که نهایت تلاش خود را برای بازگشت آمریکا به توافقنامه پاریس انجام خواهد داد. در صورت موفقیت ماکرون در بازگرداندن آمریکا به پیمان آب و هوایی پاریس (به همین سبک و سیاق موجود)، وی نخستین رهبر اروپایی خواهد بود که پروژه مهار ترامپ را استارت زده است. این پروژه، تاکنون از سوی برخی سران اروپایی از جمله آنگلا مرکل دنبال شده است اما همگان اذعان می‌دارند که نتیجه‌بخش نبوده و نیاز به زمان بیشتری دارد.

بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌المللی معتقدند که بازگشت ترامپ به پیمان آب و هوایی پاریس تنها در صورتی امکانپذیر خواهد بود که ماکرون امتیازات ویژه‌ای را به رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی دیگر بدهد. به عبارت بهتر، ترامپ به سادگی و بدون چشمداشت، حاضر نیست از تصمیم جنجالی خود مبنی بر خروج از پیمان پاریس بازگردد. مروری بر صورت مساله مربوط به پیمان آب و هوایی پاریس و چرایی خروج ترامپ از این پیمان خالی از تامل نیست. واقعیت امر این است که دونالد ترامپ در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا از توافقنامه آب و هوایی پاریس انتقاد کرد و حتی نسبت به خروج از این توافقنامه وعده داد. وی این توافق را متضمن امتیازات زیادی برای چین دانسته بود و از این رو، نهایت تلاش خود را برای ملغی کردن آن به کار گرفت. پس از روی کار آمدن ترامپ در کاخ سفید، وی این توافقنامه را ملغی کرد. هر چند بسیاری از سیاستمداران این اقدام ترامپ را مورد نکوهش قرار داده و آن را مصداق بی‌تعهدی ایالات متحده آمریکا نسبت به توافقنامه‌های بین‌المللی دانستند، اما ترامپ و همراهانش وقعی نسبت به این اعتراض‌ها ننهادند. آنها از پیمان پاریس خارج شدند و تاکید کردند که بدون مذاکره دوباره بر سر این پیمان و عملاً تغییر محتوای آن (به سود منافع آمریکا) امکان پابندی نسبت به چنین توافقنامه‌ای وجود ندارد. هم‌اکنون ماکرون مدعی شده است که امکان بازگشت آمریکا به این پیمان وجود دارد!

همان گونه که اشاره شد، شخصیت خاص ترامپ نشان داده است که وی بدون گرفتن امتیاز ویژه، حاضر به عقب‌نشینی از تصمیم قبلی و جنجالی خود در قبال توافق آب و هوایی پاریس نیست. بر این اساس، به نظر می‌رسد طی هفته‌های آتی، موضوع معامله فرانسه و ایالات متحده بر سر توافق آب و هوایی و برجام مورد بحث و مذاکره قرار گیرد. ►



قبال فرانسوی‌ها بیش از دیگر کشورهای اروپایی صادق است.

فرانسه یکی از اعضای ۵+۱ و همچنین یکی از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد محسوب می‌شود. فرانسه در زمان برگزاری مذاکرات هسته‌ای ایران و اعضای ۵+۱ پس از آمریکا بیشترین کارشکنی‌ها را در تقابل با تهران داشت. حتی همگان به یاد دارند که یک بار «لوران فابیوس» وزیر خارجه وقت فرانسه از انعقاد توافقنامه ژنو ممانعت کرد. حال اگر چه ماکرون قبلاً اعلام کرده بود که مذاکره مجدد بر سر برجام امکان‌پذیر نیست، اخیراً چراغ سبزی به ایالات متحده برای مذاکره مجدد با ایران بر سر توافق هسته‌ای نشان داده است. فرانسوی‌ها

را با افزودن موضوع توان موشکی ایران «تکمیل» کرد. با این حال، فرانسوی‌ها همچنان در خصوص همراهی با رویکرد ضدبرجامی ترامپ ملاحظاتی دارند. پاریس قبلاً اعلام کرده است که مذاکره دوباره بر سر توافق هسته‌ای غیرممکن است. اما هم‌اکنون، مواضع پاریس در این خصوص به سود طرف آمریکایی نرم‌تر شده است. اما سوال اصلی اینجاست که ماکرون در نهایت چه تصمیمی را در قبال برجام خواهد گرفت؟ آیا او ترجیح می‌دهد در زمین ایالات متحده و آن هم دولت ترامپ بازی کند یا اینکه به عنوان یک بازیگر مستقل بین‌المللی در قبال توافق هسته‌ای رفتار کند؟

نکته مهم‌تر اینکه، ترامپ در راستای همراه‌سازی فرانسه با واشنگتن بر سر مواجهه با برجام، از ابزارها و راهکارهای مختلفی استفاده می‌کند. رئیس‌جمهور آمریکا طی ماه‌های اخیر فشارهای خود بر پاریس را در تقابل با برجام تشدید کرده است. او مقامات فرانسوی و اروپایی را میان یک دوراهی قرار داده است. باتوجه به آنچه رسانه‌های غربی گزارش داده‌اند، باتوجه به ضرب‌الاجل ۱۵ اکتبر و نشست مجمع عمومی سازمان ملل، ترامپ برخی اهرم‌های فشار را همراه با اروپایی‌ها خواهد داشت؛ اروپایی‌هایی که از توافق حمایت کرده و

ترامپ در کنار رویکرد تنبیهی و اعمال فشار بر فرانسه و سایر کشورهای اروپایی، از برخی ابزارهای تشویقی نیز در راستای همراه‌سازی آنها با واشنگتن در تقابل با توافق هسته‌ای استفاده می‌کند

اگر آمریکا به این نتیجه برسد که ایران در حال نقض توافق هسته‌ای است، درواقع پایبندی ایران را به این توافق تأیید نخواهد کرد و این اقدام احتمالاً به کنار کشیدن احتمالی آمریکا از توافق منجر و متعاقباً تحریم‌های یکجانبه آمریکا بار دیگر بر ایران اعمال خواهد شد. اما به نظر می‌رسد اعمال تحریم‌های چندجانبه علیه ایران آسان نخواهد بود! در این خصوص لازم است ایالات متحد آمریکا موافقت ترویکای اروپایی (سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس) و از آنها مهم‌تر، چین و روسیه را به دست آورد. در چنین شرایطی، مقامات صهیونیستی اعلام کردند نتانیاها و ران درمر، سفیر اسرائیل در واشنگتن در حال ترغیب دونالد ترامپ و مشاوران نزدیک او برای تأیید نکردن پایبندی ایران به توافق هسته‌ای هستند.

در هر حال، هشدارهایی که از سوی نهادهای امنیتی رژیم صهیونیستی در خصوص رویکرد ضدبرجامی نتانیاها و لیبرمن به آنها مخابره شده بسیار جدی است. مقامات صهیونیستی در گفت‌وگو با هآرتس اعلام کرده‌اند که بحث‌های داخلی در اسرائیل بر سر سرنشت توافق هسته‌ای همانند بحث‌ها در داخل دولت امریکاست: در حالی که ترامپ چند بار اعلام کرده است خواهان کنار کشیدن از توافق هسته‌ای است، برخی از مشاوران بلندپایه او و اعضای کابینه‌اش از قبیل جیمز ماتیس وزیر دفاع، اچ آر مک مستر، مشاور امنیت ملی و رکنس تیلرسون وزیر امور خارجه آمریکا استدلال‌های خود را دارند و در این باره نگران هستند که کنار کشیدن از توافق هسته‌ای ممکن است به نفع ایران تمام شود. هآرتس نوشت: «آنها ترجیح می‌دهند بر اقدامات به منظور مقابله با رفتارهای تهاجمی ایران در سراسر منطقه غرب آسیا متمرکز شوند.» یکی از مقامات رژیم صهیونیستی در این خصوص می‌گوید:

«ما همانند مقامات آمریکایی بر سر این موضوع اختلاف نظرهایی داریم. اگر شما از نتانیاها و لیبرمن بپرسید، آنها با یکدیگر هم نظر هستند اما دستگاه امنیتی لزوماً در دیدگاه‌های آنها اشتراک نظر ندارد.»

در نهایت اینکه نتانیاها نیز به مانند دونالد ترامپ برای ابطال توافق هسته‌ای و یا تبدیل کردن آن به توافقی بسیار خطرناک برای ایران تعجیل دارد، اما خود نیز نمی‌داند در این مسیر باید چگونه پیش برود! موضوعی که منجر به عصبانیت و سردرگمی وی و آویگدور لیبرمن شده است. ▶

شکاف

تفاوت نظر نتانیاها و نهادهای امنیتی بر سر برجام

در کاخ سفید، توافق هسته‌ای را پاره کند! با این حال، رئیس‌جمهور ایالات متحده پس از حضور در قدرت، دریافت که نقض یکجانبه برجام به ضرر واشنگتن و منافع آن خواهد بود. از این رو ترامپ راینی با ترویکای اروپایی (سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس) برای تغییر توافق هسته‌ای را در دستور کار قرار داده است. ترمش‌های اخیر صورت گرفته از سوی مقامات سه کشور اروپایی در خصوص مذاکره دوباره بر سر برجام نشان می‌دهد که این راینی‌ها با شدت تمام ادامه دارد. نتانیاها در این معادله سعی دارد نقش یک کاتالیزور و عامل تسریع کننده را ایفا کند.

نکته دیگر در این خصوص، تقابل دستگاه‌های امنیتی با نتانیاها بر سر مواجهه با برجام است. بر این اساس بنیامین نتانیاها نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و آویگدور لیبرمن، وزیر جنگ این رژیم بر این باورند که دست کشیدن آمریکا از توافق هسته‌ای ایران به نفع اسرائیل است اما کارشناسان حاضر در نهادهای اطلاعاتی بر این باور نیستند. اختلافات میان نهادهای امنیتی و دولتی رژیم صهیونیستی بر سر ابطال برجام، از سوی رسانه‌های این رژیم نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. به گفته مقامات بلندپایه دولت و ارتش اسرائیل، بدین ترتیب، بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل و آویگدور لیبرمن، وزیر جنگ او با دیگر مقامات نظامی اسرائیلی بر سر این موضوع اختلاف نظر دارند که آیا باید از آمریکا بخواهند از توافق هسته‌ای با ایران دست بکشند یا خیر. نتانیاها و لیبرمن بر این باورند که اگر آمریکا توافق هسته‌ای را برچیند، این اقدام به نفع اسرائیل است اما مقامات بلندپایه نظامی اسرائیلی نظری متفاوت در این باره دارند.

این کشمکش‌ها در حالی صورت می‌گیرد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در روز پانزدهم ماه اکتبر باید اعلام کند که آیا ایران به توافق هسته‌ای پایبند است یا خیر و همچنین باید کنگره را در جریان این موضوع قرار دهد.

۴ تقابل نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و نهادهای امنیتی این رژیم بر سر توافق هسته‌ای با ایران همچنان ادامه دارد. طی روزهای اخیر، منابع غربی از تشدید این اختلافات خبر داده‌اند. به تازگی نتانیاها در سفر به نیویورک، مقر سازمان ملل متحد، با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا دیدار کرده و راهکارهای خروج از توافق هسته‌ای با ایران را مورد ارزیابی مشترک قرار داده‌اند. این در حالی است که چند روز قبل از سفر نتانیاها به نیویورک، وی اظهار داشت که سیاست تل آویو در قبال برجام، تغییر توافق هسته‌ای یا خروج از آن است.

نتانیاها در زمان انعقاد توافق هسته‌ای با ایران، از اصلی‌ترین مخالفان برجام محسوب می‌شد. در هر حال، با سرکار آمدن ترامپ در کاخ سفید، هم‌پیمانی ایالات متحده آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در تقابل با توافق هسته‌ای وارد فاز تازه‌ای شده است. همان گونه که اشاره شد، دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاها در نیویورک با یکدیگر دیدار کردند. موضوع اصلی این دیدار، بررسی راهکارهای حقوقی در خصوص نحوه تقابل با توافق هسته‌ای با ایران بود. نتانیاها نیز مانند ترامپ خواستار تغییر مفاد توافق هسته‌ای و اعمال محدودیت‌های بیشتر بر برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان است. ترامپ نیز طی هفته‌های اخیر، از ایده «تغییر توافق هسته‌ای» استقبال کرده است. منابع خبری اعلام کرده‌اند که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در دیدار خود با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل، پیشنهاد ویژه‌ای را درباره لغو یا ایجاد تغییراتی اساسی در توافق هسته‌ای ایران به وی ارائه کرده است.

لازم به ذکر است که ترامپ در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ ایالات متحده آمریکا بارها از برجام به عنوان توافقی بد یاد کرده بود. حتی وی وعده داده بود که در نخستین روز حضور خود



ترامپ تعادل رفتاری ندارد

گفت‌وگوی مثلث با نقوی حسینی

سخنرانی ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل به اندازه‌ای افراطی و غیرمنطقی بود که اعتراض بسیاری از سیاستمداران و تحلیلگران در سرتاسر دنیا را برانگیخت. نظر شما در این خصوص چیست؟

▲ همان گونه که اشاره کردید، سخنان سخیف ترامپ واکنش مجامع بین‌المللی را برانگیخته است. سخنان خارج از عرف ترامپ، آن هم در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در حالی مطرح شده است که کارکرد سازمان ملل، پیگیری صلح و برقراری عدالت و رعایت حقوق بشر در دنیاست. در چنین شرایطی ترامپ از تریبون سازمان ملل برای بیان مواضع جنگ طلبانه خود استفاده کرده است. بدیهی است که این اقدام ترامپ از سوی کشورهای مختلف دنیا قابل پذیرش نیست. نکته دیگر، به سخنان ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران بازمی‌گردد. ایران طی سالهای گذشته رفتاری کاملاً منطقی و در چارچوب قوانین بین‌المللی داشته است. همچنین سیاست ایران، ایجاد آرامش در منطقه و نظام بین‌الملل بوده است. در چنین شرایطی اظهارات ترامپ انعکاس دهنده معضلات روحی و فردی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا است. از این رو مناسب است که هیأتی پزشکی، رفتارهای ترامپ را مورد بررسی قرار دهد. او هم اکنون با وجود اینکه تعادل روحی و رفتاری ندارد، در مسند ریاست جمهوری آمریکا قرار گرفته است؛ کشوری که موازین بین‌الملل را رعایت نمی‌کند و تهدیدی برای بشریت محسوب می‌شود.

در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا، ترامپ عملکرد روسای جمهور قبلی این کشور را مورد انتقاد قرار داد و به مداخله‌گرایی آمریکا در جهان و هزینه‌های سختی که این اقدامات برای واشنگتن دارد اعتراض کرد. باتوجه به این موضع گیری قبلی، سخنان جنگ طلبانه ترامپ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

▲ به نکته مهمی اشاره کردید. ترامپ در جریان رقابت‌های انتخاباتی سال گذشته از سیاست‌های مداخله‌جویانه و جنگ‌افروزان آمریکا انتقاد کرد. وی معتقد بود که دیگر آمریکا در دوران ریاست جمهوری وی بر مسائل داخلی متمرکز خواهد بود. او اساساً سیاست خارجی روسای جمهور قبلی آمریکا را به همین دلیل مورد نقد قرار داد. اما هم اکنون شاهد هستیم که ترامپ

▲ سخنان موهن رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با واکنش‌های گسترده‌ای در داخل و خارج از آمریکا روبه‌رو شده است. اکثریت قریب به اتفاق سیاستمداران غربی، سخنان ترامپ را غیرمنطقی و خطرناک دانسته و نسبت به روالی که وی در حوزه سیاست خارجی آمریکا در پیش گرفته است هشدار داده‌اند. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که وی با سخنان جنجالی خود، مجمع عمومی سازمان ملل متحد را به میدان جنگ تبدیل کرده و برخی دیگر نیز شخصیت وی را با بوش پسر، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا مقایسه کرده‌اند. در این خصوص گفت‌وگویی با سیدحسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی صورت داده‌ایم که از نظراتان می‌گذرد.

اظهاراتی خشونت‌آمیز را نسبت به روسای جمهور قبلی آمریکا مطرح می‌کند. سخنان اخیر ترامپ بار دیگر نشان داد که تفاوتی میان روسای جمهور آمریکا وجود ندارد. دلیل این مساله نیز کاملاً مشخص است. در پشت پرده سیاست خارجی آمریکا صهیونیست‌ها حضور دارند. این لابی‌های صهیونیستی هستند که رفتارهای روسای جمهور آمریکا را هدایت می‌کنند.

به تاثیر لابی‌های صهیونیستی در تعیین رفتارهای واشنگتن در عرصه سیاست خارجی این کشور اشاره کردید. ترامپ روز قبل از سخنرانی جنجالی خود در مجمع عمومی سازمان ملل، دیداری با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس داشت. نظر شما در این خصوص چیست؟

▲ سخنرانی ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در حقیقت بیانیه رژیم صهیونیستی بود. تعارضی که میان مواضع قبلی و فعلی ترامپ در حوزه سیاست خارجی آمریکا وجود دارد در همین راستا قابل ارزیابی است. بر این اساس، مصالح ایالات متحده اهمیت‌ی برای روسای جمهور این کشور ندارد. آنها صرفاً به تامین منافع رژیم صهیونیستی پرداخته و خط مشی‌القای از سوی آنها را به عنوان مبنای رفتار و گفتار خود می‌پذیرند.

با توجه به اینکه ترامپ در سخنرانی خود در سازمان ملل متحد، به صورت خاص کشورمان را مورد خطاب قرار داده است، مواضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به سخنان ترامپ چه خواهد بود؟

▲ جمهوری اسلامی ایران در این خصوص برای مواجهه با همه سناریوها و احتمالات آمادگی دارد. ایران نشان داده است که طی حدود چهار دهه‌ای که از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی سپری شده است، استوار، محکم و منطقی و اهل گفت‌وگو است. بر این اساس ایران آمادگی دارد تا مطابق تعهداتی که پذیرفته است، تا پایان زمان مقرر به توافق هسته‌ای پایبند باشد. با این حال اگر طرف مقابل برجام را متوقف کند یا از آن خارج شود، جمهوری اسلامی ایران نیز آمادگی دارد به شرایط قبلی بازگردد و با قدرت به فعالیت‌های خود ادامه دهد. در هر حال، به نفع سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف است که نسبت به توافق هسته‌ای پایبند بوده و موازین بین‌المللی را رعایت کنند.

اخیراً شاهد اقدام مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا در خصوص توقف فروش هواپیما به ایران بودیم. آیا این موضوع نقض برجام محسوب می‌شود؟

▲ مصوبه اخیر مجلس نمایندگان آمریکا در ممانعت از فروش هواپیماهای تجاری به ایران نقض آشکار برجام است. بدیهی است که در این خصوص هیأت نظارت بر توافق هسته‌ای باید واکنشی مناسب نشان دهد. مصوبه اخیر مجلس نمایندگان آمریکا با هدف عدم انتفاع ایران از منافع برجام صورت گرفته است. ما قویاً معتقدیم که اعضای ۵+۱ باید با کنار گذاشتن این مصوبه به تعهدات خود مطابق برجام عمل کنند. در متن برجام به صراحت موضوع فروش هواپیماهای تجاری به ایران آمده است. به همین دلیل مصوبه آمریکا برای ممانعت از فروش خلاف متن برجام است. همان گونه که بارها اشاره شده است، ایالات متحده آمریکا اساساً نمی‌خواهد جمهوری اسلامی ایران از منافع برجام منتفع شود. سیاست ایالات متحده در این خصوص کاملاً مشخص است. واشنگتن قصد دارد ایران را به سوی توقف برجام هدایت نماید اما ایران برجام را نقض نمی‌کند و خواستار توقف آن نیز نیست. اما در عین حال کشورمان برای سناریوهای مختلف آمادگی دارد. ►





عصر طلایی دایناسورها

نام مؤلف: عرفان خسروی

ناشر: نشر طلایی

تعداد صفحات: ۶۴



کتاب «عصر طلایی دایناسورها»، یک دانشنامه تصویری و مختصر در مورد موجودات درشت هیکلی است که سال‌ها پیش در زمین زندگی می‌کردند: دایناسورها! بعد از آنکه نویسنده کتاب، عرفان خسروی، کتاب «فرهنگ‌نامه دایناسورها» را نوشت و با استقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو شد، این استقبال او را تشویق کرد تا کتاب حاضر را بنویسد.

این کتاب، روی حس کنجکاوی کودکان و نوجوانان حساب ویژه‌ای باز کرده است و مخاطبان اصلی کتاب را نوجوانان تشکیل می‌دهند؛ گواه این مطلب، مقدمه‌ای است که خود نویسنده در ابتدای کتاب نگاشته است. به‌علاوه، فضای تصویری و نقاشی‌مانند کتاب، تابلوهای رنگارنگی از زندگی دایناسورها را در برابر چشمان تصویرخواه مخاطب قرار می‌دهد و مهر تأییدی است بر اینکه این کتاب برای نوجوانان پرسشگر و کنجکاو نوشته شده است. نکته جالب برای دایناسورها که ذهن مخاطب را قلقلک می‌دهد، دیدن تصاویر این موجودات است و این کتاب با آگاهی صحیح از این نیاز، به صرف نوشته اکتفا نکرده و بیشتر تصویرمحور بوده است.

روزآمدی، واژه‌نامه، حمایت از محیط‌زیست و آشناسازی مخاطب با روش علمی از ویژگی‌های کتاب است. در انتهای کتاب نیز نقشه جامع زندگی دایناسورها و خلاصه آنچه در کتاب است، به‌صورت مختصر برای مخاطب بازعرضه می‌شود.



توطئه

پس از ماه‌ها تنش و فرازونشیب میان اقلیم کردستان و دولت مرکزی بغداد، قرار است که این هفته (سوم مهرماه) همه‌پرسی سرنوشت ساز جدایی اقلیم از عراق برگزار شود. این همه‌پرسی که به احتمال قوی رای مثبت خواهد آورد تبعات زیادی را برای اقلیم، عراق، کشورهای منطقه و حتی کشورهای فرامنطقه‌ای در پی خواهد داشت و مطابق آنچه تحلیلگران تاکید دارند امکان آنکه پس از این همه‌پرسی شاهد تجزیه عراق و یا جنگ داخلی در این کشور باشیم خیلی دور از تصور نیست.

بین‌الملل

تیتریک



فتنه

طرح بارزانی به نتیجه می‌رسد؟

اسلامی ایران به عنوان دوست و هم‌پیمان برادران کرد که همواره و در سخت‌ترین شرایط در کنار آنها بوده است، برگزاری referendum را تأمین کننده منافع اقلیم کردستان ارزیابی نمی‌کند و با آن مخالف است. در شرایطی که عراق با تلاش و جانفشانی مردم این کشور اعم از عرب، کرد، ترکمن و... به مرحله پایانی پاکسازی خاک خود از لوث و جود تروریست‌های تکفیری نزدیک می‌شود، این اقدامات که وجهت و اعتبار قانونی نیز ندارند، به‌طور قطع

کردستان عراق از خود نشان داده است. سخنانی که از زبان دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران بیان شده است. تحول مهمی که نشان از موضع قطعی تهران در این مورد دارد. دبیر شورای عالی امنیت ملی با بیان اینکه برگزاری همه‌پرسی را تأمین کننده منافع اقلیم ندانسته و با آن مخالف است، گفته است: «هرگونه خدشه به تمامیت ارضی و وحدت سرزمینی عراق موجب بازبینی و تغییر جدی در روند همکاری موجود بین ایران و اقلیم خواهد شد. جمهوری

۱ «جدایی اقلیم کردستان از خاک عراق به مفهوم پایان یافتن تمامی این توافقات خواهد بود و پس از آن ایران در چارچوب تأمین امنیت مرزهای مشترک در روبکرد خود برای مقابله با حضور و فعالیت ضد انقلاب ایرانی که در مناطقی از کردستان عراق تردد دارند، به صورت جدی تجدید نظر کرده و با شیوه‌های کاملاً متفاوت نسبت به گذشته رفتار خواهد کرد.» این تندترین و مهم‌ترین واکنشی است که تهران به اجرای استقلال طلبی

**ناکامی سیاست چماق و هویج
خاندان آل ثانی از مشروعت
داخلی برخوردار است**



**کودتای نرم
عربستان موفق به
تغییر نظام قطر می شود؟**



**معمای امنیت
همه پرسی کردستان تهدیدی برای
تمامیت ارضی کشورهاست**

باشد. اتحادیه اروپا از طرح سازمان ملل جهت ترغیب به گفت و گو استقبال می کند و حمایت خود را از این روند در صورتی که از درخواستی از اتحادیه اروپا در این خصوص مطرح شود، ارائه می دهد.»

❖ پشت پرده استقلال خواهی

در همین حال روزنامه لبنانی الاخبار در گزارشی تحلیلی با بررسی این مساله، نوشت که این پافشاری به برگزاری همه پرسی از سوی «مسعود بارزانی»، رئیس منطقه کردستان با وجود فشارهای متعدد، در حالی است که تنها سه طرف از این رویکرد حمایت می کنند؛ رژیم صهیونیستی، عربستان و امارات. در عراق، «نوری المالکی»، معاون رئیس جمهور درباره این اقدام بارزانی می گوید: اجازه نخواهیم داد اسرائیل دومی در منطقه به وجود آید. منافع مشترک اربیل و تل آویو در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی، بسیار زیاد است. به گفته یک منبع آگاه سیاسی عراق، اگر «کشور کردی» تشکیل شود، مانند اسرائیل یک رژیم سرطانی خواهد بود. دیدگاه برخی از طرف های عراقی برگرفته از دیدگاه ایران در قبال این مساله است و معتقدند که تشکیل چنین کشوری در واقع ایجاد یک پایگاه اسرائیلی - آمریکایی در طول مرزهای شمال غربی ایران است.

نگرانی ایران و هشدار مستمر آن درباره تشکیل یک کشور کردی، اقدام «ابومهدی المهندس»، نائب رئیس هیأت «الحشد الشعبی» عراق و سفر دو روز پیشش به کرکوک به منظور بررسی پرونده همه پرسی با برخی رهبران کرد را تفسیر می کند. به گفته یکی از فرماندهان الحشد الشعبی، این اقدام المهندس نشان داد که وی بازوی ایران علیه هرگونه اقدام جدایی طلبانه در عراق خواهد بود. این موضع با اظهارات «قیس الخزعلی»، دبیرکل جنبش «عصائب اهل الحق» و قصدش برای ورود به اربیل در صورت برگزاری همه پرسی همسو است. نگرانی ایران از این اقدام اربیل، ریاض را بر آن داشت که روی این اختلاف سرمایه گذاری و با حمایت بارزانی که به دنبال همپیمانی عربی برای طرح جدایی طلبانه اش است، این اختلاف را تغذیه و تشدید کند. ریاض خود را به عنوان حامی اقلیت ها در منطقه معرفی کند. ... به اعتقاد منابع آگاه سیاسی، حمایت عربستان از بارزانی، به سیاست جدید ریاض در قبال عراق مبتنی بر حمایت از دشمنان ایران بر می گردد. هدف از این حمایت نیز، مهار نفوذ ایران در عراق و مشغول کردن تهران به مشکلی است که سال ها ادامه خواهد داشت. اما انگیزه امارات، حامی عربی دیگر بارزانی، به تعبیر یک منبع آگاه عراقی که اخیرا به ابوظبی سفر کرده است، به موضوع در قبال ترکیه بازمی گردد. این منبع می گوید: «محمد بن زاید در مقابل میهمانان عراقی اش از سیاست اخوانی «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه در منطقه ابراز نارضایتی و اعلام کرد که کشورش به شیوه های مختلف با این سیاست برخورد خواهد کرد و تلاش خواهد کرد که ترکیه را به پرونده هایی که برای آنکارا حساس تر است، مشغول کند.» به تعبیر این منبع آگاه، پرونده همه پرسی جدایی طلبانه کردستان نیز یکی از همین پرونده ها تا جایی که نخست وزیر ترکیه می گوید: «این همه پرسی برای ما، یک مساله امنیت ملی محسوب می شود.»

که این مساله یک پیش شرط برای مذاکرات به حساب می آید و ما کاملا با آن مخالف هستیم.» مالکی گفت: «ما مخالف برگزاری همه پرسی در کردستان و در مناطق مورد مناقشه هستیم و نتایج آن را نمی پذیریم چرا که این اقدام به صورت آشکارا با قانون اساسی عراق مغایرت دارد و اقلیم کردستان باید به دستورات دادگاه فدرال تن دهد و هر چه سریع تر همه پرسی را متوقف کند. ما از تلاش های نماینده دبیرکل سازمان ملل در این خصوص قدردان هستیم اما قاطعانه مخالف بین المللی کردن بحران همه پرسی و تلاش برای کنارزدن نقش ملی هستیم چرا که این مساله ما را به جای نخست و به آشوب باز می گرداند.

❖ اردوغان تهدید کرد

رئیس جمهور ترکیه در نیویورک، ضمن تکرار مخالفت کشورش با برگزاری همه پرسی جدایی کردستان عراق، به اربیل درباره اعمال تحریم های آنکارا هشدار داد. در ادامه هشدارها درباره برگزاری همه پرسی جدایی کردستان عراق، رجب طیب اردوغان این منطقه را به تحریم تهدید کرده است. خبرگزاری آناتولی ترکیه گزارش داد که رئیس جمهور این کشور سه شنبه شب به وقت نیویورک، به منطقه کردستان عراق درباره تحریم های آنکارا در صورت برگزاری همه پرسی جدایی از عراق هشدار داد. رجب طیب اردوغان گفت که «ما همیشه (از منطقه کردستان عراق) حمایت کرده ایم و فکر می کنیم که این رویکرد آنها در واقع نادیده گرفتن جمهوری ترکیه است؛ کشوری که در کنار آنها ایستاده است و آنها را متحد نزدیک خود می دانست.» رئیس جمهور ترکیه اعلام کرد که کابینه و شورای امنیت ملی ترکیه جلسه ای برای تصمیم گیری درباره موضوع همه پرسی جدایی کردستان عراق برگزار خواهد کرد. اردوغان افزود: «بدون تردید کابینه این وضعیت را بررسی و تحریم های احتمالی را ارزیابی خواهد کرد؛ تحریم هایی که تحریم های عادی نخواهد بود.» این اولین بار نیست که مقامات ترکیه مخالفتشان را با همه پرسی جدایی کردستان عراق اعلام می کنند. پیش از این، نخست وزیر ترکیه این همه پرسی را یک موضوع امنیت ملی برای ترکیه خوانده بود. رئیس جمهور ترکیه، کردستان عراق را به تحریم تهدید کرد.

❖ همه پرسی کردستان عراق بی فایده است

اتحادیه اروپا از مسئولان اقلیم کردستان عراق خواست تا همه پرسی استقلال را برگزار نکنند. اتحادیه اروپا با درخواست از مسئولان کردستان عراق برای عدم برگزاری همه پرسی، اعلام کرد که این همه پرسی «مثمرتر» نخواهد بود. فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا گفت: اتحادیه اروپا حمایت همیشگی خود را از تمامیت و حاکمیت عراق و وحدت آن یادآور می شود. اقدامات یک طرفه همچون همه پرسی ثمربخش به حساب نمی آید و باید از آن اجتناب شود. مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا تاکید کرد: «اتحادیه اروپا به مسائل حل نشده میان مسئولان کرد و بغداد اذعان دارد و معتقد است که باید این مسائل از طریق گفت و گوی مسالمت آمیز و سازنده حل و فصل شود که این گفت و گو می تواند شرایط را به راه حل مورد توافق سوق دهد که این راه حل بر مبنای اجرای بندهای قانون اساسی عراق

اثرات ضد امنیتی بر منطقه، عراق و به ویژه اقلیم کردستان خواهد داشت. رویکرد مخالف کشورهای همسایه عراق با برگزاری رفتارندوم در اقلیم، شرایط پیچیده و دشواری را برای کردستان پس از رفتارندوم ایجاد خواهد کرد. ایران به طور قطع صرفا، دولت واحد، یکپارچه و فدرال عراق را به رسمیت می شناسد.» نماینده مقام معظم رهبری با اشاره به موضع غیر قابل تغییر جمهوری اسلامی ایران در خصوص ضرورت حفظ تمامیت ارضی و وحدت سرزمینی عراق افزود: «هرگونه خدشه به این اصل راهبردی، موجب بازبینی و تغییر جدی در روند همکاری موجود بین ایران و اقلیم کردستان عراق خواهد شد.»

وی مشروعت معابر و گذرگاه های مرزی جمهوری اسلامی ایران با مناطق اقلیم کردستان عراق را صرفا به دلیل وجود اقلیم به عنوان بخشی از عراق یکپارچه عنوان کرد و اظهار داشت: «توافقات مرزی صرفا با محوریت دولت مرکزی عراق پابرجا بوده و جدایی اقلیم کردستان از دولت مرکزی عراق به معنای مسدود شدن تمامی معابر و گذرگاه های مشترک مرزی خواهد بود.»

شمخانی در بخش دیگری از اظهارات خود با اشاره به وجود توافقات نظامی و امنیتی بین ایران و اقلیم کردستان عراق گفته است: «جدایی اقلیم کردستان از خاک عراق به مفهوم پایان یافتن تمامی این توافقات خواهد بود و پس از آن ایران در چارچوب تامین امنیت مرزهای مشترک در رویکرد خود برای مقابله با حضور و فعالیت ضد انقلاب ایرانی که در مناطقی از کردستان عراق تردد دارند، به صورت جدی تجدیدنظر کرده و با شیوه های کاملا متفاوت نسبت به گذشته رفتار خواهد کرد.»

شمخانی با تاکید بر ضرورت تداوم گفت و گو برای حل و فصل مسائل موجود و تجدیدنظر در اتخاذ تصمیمات شتابزده افزود: «هنوز فرصت کافی برای مسئولان کردستان عراق برای اجابت دعوت های خیرخواهانه با هدف تامین منافع جامعه کردی و کشور عراق و جلوگیری از شکل گیری روندهای ضد امنیتی در منطقه وجود دارد.»

❖ همه پرسی کردستان عراق، علیه عراق است

امادر تحوولی دیگر دستیار ویژه رئیس مجلس در امور بین الملل برگزاری همه پرسی در کردستان عراق را محاسبه غلط و علیه عراق توصیف کرد. حسین امیر عبداللهمیان در صفحه شخصی خود در توییتر نوشت: «اربیل بارزانی در دهه ۹۰ در همدستی با صدام علیه سلیمانیه اقدام نظامی کرد، در سقوط موصل با داعش بود و حال با محاسبه غلط همه پرسی، علیه عراق است.»

❖ مخالفت نوری مالکی

در همین حال معاون رئیس جمهوری عراق مخالف خود را با طرح نماینده سازمان ملل در عراق پیرامون همه پرسی اقلیم کردستان اعلام کرد. نوری مالکی، معاون رئیس جمهوری عراق گفت این طرح در بردارنده بندهای مغایر با قانون اساسی است. معاون رئیس جمهوری عراق تاکید کرد: «ما بر مخالفت خود با طرح ارائه شده از سوی یان کوبیچ، نماینده دبیرکل سازمان ملل در عراق تاکید داریم، چرا که این طرح مدت های زمانی را برای موفقیت آمیز بودن مذاکرات تعیین می کند

معمای امنیت

همه‌پرسی کردستان تهدیدی برای تمامیت ارضی کشورهاست

نوذر شفیعی

استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی

حکومت اقلیم خودمختار کردستان عراق در صدد است تا همه‌پرسی استقلال را در روز سوم مهرماه سال جاری برگزار کند. این اقدام اقلیم واکش‌های متفاوتی را در بر داشته است. کاخ سفید خواستار لغو همه‌پرسی شد و اعلام کرد که آمریکا از قصد دولت اقلیم کردستان برای برگزاری

هویت و استقلال برای اقوام و گروه‌های قومی و مذهبی مهم است، اما زمانی که تامین این موارد از طرق دیگری امکان‌پذیر است و از طریق تجزیه، امنیت ملی کشورها به خطر خواهد افتاد، به سادگی امکان‌پذیر نیست.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت تجزیه یک بخش از یک کشور به تضعیف حکومت مرکزی آن کشور کمک می‌کند. عراق یک کلیت واحد با اقوام و مذاهب مختلف است اما تنوع قومی، نژادی، مذهبی دلیل بر تجزیه طلبی این واحدها نیست.

در خصوص اهداف اقلیم کردستان از برگزاری همه‌پرسی نیز باید گفت کردهای عراق معتقدند دارای یک هویت جداگانه در عراق هستند، که این هویت جداگانه با دولت مرکزی مشکل دارد. آنها در ابتدا به سمت خودمختاری، سپس اقلیم کردستان و اکنون تجزیه و جدایی از عراق حرکت کردند. اما این اقدام موجب درگیری در داخل عراق، مداخله قدرت‌های خارجی در کشور و مخدوش شدن وحدت آن خواهد شد؛ لذا هر دولت دیگری هم اگر روی کار بود همانند حیدر العبادی رئیس‌جمهور این کشور، اجازه این کار را نمی‌داد. زیرا قانون اساسی عراق، یکپارچگی و اتحاد عراق را تجویز کرده نه پراکندگی و تجزیه کشور؛ کما اینکه پارلمان عراق هم مجدداً تاکید کرد که همه‌پرسی مغایر قانون اساسی است و آن را رد کرد.

اما برخلاف اکثر دولت‌ها و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس علناً از روند تجزیه اقلیم حمایت کرده است. آنچه که محرز است تجزیه عراق حتماً به سود اسرائیل خواهد بود، زیرا در نزدیکی خودش با کشورهای کوچکتري مواجه خواهد شد و تل‌آویو برتری‌هایی ژئوپلیتیکی پیدا خواهد کرد. به عبارت دیگر در حال حاضر اسرائیل به دلیل کوچک بودن فاقد حقوق استراتژیک است و در مقابل کشورهای گسترده آسیب‌پذیر است.

بنابراین اولویت اول رژیم اشغالگر قدس ایجاد آشوب هدایت‌شده در کشورهای منطقه است، همانطور که در سوریه و عراق این آشوب را دنبال می‌کند. گام بعدی آنها تجزیه کشورها است. به عنوان مثال اگر کردستان عراق تجزیه شود به دنبال آن کردهای سوریه نیز جدا شوند، اسرائیل با دولت کوچکتري به نام سوریه مواجه است. بنابراین تداوم و تشدید بحران‌های منطقه خاورمیانه به‌طور خاص جدایی اقلیم کردستان عراق، به نفع تل‌آویو خواهد بود و آنها به صورت مادی و محرمانه روند تجزیه را حمایت می‌کنند.

در خصوص حمایت پشت‌پرده ایالات متحده آمریکا از جدایی اقلیم کردستان باید اذعان داشت که آنها در شرایط فعلی دچار اختلافاتی با ترکیه شده‌اند، از طرف دیگر با کشورهای عربی چون سوریه و عراق و نیز ایران هم مشکلاتی دارند. به همین خاطر تمایل به ایجاد کشور رفیقی به نام کردستان در این منطقه دارند تا در این راستا امکان نفوذ بر ایران، سوریه و عراق را افزایش دهند. اگرچه این سناریو را انگلیس نیز دنبال می‌کند، اما قاعداً کشوری مانند انگلیس که اخیراً درگیر سرکوب ایرلند شمالی به دلیل ادعای ماندن در اتحادیه اروپا بعد از برگزیت بود، نباید روند تجزیه را حمایت کند.

بنابراین شاید در این راستا لابی عربستان نیز در جذب حمایت لندن و واشنگتن از برگزاری فراندوم و جدایی اقلیم کردستان عراق فعال باشد. ▶

شد و اینچنین نیست که فقط کشورهای منطقه مانند ترکیه، ایران و عراق نگران این موضوع باشند، زیرا اگر بحث تجزیه رواج پیدا کند، تمامیت ارضی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در معرض تهدید خواهد بود. یعنی ایرلند شمالی باید از انگلیس جدا شود، تمامی ایالات آمریکا، فدراسیون‌های مختلف روسیه و تمامی ایالت‌ها در هندوستان، پاکستان و افغانستان نیز باید تجزیه شوند.

بنابراین در مساله جدایی اقلیم موضوع کلیدی، تمامیت ارضی کشورها است که امنیت ملی کشورها را به خطر می‌اندازد. در حوزه امنیت ملی اصطلاحی وجود



دارد به نام «معمای امنیت» که تلاش یک طرف برای کسب امنیت خودش به ناامنی در دیگر مناطق منجر شود. درواقع تلاش مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق برای امنیت در اقلیم به ناامنی در کشورهای دیگر منجر می‌شود. اما کشورهای دیگر به سادگی این اجازه را نخواهند داد که امنیت کردستان عراق به قیمت ناامنی خودشان تمام شود.

بنابراین صرف نظر از اینکه چه کسانی پشت‌پرده این مساله قرار دارند، این پدیده برای اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان تهدید محسوب می‌شود و همگی باید با این رویداد مقابله کنند. اگرچه مسائلی چون آزادی،

اگر جدایی اقلیم رخ دهد، این پدیده دامنگیر همه کشورها خواهد شد و این چنین نیست که فقط کشورهای منطقه نگران این موضوع باشند، زیرا اگر بحث تجزیه رواج پیدا کند، تمامیت ارضی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در معرض تهدید خواهد بود

همه‌پرسی استقلال حمایت نمی‌کند. در مقابل بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، گفته از اعلام استقلال اقلیم کردستان و تشکیل آنچه او «دولت کرد» نامید، حمایت می‌کند. ترکیه، ایران و سوریه سه همسایه عراق نیز با برگزاری این همه‌پرسی مخالفت کرده‌اند. اما مسعود بارزانی، رئیس دولت اقلیم خودمختار کردستان عراق اعلام کرده است که این همه‌پرسی در موعد مقرر برگزار خواهد شد.

از سوی دیگر دیوان عالی عراق به عنوان عالی‌ترین نهاد قضایی این کشور رای به تعلیق همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق داده است. همچنین احزاب گوران (جنبش تغییر) و اتحاد اسلامی ضمن انتقاد از مسعود بارزانی با برگزاری همه‌پرسی در مقطع زمانی کنونی مخالفت کرده‌اند.

بنابراین باید گفت جدایی اقلیم کردستان از حکومت مرکزی عراق پیامدهایی دارد، کسانی که پیامدهای این اقدام را در راستای منافعشان می‌دانند از آن استقبال می‌کنند و کسانی که پیامدهای این کار را مخالف منافعشان می‌دانند با آن به مخالفت می‌پردازند. اما اگر جدایی اقلیم رخ دهد، این پدیده دامنگیر همه کشورها خواهد

استقلال کردستان و همچنین در سخنان و مطالب نتانیاهاو مشهود است و این روزها نیز در محافل صهیونیستی به کرات به چشم می‌خورد.

آمریکا و انگلیس چه نقشی در پیگیری این طرح دارند و می‌توان گفت که آمریکا برخلاف اظهار نظرهای علنی مبنی بر مخالفت با جدایی اقلیم، فقط با زمان برگزاری همه‌پرسی مخالف است و نه با کلیت این طرح؟

▲ آمریکایی‌ها برخلاف کشورهای همسایه عراق مواضع چندان محکمی را علیه همه‌پرسی اتخاذ نکردند و همانگونه که اشاره کردید اکثراً به تعویق همه‌پرسی اشاره داشته‌اند. حتی زمانی که برخی از آنها از لغو همه‌پرسی سخن می‌گویند از ارائه راهکار خود مبنی بر مذاکره اریبل با بغداد در باره همه‌پرسی سخن گفته‌اند که در عمق خود به معنای مخالفت با همه‌پرسی نیست، بلکه در خوشبینانه‌ترین حالت نشان می‌دهد همه‌پرسی یا استقلال از راه‌های کم‌چالش یا بدون چالش و از طریق گفت‌وگو را ترجیح می‌دهند. آمریکایی‌ها می‌دانند که ایران به شدت با استقلال کردستان مخالف است و این موضوع به خودی خود یک امر مشوق برای آمریکایی جهت حمایت از تجزیه عراق است. علاوه بر این وجود دولت‌های تجزیه‌شده کوچک در منطقه، سایه تهدیدهای میان مدت و بلندمدت را از سر اسرائیل دور می‌کند. عراق در چارچوب نبرد با گروه تروریستی داعش و تشکیل گروه‌های مقاومت که روابط خوب و نزدیکی با ایران دارند اثبات کرد که این ظرفیت را دارد که تبدیل به پایگاهی برای حرکت‌های ایدئانی علیه اهداف رژیم‌های استعمارگر باشد. همچنانکه می‌تواند به کریدوری در مسیر تهران، سوریه و بیروت تبدیل شود، بنابراین تحریک به ظهور حرکت‌های تجزیه‌طلبانه که خود را به شکل استقلال کردستان یا تأسیس اقلیم‌های مستقل سنی در الانبار یا نینوا نشان می‌دهد، عملاً ایجاد اختلال در فضای جدید شکل گرفته است. هرچند که به دلیل روابط راهبردی با ترکیه و عراق در حال حاضر آمریکایی‌ها تمایلی به ناراحت کردن بغداد ندارند و امید دارند با راضی کردن آن بتوانند حضور نظامی خود را در این کشور قانونی یا بلندمدت‌تر کنند اما این موضوع را نیز نباید از یاد برد که همکاری آمریکا با پیشمرگه‌های کرد در عراق علیه داعش و این همکاری با کردهای سوریه و ائتلاف با آنها، عملاً به واشنگتن نشان داد که می‌تواند در آینده روی کردها به عنوان متحدی توانا و وفادار به خود حساب کند.

اگر این همه‌پرسی برگزار و رای به جدایی اقلیم از عراق داده شود، چه تبعاتی در انتظار اقلیم، عراق و منطقه خواهد بود؟

▲ این موضوع بستگی به این دارد که فرایند استقلال که بعید به نظر می‌رسد در آینده کوتاه اتفاق بیفتد چگونه صورت بگیرد و بغداد چه نقشی در آن داشته باشد. همچنانکه موضوع مناطق مورد منازعه بین اقلیم به خصوص کرکوک نقش مهمی در آینده مناسبات اریبل و بغداد و تنش میان این دو خواهد داشت. اصرار کردها بر ضمیمه کردن کرکوک به همه‌پرسی و یا حتی به خاک اقلیم به طور رسمی، موضوعی خطرناک است که می‌تواند به چالش‌های بسیار جدی و لشکر کشی نظامی دوطرفه منجر شود. در هر صورت طبیعی است که استقلال احتمالی کردستان به معنای تجزیه عراق خواهد بود. هر چند موضع برخی مقامات کرد تند و مبتنی بر تهدید است، اما به نظر نمی‌رسد کردها هم به این اعتقاد داشته باشند که اهداف و امیال شان در چارچوب یک جنگ محقق شود. کردستان با آن همه مشکلات داخلی و عدیده خود حتی اگر کشوری مستقل شود به طور قطع در اولویت خود باید به وضع نابسامان اقتصادی خود رسیدگی کند و جنگ وضعیت آن را بدتر خواهد کرد. ►



احتمال لشکر کشی نظامی

کارشناس مسائل عراق در گفت‌وگو با مثلث



سیدرضا قزوینی، کارشناس و تحلیلگر مسائل عراق در گفت‌وگو با هفته‌نامه مثلث به بررسی تبعات احتمالی جدایی اقلیم کردستان از عراق پرداخت و

گفت که این استقلال به معنای تجزیه عراق خواهد بود. مسائلی مانند ضمیمه کردن کرکوک به همه‌پرسی و یا حتی به خاک اقلیم به طور رسمی، موضوعی خطرناک است که می‌تواند به چالش‌های بسیار جدی و لشکر کشی نظامی دوطرفه منجر شود. او در رابطه با نگاه رژیم اسرائیل نسبت به این همه‌پرسی نیز گفت که وجود دولت‌های تجزیه‌شده کوچک در منطقه، سایه تهدیدهای میان مدت و بلندمدت را از سر اسرائیل دور می‌کند و بنابراین تردیدی نیست و شواهد علنی نیز همین را نشان می‌دهد که اقلیم کردستان از مناسبات حسنه با رژیم صهیونیستی استقبال می‌کند، زیرا در منطقه بحرانی خاورمیانه ظهور دولتی که اسرائیل را به رسمیت بشناسد به سود آن خواهد بود.

دوطرفه است. کردها به خصوص بارزانی‌ها از دهه‌ها قبل روابط خوبی با اسرائیلی‌ها داشتند و تحقق دولت کردی، این بار خود را به شکل روابط رسمی با تل آویو نشان خواهد داد، بنابراین در منطقه بحرانی خاورمیانه ظهور دولتی که اسرائیل را به رسمیت بشناسد به سود آن خواهد بود. علاوه بر این حضور رسمی و علنی اسرائیل در کنار مرزهای ایران، به معنی افزودن یک در دسر و چالش برای تهران خواهد بود و اسرائیل این موضوع را دنبال می‌کند. همچنانکه وجود یک دولت مستقل کردی در این منطقه و تعامل آن با اسرائیل، یک گام این رژیم را از گوشه‌نشینی و عزلت خارج می‌کند و به تل آویو نیز امکان می‌دهد از طریق اریبل، تأثیرگذاری بیشتری در رویدادها و فعل و انفعالات منطقه داشته باشد. بر همه اینها باید این نکته را افزود که تأسیس یک دولت مستقل تماماً کردی، اسرائیل را تا حدودی از انگ رژیم بنا شده بر قومیتی‌یادبان‌تره‌های کند و علاوه بر اقلیت یهودی موجود در مرزهای فلسطین اشغالی، یک اقلیت صاحب دولت مستقل دیگر را در منطقه به ظهور می‌رساند. از این روست که مقامات اسرائیلی مکرراً از چند سال قبل تا کنون به طور مستمر از ضرورت حمایت از استقلال کردستان عراق سخن گفته‌اند. این موضوع در اظهارات لیبرمن وزیر خارجه اسرائیل در سال ۲۰۱۴ و تشویق جان کری به حمایت از

تنها چند روز تا برگزاری همه‌پرسی جدایی اقلیم کردستان باقی مانده و مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق با وجود مخالفت‌های بسیار داخلی، منطقه‌ای و جهانی همچنان اصرار به برگزاری همه‌پرسی دارد. به نظر شما پیگیری بحث همه‌پرسی تاجه حد با هدف تجزیه عراق و تضعیف دولت مرکزی است؟

▲ اساساً در موضوع همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق و هواداران آن دو دسته از بازیگران حضور دارند: بازیگران داخلی و خارجی. بازیگران داخلی که غالباً کردها هستند، هدفشان استقلال و تشکیل دولت مستقل کردی است. این مساله به اهداف سیاسی، حزبی و امتیازخواهانه برخی شخصیت‌های موثر در اقلیم مانند مسعود بارزانی بازمی‌گردد. علاوه بر این اریبل، وجود یک دولت ضعیف مرکزی را به سود خود می‌داند. وجود ضعف و اختلاف در بغداد به خصوص میان عرب‌های سنی و شیعه، باعث تقویت مواضع کردها در امتیازخواهی از بغداد و اجرای اقدامات خودسرانه و مستقل شده و می‌شود. بنابراین کردستان چه بخشی از عراق باقی بماند و چه تبدیل به دولتی مستقل شود، وجود یک عراق ضعیف که امکان رقابت با همسایه جدید خود را نداشته باشد و نتواند به عنوان سرزمین سابق مادری، هژمونی خود را بر آن تحمیل کند به سود اقلیم است. بالطبع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نیز از وجود یک دولت قوی مرکزی در عراق خرسند نخواهند بود. رژیم‌های منطقه‌ای و در رأس آنها عربستان سعودی و اسرائیل نیز هر کدام دلایل خود را برای تضعیف و تجزیه عراق دارند. مقامات ایالات متحده آمریکا نیز در طول سال‌های اخیر نشان داده‌اند عراق یکپارچه در دراز مدت برای آنان هیچ اولویتی ندارد و مطرح شدن مباحثی مانند تقسیم کشور به چند منطقه بر مبنای قومی و مذهبی توسط افرادی مانند جو بایدن و افراد دیگر نشان از تمایل آمریکایی‌ها به این موضوع دارد. همه‌پرسی استقلال کردستان فرصت عملی و مناسبی برای کشورهای است که به فکر تضعیف و تجزیه عراق هستند تا هدف خود را در کشور محقق کنند.

در برخی تحلیل‌ها و اظهار نظر‌ها از اسرائیلی بودن طرح همه‌پرسی اقلیم سخن به میان آمده است. به نظر شما رژیم اسرائیل چقدر در پیگیری این طرح نقش دارد و نگرانی‌ها و اهدافش چیست؟

▲ تحقق موضوع همه‌پرسی و به تبع آن استقلال احتمالی کردستان عراق، اهمیت و منافع ویژه‌ای برای اسرائیل دارد. تردیدی نیست و شواهد علنی نیز همین را نشان می‌دهد که اقلیم کردستان از مناسبات حسنه با رژیم صهیونیستی استقبال می‌کند و در حقیقت این موضوعی

پروژه اسرائیلی

مهندسی همه‌پرسی اقلیم از سال‌ها پیش کلید خورده بود

◀ سیروس برنا بلداجی

کارشناس مسائل عراق



۴ تا چند روز دیگر روز سرنوشت‌ساز برای اقلیم کردستان عراق و همچنین دولت مرکزی این کشور فرا می‌رسد. البته شاید بتوان گفت که این همه‌پرسی علاوه بر خود عراق برای کشورهای منطقه نیز بسیار حائز اهمیت است. «اقلیم کردستان عراق» قرار است روز ۲۵ سپتامبر (سوم مهر سال جاری) همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان این کشور را برگزار کند؛ این در حالی است که پارلمان عراق روز ۱۲ سپتامبر (مقارن با ۲۱ شهریور ماه) ضمن مخالفت با برگزاری همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق، برگزاری آن را «غیرقانونی» اعلام کرد. گرچه فرآیند دولت-ملت سازی در عراق نوین، مشخصاً از زمان سقوط نظام بعثی یا به عبارتی (مارس سال ۲۰۰۳) آغاز گردیده است، اما در حقیقت ساختار فدرال جمهوری دموکراتیک عراق، دارای یک روند تکوینی است. در واقع باید اذعان داشت که قبل از سقوط رژیم بعثی، پیش‌زمینه‌هایی در این راستا ایجاد شده بود که نقاط عطف آنها به شرح زیر است:

از نتایج مهم «گام نخست» با عنوان تکوین ساختار فدرال، یعنی گرایش‌ها و اقدامات هویت‌طلبانه کنونی اقلیم کردستان عراق معطوف به برگزاری فراندوم به تاریخ ۲۵ دسامبر ۲۰۱۷ این است که، زمانی که در سال ۱۹۹۱ - جنگ دوم خلیج فارس - پایان یافت و به دنبال آن قطعه‌نامه‌هایی مانند قطعه‌نامه نفت در برابر غذا و نیز قطعه‌نامه

منطقه ممنوعه پروازی هوایی و... صادر شدند، باعث شد تا درآمدهای نفتی ناشی از صدور انرژی و سوخت‌های فسیلی در حسابی نزد سازمان ملل بلوکه شود که بخش قابل توجهی از آن را (حدود ۱۳ درصد آن) به منطقه شبه‌خودمختار اقلیم کردستان اختصاص می‌دادند. همین موضوع یکی از عوامل شکل گرفتن گام نخست شرایط فعلی را برای اقلیم در پی داشت.

دومین نقطه عطف این روند (تکوین استقلال طلبی) را باید در دل فرآیند دول-ملت سازی عراق نوین دانست که در پی آن نظام سیاسی کنونی شکل گرفت. به این معنا که وقتی قانون اساسی نوین کنونی دائمی عراق، در مجمع ملی یا «مجلس ملی عراق» تثبیت شد، در یکی از بندهایش مشخصاً تأکید می‌کند که ساختار رژیم کنونی عراق، یک ساختار فدرالیستی است. همچنین در ذیل این بند صراحتاً اضافه کرده که یکی از قلمروهای فدرالیستی که مشخصاً از همان زمان به رسمیت شناخته شده است، «دولت فدرال اقلیم کردستان عراق» است.

«سومین نقطه عطف» این جریان را از فردای سقوط نظام بعثی در سال ۱۳۸۲ (مارس ۲۰۰۳) شاهد بودیم، که به رغم مخالفت حکومت مرکزی عراق، مسئولان ارشد اقلیم کردستان، که عمدتاً دو حزب دموکرات به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان عراق، به رهبری جلال طالبانی بودند، یک نماد منطقه‌ای را برای خودشان تعریف کردند و روی پشت‌بام‌ها و میزهایشان، عنوان پرچم این اقلیم قرار دادند و اقداماتی از این دست را شروع کردند... به تعبیر دیگر آنها از همان زمان به طور جدی تلاش کردند تا افکار عمومی را در ساحت قدرت نرم به گونه‌ای مهندسی کنند که احساسات عمومی و گرایش‌ها

هویت‌طلبانه را روز به روز بیشتر تهییج کنند. لازم به ذکر است فراندوم سوم مهر، دارای یک پیشینه تکوینی-تاریخی به شرح مزبور است؛ در واقع، برای اولین بار و به طور عملیاتی‌تر، در سال ۲۰۰۴ و نیز سال ۲۰۰۵، یک فراندوم کلی و استمراجی در قالب پاسخ کوتاه به یک سوال انجام دادند، که آیا شما با استقلال کردستان عراق موافقت یا خیر! در واقع، یک استمراج عمومی و ایضا دارای وجهه نمایشی و دارای پیام مخصوص برای حکومت مرکزی عراق و نیز کشورهای همسایه آغاز و انجام گرفت و همان زمان وعده داده شد که گام‌های بعدی تکوینی آن متعاقباً انجام و نهایی خواهد شد. در همان زمان عده‌ای از کنشگران منطقه‌ای و کشورهای هم‌جوار و بازیگران منطقه‌ای با آن مخالفت کردند، برخی سکوت کردند و بعضی نیز موافقت خود را اعلام کردند. به این صورت طی فرآیندی تدریجی، زمینه‌های شرایط فعلی ایجاد شد و استمرار یافت.

اما در شرایط فعلی آرایش سیاسی بازیگران و اهرم‌های موثر کشورهای مختلف را به چند دسته تقسیم کرده است؛ گروه اول؛ کشورهای هم‌جوار عراق هستند که دارای جمعیت قابل توجهی از اکرادند، مانند؛ جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و سوریه.

طبیعتاً این کشورها مخالف جدایی اقلیم از عراق هستند. گروه دوم؛ شامل کشورهایی است که مقابل این نگاه قرار دارند، مانند رژیم اشغالگر صهیونیستی که از فردای سقوط رژیم بعثی، اقدامات فرهنگی و میسیون‌های مذهبی را اعزام کرده و به جد مشغول فعالیت‌های فرهنگی، عقیدتی و فکری شدند. زیرا این منطقه برای اسرائیل دارای اهمیت راهبردی است و با تمام





تل آویو تنها حامی بارزانی

چه کسانی از برگزاری همه پرسی اقلیم کردستان حمایت می کنند؟

متوجه آن کند، داشته باشد.

بی تردید در شرایطی که دولت مرکزی عراق بازحمت و مرارت بسیار موفق به شکست داعش شده، بخش قابل توجهی از متصرفات و اماکن اشغال شده توسط تروریست های افراطی و تکفیری را پس گرفته و نزد مردم خود و نیز مردم سایر سرزمین ها از جمله اعراب، بر حیثیت و اعتبار حکمرانی اش افزوده شده، با برگزاری این همه پرسی دچار لطامات و صدماتی خواهد شد و این همه پرسی مانعی در برابر پیشرفت دولت مرکزی خواهد بود. مطلب دیگر اینکه با تجزیه عراق فرصتی هم برای گروه دیگر مدعی در عراق یعنی اهل تسنن فراهم خواهد آمد تا آنان نیز مطالبات خود را تازه کنند که این امر به تضعیف هر چه بیشتر عراق مرکزی منتهی می شود. در چنین شرایطی دولت کردستان عراق می تواند با سهولت بیشتر به اداره امور بپردازد. چرا که مواعی را بر سر راه دولت مرکزی قرار خواهد داد و این دولت را که در حال سروسامان دادن به کشور در دوران پسدادش است با مشکلات بسیاری روبه رو می کند.

پس هم اکنون زمان مناسبی برای انجام فراندوم از نگاه کردهای عراق به ویژه بارزانی است. چرا که فایده دیگر اعلام برگزاری همه پرسی این است که اگر قرار شد فراندومی انجام نشود، آنها تضمین های لازم را برای حفظ حقوق اقلیم و مردمش و از جمله حق حاکمیت رهبران اقلیم خواهند گرفت تا در همین شرایط بتوانند با خیالی آسوده از مواهب حق خودمختاری بهره مند شوند.

دخالت اسرائیل

در این میان دخالت رژیم اسرائیل در برگزاری این همه پرسی را نباید از نظر دور داشت. رژیم صهیونیستی

سیدجلال ساداتیان

دیپلمات پیشین و تحلیلگر مسائل بین الملل

مسعود بارزانی، رئیس تشکیلات خودگردان اقلیم کردستان عراق چند ماهی است که زمینه برگزاری همه پرسی اعلام استقلال از دولت مرکزی عراق را فراهم آورده است؛ در این همه پرسی که سوم مهرماه جاری (۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷) برگزار می شود، مردم اقلیم به این پرسش پاسخ می دهند که آیا خواهان استقلال از دولت مرکزی هستند یا خیر؟ بارزانی برای دستیابی به پاسخ مثبت، همه تمهیدات لازم را فراهم ساخته و با رای گیری از اعضای پارلمان اقلیم، پاسخ مثبت و رای اکثریت قریب به اتفاق آنها را دریافت کرده است.

او همزمان، مردم را به برپایی مراسم شادمانی و رقص و پایکوبی تشویق کرده است تا شرایط و جو لازم را برای نشان دادن اینکه اکثریت مردم کرد مایل به برگزاری این فراندوم هستند به جهان مخابره کند. بارزانی هدفش این است که اگر تابع شرایط موجود و جو سیاسی حاکم، مجبور به عقب نشینی شود و نتوانست فراندوم و همه پرسی را برگزار کند، بگوید من می خواستم و مردم هم موافق بودند، ولی نگذاشتند! رئیس اقلیم می خواهد بدین طریق هم بر میزان نفوذ و محبوبیت خود بیفزاید و هم در ادامه از شرایط بهتری برای اداره امور اقلیم برخوردار شود. همچنین اگر در راستای حکومت بر حوزه فرمانروایی اش مشکلاتی پیش آمد، آن را از خود دور کرده و مقصری را برای آنکه مردم را

توان و علنا اقلیم را مساعدت مادی و معنوی می کنند، از اهداف اسرائیل برای این کار می توان به طرح خاورمیانه بزرگ با آمریکا، نزدیکی به مرزهای جمهوری اسلامی و نزدیک شدن به مرزهای روسیه و... را برشمرد تا بتواند علاوه بر کانون های بحران فعلی مانند: افغانستان، سوریه و یمن،... یک کانون بحرانی جدیدی را نیز در جوار ایران ایجاد کند. ضمناً تاکید می کنم که قرائن و شواهد حاکی از آن است که خاندان بارزانی ها طی دهه های اخیر، مناسبات آشکار و پنهان قابل اعتنایی با رژیم اسرائیل داشتند که برخلاف گذشته طی سال های اخیر، این روابط و مناسبات صورت آشکارتری به خود گرفته است.

همچنین کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای اروپایی مانند انگلستان گرچه ظاهراً با استقلال اقلیم مخالفت می کنند، اما مخالفتشان نیز قابل بحث و کالبدشکافی است. زیرا آنها مخالفتی با اهداف و اصل این اقدام ندارند، بلکه مسأله شان مدیریت زمان این عمل است. در واقع آنها بر این باورند که این موضوع باید به تعویق و تأخیر بیفتد و نه اینکه اصلاً و اساساً برگزار نگردد.

گروه دیگر نیز کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند، بعضی از این کشورها که از متحدان ایالات متحده آمریکا هستند، با رویکرد واشنگتن هماهنگ هستند. برخی دیگر نیز مانند قطر سیاست مستقلانه تری دارند و دیپلماسی آنها معطوف به برقراری ثبات و امنیت منطقه ای به واسطه بازگراان منطقه است. برخی دیگر از کشورهای مانند عمان طی دودهمه گذشته تلاش کردند تا نقش شیخوخیت و بزرگ مشانه و تعدیل کننده مواضع طرفین را دنبال کنند. بنابراین با توجه به شناختی که از کارا کتر مسعود بارزانی با پیشینه ذهنی وی و مناسبات راهبردی اش با کشورهای چون آمریکا وجود دارد، به احتمال قریب به یقین، به زعم بنده قطعاً فراندوم برگزار خواهد شد.

اما باید تاکید کرد که بدون تردید در مقطع فعلی، اقلیم کردستان به دنبال استقلال کامل نیست. بلکه هدف اصلی آن گرفتن امتیازات مقتضی تدریجی فزاینده در بستر این تحول، از حکومت مرکزی عراق و نیز از کشورهای همجوار است. این امتیازات شامل موارد ذیل است؛ مهم ترین نکته در ارتباط با منطقه استراتژیک و راهبردی کرکوک است.

درواقع به واسطه منابع قابل توجه سوخت های فسیلی ای که در این منطقه وجود دارد، اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق به راحتی نمی توانند در این زمینه به توافق دست یابند و قطعاً در کوتاه مدت هم به توافق نخواهند رسید.

اما اقلیم کردستان در تلاش است که در این زمینه پیشرفت تدریجی داشته باشد. در مواردی مانند استقرار نیروهای شبه نظامی و حفاظت از این منابع، انجام فعالیت های مطالعاتی بالادستی در بحث استخراج، فرآوری و صادرات این منابع، تعیین دقیق تر قلمرو جغرافیایی اقلیم با حاکمیت مرکزی، مسائل امنیتی و نقش و جایگاهی که در آن محدوده به سایر اقلیت های قومی و مذهبی مانند ترکمن ها و ایزدی ها داده می شود و... از ملاحظات هستند که در آینده می توانند مورد مذاکره قرار گیرند که این موارد منشا برخی چالش ها بوده و خواهند بود.

همچنین باید یادآور شد که موارد مذکور به این معنا نیست که اقلیم به دنبال استقلال نیست، بلکه استقلال به مثابه یک هدف راهبردی میان مدت و درازمدت هدف غایی آنها است. اما با توجه به واقعیت های درون عراق و منطقه ای و برخی از مخالفت های منطقه ای در مقطع فعلی بدون تردید نمی توانند به هدف نهایی شان دست یابند. ▶

طی سال‌های گذشته به دلیل حضور داعش در منطقه از موقعیت بسیار خوبی برخوردار بود؛ هم‌به‌لحاظ تضعیف دولت‌های مرکزی و هم معطوف شدن نگاه‌ها به تحرکات گروه‌های تروریستی. اما امروز پیروزی‌های دولت‌های سوریه و عراق، شکست‌های پی‌در پی تروریست‌ها، تقویت موقعیت جبهه مقاومت و نزدیک شدن ایران به مرزهای سرزمین‌های اشغالی، مقامات تل‌آویو را کاملاً نگران کرده، بنابراین این رژیم در صدد آن است تا جبهه‌های جدیدی را در منطقه بگشاید تا شاید از پی آن، برای رژیم صهیونیستی مفر دیگری گشوده شود و بتواند با درگیر ساختن بازیگران منطقه با یکدیگر فرصت‌های مفیدی را برای پیشبرد اهداف خود جست‌وجو نماید.

رژیم اسرائیل با عمق استراتژیک کم، کاملاً لطمه‌پذیر است؛ بنابراین این رژیم با کوچکترین اتفاقی ممکن است لطمات جبران‌ناپذیری برایش ایجاد شود، بنابراین حیات خود را در ایجاد بحران و درگیری در منطقه جست‌وجو می‌کند. رژیم صهیونیستی با درگیر شدن در انتفاضة و تلاش برای مهار آن از یک سو و ایجاد درگیری بین همسایگان و کشورهای منطقه از سوی دیگر در تلاش است تا آسودگی خیال برای خود فراهم نماید. همچنین تل‌آویو با جمع‌آوری سلاح و ادوات جنگی از جمله سلاح هسته‌ای بر آن است که ربع و وحشت در میان دیگر کشورها ایجاد کند تا کسی متعرض نشود. به‌خصوص که رژیم اسرائیل توانست مدت‌ها با تکیه بر برادر بزرگتر یعنی ایالات متحده آمریکا که حامی او تلقی می‌شد، با خیالی آسوده به تعرضات خود و سیاست‌های قلدرمآبانه‌اش ادامه دهد. البته در زمان دولت باراک اوباما قدری این حالت سست و پشت بنیامین نتانیاهو خالی شد. اما در دولت جدید، یعنی دولت دونالد ترامپ و یکپارچگی تقریبی کنگره، امیدهای نتانیاهو بیشتر شده، بنابراین ابتکار عمل بیشتری را دنبال می‌کند. از جمله این ابتکارات نزدیک شدن به عربستان و تلاش برای ایجاد شکاف میان کشورهای عرب منطقه است. حمایت از رفراندوم اقلیم کردستان نیز در همین قالب قابل بررسی است.

نقش آمریکا و بریتانیا

ایالات متحده آمریکا با تصور قدرت برتر نظامی و اقتصادی در دنیای امروز که مسئولیت رهبری و هدایت

کشورهای بلوک سرمایه‌داری و تفکر لیبرال دموکراسی جهان را بر عهده خود می‌داند برای حفظ نفوذ و توسعه اقتدار خویش بر این گمان است که باید ژئوپلیتیک مناطق مختلف جهان از جمله منطقه غرب آسیا و خاورمیانه، (چه با تعریف قدیم و چه با تعریف جدید ایالات متحده آمریکا) را کنترل نماید.

بنابراین واشنگتن با اعزام نیروی نظامی در نقاط بحرانی و حادثه‌خیز، تلاش در تأمین منافع خود دارد. منطقه خاورمیانه که برای سال‌های طولانی در تاریخ، محل نزاع و درگیری‌های وسیع و مداوم بوده همواره محل دغدغه و گرفتاری‌های فکری و ذهنی رهبران ایالات متحده آمریکا بوده و خواهد بود. روزی کنترل عبور نفت و منبع تأمین انرژی دغدغه اصلی آن کشور بود و امروز علاوه بر امنیت اسرائیل، حفظ تعادل قدرت در نظام بین‌الملل که یکی از نقاط حساس آن همین منطقه است و نیز تأمین صلح و ثبات بین‌المللی از جمله اهداف و دغدغه‌های آمریکا محسوب می‌شود. ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد با اهداف ریز و درشت دیگری متناسب با شرایط روز مواجه می‌شود؛ مثل بازار فروش محصولات و تجارت از جمله فروش سلاح‌های پیشرفته که در این خصوص شاهد بودیم دونالد ترامپ در اولین سفر خارجی‌اش به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا قراردادی حدود ۴۰۰ میلیارد دلاری را با عربستان سعودی به امضا رساند. بنابراین فروش تسلیحات امروز از جمله برنامه‌های ایالات متحده آمریکا است و این کشور بر اساس اهداف تعریف‌شده برای خودش گمان می‌کند که می‌تواند در اقصی نقاط گیتی دخالت نماید.

در این راستا به نظر می‌رسد که آمریکای ترامپ هنوز به یک استراتژی متقن در رابطه با این منطقه نرسیده است؛ اما قطع به یقین در این مقطع آمریکا با برگزاری رفراندوم در اقلیم کردستان عراق به دلیل پیچیدگی مسائل و ابعاد تو در تو و پیچیده روابط آن کشور با بازیگران منطقه، مخالف است و حداقل آنکه این زمان را، زمان مناسب برای برگزاری این رفراندوم نمی‌داند.

بریتانیا نیز بازیگر فعالی است که از گذشته نقش غیرقابل انکاری در سرنوشت این منطقه ایفا کرده است. در میانه جنگ اول جهانی نمایندگان دو قدرت برتر آن زمان بریتانیا و فرانسه یعنی آقایان سایکس و پیکو، با خط کشی

ساده بر متصرفات دولت عثمانی قبل از پایان جنگ خود را برنده اعلام کرده، غنائم را بین خود تقسیم کردند و دولت‌های عراق، سوریه، کویت، اردن و... فعلی را شکل دادند و بعد از جنگ در سال ۱۹۱۹ در ورسای فرانسه به آن تقسیم غنائم رسمیت دادند!

اداره قیمومیت جامعه ملل و بعد از جنگ دوم همان اداره قیمومیت به سازمان ملل متحد نقل مکان کرد تا آن قدرت‌ها که امکان نفوذ خود را بر غنائم پیش گفته‌شده حفظ کنند. فرانسه و بریتانیا در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم مجبور به دادن استقلال به کشورهای یاد شده بودند و به ظاهر منطقه را ترک کردند اما چشم‌شان کاملاً به دنبال این منطقه بود و تلاش وافر داشتند تا نفوذ خویش و بازار فروش کالاها را حفظ نمایند. با فروپاشی نظام دو قطبی در عالم، فرصت جدیدی برای این دولت‌ها فراهم گشته است تا در راستای رقابت توأم با رقافت با آمریکا، از منابع این منطقه به‌هم بهره‌برداری کرده و در توسعه نفوذ خویش بکوشند. اما به ظاهر این رفراندوم و تقسیمات ناشی از آن مغایر با منافع بریتانیا و موجبات ایجاد تنش در منطق تعبیر شده بنابراین آن کشور سعی در ابراز مخالفت، البته با لحن آرام و توصیه به رهبران کردستان برای صبوری در برگزاری رفراندوم دارد.

تبعات احتمالی برگزاری رفراندوم

تندترین واکنش به برگزاری رفراندوم، به‌طور طبیعی از ناحیه دولت مرکزی عراق صورت گرفته است. از سوی حیدر العبادی نقل شده است که در صورت بروز خشونت، ممکن است دخالت نیروهای نظامی عراق اتفاق بیفتد که به معنی تهدید بروز جنگ خواهد بود. حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق انجام رفراندوم را مغایر قانون اساسی، یکپارچگی و وحدت عراق می‌داند. همسایگان عراق نیز واکنش‌های تنیدی ابراز کرده‌اند؛ ترکیه از زبان رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور و دیگر مقامات، این همه‌پرسی را مخالف و مغایر با منافع ملی آن کشور ارزیابی کرده و لحن تهدیدآمیز خود را برای توقف اقدامات مسئولان اقلیم به برگزاری رفراندوم پنهان نداشته‌اند. ایران نیز از زبان مسئولان عالی‌رتبه و از جمله دبیر شورای عالی امنیت ملی، بستن مرزها و تغییر سیاست‌های همکاری همجواری را با اقلیم در صورت انجام رفراندوم وعده داده است. قطعاً سوریه نیز که دارای اقلیت کردنشین در محدوده سرزمینی‌اش است همانند ایران و ترکیه از جمله مخالفان برگزاری همه‌پرسی به شمار می‌رود.

در این میان اصرار بر انجام همه‌پرسی می‌تواند فشار این همسایگان را بر اقلیم تا ورود به یک جنگ تمام‌عیار با آنها افزایش دهد؛ جنگی که خود منجر به خونریزی بیشتر و افزایش تنش‌های منطقه‌ای خواهد بود. از این منظر دبیرکل سازمان ملل به‌عنوان سخنگوی عمده کشورهای جهان نیز مخالفت خود را با رفراندوم بیان داشته و خواستار توقف آن گردیده است. اروپا، آمریکا و حتی دولت‌های قدرتمند آسیا نیز مخالفت خود را با جداسازی اقلیم ابراز داشته‌اند.

بنابراین مسعود بارزانی و اقلیم کاملاً تنها باقی مانده‌اند و به‌جز یکی دو حامی نظیر اسرائیل، هیچ حامی قدرتمندی اقلیم را به‌خاطر برگزاری رفراندوم حمایت نمی‌کند. در نتیجه در صورت اصرار به برگزاری آن، اقلیم دستاوردها و سازندگی‌هایی را که در دو دهه اخیر به‌دست آورده از دست داده و ممکن است همانند شهرهای واقع شده عراق و سوریه در جنگ، ویرانی‌های گسترده‌ای را تجربه کند؛ امری که اهالی اقلیم به‌هیچ‌روی از آن استقبال نخواهند کرد و شادمانی‌های این روزهای آنان را بدل به تلخی خواهد کرد. ▶



آمریکای ترامپ هنوز به یک استراتژی متقن در رابطه با این منطقه نرسیده است؛ اما قطع به یقین در این مقطع آمریکا با برگزاری رفراندوم در اقلیم کردستان عراق به دلیل پیچیدگی مسائل و ابعاد تو در تو و پیچیده روابط آن کشور با بازیگران منطقه، مخالف است و حداقل آنکه این زمان را، زمان مناسب برای برگزاری این رفراندوم نمی‌داند

اقلیم تنها

سیگنال مثبتی از سوی قدرت‌های جهانی برای برگزاری referendum ارسال نشده است



جواد قربانی آثانی

کارشناس مسائل سیاسی

۶ اوایل دهه ۱۳۲۰ بود که در اثر هرج و مرج ناشی از جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط قوای متفقین و البته کمک‌های مادی، معنوی و تسلیحاتی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری مهاباد اعلام موجودیت کرد.

این جمهوری که تنها از بهمن ۱۳۲۴ تا آذر ۱۳۲۵ توانست پایا بماند، تنها حکومت کردی در تاریخ بوده که اعلام وجود و استقلال کرده است. باتوجه به اینکه این حکومت تنها به چند شهر کوچک اطراف مهاباد محدود می‌شد و در این مدت کوتاه همواره میان خواست خودمختاری و استقلال در نوسان بود، نمونه‌ای کاملاً قابل اغماض است و از همین روست که همیشه از کردها به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه قومی بی‌دولت در جهان یاد می‌شود. البته باید توجه داشت که وضعیت کردها در دولت‌های متبوعشان متفاوت است.

در کشورهای عراق، سوریه، ترکیه و معدودی در قفقاز کردها به واقع اقلیت قومی و زبانی هستند. گذشته از افسانه‌های نژادی، زبان کردی، هیچ ریشه مشترکی با عربی و ترکی ندارد و باتوجه به اینکه دولت‌های ترک و عرب مذکور با تکیه بر ناسیونالیسم قومی غلیظ طی چند دهه گذشته هیچ گاه قادر به حل و هضم کردها در جوامع ترکی و عربی نشده‌اند، کردها هویت خود را تا حد امکان حفظ کرده و همواره با دولت مرکزی در نبرد بوده‌اند.

بنابراین معضل قومیتی نیز به معضل زبانی افزوده شده است. این در حالی است که این مساله در ایران به کلی متفاوت است. زیرا ایرانیان صرفاً اتکا بر زبان ندارند و ایرانی به هیچ وجه معادل با پارس زبان نیست. جامعه ایرانی، جامعه‌ای کاملاً موزاییکی است که هویت خود را از اقوام مختلف می‌گیرد که کردها یکی از آنها هستند.

بنابراین برخلاف ایران در ترکیه، سوریه و عراق، اکثریت کردها میل به استقلال و جدا کردن راه خود از حکومت مرکزی دارند.

در این بین با اینکه کردهای عراق از پس از سقوط صدام حسین موفق شدند حکومتی خودمختار در شمال عراق تأسیس کنند، اما کردهای سوریه با استفاده از خلأ قدرت ایجاد شده در اثر جنگ داخلی و توافقات آشکار و پنهانی با دولت مرکزی و ایالات متحده، راه صدساله را یک‌شبه رفتند و در آستانه تسلط کامل بر کل شمال سوریه بودند که ترکیه راه را بر آنها سد کرد. اکنون که کردهای عراق قصد پیشی گرفتن از کردهای سوریه را دارند، دقیقاً نگاهشان به همین تحولات است. حتی یک کشور از همسایگان کشور احتمالی کردستان از برگزاری referendum ابراز رضایت نکرده است که هیچ، بلکه جملگی کردها را تهدید کرده‌اند؛ از بستن مرز گرفته تا اقدام نظامی. در این بین ترکیه عملاً دست به برگزاری مانور نظامی در مرزهایش با کردستان عراق زد.

در چنین شرایطی باید پرسید که آیا تأسیس کردستان مستقل عملاً امکان دارد؟ در پاسخ باید پارا از مرزهای منطقه فراتر گذاشت و سراغ خواست و اراده قدرت‌های جهانی رفت. حداقل تا اینجا کار سیگنال مثبتی از جانب هیچ یک از قدرت‌های بزرگ جهانی در مورد برگزاری این referendum ارسال نشده است، اما این گویای اراده فعلی این قدرت‌هاست. آنچه که شواهد تاریخی نشان می‌دهد چندان منطبق بر خواست آنها نیست. پس از جنگ جهانی اول که امپراتوری عظیم عثمانی به‌عنوان مهمترین غنیمت جنگی میان متفقین تقسیم و تکه پاره شد، از جمله وعده‌هایی که به تحقق نپیوست، وعده اعطای استقلال به کردها بود.

از آنجا که فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها نتوانستند به سادگی متصرفات خاورمیانه‌ای خود را تقسیم کنند و از سوی دیگر مصطفی کمال پاشای آتاترک خیزش مجدد ترک‌ها را تا آستانه وقوع جنگی دیگر رهبری کرده بود، بریتانیایی‌ها به سادگی از وعده استقلال به کردها گذشتند و آنها را میان خود و ترک‌ها

تقسیم کردند. از آن پس نیز هرگاه دولت‌های غربی با دولت‌های عراق و سوریه به مشکل برخوردند، با کمک‌های آشکار و پنهانی به کردها آنها را ترغیب به جنگ با دولت مرکزی کرده‌اند و البته بارها نیز با خالی کردن پشت آنها، فاجعه‌ای شدید را رقم زده‌اند.

در آخرین مورد از این دست، پس از سقوط حکومت صدام حسین، همواره از برخی مقامات آمریکایی شنیده شده است که بر ایجاد خاورمیانه جدید تأکید داشته‌اند که بخشی از آن کشور کردی خواهد بود یا بر تجزیه عراق اصرار داشته‌اند که مجزا به سه کشور شیعی، سنی و کردی تقسیم شود. پس آنچه که اکنون کردها می‌خواهند انجام دهند، بدون سابقه حمایت جهانی نبوده است. از سوی دیگر، بسیار بعید به نظر می‌رسد که حکومت خودمختار کردستان بدون جلب حمایت برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی چنین سفت و سخت بر اجرای referendum تأکید کند.

کردها به خوبی می‌دانند که اگر فردای روز استقلال تمام مرزهایشان بسته شود، حتی بدون حمله نظامی نیز پس از چند ماه تسلیم خواهند شد، اما اگر حامیانی قدرتمند بیابند، حتی بسته شدن مطلق مرزها نیز آنها را به زانو در نخواهد آورد. آنها حتماً تجربیات زیادی را پیش چشم خود دارند، بنابراین اگر کردها بتوانند حامیان قدرتمندی برای خود دست و پا کنند، استقلال آنها ممکن است اما به هزینه‌هایی گزاف.

گرچه بسیاری می‌اندیشند که مهمترین هزینه‌ای که کردها بعد از اعلام استقلال متحمل خواهند شد، تجاوز همسایگان آتی خواهد بود، اما آنچه که از این احتمال خطرناک‌تر و محتمل‌تر است، جنگ داخلی میان اقوام کرد است. اینکه اکنون تمام مردم ساکن شمال عراق کرد خوانده می‌شوند، به معنای یکپارچگی کردها نیست؛ سورانی، هورامی، زازا، کرمانج، جافی، کلهر و حتی لک و لر و از سوی دیگر سنی، شیعه، اهل حق، علوی، ایزدی و... فردای استقلال همگی باید حاکمیت یک قبیله و زبان را بپذیرند که تقریباً غیرممکن است و این یعنی جنگی خانمان برانداز. ▶



تغییر نظام قطر؟

بحران دوحه با پایتخت‌های عربی با محوریت ریاض وارد فاز جدیدی شده است. عربستان پس از آنکه نتوانست شروط ۱۳ گانه خود را بر قطر تحمیل کند و از تشدید فشارها و تحریم‌های اقتصادی نیز راه به جایی نبرد، اکنون سیاست خود را روی تحریک معارضان داخلی حکومت آل ثانی متمرکز کرده و قصد دارد به این ترتیب کودتای داخلی و یا همان تغییر نظام در قطر را کلید بزند. البته با توجه به مشروعیت و مقبولیت حکومت فعلی دوحه این سناریو کمی دشوار به نظر می‌رسد اما به هر حال نباید کودتاهای موفق‌ی که پیش‌تر در قطر روی داده است را از نظر دور داشت.

بین‌الملل

تیتریک

کودتای نرم

عربستان موفق به تغییر نظام قطر می‌شود؟

کامران کرمی

کارشناس مسائل خلیج فارس

نزدیک به ۴ ماه از بحران قطر و دولت‌های عربی به رهبری عربستان سعودی می‌گذرد و همچنان شاهد تداوم تنش و تهدید از سوی طرفین هستیم و هرگونه امکان گفت‌وگو نیز تاکنون با بن‌بست مواجه شده است. عربستان سعودی که از ابتدای بحران، فرآیند محدودسازی دوحه در نظام منطقه‌ای عربی را دنبال می‌کند، تاکنون نتوانسته است که قطر را در این روند ادغام کند.

یکی از ابزارهایی که سعودی به دنبال اجرایی کردن آن بوده است، تغییر معادلات قدرت در دربار دوحه از طریق جایگزین‌سازی جناح‌های قدرت است. راهبردی کم‌هزینه، موثر و تا حدی قابل تحقق که به دلیل ارتباطات

سیاسی است. ۲۲ سال پیش یعنی در ۲۷ ژوئن ۱۹۹۵ حمد بن خلیفه در کودتایی که علیه پدر خود ترتیب داد، قدرت را در قطر قبضه کرد و تا سال ۲۰۱۳ که به تعبیری خود قربانی کودتای فرزندش تمیم شد، امیر بلامنازع قطر بود. بنابراین امیرنشین قطر، در طول حیات سیاسی کم‌سن و سال خود، فراز و فرودهای فراوانی از دست به دست شدن قدرت به شکل کودتا و توطئه را تجربه کرده است.

زمانی که قطر در سال ۱۹۷۱ از بریتانیا مستقل شد، شیخ «احمد بن علی آل ثانی» (برادر شیخ عبدالله بن علی آل ثانی که اخیراً به ریاض سفر کرد و زمینه را برای حضور حجاج قطری در دیدار با ملک سلمان فراهم کرد)، بر اثر کودتای نظامی پسر عمیش شیخ «خلیفه بن حمد آل ثانی» (پدر بزرگ شیخ تمیم بن حمد امیر کنونی قطر) سرنگون شد. پس از کودتا: شیخ خلیفه اقدام به تحکیم پایه‌های حکومت خود از طریق واگذاری مناصب مهم و حساس حکومتی به فرزنداناش کرد، که یکی از این

مقامات ریاض با جناح‌های رقیب در خاندان حاکم آل ثانی، معارضینی همچون شیخ عبدالله بن علی آل ثانی در دستور کار ریاض قرار گرفته است.

متقابلاً مقامات دوحه نیز معارضین سعودی را در فرآیندهای یارگیری قرار داده‌اند تا فشارها بر دولت ریاض را به خصوص با قدرت شبکه الجزیره که مورد انتقاد عربستان بوده است، افزایش دهند. در این نوشتار، با تحلیل وقوع کودتا توسط جناح‌های رقیب در خاندان آل ثانی و همچنین معارضین قطری، به این احتمال در مقطع کنونی پاسخ داده ایم.

مقدمه

امیرنشین قطر را سرزمین کودتا و زدونده‌های سیاسی بر سر قدرت می‌دانند. چه آنکه زمینه‌های وقوع کودتا به دلیل نظام بسته قدرت در جهان عرب به خصوص شیخ‌نشین‌های خلیج فارس فراهم است و دسیسه‌چینی در دربارهای سلطنتی بخشی تفکیک‌ناپذیر از حیات



فرزندان، حمد، پسر بزرگ او بود؛ همان پسری که پدر نمی‌دانست از جایی ضربه خواهد خورد، که فکرش را نکرده است و این چرخه در سال ۲۰۱۳ با کناره‌گیری به‌ظاهر مسالمت‌آمیز به نفع تمیم فرزند محبوب شیخ موزه آل مسند همسر حمد تکمیل شد و در مقطع کنونی هم به‌نظر می‌رسد پتانسیل کودتای دیگری را در دل خود دارد.

◀ امکان سنجی وقوع کودتا

از این زاویه است که مجدداً طرح موضوع کودتا در آل ثانی به دلیل وقوع تنش و بحرانی شدن روابط دوحه با دولت‌های عربی به رهبری عربستان سعودی، بر سر زبان‌ها افتاده است. به عبارت دیگر، فراهم بودن زمینه‌های وقوع کودتا به دلیل ساختار و سلسله‌مراتب قدرت و نظام رقابت‌های گروه‌ها و جناح‌های اصلی در قطر از یک سو و از سوی دیگر گرایش همیشگی عربستان به تغییر بافت قدرت در دربار دوحه و جایگزینی آن با نیروهای

نزدیک به خود به دلیل پیوندهای نزدیک عشیرگی که میان سعودی‌ها با شاخه‌های دیگری از خاندان‌های حاکم در قطر برقرار است، می‌توان گفت که این موضوع چندان دور از ذهن نیست.

در همین خصوص روزنامه العرب چاپ لندن در گزارشی تحلیلی در خصوص احتمال وقوع کودتا در قطر نوشته است: «منابع عربی فاش کردند که شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر سابق قطر و شیخ حمد بن جاسم بن جبر آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه اسبق قطر، وضعیت چگونگی رویارویی قطر با کشورهای عربی که تصمیم به قطع رابطه با آن گرفته‌اند را مدیریت می‌کنند.» به نوشته این روزنامه به نقل از منابع آگاه، پناه بردن به حمد بن جاسم که در حال حاضر در ایالات متحده به سر می‌برد، به معنای کودتایی داخلی در قطر است، و حتی از این فراتر می‌توان گفت که شیخ موزه و فرزندان، در راس آنها امیر تمیم، در اداره امور شکست خورده‌اند.

العرب با پرداختن به موضوع کودتا در قطر و شخصیت حمد بن جاسم می‌نویسد: «تمیم در حالی امیر شد که نگرانی از حضور شیخ جاسم و قدرت او و همچنین عدم محبوبیتش باعث شده بود تا این نگرانی وجود داشته باشد که او احتمالاً دست به کودتا خواهد زد. برای همین شیخ تمیم در سال ۲۰۱۳ وقتی جانشین پدرش شد، شرط کرد که شیخ حمد بن جاسم از تمامی مناصب کنار برود و حتی پرونده‌های مالی که در اختیار داشت را نیز تسلیم کند.» دیگر تحول مهم برگزاری نخستین کنفرانس معارضان قطر در انگلیس بود که اولین نشست معارضان قطر پس از بحران به وجود آمده در روابط دوحه با چهار کشور عربی بود.

معارضان قطر در این نشست «عبدالله بن علی آل ثانی» را به عنوان جانشین امیر قطر معرفی کردند. خالد الهیمل، معارض قطری نیز با سخنرانی در این کنفرانس مدعی شد که نظام قطر برای جلوگیری از برگزاری این کنفرانس رشوه‌های پرداخت کرده بود. ۵ محور اصلی این کنفرانس حمایت نظام قطر از تروریسم، رابطه با ایران، تمایلات قطر برای نفوذ جهانی و در عین حال نقض قوانین حقوق بشر بین‌المللی، شبکه الجزیره و اقتصاد و ژئوپلیتیک و امنیت انرژی بین‌المللی عنوان شده است.

◀ نقش ولیعهد امارات

در کنار این نکات مهم باید به عوامل دیگری اشاره کرد که فضا را برای وقوع کودتا در قطر فراهم کرده است. نقش امارات متحده عربی و شخص محمد بن زاید آل نهیان ولیعهد امارات است که خود نیز بنا دارد تا با توطئه، قدرت را از پدر خود شیخ خلیفه بن زاید که در سال ۲۰۱۴ دچار سکته مغزی شده است، به نفع خود مصادره کند. شخص محمد بن زاید، روابط بسیار خوب و صمیمی با محمد بن سلمان در عربستان دارد و هر دو دشمنان قسم‌خورده تمیم بن حمد امیر قطر هستند.

از این رو ولیعهد امارات در کنار ولیعهد عربستان در پشت این توطئه نقش اساسی ایفا می‌کند. فارغ از تمایلات این دو ولیعهد، نکته اصلی به حمایت قطر از اخوان در سطح منطقه و معارضین اماراتی و عربستانی بر می‌گردد که باعث شده تا در شروط ۱۳ گانه‌ای که برای قطر در نظر گرفته شده است، بر قطع روابط با اخوان المسلمین و تعطیل شبکه الجزیره تأکید شود. چرا که ریاض و ابوظبی نگرانی‌های جدی از رشد گروه‌های معارض اخوانی در داخل کشورهای خود دارند و این موضوع را از چشم تمیم بن حمد و پیش از او از پدرش دارند.

از این رو ارتباط‌گیری و فعال کردن شاخه‌های دیگر قدرت در قطر به خصوص قبیله عنیزه در دوحه که دارای پیوندهای نزدیک با قبیله بنی عنیزه در عربستان است، باعث شده تا سایه عربستان در پشت تحولات قطر دیده شود.

از این زاویه است که یکی از نگرانی‌های قطر که همواره منجر به سوء تفاهم در روابط با عربستان شده، به موضوع کودتا مربوط است. پیش‌تر نیز در سال ۲۰۱۴ که اختلافات دو کشور به اوج رسید و منجر به فراخواندن سفرای عربی از دوحه شد، مقامات قطر مسئولان سعودی را به دست داشتن در کودتای ۱۹۹۶ متهم کردند. مقامات سعودی نیز در مقابل قطری‌ها را به تحریک معارضان سعودی از جمله جنبش اسلامی اصلاح طلبان عربستان و سعد الفقیه، معارض سعودی و تأمین و حمایت مالی آنها متهم می‌کنند. همچنین عربستان به شدت قطری‌ها را به حمایت مالی از معارضان سعودی به خصوص از اخوان المسلمین و جریان سروریه نه‌تنها در داخل این کشور، بلکه در خارج از آن و به ویژه معارضان مقیم لندن متهم می‌کند.

◀ جمع بندی

در یک جمع بندی از امکان یا امتناع وقوع کودتا در امیرنشین قطر در مقطع کنونی که تنش‌ها میان دوحه و دولت‌های عربی به خصوص عربستان بالا گرفته است، باید گفت که اگر وضعیت فرسایشی کنونی به سمت فرآیندهای تصاعد بحران هدایت شود و طرفین نتوانند به یک چارچوب مذاکراتی برای حل و فصل نسبی بحران دست پیدا کنند و از سوی دیگر آمریکایی‌ها به این نتیجه برسند که زمینه‌های موجود، روابط دولت‌های عربی در روند گسترش ناتو به سمت خلیج فارس را با چالش مواجه می‌کند، می‌توان گفت که زمینه برای وقوع کودتا در قطر فراهم خواهد شد.

به خصوص که زمینه‌های داخلی برای وقوع چنین سناریویی بخشی از ماهیت قدرت و حیات سیاسی در قطر است و عوامل و عناصر بیرونی نیز همچون همگرایی بن سلمان و بن زاید و زمزمه‌های بازگشت حمد بن جاسم و همچنین فعالیت معارضین قطری به رهبری شیخ عبدالله بن علی آل ثانی در مقطع کنونی نیز به عنوان عناصر و عوامل بیرونی، فعال شده‌اند. از این زاویه است که تحقق سناریوی کودتا، قابل تحقق‌تر از سناریوهایی همچون حمله نظامی و انزوا سیاسی قطر در نظام منطقه‌ای است. ▶



زمانی که قطر در سال ۱۹۷۱ از بریتانیا مستقل شد، شیخ «احمد بن علی آل ثانی» بر اثر کودتای نظامی پسرعمویش شیخ «خلیفه بن حمد آل ثانی» سرنگون شد

ضربه از خودی

عربستان در حال تقویت مخالفان آل ثانی است

داود احمدزاده

کارشناس مسائل بین‌الملل



و حتی کشورهای غربی تامین کرد و آرامش بر اقتصاد این کشور حاکم شد. گزینه نظامی نیز هزینه‌های بالایی برای ریاض دارد و با توجه به گرفتاری سعودی‌ها در یمن و سوریه و مخالفت‌ها در منطقه و حتی جهان با سیاست‌های تهاجمی عربستان، این کشور از حمله نظامی تا جایی که بتواند اجتناب خواهد کرد. زیرا این گزینه هزینه‌های سنگین و غیرقابل پیش‌بینی را برای سیاست‌های منطقه‌ای عربستان به دنبال خواهد داشت.

تنها سناریویی که امروز سعودی‌ها روی آن مانور می‌دهند ایجاد اختلاف و دودستگی در خاندان آل ثانی است که قبلاً نیز سابقه داشته است. پیش‌تر برخی مقامات و شاهزادگان قطری مرادوات نزدیکی با عربستان داشتند که اغلب‌شان از قدرت کنار گذاشته شدند. بنابراین محتمل‌ترین گزینه برای ریاض در وضعیت فعلی جانبداری از برخی از مقامات ناراضی پادشاهی قطر و ایجاد شکاف بین خاندان آل ثانی است. از این رو مشاهده می‌کنیم که برخی نشست‌های محرمانه در خاک عربستان یا کشورهای عربی همسو برای برهم زدن نظم و امنیت داخلی قطر و ایجاد کودتا در این کشور تدارک دیده شده است. بنابراین تلاش‌های اخیر عربستانی‌ها ایجاد یک دولت دست‌نشانده و فرمان‌بردار در قطر است. البته ذکر این نکته الزامی است که پادشاه و فرمان‌بردار در قطر نسبت به این تحرکات اخیر مقامات سعودی در ایجاد تنش داخلی و انکشاف‌های مناسبی از خود نشان دادند و آمادگی خود را برای هر گزینه‌ای مبنی بر دخالت نظامی یا کودتای خودساخته اعلام کردند.

اما این مساله که این سناریو تا چه حد قدرت اجرایی و تحقق دارد به این بستگی دارد که مقامات و مردم قطر چه آمادگی‌هایی در قبال این سناریو دارند و چه تمهیداتی را برای ناکام گذاشتن سیاست‌های عربستان تدارک دیده‌اند. به برخی از اظهارنظرهای مقامات قطری نشان می‌دهد که حکمرانان این جزیره کوچک نسبت به این توطئه واقف هستند و در راستای خنثی سازی آن و حفظ امنیت این کشور کوچک گام برداشته‌اند. ▶

بر این اساس می‌توان گفت که کلیت جهان غرب نیز به دنبال وقوع یک جنگ جدید در منطقه و تنش بیشتر نیست. بنابراین به رغم لفاظی‌های مقامات سعودی و حتی تهدید نظامی برای سرنگونی پادشاهی قطر به نظر می‌رسد که مقامات عربستانی مجبور به تن دادن به مصالحه و مذاکرات مستقیم با قطری‌ها خواهند شد. چرا که شرایط موجود در منطقه از جمله گرفتاری‌های ریاض در بحران یمن و سوریه و خروج علنی برخی از متحدان نزدیک این کشور از ائتلاف خودساخته در منطقه، ضعف سیاست‌های تهاجمی سعودی‌ها را آشکارتر ساخته است. از دیگر سو، دوحه نیز با اطمینان از حمایت‌های ترکیه و آگاهی از نیت برخی از کشورهای اروپایی در حفظ تاج و تخت پادشاهی قطر، بر مواضع خود در مقابل سعودی‌ها پافشاری می‌کند. بنابراین راه‌حل نظامی در مقطع فعلی، یک سناریوی غیرمحتمل به نظر می‌رسد.

همچنان که قبلاً نیز اشاره شد قطر توانسته است از طریق ارتباطات اقتصادی و سیاسی با دو کشور قدرتمند منطقه یعنی ترکیه و ایران برخی از کمبودهای کالاهای مصرفی روزانه خویش را به نوعی جبران کند و از وابستگی خود به کشورهای عربی بکاهد. در وضعیت موجود آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که از خواسته نظامی و تمدید تحریم‌ها جلوگیری کنند. محور اصلی سفر پیشین رکنس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا به منطقه نیز جلب رضایت قطر و عربستان برای حل مشکل فیما بین از طریق مذاکره بود. صحبت‌های تیلرسون در سفری که تقریباً یک ماه پیش به منطقه داشت، بوی آشتی و میانجیگری می‌داد.

در خصوص سناریوهای محتمل درباره بحران دوحه و ریاض به سه سناریو می‌توان اشاره کرد؛ نخست فشار اقتصادی، دوم حمله نظامی و دیگری براندازی نظام حاکم بر قطر.

باید توجه داشت که سناریوی تحریم و فشار اقتصادی قطر از سوی سعودی‌ها راه به جایی نبرد؛ زیرا در این سناریو واکنش قطر مناسب بود، کمبودها را از طریق ایران، ترکیه

تقریباً بیش از سه ماه از آغاز بحران میان قطر و عربستان و کشورهای همسوس با ریاض زمان می‌گذرد و به رغم تمام فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه دوحه که از طریق مقامات عربستان تدوین و اجرا شده، نه تنها هیچ گونه انعطافی را از سوی قطر شاهد نبودیم، بلکه برخی از گفته‌ها و بیانیه‌های اخیر این کشور شکل تهاجمی به خود گرفته است. از ۱۳ بندی که قبلاً مقامات عربستانی برای حل و فصل اختلافات دیرینه و بازگشت مجدد قطر به دامن کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مدنظر داشتند، طبق گفته خود مقامات دوحه اغلب بندها قابلیت اجرایی ندارد و برخلاف منافع امنیت ملی این کشور ارزیابی شده است. درواقع محور اصلی تحریم‌های تدوین عربستان شامل عدم حمایت از اخوان المسلمین، اخراج رهبران این جنبش، قطع مرادوات با رهبران حماس و همچنین کاهش مرادوات سیاسی و اقتصادی با ایران شکل عملی و اجرایی به خود گرفته است.

امروز بعد از تحریم‌های اقتصادی و بستن گذرگاه مرزی با قطر از سوی عربستان، ما شاهد مرادوات اقتصادی با ایران و حتی بازگشت سفیر قطر به تهران هستیم. از دیگر سو ترکیه نیز در قامت یک متحد نزدیک به دوحه همچنان از حاکمیت این کشور دفاع می‌کند و بحث حضور نظامی در این کشور و احداث پایگاه نظامی در خاک آن جدی‌تر به نظر می‌رسد.

بنابراین برخلاف تصورات قبلی مقامات عربستانی مبنی بر اینکه قطر طی چند هفته به زانو درمی‌آید و مجبور به پذیرش خواسته‌های کشورهای عربی خواهد شد، امروز شاهد مقاومت بیشتر دوحه در برابر تهدیدات سیاسی و نظامی عربستان هستیم. نکته دیگر اینکه کشورهای اروپایی نیز حاضر به حمایت جدی از عربستان در منازعه موجود با قطر نشدند و همچنان با رایزنی‌های فشرده به دنبال حل و فصل موضوع از طریق گفت‌وگوهای چندجانبه هستند. به نظر می‌رسد منابع گازی و سرمایه‌گذاری‌های عظیم قطر در کشورهای اروپایی و آمریکایی باعث شده است شرکای غربی این کشور در قبال خواسته‌های غیرمنطقی عربستان محتاطانه عمل کنند و از راه‌حل یا گزینه نظامی برای فیصله دادن به این بحران حمایت نکنند.

نکته دیگر اینکه آتش این جنگ از زمان سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به خاورمیانه و دیدار با مقامات سعودی برافروخته شد. ترامپ در یک حمایت همه‌جانبه در کنار ملک سلمان، پادشاه سعودی، قطر را به حمایت از ترور بیسم متهم ساخت و راه‌حل انسجام میان کشورهای عربی را در دوری جستن قطر از حمایت از برخی از گروه‌های تندرو و تکفیری دانست. این آشفتگی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مقامات کاخ سفید در تداوم بحران در منطقه خاورمیانه نقش بزرگی ایفا کرده است. گرچه بعدتر لحن گفتار مقامات آمریکایی با ادامه تنش‌ها قدری تغییر کرد و اخیراً وزارت امور خارجه این کشور راهبر اصلی آمریکا را همسویی با تمام کشورهای عربی و متحدان قبلی در مقابله با آنچه گسترش نفوذ ایران و حمایت‌های این کشور از گروه‌های تندرو می‌خوانند، اعلام کرده است.



ناکامی سیاست چماق و هویج

خاندان آل ثانی از مشروعیت داخلی برخوردار است

سید جواد صالحی

عضو هیات علمی دانشگاه شیراز

۳ عربستان همراه با بحرین، امارات و مصر از حدود سه ماه پیش روابطشان را با قطر قطع کرده‌اند. آنها قطر را به حمایت از تروریسم و روابط نزدیک با ایران متهم می‌کنند. این در حالی است که دوحه اتهامات این کشورها را رد کرده است. از سوی دیگر طبق نظر وزیر مشاور قطر در امور خارجه، هدف کشورهای تحریم‌کننده از جمله عربستان، از مقابله با تروریسم به تغییر نظام در دوحه بدل شده است.

همانگونه که «خالد الهیل»، معارض قطری نیز در کنفرانس معارضان قطری در لندن بر ضرورت تامل در تغییر نظام حاکم قطر به دلیل حمایت‌های آن از تروریسم تأکید کرد و افزود: «نظامی که از افراطی‌گری و تروریسم حمایت می‌کند بایستی برای ایجاد تغییرات در آن اقدام کرد». بنابراین این گمانه‌زنی وجود دارد که استراتژی ریاض تغییر نظام حاکم در قطر در سایه این بحران است.

درواقع بحران در روابط عربستان و قطر اگرچه ریشه‌ای تاریخی دارد، اما همیشه سعی شده تا ابعاد آن در سایه مسائل هویتی کم‌رنگ و پنهان شود. خصوصاً تجربه شورای همکاری خلیج فارس در خاورمیانه پرتنازع، نمونه‌ای از منطقه‌گرایی موفق قلمداد می‌شود. محیط سیاسی منطقه‌ای و جهانی در دوران جنگ سرد و بعد از آن و محوریت بخشیدن به مولفه‌های دشمن و تهدید خارجی در این پنهان‌سازی یا اغماض نقش انکارناپذیری ایفا می‌کردند. اما گویا حوادث و وقایع جهانی تبعات خود را بر این منطقه نیز بر جای گذاشته است.

امروز فقط موضوع برگزیت و خروج انگلستان از اتحادیه اروپا که عده‌تا ماهیتی اقتصادی داشت مطرح نیست بلکه دامنه چالش‌های منطقه‌گرایی به شورای همکاری هم رسیده است. با این تفاوت که ریشه‌های

این چالش دیگر اقتصادی نبود، بلکه رقابت‌های منزلی و پرستیژی تحریک‌کننده آن بود که در این میان وساطت دوستان، همسایگان و متحدین نیز تا به امروز نتوانسته است از دامنه آن بکاهد.

از همان روز پیدایش بحران تا به امروز، اگرچه دلایل مختلفی برای پیدایش آن مورد اشاره قرار گرفته و عده‌ای نیز به سناریوهای پیش‌رو پرداخته‌اند، اما چند بعدی بودن آن سبب گردیده تا همه چیز از منظر اماواگر پیش رود. برخی بر حمله نظامی، عده‌ای بر براندازی و کسانی به وساطت برادر مداخله‌گر فرمانطقه‌ای در سناریوها نظر می‌دادند. در فراسوی مواضع تند اتحاد ضدقطری و سیاست مقاومت قطری، اندکی آب‌ها از آسیاب افتاد و سعی شد تا مدیریت بحران جایگزین تصاعد بحران گردد؛ لیکن تا به امروز راه‌حلی موثر برای خروج از این وضعیت به چشم نمی‌خورد.

برخی صاحب‌نظران براین باورند که به وجود آمدن بحران تلاشی است از جانب عربستان برای تغییر نظام قطر؛ در پاسخ به این سناریو باید اظهار داشت که اگرچه نظام قبیله‌ای در قطر و پیوند بین قبایل سبب دوری و نزدیکی بعضی از نخبگان این کشور با نخبگان سیاسی عربستان سعودی شده است، اما این به معنای آماده‌بودن شرایط برای براندازی نیست. خاندان آل ثانی در شرایط فعلی از مشروعیت و مقبولیت داخلی برخوردار است و امیر جوان توانسته است مولفه‌های صیانتی و حمایتی برای خود را در افکار عمومی داخلی، منطقه‌ای و جهانی تحکیم ببخشد.

اتفاقاً شاید یکی از علل نارضایتی حکام سعودی از قطر در این خصوص است که نمی‌تواند نقش‌آفرینی و بازگویی منطقه‌ای قطر را تحمل کند یا حداقل بازی قطر را در چارچوب اهداف و منویات خود نمی‌داند. برای تحقق این سناریو شاید عربستان علاقه‌مند به اجرای آن باشد، اما در عمل بسترها و مقدمات اجرای آن را در اختیار ندارد.

عربستان در گام‌های اولیه تماماً سعی کرد تا از

سیاست چماق بهره‌گیرد، به همین منظور سیاست تحریم و ائتلاف‌سازی را دنبال کرد و حتی همراهی شخص، ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا را نیز کسب کرد، اما عواید لازم را برای این رژیم در پی نداشت.

در گام‌های بعدی سیاست هویج را وارد میدان کرد که شامل تقلیل شروط ۱۳ گانه، استقبال و اختیارات خاص به حجاج قطری در طول ایام حج بود، این سیاست هم تاکنون چندان ثمری در پی نداشته است. امروز بحران قطر در عربستان هر دو بازیگر را در شرایطی قرار داده که هیچ‌کدام توانایی حل بحران یا خاتمه‌بخشیدن به آن را به دلیل پیوندهای فرمانطقه‌ای ندارند. اینکه طرفین، ظرفیت‌های شیخوختی و قبیله‌ای برای اثرگذاری بر ساخت سیاسی طرف مقابل را دارند، قابل انکار نیست؛ اما این ظرفیت به تنهایی مشکل‌گشای موضوعات نیست.

از سوی دیگر در مورد رویکرد آمریکا به بحران قطر - عربستان باید عنوان داشت که در سیاست خارجی آمریکا نوعی ابهام، سردرگمی و صرفاً سودانگاری به چشم می‌خورد. درحالی که ترامپ از مواضع عربستان در محکومیت تروریسم و قبول اتهامات در خصوص حمایت قطر از تروریسم دفاع و حمایت کرد. اما سخنان وزیر خارجه این کشور به هیچ‌وجه همسو با مواضع رئیس‌جمهور نبود و صرفاً چند روز بعد بین قطر و ایالات متحده آمریکا یک قرارداد فروش تسلیحات نظامی به ارزش بیش از دو میلیارد ریال به امضا می‌رسد. همین‌طور تیلرسون وزیر امور خارجه آمریکا از هر دو کشور می‌خواهد که مشکلات خود را بر اساس الگوی اخوت حل و فصل نمایند.

در حال حاضر ایالات متحده آمریکا بزرگ‌ترین پایگاه نظامی منطقه‌ای خود را در قطر دارد و از طرف دیگر به‌رغم انتقادات به عملکرد قطر در موضوعات منطقه‌ای، سعی کرده تا گفتمان اولیه ترامپ را متعادل کرده و با خریدن زمان از شدت بحران مابین دو کشور بکاهد. ولی در اینکه این سیاست صبر، پند و اندرز تا کجا ادامه می‌یابد حتی برای کاخ سفید نیز به دلیل رفتارهای فردگرایانه و سینوسی ترامپ مبهم است.

همچنین در جهت حل این بحران تا به حال از ظرفیت‌های منطقه‌ای هیچ عوایدی حاصل نگردیده است. اقدامات کویت عملاً به بن‌بست رسیده و اقدامات کشوری همچون ترکیه نه تنها کمکی به حل بحران نکرده بلکه بر عمق بدبینی‌ها افزوده و کدورت‌ها را بیشتر کرده است. در حوزه عملکردهای فرمانطقه‌ای هم ابهام و عدم شفافیت موج می‌زند، اما با وجود همه این عدم شفافیت‌ها تنها مجرای حل بحران از طریق مداخله قدرتهای فرمانطقه‌ای غربی ممکن می‌گردد.

اما در نهایت باید گفت در حال حاضر قطر نتوانسته است از شوک تحریم‌ها خارج شده و با متنوع‌سازی پایگاه‌سازی نظامی و امنیتی (پیمان با ترکیه) از دامنه تهدیدات احتمالی بکاهد و مواضع متقلب و ناقض حاکمیتی عربستان و متحدینش را متزلزل نماید. قطعاً نوعی بازگشت به سیاست برجسته‌سازی تهدیدات منطقه‌ای، ایران‌هراسی، توسل به هویت جویی و... عربی از طرف کشورهای منطقه‌ای و در وهله بعد، مجدداً وساطت برنامه‌دار کشورهای غربی در دستورکار قرار خواهد گرفت. ▶





دوحه، اپوزیسیون قوی ندارد

عربستان روی برخی ژنرال‌های بی‌نام و نشان ارتش قطر نفوذ کرده است

حسن هانی زاده

کارشناس مسائل خاور میانه



۴ در حالی که شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، امیر جوان قطر در حال گفت‌وگو با خالد مشعل، رئیس دفتر سابق حماس درباره ترکیب آینده این جنبش بود، پیامی فوری از سوی شاهزاده محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان دریافت کرد. در این پیام، عربستان سعودی چند شرط برای ادامه روابط دوحه و ریاض تعیین کرده بود که این شروط تحت هیچ شرایطی برای امیر جوان قطر قابل قبول نبود. اخراج جنبش حماس از دوحه، قطع حمایت قطر از اخوان المسلمین مصر، تعطیلی شبکه تلویزیونی الجزیره، قطع یا کاهش روابط با ایران، برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی و دنباله‌روی قطر از سیاست‌های عربستان بخشی از این شرایط بود. طبیعی است پذیرش چنین شرایطی به مفهوم تسلیم دوحه در برابر ریاض بود که این امر با سیاست‌های قطر همسویی ندارد و این کشور را به شدت دچار انزوای سیاسی خواهد کرد. بنابراین باافاصله وزیر خارجه قطر در یک کنفرانس مطبوعاتی درخواست عربستان را ظالمانه و غیرعملی توصیف کرد و بر سیاست مستقل دوحه در عرصه‌های داخلی و منطقه‌ای تأکید کرد. عربستان سعودی یک ائتلاف منطقه‌ای با شرکت بحرین، امارات و مصر علیه قطر تشکیل داد و تمامی مرزهای هوایی و زمینی خود را با این کشور بست. اما قطر سیاستی کاملاً مخالف سیاست‌های عربستان، بحرین، امارات و مصر اتخاذ کرد و نه تنها رابطه خود را با تهران قطع نکرد، بلکه روابط خود را با ایران و ترکیه بهبود بخشید. به نظر می‌رسد عربستان یک هدف را دنبال می‌کند و آن وادار ساختن دوحه به امضای یک موافقتنامه خرید تسلیحاتی با ایالات متحده آمریکا است. زیرا قطر یک نقدینگی ۳۵۰ میلیارد دلاری در اختیار دارد و چشمان دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا دنبال این نقدینگی است. پیش از آن آمریکا یک قرارداد فروش سلاح به ارزش ۵۰۰ میلیارد دلار با عربستان امضاء کرده بود و اکنون نوبت ثروتمندترین

کشور عرب حوزه خلیج فارس یعنی قطر است تا همان راهی را طی کند که عربستان طی کرده بود. قطر با فاصله از پیام نهفته فشارهای سیاسی و اقتصادی عربستان علیه دوحه رمزگشایی کرد اما به جای امضای یک توافقنامه تسلیحاتی با آمریکا به سمت کشورهای اروپایی مانند فرانسه، انگلیس و آلمان متمایل شد. عربستان تلاش کرد تا در ساختار سیاسی قطر تغییراتی ایجاد کند و تمیم بن حمد آل ثانی را از قدرت بر کنار سازد اما همکاری کشورهای اروپایی با دولت قطر تلاش‌های عربستان را نقش بر آب ساخت. امروز فقط عربستان روی برخی ژنرال‌های بی‌نام و نشان ارتش قطر نفوذ دارد که این ژنرال‌ها نوعاً بخشی از بدنه حاکمیت نظام آل ثانی را تشکیل می‌دهند. قطر با وجودی که دارای یک سیستم سیاسی قبیله‌ای است اما به دلیل برخورداری مردم قطر از یک رفاه نسبی، فاقد یک اپوزیسیون قدرتمند برای به دست گرفتن قدرت است و این یکی از ویژگی‌های بارز حاکمیت در قطر تلقی می‌شود. درآمد سرانه قطر سالانه ۱۴۶ هزار دلار است که این رقم بالاترین نرخ سرانه در جهان است و بنابراین مردم قطر جزو مرفه‌ترین مردم جهان به‌شمار می‌روند. اما عربستان دارای یک حاکمیت قبیله‌ای بسته و یک اپوزیسیون قدرتمند است که وجود اختلاف میان دو قبیله حاکم السدییری و الشمری و تسلط وهابی‌های افراطی بر امور فرهنگی و دینی عربستان ضریب آسیب‌پذیری این کشور را به شدت افزایش داده است. در این میان قطر بیش از عربستان بر بدنه وهابیت، نخبگان دینی و شیعیان منطقه الشرقیه عربستان نفوذ

عربستان دارای یک حاکمیت قبیله‌ای بسته و یک اپوزیسیون قدرتمند است که وجود اختلاف میان دو قبیله حاکم السدییری و الشمری و تسلط وهابی‌های افراطی بر امور فرهنگی و دینی عربستان ضریب آسیب‌پذیری این کشور را به شدت افزایش داده است

دارد و می‌تواند عاملی برای تحریک این مجموعه‌ها علیه رژیم آل سعود تلقی شود. طی روزهای گذشته رژیم آل سعود و شخص محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان دستور داد ۳۵ تن از علمای برجسته سعودی را به دلیل انتقاد از سیاست‌های ولیعهد جوان سعودی در محاصره مردم قطر دستگیر و زندانی کنند. از جمله این شخصیت‌ها نام شیخ سلمان العوده از پرنفوذترین علمای سعودی، شیخ عبدالرحمن بن عبدالعزیز السدییس خطیب مسجد الحرام، شیخ محمد الصقعی (۸۵ ساله)، شیخ سلمان العلوان، شیخ عبدالکریم الحمید (۷۰ ساله)، شیخ ولید السنانی، شیخ محمد عبدالکریم الدوسری، شیخ عبدالله الهملان، شیخ موسی القرنی، شیخ فارس آل شویهل، شیخ حسین بن علی التمیمی، شیخ سعود الدرویش، شیخ علی الخضیر، شیخ ناصر الفهد و شیخ عبدالعزیز البریدی به چشم می‌خورد. دستگیری این تعداد از علما تا کنون در عربستان بی‌سابقه بوده زیرا هر یک از این شخصیت‌ها از جایگاه خاصی در جامعه این کشور برخوردارند. این بحران سیاسی، شرایط غیرقابل کنترلی برای عربستان به وجود آورد زیرا دستگیری و زندانی کردن علمای سعودی به یک خیزش عمومی در عربستان منجر خواهد شد که این خیزش ممکن است به سرنگونی رژیم آل سعود منجر شود. از سوی دیگر افزایش تنش‌ها میان قطر و عربستان موجب شد تا مقامات آمریکا و اتحادیه اروپا برای میانجیگری میان دو کشور وارد عمل شوند. سفرهای اخیر رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه و نیز وزرای خارجه آمریکا و فرانسه به کشورهای منطقه در این راستا قرار دارد. طبیعی است نگاه آمریکا به قطر یک نگاه کاملاً مصلحت‌جویانه است و هدف وادار ساختن قطر به امضای یک توافقنامه خرید تسلیحاتی با آمریکا است و اگر این اتفاق رخ دهد بحران ظاهری عربستان و قطر سریعاً پایان خواهد یافت. هر چند عربستان اساساً یک اختلاف کاملاً استراتژیک با قطر دارد که به سال‌های خیلی دور بازمی‌گردد اما ریاض بدون اراده آمریکا نمی‌تواند اقدامی علیه قطر انجام دهد. از این رو نزدیک شدن قطر به ایران و ترکیه اگر چه ممکن است تا کتیکتی و مقطعی باشد اما در درازمدت منافع آمریکا، عربستان و بحرین را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین آمریکا و کشورهای اروپایی در صدد مهار بحران سیاسی قطر و عربستان برآمده‌اند. ناظران سیاسی بر این عقیده‌اند که اختلافات عربستان و قطر به عنوان دو کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان همکاری‌های اسلامی و به عنوان دو کشور دارای مرز زمینی مشترک تا درجه برخورد نظامی پیش نخواهد رفت. اما طولانی شدن این اختلافات ممکن است به بلوک‌بندی جدیدی میان قطر و دشمنان عربستان سعودی منجر شود که در درازمدت شرایط کاملاً دشواری برای ریاض به وجود خواهد آورد. ایران نیز که رابطه کاملاً متوازنی با قطر دارد تلاش می‌کند تا هر چه زودتر بحران سیاسی میان ریاض و دوحه پایان یابد زیرا برخورد نظامی میان دو کشور این بهانه را به قدرت‌های فرامنطقه‌ای خواهد داد تا نیروهای خود را به منطقه اعزام کنند.

اختلافات دوحه و ریاض دیری نخواهد پایید که به نقطه پایانی خود نزدیک شود اما این درس بزرگی برای دولتمردان قطر خواهد بود که سیاست‌های جدیدی را در آینده برای خود تعریف کنند. زیرا رهبران قطر دوستان و دشمنان واقعی خود را به خوبی شناختند. ایران آغوش خود را روی دولتمردان قطر باز کرد، هم‌چنان که آسمان ایران روی پروازهای خارجی قطر گشوده شد و کمک‌های غذایی ایران به قطر به شکسته شدن نسبی حلقه محاصره عربستان، امارات و بحرین منجر شد که این موضع‌گیری انسانی ایران هرگز از یاد رهبران قطر نخواهد رفت. ▶

جنگ اقتصادی بلندمدت

پیام قاطع کشورهای عربی خلیج فارس برای قطر چیست؟

احمد مر جانی نژاد

پژوهشگر امور بین‌الملل



عربستان سعودی مهم‌ترین متحد آمریکا در منطقه محسوب می‌شود و بزرگ‌ترین پایگاه نظامی ایالات متحده آمریکا در منطقه با حضور ده‌هزار پرسنل نظامی در امیرنشین قطر واقع است. این در حالی است که ماه‌هاست قطر و عربستان وارد یک بحران جدی شده‌اند و تاکنون نه‌تنها راه‌حلی برای آن یافت نشده بلکه بحران شدت نیز گرفته است. باید توجه داشت که استفاده از تهدید به‌وضوح در دستورالعمل سیاست خارجی کشورهای عربی مشاهده می‌شود که حاکی از عدم وجود روحیه تعامل و حل مشکلات و چالش‌ها با مخالفان از طریق گفت‌وگو و ارتباط کلامی است. این رویکرد، یادگاری از سنن عصر جاهلیت شبه‌جزیره عربستان است. استراتژی «قطع ارتباط» و «تحریم گروهی» اقدامی سابقه‌دار و سنتی تاریخی-قبیله‌ای است که بیشتر با نوع نظام‌های سیاسی حاکم بر این کشورها و روانشناسی سیاسی خاص حاکمان خودکامه دولتهای عربی حاشیه خلیج فارس در ارتباط است. اتخاذ سیاست مستقل و رویکرد عقلانی بر اساس منافع ملی توسط قطر که عملاً عربستان سعودی را به نبردی هژمونیک و منطقه‌ای فرامی‌خواند، علت اصلی وقوع بحران در روابط بین دوحه و ریاض است. البته این مسأله تا حد زیادی به ایران و ارزیابی متفاوت ریاض و دوحه در مورد نقش آفرینی منطقه‌ای تهران نیز مربوط می‌شود. قطر روی طول موجی ریاض قرار ندارد و ایران را دشمن اصلی نمی‌پندارد. قطر حاضر به قطع ارتباط با ایران و شیعیان متحد آن نیست و اتخاذ چنین سیاستی را سودمند نمی‌داند. همین مسأله در مورد اخوان المسلمین نیز صادق است؛ درحالی که از منظر قاهره و امارات، اخوان المسلمین، در زمره دشمنان اصلی است.

عربستان سعودی و امارات همپیمانان که در حال حاضر با قطر قطع رابطه کرده‌اند، همگی در صحنه سیاست منطقه‌ای، رقیب و از دشمنان جدی ایران هستند. اتخاذ سیاست واقع‌گرایی از جانب تهران، به‌عنوان یک ضرورت می‌طلبد که بر اساس اصل «دشمن دشمن ما دوست ماست»، قطر را به‌عنوان کشوری همسایه که اتفاقاً اخیراً مواضع مناسب و سازنده‌ای نسبت به ایران اتخاذ کرده است، مورد عنایت ویژه قرار دهد تا به تضعیف حربه همیشگی آل سعود و امارات پرداخته شود. به استناد منابع آگاه در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، مندرج در روزنامه العرب، منتشره لندن: «دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده فشارهای بسیاری را به قطر وارد کرده است تا شروط عربستان سعودی و متحدانش (امارات متحده عربی - بحرین و مصر) را مجدداً مطالعه کند و تا قبل از پایان مهلت تعیین شده آنها را بپذیرد». البته کاخ سفید با صدور بیانیه‌ای در این زمینه اعلام کرد که ترامپ و اردوغان، ضمن گفت‌وگو بر سر راه‌حل‌های موجود برای پایان دادن به بحران، بر لزوم خاتمه‌بخشیدن به حمایت از تروریسم و مبارزه با تفکر افراط‌گرایی توسط همه کشورها تأکید کردند. گویا سعودی‌ها قصد دارند تحریم‌های اعمال شده خود علیه قطر را از حالت موقت به دائمی تبدیل نمایند.

مسئله دوحه روی گذر زمان شرط بسته است و گمان می‌کند با گذشت زمان ممکن است ریاض و ابوظبی از مواضع خود عقب‌نشینند و همانند سال ۲۰۱۴ میلادی، از ادعاهای خود علیه قطر چشم‌پوشی کنند. احتمالاً، مسئولان قطری پیام قاطع کشورهای عربی خلیج فارس را درست در نیافته‌اند؛ چرا که این چهار کشور عربی به فکر رویارویی نظامی با قطر نیستند و جنگ اقتصادی بلندمدت را هدف قرار داده‌اند. شاید دوحه، تبعات تحریم‌های طولانی مدت علیه خود را نتواند به‌درستی تخمین بزند و گمان می‌کند بتواند با کمک ایران و ترکیه در تأمین مواد غذایی، مشکلات خود را برای همیشه حل کند. اما با فراخوانی کشورهای عربی از موسسه‌های بزرگ اقتصادی بین‌المللی برای قطع همکاری با قطر، مسأله دوحه در وضعیت سختی قرار خواهد گرفت و این مسأله می‌تواند هزینه‌های سنگینی را بر حاکمان قطر

تحمیل کند. در این میان عبدالباری عطوان، روزنامه‌نگار و تحلیلگر فلسطینی، امکان برخورد نظامی عربستان و متحدانش با قطر را منتفی ندانسته است؛ اما فراتر از درگیری نظامی، خطر بزرگ دیگری نیز در کار است و آن باز به نفت و گاز برمی‌گردد. دوحه واجد این اهرم فشار است تا بر توافق تاریخی کاهش سطح تولید نفت میان اعضای اوپک پا بگذارد و از این بابت در دوحه ایران و عراق قرار بگیرد؛ اقدامی که می‌تواند موجب جهانی شدن بحران و حتی شاید فروپاشی اوپک گردد. همچنین، مجله آمریکایی فارین پالیسی، به قلم سایمون اندرسون، در گزارشی نوشت: «بازگشت حمدین جاسم، نخست‌وزیر سابق قطر به عرصه سیاسی جاری قطر، به مثابه یک کودتای سیاسی در این کشور به شمار می‌آید.» قطر در راستای فشارهای ریاض - واشنگتن، در تلاش برای برگزاری یک جلسه غیررسمی با رهبران بلندپایه سازمان‌ها و نهادهای یهودی در آمریکا است. خبرگزاری «هآرتس» رژیم غاصب، گزارش داد: «قطر تلاش دارد جلسه‌ای غیررسمی را با رهبران برجسته و بلندپایه یهودی در آمریکا ترتیب دهد.» در این راستا ترتیب جلسه دیدار امیر و مقامات قطری با برخی چهره‌ها و رهبران سرشناس یهودی در نیویورک توسط نیک موزین،

مشاور سابق «تد کروزر»، سناتور آمریکایی و صاحب‌نظر در روابط عمومی، یکی از مشاوران دولت قطر، پیگیری می‌شود. جهت ترمیم وجهه قطر در غرب، جلسه مشترک امیر قطر و رهبران لابی یهودیان در آمریکا، هم‌زمان با اجلاس سالانه سازمان ملل در نیویورک، ترتیب خواهد یافت. یکی از دلایل و ادعاهای کشورهای تحریم‌کننده قطر، نزدیکی و حمایت از گروه‌های اسلامی مانند حماس در منطقه است. تلاش قطر برای دورزدن این بحران از راه نزدیکی به تل‌آویو نه‌تنها اهداف قطر برای رفع بحران دیپلماتیک خود را برآورده نخواهد ساخت که فراتر از آن ممکن است به واکنش منفی نزدیک‌ترین گروه‌ها و احزاب اسلامی نزدیک به قطر منجر شود. در وضعیت جاری، نزدیکی دوحه به برخی گروه‌های صهیونیستی، در واقع یک اشتباه فاحش تاکتیکی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، از اوایل سال ۲۰۱۶ میلادی میزان صادرات خدمات فنی و مهندسی ایران به قطر بیش از ۲ میلیارد دلار بوده است. با تحریم قطر از سوی کشورهای عربی و در نتیجه عدم حضور شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی دیگر کشورهای دنیا، حضور شرکت‌های ایرانی



در این کشور به مراتب افزایش خواهد یافت. تهران امیدوار است با وجود پروژه‌های بزرگ قطر، میزان صادرات خدمات فنی و مهندسی ایران به این کشور در آینده نزدیک به رقم ۲۵ میلیارد دلار در سال برسد که در صورت تحقق، دستاورد بسیار بزرگی برای ایران محسوب می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد عربستان نیز امکانات لازم جهت اتخاذ روش‌هایی نظیر ایجاد اجماع بین‌المللی و مداخله نظامی را ندارد تا بحران قطر را به نفع خود حل و فصل نماید. در چنین شرایطی ایران خواهد توانست با بهره‌گیری از شرایط جاری بیشترین بهره‌برداری را از افزایش تجارت با قطر و تقویت جایگاه خود در منطقه به‌دست آورد. اگر ایران توانایی هدایت و مدیریت تحریم قطر توسط عربستان و دیگر کشورهای عربی را داشته باشد، مسأله منطقه خلیج فارس با تغییرات مهمی مواجه خواهد گشت. در ارتباط با حل و فصل بحران مذکور، حضور و عملکرد دولت‌های بزرگ و اتخاذ مواضع منفعل از جانب آمریکا و روسیه و سایر قدرت‌های بزرگ جهان، مهم‌ترین عاملی است که چشم‌انداز مناسبی برای این بحران تداعی نمی‌کند و حکایت از برنامه‌ریزی شدن و مشورتی بودن بودن بحران، برای ایجاد تغییری دلخواه با هدف موازنه قدرت در منطقه دارد. ►

ایستادگی قطر

آیا تلاش‌های عبدالله بن علی و ریاض راه به جایی می‌برد؟



سلفی و هابیت نسبت به جریان‌های اخوانی است. پس از تحولات ۲۰۱۱؛ حمایت قطر از اخوان المسلمین از یک طرف و تلاش عربستان در قرار دادن این گروه در ردیف سازمان‌های تروریستی در سال ۲۰۱۴ از طرف دیگر به بروز اختلافات جدی میان دوحه و ریاض در جریان نشست شورای همکاری خلیج فارس در مارس ۲۰۱۴ منجر شد. این اختلافات در نهایت به خروج سفرای عربستان، امارات و بحرین از قطر انجامید. در نهایت و با امضای موافقتنامه تکمیلی، قطر متعهد شد ضمن اصلاح رویکرد و اگر ایانه خود در قبال سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس، حمایت مادی و معنوی خود را از گروه‌های غیر همسو با سیاست‌های این شورا و در رأس آن عربستان متوقف کند که به ظن عربستان و متحدانش، قطر به این وعده خود عمل نکرده است.

ریاض قصد دارد از شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب به عنوان ابزاری برای تحت فشار گذاشتن قطر استفاده کند و با توجه به خلأ حاصله از شرایط در سوریه و مصر ضمن تحکیم نقش شورای همکاری خلیج فارس در تحولات این منطقه، نقش رهبری جهان عرب را برای خود بازتعریف و تحکیم کند؛ اما در دستیابی به این موقعیت منطقه‌ای طی سال‌های گذشته با چالش‌های جدی همانند نافرمانی برخی از هم‌پیمانان منطقه‌ای و حتی در درون شورای همکاری خلیج فارس همچون قطر، روبه‌رو شده است و در یارگیری اخیر نیز عمان و کویت در کنار این کشور قرار نگرفته‌اند.

بی‌نتیجه ماندن تماس تلفنی سران ریاض و دوحه

پس از ناکامی کویت، آمریکا، فرانسه و پاکستان در حل بحران موجود میان عربستان و قطر، اولین تماس تلفنی مقام‌های بلندپایه قطر و عربستان که انتظار اندکی می‌رفت گامی برای شروع حل بحران مابین دو کشور محسوب شود، نه تنها آتش برافروخته شده را خاموش نکرد بلکه حوادث بعد از این مکالمه تلفنی این آتش را شعله‌ورتر ساخت؛ به گونه‌ای که عربستان اعلام کرد در این گفت‌وگوی تلفنی، امیر قطر برای مذاکره درباره خواسته‌های چهار کشور عربی به نحوی که به نفع همه طرف‌های درگیر باشد، ابراز آمادگی کرده است.

الجزیره و میزبانی کنفرانس اقتصادی آسیایی-آفریقایی در دوحه در سال ۱۹۹۷ بازی می‌گردد. قطر همچنین با ایفای نقش فعال در تحولات سیاسی لبنان، یمن، فلسطین و افغانستان در جهت تحکیم جایگاه منطقه‌ای خود گام برداشته و موجب ناخرسندی هم‌کیش خود شده است. در سال ۲۰۰۲ و به دنبال پخش اظهاراتی علیه ملک عبدالعزیز، پایه‌گذار پادشاهی آل سعود در شبکه قطری الجزیره، عربستان سفیر خود را از قطر فراخواند. موضوعی که به بروز تشنج در روابط دو کشور و سپس سردی روابط تا سال ۲۰۰۸ انجامید.

در ژانویه ۲۰۱۱ نیز افشای مکالمه تلفنی حمد بن جاسم، وزیر خارجه وقت قطر و معمر قذافی، رهبر پیشین و کشته شده لیبی، پرده از توطئه تقسیم عربستان برداشت. در این مکالمه وزیر خارجه وقت قطر آمادگی خود را برای ورود به منطقه القطیف در شرق عربستان و اجرای طرح تجزیه عربستان اعلام کرده بود. حمد بن جاسم ضمن اظهار نگرانی از نفوذ گسترده سعود الفیصل، وزیر خارجه وقت عربستان، ملک عبداللہ را مهربان‌تر سوخته تلقی کرده بود. حمد با اشاره به ساختار سیاسی پیر عربستان، پادشاه واقعی را سعود الفیصل دانسته بود. وی در آن مقطع خطر تجزیه عربستان پس از ملک عبداللہ را جدی قلمداد کرده بود. در بخش دیگری از این مکالمه، وزیر خارجه قطر اعلام کرده بود که آمریکا و انگلیس از وی خواسته‌اند که گزارشی در خصوص وضعیت عربستان سعودی تهیه کند. وی انگیزه این کار را پیگیری هدف این دو قدرت بین‌المللی یعنی براندازی نظام پادشاهی سعودی ارزیابی کرده بود.

از دیگر سو اختلافات مرزی میان دو کشور و رویکرد واگرایانه قطر نسبت به شورای همکاری خلیج فارس و نیز موضوع اخوان المسلمین و تحولات سوریه بعد از انقلاب‌های عربی (موسوم به بهار عربی) مناسبات دوحه و ریاض را تحت تأثیر قرار داده است. مواضع مشترک قطر با ترکیه در خصوص حمایت از اخوان المسلمین به شکل جدی با سیاست‌های منطقه‌ای عربستان که از گروه‌های سلفی و هابی حمایت می‌کند در تقابل قرار می‌گیرد. صرف‌نظر از تلاش عربستان در جهت مقابله با نفوذ منطقه‌ای محور مقاومت شیعه، دغدغه اصلی سعودی‌ها در درون گفت‌وگوهای اسلام سیاسی اهل سنت، تقویت جبهه

افشار سلیمانی

سفیر پیشین آذربایجان



بحران میان عربستان و متحدین این کشور یعنی سه کشور امارات متحده عربی، بحرین و مصر با قطر که از روزهای نخست ماه ژوئن سال جاری آغاز شد و متعاقباً کشورهای لیبی، مالدیو، سنگال، موریتانی، چاد، کومور، دولت مستعفی یمن، نیجرو گابن هم از این اقدام پشتیبانی و روابط خود را با دوحه قطع کردند، به دلیل عدم پذیرش شروط ۱۳ گانه چهار کشور متحد از سوی دوحه بود که منجر به محاصره کامل این کشور شد؛ این بحران پس از گذشت چند ماه فروکش نکرده و میانجیگری‌های آمریکا و کویت برای حل این بحران نیز به دلیل ریشه‌دار بودن اختلافات آنها به سرانجامی نرسیده است. در این میان تماس‌های اخیر قطر و عربستان نیز نه تنها کمکی به ذوب شدن یخ‌های موجود نکرده بلکه روند حل بحران را با پیچیدگی‌هایی مواجه ساخته است.

خروج نیروهای نظامی ترکیه از قطر، تعطیلی کامل شبکه تلویزیونی الجزیره، قطع کمک‌ها به حزب الله، اخوان المسلمین و حماس، کاهش سطح روابط سیاسی با تهران و عدم اعطای تابعیت به شهروندان عربستان، مصر، بحرین و امارات از این شروط بود.

در ساعت‌های اول اعلام تحریم قطر از سوی عربستان و متحدینش، قفسه‌های فروشگاه‌های قطر خالی شدند چرا که بیش از یک سوم مواد غذایی این کشور از عربستان و امارات تأمین می‌شود. این بحران به واسطه صدور مواد غذایی از سوی ترکیه و ایران، تأحد زیادی رفع شد که البته ترکیه در این راستا گوی سبقت را از ایران ربود به گونه‌ای که میزان صادرات ترکیه به قطر در سه ماه اخیر، حدود ۱۶۵ میلیون دلار (۸۴ درصد) افزایش یافته است.

تنش دوده‌های ریاض - دوحه

اختلافات عربستان با قطر سابقه ۲۰ ساله دارد و به شروع رویکرد مستقل قطر به عنوان بازیگر منطقه‌ای، مجموعه اقدامات این کشور از جمله راه‌اندازی شبکه

حجاج قطری و تسهیل سفر قطری‌ها به عربستان برای دیدار با نزدیکان و رسیدگی به املاک خود در آنجا صورت می‌گیرد.» وی همچنین از اجازه سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان سعودی به او جهت راه‌اندازی «اتاق عملیات» ویژه برای آنچه «خدمت به مردم قطر» نامیده خبر داده بود. بعد از این سفر بود که به قطری‌ها اجازه داده شد به صورت زمینی و هوایی به صورت رایگان و به حساب ملک سلمان وارد عربستان شوند.

با نشست معارضان سلطان قطر در لندن این سوال پیش آمده است که آیا «اتاق عملیات» موسم حج که توسط این شاهزاده قطری تشکیل شده بود در حال تبدیل شدن به اتاق عملیات کودتا، برای انجام کودتای نرم در حیات حاکمه و فعالیت معارضان ضد نظام قطر خواهد بود؟ آیا ریاض می‌خواهد با شیخ عبدالله بن علی و قطری‌هایی که به او خواهند پیوست مانند دولت در تبعید قطر رفتار کند؟

در همین حال پس از اینکه عبدالله بن علی دلایل سفرش را اعلام کرد، بیش از ۲۴۰ هزار کاربر به حساب وی پیوستند و از او قردانی کردند. اما برخی قطری‌ها هم هشتک «بیعت با تمیم» را راه‌اندازی کرده و مخالفت‌شان را با سفر شاهزاده قطری به عربستان اعلام کردند. برخی از این توثیفات هم با تهدید ضمنی برای شیخ عبدالله که در عربستان حضور دارد همراه شد و عبدالرحمن بن حمد آل ثانی، خواهرزاده این امیرزاده قطری که مدیر اجرایی موسسه رسانه‌ای قطر نیز هست، در توییتر خود نوشت: «اگر دست‌خودم که جزئی از اعضای بدنم است تلاش کند در مقابل وطنم با امیرم از حد خود بگذرد، با دست دیگر قطعش می‌کنم.»

گفتنی است که عبدالله بن علی یکی از اعضای خاندان حاکم در قطر است، اما هیچ‌گونه مسئولیت رسمی در دولت این کشور ندارد. پدر بزرگ او شیخ عبدالله بن جاسم آل ثانی، سومین حاکم قطر بود. پدرش نیز چهارمین و برادرش، پنجمین حاکم این کشور به‌شمار می‌آیند؛ برخی معتقدند به‌رغم اینکه وی عضوی از خاندان حاکم قطر است، ولی او و خانواده‌اش از ساختار قدرت در قطر دور هستند از همین رو انگیزه لازم برای هرگونه اقدام علیه خانواده حاکم را ندارد.

نظر عده‌ای دیگر نیز این است که سفر شیخ عبدالله به عربستان برای رسیدگی به املاک شخصی‌اش در «حائل» بوده است ولی وقتی او درباره موضوع حج با سعودی‌ها صحبت کرده، آنها این فرصت را غنیمت شمردند تا از بحرانی که برای حجاج قطری ایجاد کرده‌اند خارج شوند و ادعا کنند این مساله نتیجه میانجیگری او بوده است.

کلام آخر

اینکه حاکمان عربستان که با مشکلات اقتصادی و بغضا سیاسی در درون (و بحران زیر خاکستر شاهزادگان مخالف در عربستان که می‌تواند مورد بهره‌برداری قطر علیه حاکمان ریاض قرار بگیرد) و تبعات ناشی از ناامی‌ها در یمن، سوریه و قطر تاکنون مواجه بوده‌اند، بتوانند کوتاهی در قطر انجام دهند با شک و تردیدهای زیادی روبه‌روست. ایستادگی قطر در برابر زیاده‌خواهی‌های ضدقواعد بین‌المللی عربستان و متحدانش تاکنون حاکی از شکست تلاش‌های ریاض و یارانش است، قرار گرفتن ترکیه (و حمایت نظامی، سیاسی و اقتصادی) و ایران (حمایت اقتصادی) در کنار قطر و شکست محاصره این کشور و عدم حمایت جدی آمریکا از تلاش‌های عربستان علیه قطر و انتخاب راهبرد میانه از سوی واشنگتن و عدم همراهی دیگر کشورهای عربی با عربستان، از عوامل عمده ایستادگی قطر در برابر فشارهای هم‌کیشان عرب خود است. ▶

خانه خدا بروند، سفیرش را به کشوری بازگرداند که به دروغ خواهان پیروزی اسلام و مسلمان است.» این اقدام در حالی صورت گرفت که یکی از ۱۳ شرط عربستان و دیگر کشورهای تحریم‌کننده قطر تأکید بر قطع روابط خود با تهران بود.

هرچند اختلاف میان کشورهای عربی و به ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که اساساً به هدایت و حمایت آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای مقابله با ایران ظهور پیدا کرد، فرصتی برای ایران محسوب می‌شود اما استمرار اختلاف و بحران در این منطقه، ثبات و امنیت خلیج فارس را در معرض تهدید قرار می‌دهد و سبب افزایش دخالت‌های بازیگران فرامنطقه‌ای می‌شود که به نفع هیچ کشوری در این منطقه نیست.

هرچند پس از محاصره قطر توسط هم‌کیشان و همسایگان عرب خود، ایران با گشودن آسمانش روی هواپیماهای قطر، خطوط امن هوایی مهمی برای این کشور شد و همگام با ترکیه با صادرات مواد غذایی از ایران به قطر، ملت و دولت این کشور را از نگرانی رهایی داد، اما راهبرد عدم استفاده ابزاری از قطر توسط ایران در برابر عربستان، اقدامی سنجیده و غیر تنش‌زا بود که در تاریخ تحولات خلیج فارس به یادگار خواهد ماند.

اقدامی که به نفع دو کشور و صلح و ثبات منطقه خواهد بود. شاید یکی از دلایلی که قطر مبادرت به بازگرداندن سفیر خود به تهران کرد و واکنش مثبت در برابر این رویکرد پدرا نه مبتنی بر سعه صدر ایران بود، چرا که انتظار نداشت پس از اینکه قطر در حمایت از عربستان سفیر خویش را از تهران فراخوانده بود، ایران در شرایط سخت نسبت به این کشور مهرورزی کند. لذا امروز عربستان از یک طرف در یمن با یک بن‌بست مواجه شده و از دیگر سو، در تحریم قطر نیز عملاً شکست خورده است.

آیا ریاض برای کودتا در دوحه تلاش می‌کند؟

چندی پیش نشست معارضان دولت قطر در لندن برگزار شد و از سوی حاضران «عبدالله بن علی» به عنوان گزینه پیشنهادی برای جایگزینی شیخ تمیم امیر قطر مطرح شد.

این نشست از سوی رسانه‌های وابسته به ریاض و ابوظبی به‌طور کامل تحت پوشش قرار گرفت.

به‌رغم اینکه جدی بودن تصمیم عربستان مبنی بر تلاش برای تشکیل دولت در تبعید قطر با ابهاماتی مواجه است، اما چنین اقدامی می‌تواند در این مرحله به عنوان اهرم فشاری از سوی ریاض بر دوحه باشد تا این کشور را به پذیرش شروط خود مجبور کند.

لازم به ذکر است که عبدالله بن علی آل ثانی از اعضای خاندان حاکم بر قطر اواخر تیرماه سال جاری به ریاض سفر کرد و دیداری هم با ملک سلمان پادشاه عربستان در شهر طنجه مراکش داشت. افشای این دیدار که با تحلیل‌های مختلفی مواجه شد و واکنش نسبتاً گسترده‌ای میان قطری‌ها در پی داشت.

در همان مقطع، عبدالله بن علی آل ثانی، در توثیتی نوشته بود: «سفر به عربستان با هدف حل و فصل مساله

محمد بن سلمان نوولیعهد عربستان نیز، از این تمایل قطر استقبال کرد. اما گفته شد که جزئیات این گفت‌وگو پس از به توافق رسیدن عربستان سعودی با امارات، بحرین و مصر اعلام خواهد شد. این درحالی بود که خبرگزاری دولتی قطر در گزارش خود اعلام کرد که امیر قطر در پی مکالمه با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا و بنابر درخواست او با ولیعهد عربستان تماس گرفته است. دو طرف بر ضرورت حل بحران اخیر از طریق نشست بر سر میز مذاکره برای تضمین ثبات و یکپارچگی شورای همکاری خلیج فارس توافق کردند. شیخ تمیم با پیشنهاد محمد بن سلمان برای تعیین دو نماینده برای حل مساله اختلافی به نحوی که مغایر با حاکمیت ملی کشورها نباشد، موافقت کرد.

اگرچه دو طرف بر برقراری این تماس تلفنی را تأیید کردند اما ریاض با متهم کردن رسانه‌های قطری به تحریف محتوای این گفت‌وگو، از قطع همه تماس‌ها با دوحه خبر داد و وزارت خارجه عربستان اعلام کرد «این تحریف ثابت می‌کند که قطر به سیاست‌های نادرست پیشین خود ادامه داده و در انجام گفت‌وگوها جدی نیست». با این حال عربستان مشخص نکرد که رسانه‌های قطری در بازتاب خبر گفت‌وگو دو مقام عربستانی و قطری چه بخش‌هایی را تحریف کرده‌اند؟

واکنش‌های پساتماس تلفنی مقامات دو کشور نشان داد که هیچ یک از دو طرف آماده اعتراف به پیش‌دستی خود در پذیرش مذاکره نیستند و از اینکه حتی فاش شدن محورهای گفت‌وگو از سوی محافل سیاسی و رسانه‌ای جهان، نوعی عقب‌نشینی از مواضع پیشین آنها تلقی شود، نگرانند.

به نظر می‌رسد عربستان و متحدانش تا به این لحظه، امتیازی به دست نیاورده‌اند و منزلت جهانی ریاض و متحدانش در افکار عمومی جهان و به ویژه جهان عرب با ابهام و سوال مواجه شده است.

اقدام جسورانه دوحه در اعزام مجدد سفیر به تهران

پس از عدم تأثیر مساعی جمیله کشورهای میانجیگر بر روند حل بحران ریاض - دوحه و نتیجه بخش نبودن گفت‌وگوی تلفنی سران دو کشور در این راستا، قطر در اقدامی جسورانه اقدام به بازگرداندن سفیر خود به ایران کرد و بار دیگر بر صحت نظریه عدم ثابت بودن دوست و دشمن در سیاست خارجی و ثابت بودن منافع ملی کشورها، مهر تأیید زد.

بازگرداندن سفیر قطر به تهران را می‌توان واکنشی به فشارهای عربستان به این کشور و همین‌طور اقدام اخیر ملک سلمان پادشاه عربستان سعودی و ولیعهدش محمد بن سلمان در استقبال از شیخ عبدالله بن علی (فرزند امیر اسبق قطر) و نقش دادن به او ارزیابی کرد؛ هرچند که روزنامه وال استریت ژورنال در یک سمپاشی حساب شده نوشت، مقام آمریکایی گفته است که قطر به مقامات آمریکا اطلاع داده است بازگرداندن سفیرش به تهران، در اصل واکنشی به سعودی‌هاست نه اقدامی برای تقویت روابط با ایرانی‌ها. هرچند که رابطه خوب ایران با قطر و عمان در خلیج فارس در سال‌های گذشته نیز وجود داشته و با عمان این مناسبات حسنه پایدارتر بوده است. در سال ۲۰۰۶ و در آغاز صدور قطعنامه‌های شورای امنیت و بحرانی شدن پرونده هسته‌ای ایران هنگام صدور قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، از میان ۱۵ عضو شورای امنیت، تنها قطر بود که به عنوان عضو غیردائم این شورا به این قطعنامه رای منفی داد.

بازگشت سفیر قطر به تهران، خشم ریاض و متحدانش را برانگیخت به طوری که وزیر خارجه بحرین در واکنش به این اقدام توثیت کینه‌توزانه‌ای کرد: «تاریخ این را بنویسد، در روزی که قطر اجازه نداد شهروندانش به

هرچند اختلاف میان کشورهای عربی و به ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، فرصتی برای ایران محسوب می‌شود اما استمرار اختلاف و بحران در این منطقه، ثبات و امنیت خلیج فارس را در معرض تهدید قرار می‌دهد که به نفع هیچ کشوری در این منطقه نیست



دومینوی فروپاشی

غرب، بحران در حوزه نفتی و گازی خلیج فارس را به زیان خود می‌داند

◀ جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه



✓ بروز نشانه‌هایی دال بر به کارگیری اقدامات براندازانه دولت‌های «ریاض» و «دوحه» علیه یکدیگر، از جانب بسیاری از تحلیلگران به هیچ وجه جدی تلقی نشده و حتی درموردی به عنوان موضوعی طنزآمیز از آن یاد شده است. البته این گونه رویکرد به تحرکات تبلیغاتی متقابل قطر و عربستان، و برداشت طنزآمیز از آن، علل و دلایل قابل قبولی نیز دارد که باتوجه به نقش تحلیلی‌اش در تشریح مناسبات کنونی دو کشور، باید بدان اشاره کرد. تردیدی نیست که دولت‌های «ریاض» و «دوحه» در هر نوع موقعیت خصمانه‌ای که قرار داشته باشند، از لحاظ ساختاری، موقعیت و پایگاه اجتماعی و همچنین وابستگی‌های بین‌المللی در یک دسته حکومتی دسته‌بندی می‌شوند و ماهیت مشابه آن‌ها، به مقامات این دو کشور این اجازه را نمی‌دهد تا به سادگی از خطوط قرمز متعارف عبور کرده و وارد خصومت‌های براندازانه علیه یکدیگر شوند. به ویژه آنکه هر دو حکومت به صورت مشابه در عرصه‌های منطقه‌ای مختلف (مشخصاً در سوریه) دچار شکست‌ها و ناکامی‌های متعددی شده و از لحاظ داخلی نیز از موقعیت اطمینان بخشی که بتوانند به آن اتکا کنند برخوردار نیستند. بنابراین آنچه به صورت درگیری‌ها و مشاجرات لفظی نمایندگان و مقامات رده دوم و سوم دو کشور در نشست هفته گذشته اتحادیه عرب به صحنه آمد، امری حاشیه‌ای محسوب می‌شود و خبرهایی که در خصوص نقش آفرینی قطر در راه‌اندازی جنبش اعتراض آمیز ۱۵ سپتامبر در عربستان انتشار یافت، نباید امری جدی و یقینی تلقی گردد.

هفته گذشته خبرگزاری‌ها از یک سو، از مشاجرات «أحمد القطان»، نماینده این کشور در اتحادیه عرب با «سلطان بن سعد المريخی»، وزیر مشاور در امور خارجه قطر خبر دادند و از سوی دیگر از نقش مقامات «دوحه» در به راه‌اندازی جنبش اعتراضی موسوم به

رفتاری در آن نشسته‌اند و ایجاد هر سوراخی در آن می‌تواند همه سرنشینانش را غرق کند و از دریچه نگرش بازدارندگی، یادآور فرضیاتی است که دو کشور دارای سلاح‌های هسته‌ای را از شلیک نخستین بازمی‌دارد.

به خاطر داریم که در نخستین مباحث استراتژیکی که در دوران جنگ سرد و درخصوص چگونگی موثرترین شیوه‌های بازدارندگی مطرح می‌شد، رویارویی دو قدرت اتمی را به وجود همزمان دو عقرب در یک شیشه درسته، تشبیه می‌کردند؛ دو عقربی که به علت برخورداری طرف مقابل از قدرت نابودی (هلاک‌کنندگی)، از گزیدن دیگری پرهیز می‌کنند.

حال چنانچه به موضوع مناقشه و خصومت موجود بین عربستان و قطر باز گردیم، خواهیم دید که حتی اگر یک طرف بتواند ضمن براندازی حکومت دیگری، از واکنش‌هایش در امان بماند، سقوط و فروپاشی‌اش امری حتمی خواهد بود و آن به علت به راه افتادن و فعال شدن دومینویی است که با سرنگونی یک حکومت پادشاهی، فروپاشی دیگر حکومت‌های مشابه را کلید خواهد زد و جریانی را به وجود خواهد آورد که رهایی از آن به سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود.

آنچه مسلم است پتانسیل قیام‌ها و اعتراض‌های ناشی از انواع نارضایتی در مجموع کشورهای عربی و پادشاهی منطقه، در مرتبه بلندی از تاثیر گذاری قرار دارد و از جمله پدیده‌هایی نیست که بتوان در کش‌ها و واکنش‌های سیاسی و نظامی آن را نادیده گرفت البته تحریم‌های اقتصادی به علت قابلیت سودآوری آن برای برخی از دولت‌ها و همچنین شرکت‌های خصوصی ممکن است طرفدارانی داشته باشد اما این تحریم‌ها هم زمانی که به نقطه خطر نزدیک شود با موانع و مخالفت‌های عملی روبه‌رو می‌شود.

اینجاست که باید به کوشش‌های میانجیگرانه بین دوحه و ریاض اشاره کرد؛ کوشش‌هایی که ابتدا ناظر بر منفعت‌طلبی‌های اقتصادی و سپس سیاسی و نظامی است، ولیکن چنانچه در این نوع میانجیگری‌ها نیز علل و ماهیت مناقشه جاری بین عربستان و قطر شناخته نشود قاعدتاً در عرصه عمل راه به جایی نخواهد برد. واقعیت آن است که هر طرف میانجیگری باید بداند که این مناقشه علاوه بر ریشه‌های داخلی و منطقه‌ای از ریشه‌های فرامنطقه‌ای و بسیار تاثیرگذار برخوردار است و آمریکا و انگلیس به صورت پنهانی و بر سر بازارهای تسلیحاتی منطقه، در ورای آن قرار دارند. ▶

جنبش اعتراضی ۱۵ سپتامبر در عربستان سخن گفتند. در این حال شبکه‌های اجتماعی وابسته به هر یک از طرفین نیز شاهد تداوم تبلیغات خصمانه‌ای بودند که از بیش از صد روز پیش آغاز شده و همچنان صحنه خصومت‌های لفظی را بین این دو حکومت موروثی و مبتنی بر آداب مشابه قبیله‌ای را داغ نگه داشته است. اما همان‌طور که گفته شد، این گونه رویارویی‌های خصمانه در عرصه تبلیغات، موضوعی نبود که از جانب کارشناسان مسائل منطقه، امری جدی محسوب شود؛ چرا که مقامات قطری، به ویژه شیخ تمیم امیر این کشور (در سفر دوره‌ای به اروپا) همزمان با انتشار این نوع خبرها، از آمادگی این کشور برای مذاکره مستقیم با مقامات عربستان سخن گفت و از سوی دیگر سران اروپایی نیز علاقه‌مندی خود را به پایان مخاصمات تبلیغاتی بین دو کشور اعلام کردند و این از جمله نشانه‌های دیگری بود که سناریوهای مبتنی بر حرکت‌های براندازانه متقابل را ابطال می‌کرد. برای تشریح این نشانه‌ها، از یک سو باید به اهمیتی که غرب برای برقراری آرامش در حوزه‌های نفتی و گازی بسیار مهم خلیج فارس اشاره کرد و از سوی دیگر از خطراتی حتمی که در صورت اجرای هر طرح براندازانه، مجری آن را نیز مبتلا و دچار خواهد کرد سخن گفت.

در خصوص موضوع نخست، توضیح آن است که دولت‌های غربی و حتی آمریکا در مقطع حاضر، وقوع هر بحرانی در حوزه نفتی و گازی خلیج فارس را به زیان خود می‌دانند و می‌کوشند تا با به کارگیری اهرم‌های موجود از عمیق تر شدن شکاف‌های موجود بین قطر و چهار کشور عربستان، امارات، بحرین و مصر جلوگیری کنند. البته این بحران تا آنجا که زمینه‌های خرید محموله‌های جدید و بزرگی از تسلیحات را فراهم کند، برای آنها مطلوب است، چنان که در این باره باید به سفر هفته گذشته وزیر دفاع انگلیس به قطر و امضای دومین قرارداد فروش هواپیمای جنگی ساخت انگلیس اشاره کرد؛ سفری که از بُعد سیاسی نیز با اهمیت تلقی شد و پیش‌فرض‌های مربوط به تشدید رقابت‌های واشنگتن و لندن را در ورای مناقشات عربستان و قطر به شدت تقویت کرد و اما موضوع و یا نشانه دوم، نگرانی مشترک مقامات ریاض و دوحه از غرق شدن کشتی‌ای است که هر دوی به سبب مشابهت‌های ساختاری و



عنوان کتاب: هنر بافتنی بزرگسالان

نام مؤلف: مریم یوسفی

ناشر: بین المللی حافظ



عنوان کتاب: هنر بافتنی خردسالان

نام مؤلف: اکرم ذاکری

ناشر: بین المللی حافظ



خبریه؛ امروزه مفهومی آشنا در فضای اجتماعی و عمومی هر کشوری است. مفهومی که بیش از هر چیزی با مردم آمیخته شده و نه تنها نزول و صعود آن در گرو این پیوند است، بلکه ماهیت این مفهوم نیز به نوعی با عموم مردم آمیخته شده است. در این پرونده برآنیم تا پس از بررسی کارکرد این نهادهای اجتماعی به برخی از نمونه‌های مصداقی این جریان در جامعه‌مان بپردازیم.



مددکاری ا

زندگی خوب

گزارشی از یک فعالیت عام‌المنفعه جهادی

علیرضا کرمانی

خبرنگار

این خبریه‌ها به متقاضیان زندگی در شهرها و کشورهای مختلف ارائه می‌دهند. خدماتی که هرچند بنیه مالی و پشتوانه معنوی اصلی آن از سوی مردم هر شهر و کشور تامین می‌شود، اما مدیریت این پشتوانه‌ها و رساندن این حجم از مهر به مقصد، مستلزم یک مدیریت موثر است. زندگی خوب؛ یکی از این خبریه‌هاست که چندی است نام آن روی زبان‌ها آمده است. یک گروه جهادی که شعارش را عنوان خود قرار داده و در پی آن است که بتواند زندگی خوب را هر چند در اقل درجه، برای آن میزان از مستضعفانی که در حال زیست مشترک با ما هستند، فراهم کند.

در این نوشتار مرور مختصری بر اهم فعالیت‌های گروه در سطح استان تهران و البرز خواهیم داشت و به مهم‌ترین مصادیق خدمت‌رسانی جهادی، برای نیل به زندگی خوب میان اقشار محروم و مستضعف خواهیم پرداخت.

اولویت با حاشیه‌نشین‌هاست!

زندگی خوب؛ یک مجموعه جهادی اجتماعی است که می‌خواهد آسیب‌های اجتماعی قشر ضعیف و محروم

سیدمحسن میرشمسی از اعضای اصلی گروه زندگی خوب درباره روند رسیدگی به مددجویان می‌گوید: «برای همه مددجویان پرونده تشکیل می‌شود تا کار به صورت پوششی و حمایتی جلو برود. یعنی این‌طور نباشد که یک‌بار به منطقه برویم و بعد همه چیز را رها کنیم.»

میرشمسی و دیگر همکاران او در زندگی خوب امروز، بیش از ۳۰۰ خانواده و ۱۹۰ نیروی داوطلب برای خدمت‌رسانی را تحت پوشش خود دارند که در جریان زندگی خوب فعال و کوشا هستند. اما آنچه میان این نیروهای هدف‌مهم‌تر است، خدمت‌رسانی به زنان

۱ زندگی خوب؛ شاید ساده‌ترین و البته مهم‌ترین خواسته هر فردی از کل جریان زندگی باشد. زندگی خوب هرچند می‌تواند از فرد تا فرد، از محله تا محله، از شهر تا شهر و از کشور تا کشور، تفاوت‌های زیادی داشته باشد، اما آن چیزی که میان همه اینها مشترک است، داشتن حداقل‌های لازم برای زندگی است.

یک سقف که بالای سر ساکنین باشد، یک نان گرم و آب خنک، یک تن سالم و یک دل خوش که همه اینها را تکمیل می‌کند. توانایی کار کردن و درس خواندن و مهر ورزیدن هم مهم‌ترین الزامات این خواسته‌های اندک و حداقلی هستند که بین خیلی از فقرا و اقشار ناتوان، یافت نمی‌شود.

خبریه‌ها امروز یکی از مهم‌ترین مراجع عمومی و مردمی هستند که وابستگان این اقشار در پی یافت زندگی خوب به آنها سرک می‌کشند. سهمیه‌های گوشت و مرغ و برنج، سبدهای کالا و لباس و بهداشت، پک‌های مختلف آموزش و پرورش و... از مهم‌ترین خدماتی هستند که

سرمايه دارها کمک نمی کنند!
گفت وگو با دکتر بابازاده مقدم،
مدیرعامل مجموعه زندگی خوب



مغفول محبوب
نگاهی به کارکردهای مغفول خیریه ها
در ایران



؟؟؟
جایگاه وقف در بهبود اوضاع
اقتصادی در جامعه اسلامی

سرپرست خانوار خصوصا در حاشیه های شهرهای بزرگ و به طور مشخص، تهران است.

زندگی خوب با محور قرار دادن حاشیه شهر تهران، به عنوان مهم ترین منطقه حضور و فعالیت خود، کوشیده است خدمات خوبی به حاشیه نشینان این کلان شهر ارائه دهد، حاشیه نشینانی که بنا بر آمار رسمی، تعدادی قابل توجه در نسبت با جمعیت شهر تهران دارند.

❖ اشتغال به خدمت زنان

یکی از مهم ترین روش های مدیریتی و حمایتی در زندگی خوب، ایجاد پشتوانه شغلی برای افراد تحت پوشش است. به این معنا که گروه جهادی زندگی خوب در ایستگاه های خود به زنان سرپرست خانوار، امکان تولید و فروش و عرضه محصولات یا خدمات خود را ارائه می دهد و از این راه است که بسیاری از آنان قادر به تامین معاش خود از راه فعالیت مفید اقتصادی می شوند.

در بین افرادی که تحت پوشش این خیریه هستند، زنان زیادی با تولید صنایع دستی و محصولات خانگی روزگارشان را می گذرانند که نیاز به حمایت زیادی برای

این نخستین فروشگاه دائمی موسسه در البرز است که برای این افتتاح از نزدیک ۵۰ مدیر استانی دعوت شده اما متأسفانه حتی یک نفر برای افتتاح حضور نداشت. مدیریت شهری در این حوزه بسیار منفعّل است

فروش محصولات شان دارند. میرشمسی در این باره می گوید: «زنان سرپرست خانوار زیادی به ما مراجعه می کردند و می گفتند ما توانایی فروش این محصولات را نداریم. بنابراین تصمیم گرفتیم به اندازه خودمان کمک کنیم. بنابراین قبل از عید دو فروشگاه برپا کردیم تا محصولات این زنان را به فروش برسانیم؛ نمایشگاه بهاره مصالای تهران و دیگری در فرهنگسرای انقلاب اسلامی. دو محلی بودند که توانستیم محصولات را بفروشیم. بعد از آن توانستیم در کرج فروشگاه دائمی برای این زنان برپا کنیم که زین پس خودشان هم تولید کنند باشند و هم فروشند و این منوال همیشه برقرار باشد.»

همچنین حسین بابازاده؛ مدیرعامل زندگی خوب در این باره گفت: «این گروه در زمینه تقویت اشتغال خانگی به ویژه برای بانوان سرپرست خانوار فعال است.» او با اشاره به افتتاح فروشگاه محصولات گروه جهادی زندگی خوب در کرج اظهار داشت: «هدف این امر پیشگیری و کاهش آسیب های اجتماعی است. مساله بیکاری برای ما مهم است تا بتوان اقتصادی خانواده ها افزایش یابد. این فروشگاه ها دارای چند ویژگی مانند حذف واسطه و فروش کالای ایرانی و مناسب با فطرت بانوان است. برخی از محصولات این فروشگاه تمام دارایی یک خانواده است که باید از آن برای بازایی توان مالی این خانوارها استفاده کرد.»

بابازاده با بیان اینکه این موسسه در ۴ استان تهران، البرز، کرمان و قم فعال است، افزود: «در مجموعه استان ها تا کنون به بیش از ۹ هزار نفر خدمات بیش از یک مورد ارائه شده است و در البرز ۷۰۰ پرونده با بیش از یک بار خدمات وجود دارد.

همچنین از بین این پرونده ها ۵۰۰ نفر در وضعیت بحرانی هستند. این افراد در تامین معاش، سلامت و حتی داشتن شناسنامه دچار مشکل هستند.»

او در بین این صحبت ها به نکته مهمی اشاره کرده که نشان از عدم وجود پشتوانه های دولتی از چنین خدماتی است. او درباره افتتاح این فروشگاه در استان البرز این چنین می گوید: «این نخستین فروشگاه دائمی موسسه در البرز است که برای این افتتاح از نزدیک ۵۰ مدیر استانی دعوت شده اما متأسفانه حتی یک نفر برای افتتاح حضور نداشت. مدیریت شهری در این حوزه بسیار منفعّل است و این درحالی است که موسسه جهادی زندگی خوب نیز به حمایت حکومتی وابسته نیست. این اقدام موسسه زندگی خوب در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری در زمینه تولید و اشتغال است اما متأسفانه هیچ کدام از مسئولان استانی در این برنامه حضور نداشتند.»

❖ راه کمک باز است

آسان ترین راه برای ارتباط با گروه جهادی زندگی خوب، الحاق به کانال تلگرامی zendegiikhoob است. محلی که در آن تمامی فعالیت های این گروه به مخاطبان گزارش می شود و علاقه مندان می توانند به عضویت این گروه دربیایند یا کمک هایشان را از طریق این راه آسان ارتباطی، به دست این گروه جهادی برسانند و از فعالیت هایشان در ایستگاه های محل خدمت باخبر شوند. ایستگاه هایی که شاید مهم ترین رکن خدمت رسانی در زندگی خوب به شمار می رود.

میرشمسی درباره خدمات این ایستگاه ها می گوید: «در حصارک کرج حدود ۷۰۰ مورد ویزیت و ارائه داروی رایگان و اقامت پزشکی و بسته هایی مانند شیرخشک و بسته های حمایتی داشتیم. همچنین با گرفتن آزمون استعدادیابی از دانش آموزان توانستیم حدود ۱۰ دانش آموز مستعد اما محروم را دستکم به مدت سه سال بورسیه کنیم. برای بانوان سرپرست خانوار توانستیم با صرف مبلغی حدود ۱۰ میلیون تومان اشتغال زایی کنیم. و توانستیم علاوه بر خریداری نقدی محصولات خانگی؛ سه فروشگاه دائمی و موقت نیز با هدف ارائه محصولات اقتصادی این عزیزان در شهرهای تهران و کرج دایر کنیم. علاوه بر این با توجه به کمک های جمع شده توانستیم سید کالاهایی برای برخی از خانواده های مستضعف تدارک ببینیم. همچنین زندگی خوب منازل مسکونی چهار خانواده محروم را بازسازی و قابل سکونت کرد که گزارش های آن در کانال این مجموعه درج شده است.»

❖ به خاطر کمک

همه پزشکان، مشاوران و مددکاران و در کل تیم اجرایی زندگی خوب داوطلبانه و به صورت رایگان با این مجموعه همکاری می کنند و قرار است این مشاوره ها در طول سال ادامه دار باشد تا مراحل بهسازی تبدیل به یک زندگی خوب شود. میرشمسی در این باره می گوید: «ما در هر ایستگاه در مواجهه با مددجویان چندکار انجام می دهیم. برای هر مراجعه تشکیل پرونده می دهیم که سطح رفاه و وضعیت معیشتی و اقتصادی آنجا را بررسی کنیم که در چه سطحی هستند تا اگر نیاز به تحت پوشش قرار گرفتن دارند، این کار انجام شود. بعد از آن به واسطه

همین پرونده ها ارتباط با مددجو ادامه خواهد داشت تا اینکه بتوانیم مددجویان را به امید خدا به وضعیت مطلوب تری برسانیم.»

او همچنین درباره منابع مالی زندگی خوب، این طور می گوید که همه این منابع از کمک های مردمی تامین می شود و گروه همه تلاشش را می کند در صورت در اختیار نداشتن منابع مالی نیز کار را پیش ببرد.

میرشمسی در این باره می گوید: «پزشکان ما داوطلبانه و جهادی وارد کار شده اند. هیچ حق الزحمه ای دریافت نمی کنند. در بحث دارو هم خود پزشکان داروها را تامین می کنند و حتی از دیگر دوستان خود کمک می گیرند. در بحث ارجاع به پزشکان متخصص و مرکز تخصصی درمانی هماهنگی هایی انجام شده که مددجوی معرفی شده بدون پرداخت هزینه درمان شود. یعنی کار به گونه ای برنامه ریزی شده که وابسته به منابع مالی نباشد، طوری که اگر پرداخت به هزینه بود شاید چیزی معادل ۱۰۰ میلیون تومان تا اینجای کار برای موارد ارجاعی به درمان تخصصی هزینه می شد. البته در مورد بازسازی و مرمت منازل مسکونی، هدایت های تحصیلی و فراهم کردن سبد کالای نیاز به منابع مالی وجود دارد که سعی شده از طریق کمک های مردمی و خیرین تامین شود و متأسفانه هیچ کدام از نهادهای حکومتی و دولتی تا این لحظه کمکی به مجموعه زندگی خوب نداشته اند.»

❖ هزاران هزار...

مجموعه خیریه زندگی خوب تا کنون به بهبود زندگی حدود ۱۰ هزار نفر کمک کرده است. زندگی خوب به این افراد کمک کرده تا زندگی بهتری برایشان بسازد. اما میرشمسی از آمارهای جزئی تر نیز در این باره خبر داده است: «نزدیک به ۱۰ هزار نفر در مناطق حاشیه استان های تهران و البرز حداقل یک بار از زندگی خوب خدمت دریافت کرده اند. حدود نیمی از این جمعیت جزو افرادی هستند که به مراکز تخصصی و پزشکان متخصص برای ادامه درمان معرفی شدند.

بیش از ۵۰۰ پرونده مددکاری داریم که مخصوص افراد و خانواده هایی است که بیش از ۵ بار خدمت دریافت کرده اند و ارائه خدمت به آنها ادامه دار و همچنان مستمر است. فقط ۶۰ میلیون تومان مبلغ خدمتی است که مددجویان در زمینه دندانپزشکی دریافت کردند. یعنی مراجعانی که مشکل دندانپزشکی داشتند، به زندگی خوب مراجعه کردند و زندگی خوب آنها را به متخصصان دندانپزشکی برای ترمیم دندان ها و درمان های مربوطه به صورت رایگان معرفی کرد. تا الان حدود ۳۰ دانش آموز هستند که تحت بورس تحصیلی زندگی خوب هستند و کمک هزینه تحصیلی دریافت می کنند. حدود ۸۰ زن سرپرست خانوار هستند که صنایع دستی تولید می کنند و زندگی خوب مسئولیت فروش محصولات و توانمندسازی آنها را به عهده گرفته و تا الان حدود ۷ منزل از مددجویان در سطوح مختلف مرمت شده است.»

میرشمسی همچنین این نوید را به ما می دهد که این کارهای میدانی ادامه دار خواهد بود و قرار است کارهای پژوهشی و علمی هم در دستورکار قرار بگیرد و نتایج آن تبدیل به تهیه طرح ها و لوایح درباره آسیب های اجتماعی شود تا به دولت و مجلس و برای تدوین جزوات آموزشی برای اقشار مختلف پیشنهاد داده شود. ▶

آرزوی بزرگ

نگاهی به کارکرد
سازمان‌های مردم‌نهاد
در نسبت با
آسیب‌های اجتماعی

فرد مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کنند. همچنین میزان درگیری این نهادهای مردمی با مسائلی که رسیدگی به بسیاری از آنها در حیطه وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود، یکی دیگر از دلایل اهمیت یافتن این نهادهای خصوصی است. سمن‌ها در سراسر دنیا وجود داشته و هیچ‌گاه محدود به ایران نبوده است. نهادها یا انجمن‌های داوطلبانه شهروندان، همواره و در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند. سازمان‌های غیردولتی اغلب به همان منوال که امروزه، به‌ویژه در سطح بین‌الملل دیده می‌شوند، در دو قرن اخیر توسعه یافته‌اند. وجود این سازمان‌ها البته ارتباط زیاد با روند توسعه کشورها داشته و در نتیجه همین ارتباط بوده که یکی از اولین سازمان‌های این‌چنینی، در سطح کلان و با پیشگامی برخی از کشورهای توسعه یافته، تأسیس شده است. صلیب سرخ جهانی که در سال ۱۸۶۳ میلادی تأسیس شد، نخستین نمونه سازمان‌های مردمی-جهانی، در طول تاریخ این موضوع است.

در تعریف بین‌المللی که درباره این نهادها مصوب شده این چنین آمده است: «هر گونه سازمان بین‌المللی که از طریق پیمان و معاهده بین‌المللی ایجاد نشده باشد.» در این تعریف؛ مشخصه اصلی در غیردولتی بودن این سازمان‌ها دیده شده است. از این‌رو که بسیاری از مسائل و آسیب‌ها، در حوزه‌های گوناگون به قدری متنوع و البته پیچیده هستند که حل آنها در چارچوب دولت‌ها به

که اگر در یک جامعه، درجه عمومیت آسیب‌های اجتماعی زیاد باشد و از سوی دیگر دولت‌ها نیز توان و اهتمام لازم برای رفع این مسائل را نداشته باشند، در این میان نیاز به واسطه‌های دیگری حس می‌شود که مسئولیت رتق و فتق این امور را بر عهده داشته باشند. یعنی سازمان‌های مردم‌نهاد، که از دل مردم بیرون آمده‌اند و برای رسیدن به اهداف عمومی میان مردم تلاش می‌کنند، دولت‌ها را واسطه تأمین بودجه و پشتیبانی برای فعالیت‌های عمومی خود قرار می‌دهند. این نوع فعالیت‌ها که در غالب جوامع ابعاد خیرخواهانه و نیکوکارانه دارد، منجر به پیدایش، رشد و تقویت روزافزون «خیریه»ها در جوامع امروزی شده است. نهادهای واسطی که مرجع رسیدگی به آسیب‌ها و مسائل اجتماعی گوناگونی میان مردم هستند.

سمن‌ها امروز یکی از مهم‌ترین نهادهای موجود در هر جامعه‌ای هستند که در بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی باید به نقش عمیق این سازمان‌ها در امور مرتبط با این حوزه به دقت نگاه کرد.

عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد، سمن‌ها یا ان‌جی‌او - Nongovernmental Organization - در کلی‌ترین معنای خود، به سازمان‌هایی دلالت می‌کند که به صورت مستقیم، بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شوند. در واقع این سازمان‌ها در نمودار قوا و سازمان‌ها و ادارات تحت نظر دولت‌ها، جایگاهی نداشته و ندارند و نخواهند داشت. اما نقش بسیار مهمی به عنوان واسطه بین فرد

محمدامیر خوش‌صحبتان

دبیر گروه فرهنگ

۲ + به آرزوی بزرگ کن!
- چی بکنم؟!
+ آرزو!
- آرزو چه؟!

امروز، تمام این مکالمه چندخطی، به گوش همه ما آشناست! مکالمه‌ای که نظر همه اقشار و افراد جامعه ایرانی را برای روزهایی-هرچند اندک- به سوی خود جلب کرد. مکالمه‌ای که نشانگر وجود یک واقعیت، در سطوحی فراتر از یک کلیپ است. اتفاقی که نه روایتی از یک حادثه است و نه یک استثنا! بلکه روایت آن چیزی است که زیر پوست این شهر جریان دارد؛ جریانی که خبر از بی‌خبری می‌دهد...

۴ بی‌خبر از کوچه‌ها

آسیب‌ها یا مسائل اجتماعی در تمامی جوامع، همواره یکی از واقعیاتی بوده‌اند که دولت‌ها، حکومت‌ها و نهادهای مستقل و مردمی در برابر آنها احساس مسئولیت کرده‌اند. میزان این احساس مسئولیت، بسته به نوع مسئولیت‌پذیری حکومت‌ها و دولت‌ها از یک سو و میزان شدت و ضعف آسیب‌های اجتماعی از سوی دیگر، نقش زیادی در تقسیم‌کار در این حوزه داشته است. به این معنا

نهادهای و موسسات عمومی غیردولتی، این نهادها را تعریف کرده است که عبارتند از شهرداری ها و شرکت های تابعه آنان - مادام که بیش از ۵۰ درصد سهام و سرمایه آنان متعلق به شهرداری ها باشد - بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، هلال احمر، کمیته امداد امام، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، کمیته ملی المپیک ایران، بنیاد ۱۵۵۵ خرداد، سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان تامین اجتماعی. همچنین بسیاری از سازمان های مردم نهاد، غیرانتفاعی و مستقل از دولت هستند و بودجه این سازمان ها از راه کمک های مردمی و در مواردی نیز با کمک سازمان های دولتی، دولت یا ترکیبی از این روش ها تامین می شود.

فرصت انتقاد

درباره سمن ها اما بیش از آنکه نقد وجود داشته باشد، نگرانی موجود است. به رغم اینکه نگاه مثبت درباره سازمان های مردم نهاد غالب است اما در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که اقتصاد ناکارآمدی دارند، وارد شدن در حوزه صنعت کمک رسانی سودآورترین کار برای جوانانی است که از دانشگاه فارغ التحصیل شده اند. از آنجا که سازمان های مردم نهاد خدمات خود از قبیل آموزش - را به صورت رایگان یا به نرخ یارانه ای به عموم ارائه می کنند، بخش خصوصی قادر به رشد و تکامل نیست و توان رقابت موثر، کارآمد و پایدار را ندارد. موارد دیگری نیز در ارتباط با سازمان های مردم نهاد وجود دارد که منشا نگرانی است: عضوگیری سازمان های غیردولتی - از طریق قوای سیاسی یا سایر قوا -، انحراف از مسیر و اهداف اولیه، تغییر خدمات اصلی ای که مبنای آن بودجه ای که همیشه متغیر است، شفافیت، پاسخگویی، حرکت براساس اصولی که موسسان و بانیان کارزمیناتیک پیشرو تعیین می کنند و در نهایت تنظیم راهبردهای این سازمان ها به جای آنکه بر مبنای تعاریفی باشد که خودشان مقرر می کنند، بر مبنای کمک مالی اعطاشده به آنهاست. بعضا دیده می شود که شکایت هایی ضد برخی از سازمان های مردم نهاد تازه شکل گرفته مطرح می شود که آنها را به این متهم می سازد که با نیت کمک رسانی موجب وارد آمدن ضرر و زیان شده اند؛ در واقع این سازمان ها نتوانسته اند پیچیدگی و ذوبطون بودن برخی مسائل را درک کنند و در نهایت بیش از آنچه مفید و کمک رسان باشند، به دیگران صدمه زده اند. با این حال، به طور کلی این سازمان ها منابع فایده بخش و سودرسان مکملی محسوب می شوند که آن فاصله های اجتماعی را که دولت یا بخش های غیرانتفاعی نمی توانند پر کنند، پر کرده و مرتفع می سازند.



تاریخ اجتماعی ایران؛ مساجد، تکایا، هیات های مذهبی و قهوه خانه ها را نهادهای غیردولتی سنتی قدیمی می دانند که در این باره فعالیت های زیادی را سامان و سازمان می دادند

جامعه را در کانون توجه خود قرار می دهند و برای اهداف آنها برنامه ریزی می کنند. آنها به موضوعات مختلفی از قبیل مذهب، آسیب های اجتماعی، زنان و کودکان... اهمیت زیادی می دهند و محور فعالیت های خود را بر مسائل مبتلابه این اقشار قرار می دهند.

این سازمان ها پس از تبلیغ و شناسایی اهداف و برنامه های شان به مردم، به جمع آوری حمایت های مردمی و کمک های داوطلبانه می پردازند. آنها این اقدامات را به صورت دائمی دار توسعه می دهند.

بودجه ای که هست؟ که نیست؟!

در سطح جهانی؛ سازمان های مردم نهاد بزرگ، بودجه های سالانه چند میلیون دلاری دارند. به عنوان مثال، بودجه انجمن بازنشستگان آمریکادر سال ۱۹۹۹ میلادی، رقمی نزدیک به ۵۴۰ میلیون دلار بود. بودجه ای که نه در قانون کشورها ذکر شده و نه دولت التزامی در برابر آن دارد، بلکه تامین چنین بودجه های کلانی، مستلزم آن است که این سازمان های مردم نهاد، تلاش فراوانی در خصوص جمع آوری اعانه از خود نشان دهند. یعنی در صورت مشاهده موفقیت و تاثیر بخشی اقدامات آنها، این مردم و اعضا و دوستان این سازمان ها هستند که با کمک های خود، بودجه فعالیت این سمن ها را تامین می کنند. این استقلال از دولت ها و بودجه خصوصی، تاثیر زیادی در تصمیم گیری مستقل سمن ها و عدم وابستگی آنها به جریان های سیاسی و مافیایی دارد؛ رویکردی که در سمن های ایران بیش از کشورهای دیگر تقویت شده و نضج گرفته است.

در حالی که بسیاری از سازمان های مردم نهاد در ایران، بودجه ای از دولت ها و بدنه حاکمیت دریافت نمی کنند و تمام آنچه در اختیار دارند از کمک های مردمی تامین می شود. یک چهارم از درآمد ۱۶۲ میلیون دلاری موسسه خیریه آکسفورد در سال ۱۹۹۸ میلادی، از محل کمک های دولت بریتانیا و اتحادیه اروپا تامین شد؛ یا در موردی دیگر؛ ولدویژن که سازمان امداد و توسعه مسیحیان آمریکا است، کالاهایی به ارزش ۵۵ میلیون دلار از دولت آمریکا به عنوان کمک دریافت کرد. ۴۶ درصد درآمد انجمن پزشکان بدون مرز که برنده جایزه نوبل نیز شده اند، از محل منابع دولتی است.

دوران پیش از سمن

در بررسی تاریخچه سمن ها در ایران، به این می رسیم که روحیه کار مردمی پیش از تشکیل سمن ها نیز میان مردم وجود داشته، وجودی که البته سازمان یافته و مستمر نیز بوده است. تاریخ اجتماعی ایران؛ مساجد، تکایا، هیات های مذهبی و قهوه خانه ها را نهادهای غیردولتی سنتی قدیمی می دانند که در این باره فعالیت های زیادی را سامان و سازمان می دادند. پس از آن صندوق های قرض الحسنه، خیریه ها، انجمن های اسلامی و حتی دوره های فارغ التحصیلی در دوران بعدتر و سپس اتحادیه ها، اصناف و نظام های صنفی و مهندسی و غیره، شکل های جدیدتر نهادهای مدنی هستند که البته رفته رفته بایستی از دست مدیران نیمه دولتی نیز خارج شوند.

این نهادهای نیمه دولتی تا حدودی کارکردهای مشابهی را در حوزه خدمات اجتماعی پیگیری کرده اند و اهدافی یکسان را داشته اند. از این حیث است که مهم ترین سمن های شکل گیری شده در ایران، سمن هایی بوده اند که یا از این نهادها برخاسته اند و یا به نحوی فضای فعالیت آنها در این نهادها پشتیبانی و معرفی شده است. در قوانین ایران، نهاد عمومی غیردولتی نباید با سازمان مردم نهاد یا سازمان غیردولتی یا سازمان غیرحکومتی - NGO - اشتباه گرفته شود. قانون فهرست

تهنایی - شاید ممکن نباشد. در نتیجه تمایل به فعالیت چنین نهادهایی به صورت دوجانبه از سوی مردم و دولت ها تقویت شده و منجر به تشکیل سمن ها در سطح شهری، کشوری و بین المللی شده است. در آمار جهانی که درباره تعداد این دست از نهادها در سال ۱۹۹۵ میلادی منتشر شده، خبر از فعالیت ۲۹ هزار سازمان مردم نهاد بین المللی داده است. این آمار درباره تعداد این سازمان های مردم نهاد در داخل کشورها نیز وجود داشته و حتی از این رقم نیز بالاتر بوده است. حدود ۲ میلیون سازمان غیردولتی در آمریکا فعالیت می کنند که بیشتر آنها در ۳۰ سال گذشته تشکیل شده اند. روسیه نیز ۴۰۰۰ سازمان مردم نهاد دارد که در طی سالیان تشکیل شده و فعالیت خود را آغاز کرده اند. همچنین در هندوستان دو میلیون سازمان مردم نهاد وجود دارد. روند تاسیس این سازمان ها و نهادها در سالیان اخیر به قدری شتاب گرفته که در آمارهای سازمان ملل قریب به ۲۴۰ سازمان مردم نهاد در کنیا - به صورت سالانه - تاسیس می شود!

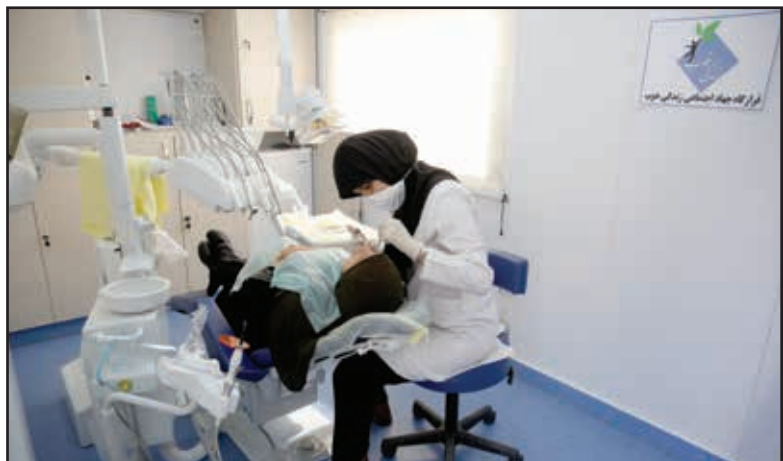
در راه خدمت

مربوری بر تحقیقات صورت داده شده درباره سازمان های مردم نهاد، نشان از آن دارد که سه دوره زمانی برای این نهادها در تاریخچه تشکیل آنها دیده شده است. کورتون در یادداشتی که در این باره سالیان پیش نگاشته - از سه مرحله یاد کرده است؛ در مرحله اول، نوع خاصی از سازمان مردم نهاد، مبتنی بر امداد رسانی و رفاه، شکل می گیرد. خدمت رسانی این نهادها، به دلیل سادگی شبکه شناسایی و توزیع، معمولا به صورت مستقیم ترتیب داده می شد و پیچیدگی چندانی در امور آن دیده نمی شد. اقداماتی نظیر توزیع غذا، تامین پناهگاه و ارائه خدمات بهداشتی، سلامتی و... نمونه هایی از خدمات این سازمان ها بوده است. در دومین مرحله از سیر تطور این سمن ها؛ شاهد تکامل سازمان ها از لحاظ وسعت و اندازه هستیم. در واقع با مشاهده سمن هایی که در آن دوران فعال بوده اند، می توان این گونه دید که این سازمان ها به مرور زمان کوچک تر شده و به مجموعه های مستقل تبدیل شدند. آنها در مرحله سوم می کوشند تا از این استقلال و تکامل به نفع تاثیرگذاری سود ببرند. در واقع سمن ها می کوشند تا بدین وسیله تغییراتی را در سیاست های داخلی و خارجی سازمان ها و نهادها و... به نفع فعالیت های نیکوکارانه شان ایجاد کنند.

جدای از این مراحل تشکیل و تکامل سازمان های مردم نهاد، باید به دسته بندی های گوناگونی که در باب اهداف آنها وجود دارد نیز اشاره کرد. به این معنا که وقتی ما از سمن ها نام می بریم و درباره آنها صحبت می کنیم، الزاما تمامی این سمن ها، موسسات خیریه ای نیستند که اهداف کمک رسانی به مردم و اقشار محروم را به عنوان هدف خود برگزیده اند. بلکه اهداف آنها طیف وسیعی از موقعیت های سیاسی و فلسفی تا محیط زیستی و... را در بر می گیرد. مبتنی بر همین هدف گذاری متفاوت، روش ها و شیوه های مورد استفاده سازمان های مردم نهاد، برای رسیدن به این اهداف نیز با یکدیگر متفاوت است. به عنوان مثال، سازمان های مردم نهادی که در زمینه فقر زدایی فعالیت می کنند، درصددند تا تسهیلات و مهارت های مورد نیاز افراد فقیر را در اختیار آنها قرار دهند. آنها رفع فقر را اولویت نخست اقدامات شان می دانند و در این راه تلاش های زیادی انجام می دهند. این در حالی است که گروه های دیگری که اهدافی نظیر حمایت از محیط زیست یا گردشگری را اولویت خود می دانند، اقدامات دیگری را در دستورات خود قرار می دهند. به طور کلی اما آنچه در سبک فعالیت اغلب این سازمان ها مشترک است، اینکه سمن ها یک جامعه به خصوص یا قشر مشخص از اقشار

تصویرنگاری

تصاویری از خدمات زندگی خوب







سرمایه دارها کمک نمی کنند

زندگی خوب در گفت و گو با دکتر بابازاده مقدم، مدیرعامل مجموعه

نقیسه رحمانی

روزنامه نگار

مجموعه تلاش می کند ۱۰۹ داوطلب همراه خود را نیز در پخش محبت و مهربانی، راهنمایی کند. این افراد که دارای تخصص های مختلف و از اقشار گوناگون هستند، از دانشجویان پزشکی، در این مجموعه حضور دارند و به قدر وسع شان تلاش می کنند تا زندگی و امکانات شان را با دیگران تقسیم کنند و این مهربانی را فراگیر کنند. همین مهربانی است که آغاز روی نهادن مخاطبان به معنویت است. این یکی از بهترین روش های تربیتی است. روشی که در تربیت فرزندان نیز به آن اشاره شده است. والدینی می توانند فرزندان موفق تری داشته باشند که بتوانند به او محبت کنند. فرزندی پرخاشگر، آشفته، عصیانگر و طغیانگر است که از خانواده خود محبتی دریافت نکرده است. همه ما در یک خانواده بزرگ به نام اجتماع زندگی می کنیم. اگر در این اجتماع مکانیسم هایی به وجود بیاید که مردم نسبت به همدیگر محبت کنند و از امکاناتی که دارند، در اختیار دیگران بگذارند و آنها را در داشته هایشان شریک کنند، بسیاری از این مسائل کاهش پیدا خواهد کرد. این دستور در دین اسلام نیز اشاره شده است؛ پرداخت زکات انواع گوناگونی از کفاره ها و صدقات و نذورات، خمس و زکات و... که اگر اینها در جامعه جاری بود، شاهد چنین وضعی نبودیم. مثلاً اگر زکات و صدقه دادن برای خدا در زندگی ما جاری بود و ما به این گزاره ایمان داشتیم که انفاق در راه خدا، هفتاد برابر شده و به ما بازمی گردد، زندگی های دیگران آبادتر بود و ما این میزان از فقیر را در جامعه مان نداشتیم. آماری که راجع به فقر در جامعه ما وجود دارد، برای یک کشور اسلامی واقعا مناسب نیست. این آشفتگی نهاد خانواده و فقر و اوضاع اقتصادی از نمودهای این جریان است. مساله حاشیه نشینی در تهران، آن هم با جمعیتی قریب به ۱۲ میلیون نفر، یکی از مهم ترین و بدترین وضعیت هایی است که می توان برای یک جامعه اسلامی در نظر آورد؛ جامعه ای که سرلوحه زندگی در آن بنا بود که قرآن کریم باشد؛ جامعه ای که باید مبتنی بر فداکاری باشد. آموزه هایی که در قرآن و اسلام بارها و بارها به آن اشاره شده است.

همین که ما در اسلام مفهومی به نام شهادت داریم. مفهومی که مرتبه ای بالاتر از ایثار و جهاد را به ما نشان می دهد. گذشت از جان و فنا در راه خدا و دیگران است. نمونه امروزی این مفهوم هم عزیزی هستند که در سوریه،

سطح و هم از جهت رویکرد، مواردی مخصوص به خود را داراست.

زندگی خوب برای تامین حداقل های نیاز انسان ها به مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان و سلامت... تشکیل شد. تشکلی که در کنار اینها، می خواهد قدری از جهت فرهنگی و تربیتی نیز به این افراد یاری رسانی داشته باشد. آگاهی معنوی صحیح و دینی را به آنها عرضه کند و این گزاره را در جامعه فراگیر سازد.

درباره خوراک دهی معنوی که در شرح وظایف و اهداف زندگی خوب به آن اشاره کردید، توضیح بیشتری بدهید. اینکه مصادیق این خوراک دهی چه بوده و چه خواهد بود و چارچوب نظری که زندگی خوب، زیست در آن را برای مخاطبان شما در نظر گرفته، مبتنی بر چه گزاره هایی است؟

▲ بزرگ ترین کار معنوی که ما می توانیم در حق یک انسان انجام دهیم، محبت کردن به آن فرد است. کمالات خداوند رحمان هم نسبت به ما همین گونه محبت را داشته که ما را هدایت کرده اند. این رفتار توام با محبت است و در نهایت نیز به محبت ختم می شود. بهشت یک مظهر از محبت خداست.

از سوی دیگر حیات انسان در آغوش یک مادر مهربان از ابتدای زیستش و بسیاری از اموری که مشابه اینهاست، نمونه هایی از محبت خداست. همچنین رسول خدا نیز رسول محبت است.

اقدام فرهنگی نیز به معنای انتشار محبت است. دلیل عدم موفقیت ما در بسیاری از کارهای فرهنگی نیز، توام نبودن همین محبت با اقدامات ماست! یعنی ما وقتی به دنبال به کرسی نشاندن صحبت های خودمان هستیم و از مخاطبان مان توقع گوش کردن داریم، نمی توانیم انتظار نتیجه ای داشته باشیم. این حتی در ادبیات کهن ما نیز مورد اشاره قرار گرفته؛ از محبت خاها گل می شود! کار زندگی خوب این است که محبت می کند. این

ایده اصلی «زندگی خوب» از کجاشکل گرفت؟!

▲ از سال ۱۳۹۰ بود که تعدادی از فعالان و چهره های فرهنگی-تربیتی و البته انقلابی و مردمی کشور، به این نتیجه رسیدند که باید سلسله اقداماتی در حوزه بهبود زندگی نیازمندان انجام دهند. در نتیجه ما به صورت پراکنده، اقداماتی را در جهت امور عام المنفعه و انسان دوستانه آغاز کردیم. این اقدامات اما بدون انتخاب عنوان یا تشکیل سازمان بود.

از سال ۱۳۹۴، فعالیت های ما تحت عنوان زندگی خوب به یک نظام منسجم فکری و فرهنگی و اجرایی رسید.

زندگی خوب بر پایه کلمه مقدس «بسم الله الرحمن الرحیم» بنا شده که دایر بر صفت مهربانی خداوند است؛ مهربانی که بدون استئنا و نسبت به تمامی خلقت است. یک مجموعه مهربان برای همه انسان ها که سازگار با محیط و طبیعت و تمامی افرادی است که از حداقل های زندگی برخوردار نیستند.

مجموعه زندگی خوب؛ از حیث گفتمانی، یک مجموعه با پشتوانه تفکر دینی محسوب می شود. به این معنا که ما معتقدیم انسان ها در سه سطح زندگی می کنند؛ سطح زندگی نباتی که خوراک و خواب و تولید مثل در آن اصول اولیه و اساسی به شمار می آید و نیازهای انسان ها در حداقلی ترین سطوح خود در این مرحله هستند.

سطح دوم؛ زندگی خوب است که حق همه است و باید از آن برخوردار باشند. زندگی خوب، همان زندگی نباتی است به علاوه مقداری از آگاهی! آگاهی از جنس زلال که یک معنویت درست و معنادار را در خود دارد و به زندگی ما جهت می بخشد.

سطح سوم نیز زندگی متعالی است که هم از جهت

مجموعه ما وجود دارد؛ کودکان و زنان. دلیل انتخاب این دو قشر هم این است؛ کودکان بزرگترین سرمایه اجتماعی یک کشور هستند و آسیب کودک، آسیب همه اجتماع است. کودک آسیب دیده ممکن است همان معتاد آینده یا قربانی فحشا یا قربانی شغل کاذب در آینده شود. کودک زیر ۱۵ سال به هیچ وجه نباید مشغول کار شود. البته سازمان های جهانی تا ۱۸ سال را توافق دارند و ما در ایران تا ۱۵ سال را بسیار حساس هستیم و از حیث حقوقی می توانیم به این امر رسیدگی بیشتری داشته باشیم.

نکته بعد درباره زنان به عنوان مادران، خواهران و در کل آسیب پذیران جامعه است. وقوع آسیب در جامعه زنان یا زنا نه شدن آسیب هاب اجتماعی می تواند تاثیرات بلندمدتی در جامعه داشته باشد. زن یعنی همسر، مادر، خواهر! او یک عضو زیربنائی خانواده است که اهمیت زیادی در این مجموعه دارد.

ما نیز منطق بر همین فضا؛ زنان یا کودکان آسیب دیده را به عنوان اولویت خود، در حاشیه شهرهای بزرگ ترسیم کرده و نسبت به خدمت رسانی برای این عزیزان برنامه ریزی کرده ایم.

یکی از کارهایی که در این رابطه صورت داده شده، توانمندسازی است. دانش آموزان با دریافت بورس تحصیلی و زنان سرپرست خانوار با دریافت آموزش های مهارتی حرفه ای یا اجتماعی، توانمندسازی خواهند شد. امروز قریب به ۸۰ زن سرپرست خانوار، دارای شغل هایی هستند که از سوی زندگی مردم برای شان ایجاد شده و همچنان تحت حمایت این مجموعه هستند.

آنها محصولاتی تولید می کنند و آموزش هایی می بینند که ما با وجود مشکلات بسیار زیاد، تلاش برای فروش این محصولات داریم. برخی مواقع ما با چالش های بازار و... روبه رو هستیم، اما این اتفاق جاری است و ما هم در حال توسعه دادن آن هستیم. مثلا در یکی از مناطق آسیب خیز با کمک خیرین و تلاش مجموعه یک فروشگاه دایر شده، در استان البرز نیز یک نمایشگاه و فروشگاه دائمی برای ارائه این محصولات برقرار شده است. همچنین در نمایشگاه های عرضه مستقیم کالا، تولیدات این افراد را به مردم عرضه کرده و می کنیم.

و نکته پایانی...

▲ آرزو می کنم که ما مسئولیت اجتماعی را در کشور بیدار کنیم. بچه های زندگی خوب، بخشی از جامعه هستند که امروز به هوش آمده اند! قرآن کریم همواره بیهوشی مردم را انداز داده و از فرورفتن به این خواب غفلت حذر داده است. امروز که عده ای از ابتدا به هوش بوده اند یا به هوش آمده اند و در تلاش اند تا این اقدامات را صورت دهند، احتیاج به کمک رسانی از سوی دیگران دارند. اما اگر واقعا به خدا ایمان داشته باشیم، نباید شاهد چنین تصویری در جامعه باشیم. دستورات دینی ما تاکیدات زیادی درباره رسیدگی به فقرا، در راه مانده، یتیم اسیر و... دارد. من در همین جامعه مذهبی کشور را به مشارکت در این امور دعوت می کنم. در آستانه ماه محرم و در کنار گرامیداشت شعائر حسینی، می توان از محرومیت زدایی به عنوان بزرگترین مطلوب امام حسین (ع) یاد کرد و در این راه تلاش های زیادی کرد. با حاشیه نشینی مقابله کنیم؛ نه از این حیث که منازل آنها را تخریب کنیم، بلکه امکانات بیشتری برای آنها فراهم کنیم و به آنها کمک کنیم. محافل مذهبی، مساجد، هیئت ها و... همواره نقش مهمی در این راستا داشته اند که امروزه کم رنگ تر از دیروز شده است. امیدواریم که این نقش به جامعه مذهبی و پایگاه های آن بازگردد و شاهد حضور آنان در این سنگر باشیم. ▶

۳ زندگی خوب؛ تمام آن چیزی است که همه ما از زندگی مان انتظار داریم. انتظار داریم که خوراکی برای خوردن داشته باشیم و لباسی برای پوشیدن. این خوراک و این لباس هم زیر یک سقف ماندگار باشد و همه خانواده کنار هم، زیر همان سقف روزگار بگذرانند. در کنار اینها درس و مشق مان هم در جریان باشد و کیف و کتاب و دفتر مان تر و تمیز و مرتب باشد! از مسائل مورد نیاز و روز و... هم مطلع باشیم و یک شغلی برای کسب درآمد داشته باشیم که نور علی نور است!

اینها تمام انتظار بخش بزرگی از جامعه امروز ما از زندگی است. انتظاراتی که در نگاه ما شاید کمتر از هیچ جلوه گر شود! اما چه شده که عده ای همین هیچ از هیچ را هم ندارند؟!

مجموعه خیریه زندگی خوب، یکی از موسسات خیریه است که چندسالی است در زمینه تامین این مولفه ها فعال است. زندگی خوب مرکز ثقل فعالیت هایش را در حاشیه شهرها قرار داده است. دکتر بابازاده مقدم، مدیر عامل مجموعه، درباره این فعالیت ها توضیحات بیشتری به ما ارائه کرده است.

دستگاه ها افراد با محبت و دلسوزی نسبت به مردم نیستند. اگر آنها افراد با محبت و دلسوزی باشند و امکاناتی که در کشور وجود دارد، اسراف نشود، وضعیت به این صورت نخواهد بود.

ما اخباری داریم که خبر از فساد دارویی در کشور می دهد. داروهایی که فاسد می شوند اما به خیریه ها داده نمی شوند! داروهائی که دور ریخته می شود و اما در اختیار خیریه ها قرار داده نمی شوند. یا مثلا بسیاری از دستگاه ها وقت ما را برای نامه نگاری می گیرند اما نتیجه ای ندارد. ما یک نامه نگاری دو ماهه با هلال احمر صورت می دهیم که پس از گذر این وقت، به ما اعلام می شود که بودجه لازم برای این کار وجود ندارد پاسخی که می توانستند از ابتدای درخواست به ما اعلام کنند.

بسیاری از دستگاه های دولتی به ما نامه می دهند که فلان شخص را مورد حمایت قرار دهیم. ما نامه های زیادی از مراجع تخصصی رسیدگی به آسیب های اجتماعی داریم که از ما درخواست کرده به فلان شخص سید کالا ارائه دهیم، یا فرد دیگری را به فیزیوتراپی، مشاوره و رایگان، مددکاری رایگان و... معرفی کنیم. این نهادها و دستگاه ها نه تنها کمکی به ما صورت نمی دهند، بلکه در بسیاری از موارد مزاحم ما هستند و اموری را که ما در دست اقدام داریم با مشکل مواجه می سازند. آنها در واقع تسهیل کننده این مسیر نیستند و کمکی به گام های ما نمی کنند.

در مرور فعالیت های مجموعه شما، زنان و اشتغال زایی برای آنان و همچنین رسیدگی به امور کودکان، به وفور مشاهده می شود. در این باره توضیحات بیشتری ارائه بفرمایید.

▲ در حاشیه شهرها، دو اولویت قشری برای

مسئولان دستگاه ها افراد با محبت و دلسوزی نسبت به مردم نیستند. اگر آنها افراد با محبت و دلسوزی باشند و امکاناتی که در کشور وجود دارد، اسراف نشود، وضعیت به این صورت نخواهد بود

عراق و... به شهادت می رسند. اینها به کمال انسانی رسیده اند که می توان برای آنها متصور بود.

ما اگرچه فعالیت مان را نمی توانیم در این سطح ارزیابی کنیم اما برآنیم که در جامعه دست به یک جهاد اجتماعی بزنیم. جهادی که فراتر از ایشار بوده و رویکرد اصلی ما در آن کاهش آسیب های اجتماعی به نفع اقشار محروم است. در بین این آسیب های اجتماعی نیز، حاشیه نشینی در اولویت و به عنوان مادر آسیب ها در نظر گرفته شده و وارد فضای مقابله با این مسائل شده ایم.

در مقابل این قشر آسیب پذیر و فقیر که از فضا حاشیه نشین نیز هست، قشر سرمایه دار وجود دارد. آیا در طول این سال های فعالیت زندگی خوب، شما ارتباطی با این افراد برای جذب کمک برقرار کرده اید؟

▲ من شنیده ام که برخی از سرمایه داران به امور خیریه کمک می کنند، اما تا امروز چنین چیزی را از نزدیک ندیده ام من تا امروز ندیده ام که انسانی بی اعتقاد به امور خیریه کمک کند. تقریبا هر فردی که به ما کمک می کند، شاید ظاهری دینی نداشته باشد اما قلبا به خدا اعتقاد دارد. حتی وقتی در برنامه های ما موعد نماز می رسد، همان خانمی که حجاب مناسبی ندارد یا آقایی که کراوات بر گردن دارد، در یک صف به نماز می ایستند این یعنی اعتقاد به خدا.

این یک دروغ است که انسان مایه نیست کار خیر انجام می دهد. شما این را به نقل از من بنویسید من در پنج استان کشور فعالیت کرده ام اما چنین چیزی ندیده ام. هیچ گاه ندیده ام که آدم های خیلی پولدار یا سرمایه دار به خیریه ها کمک کنند. ما در شبکه های تلویزیونی و تریبون های عمومی زیادی تبلیغ فعالیت هایمان را داشته ایم، اما هیچ گاه با این مورد روبه رو نشده ایم که یک فرد سرمایه دار کمکی به ما اختصاص دهد. در واقع این اقشار و افراد متوسط هستند که ما را کمک کرده و می کنند. خانم های خانه دار، کسبه خرد و اقشار میانی یا به تعبیر جامعه شناسی؛ طبقه متوسط شهری از جمله این افرادی هستند که بیشترین سهم کمک را به ما دارند.

البته با برخی از این چهره ها و جریان هایی که ژست های حقوق بشری دارند نیز مشکلاتی داشته ایم. افرادی که تشکیلاتی را راه اندازی کرده اند و امروز سازمان های بین المللی نیز از آنها حمایت هایی می کنند. یا رسانه های خارجی اقدامات آنها را پوشش می دهند. اینها نیز در برخی موارد خواسته اند از اقدامات ما سوء استفاده کنند که خوشبختانه این مجال به آنها داده نشده است. در کنار اینها خیرین کوچکی وجود دارند که با سرمایه خرد، حرکت های خیر را پشتیبانی می کنند. پشتیبانی ای که به صورت تمام مبتنی بر مردم است.

حمایت سازمان های حکومتی از شما چگونه است؟

▲ تنها مجموعه ای که تا امروز از زندگی خوب حمایت کرده، در یک مرحله و آن هم به صورت مختصر بنیاد پرکت بوده است. کمکی که مختصر اما بجا بوده است. هزینه کمکی که از سوی این بنیاد به ما شده است، یک هفتاد و پنجم بودجه و هزینه های ماست. یعنی در مجموع نمی توان این کمک را هزینه بزرگ و گزافی برای زندگی خوب به حساب آورد.

بقیه بخش های حاکمیت هم که تقریبا نقشی در این باره ندارند مثلا اگر در مواردی امکاناتی در اختیار ما گذاشته شده، هزینه های جانبی آن امکانات نیز از ما دریافت شده است. در واقع کمک های بسیار محدودی که نتیجه چندان نیز نداشته است.

یکی از علل وجود این همه مساله و آسیب در کشور نیز وجود همین روحیه است. به این معنا که مسئولان



مغفول محبوب

نگاهی به کارکردهای مغفول خیریه‌ها در ایران

محدثه طباطبایی

خبرنگار

آنچه در سطح بین‌المللی با نام خیریه شناخته می‌شود، در ایران مفاهیم دیگری را نیز در کنار خود دارد. «احسان» و «نیکوکاری» دو مفهوم از مهم‌ترین مفاهیمی هستند که ریشه در فرهنگ دینی و ملی مردم ایران داشته‌اند و نمادهای عینی زیادی در طی سالیان داشته‌اند، که یکی از آنها تاسیس و فعالیت خیریه‌ها بوده است. یکی دیگر از مهم‌ترین نمادهای اجرایی شدن این اندیشه‌ها، وقف بوده است. گستردگی وقف در ایران نشان از اهتمام تاریخی مردم این مرز و بوم به امور خیریه و نیکوکاری دارد. اهمیتی که ناشی از اندیشه دینی و اعتقادی آنها بوده و در گذر زمان به جای اینکه تقویت شود، متأسفانه تضعیف شده است.

وجود تعداد زیادی از قنات‌ها، مدارس و حمام‌ها، در ایران قدیم، بیانگر میزان توجه مردم در گذشته به امور خیریه و نیکوکاری و احسان به مردم مستمند است. آنها در واقع با وقف دارایی‌هایی که کارکرد عمومی داشته، درصدد بودند تا هم از سویی اندوخته آخرت را برای خود گران‌تر کنند و هم از سوی دیگر اقشار محروم شهر و دیار خود را برای رسیدن به یک زندگی خوب بیشتر یاری دهند. این میراث گرانقدری بود که با تشکیل دولت‌ها و ورود به دوران مدرن، رفته رفته از فرهنگ عمومی مردم فراموش شد.

با توسعه قلمرو فعالیت و وظایف دولت‌ها در تامین بهداشت و درمان و ترویج آموزش و ارائه خدمات اجتماعی، رویکرد مردم به اینگونه خدمات کاهش یافت. برخی از مردم وقف، مالیات، خمس، زکات و هزاران دستور جامعه‌ساز را

فراموش کردند و فقط از دولت‌ها انتظار داشتند که تمامی این امور را به صورت یکسان و یکجا برای آنها اجرایی کند. بدنه دولت‌ها و رئوس آنان نیز که از همین مردم تشکیل می‌شد. در نتیجه دیگر فردی در اندیشه بازیابی این دستورات نبود و همه به دولت به مثابه یک کل جاندار و مستقلاً از افراد می‌نگریستند که وظیفه تامین همه وجوه جامعه تنها و تنها به گرده اوست! وقف تعطیل شد و با تعطیل شدن وقف، امکان دسترسی بسیاری از مردم و نه تنها فقرا به امکانات عمومی که استفاده از آنها هیچ هزینه‌ای برای شان نداشت از بین رفت.

پس از گسترده شدن مشکلات و مسائل اجتماعی در جوامع گوناگون و خصوصاً فراگیری فقر، برخی از کشورها درصدد برآمدند که راه‌حلی برای این بحران پیدا کنند. در نتیجه؛ اکثر کشورهای غربی و شرقی، به بازنگری در نقش و عملکرد دولت نسبت به روند توسعه و حل معضلات مردم اقدام کردند.

تحقیقات نشان می‌دهد در حال حاضر با توجه به انبوه چالش‌هایی که پیش روی تامین اجتماعی و توسعه قرار دارد، دولت‌ها به دلیل ناکارایی و روبه‌رو شدن با سختی و دشواری‌ها، نتوانسته‌اند آن چالش‌ها را مهار کنند و از میان ببرند. اما نگاه به برخی از موسساتی که به صورت مستقل از دولت پیگیر امور اقشار ضعیف هستند، نشان از آن داشت که وجود نهادهای این چنینی می‌تواند کمک شایان توجهی به کنترل جریان فقر در جوامع داشته باشد. در واقع خیریه‌ها که هم‌زمان از کم‌رنگ شدن رسمی نظیر وقف و زکات و... در ایران، در دیگر کشورهای دنیا پا گرفتند، توانستند به مثابه یک آلترناتیو برای کاستی‌های عملکرد دولت‌ها مرفی شوند.

تحقیقات مختلف نشان داده که عملکرد بنیادها و

موسسه‌های خیریه که سهم بسزایی در کاهش مشکلات انسانی در سراسر جهان داشته است. به همین سبب تصمیم‌سازان این عرصه برآنند که نه تنها عملکرد این سازمان‌ها و نهادهای اندیشه آنها را تقویت که بخشی از اقدامات دولت‌ها را نیز همراه با اقدامات این سازمان‌های مردم‌نهاد صورت‌بندی کنند.

به‌طور نمونه در آمریکا، بریتانیا، فرانسه و روسیه در نظر دارند بخش خصوصی را که فعالیت‌های خیریه‌دوطلبانه دارد با بخشی از هزینه‌های دولتی را در امور تامین اجتماعی جایگزین کنند. همچنین در کشورهای توسعه‌یافته به بنیادهای غیردولتی به عنوان عامل تعیین‌کننده در مشارکت دادن مردم در روند توسعه می‌نگرند، بنابراین تجدید نظر در ساخت اصولی و ارزیابی بنیادهای خیریه و غیرانتفاعی، یک نیاز عینی و ضروری و نه یک نظریه محض به شمار می‌آید. توجه به امر پژوهش در مساله خیریه بنیاد خیریه به یک علم تبدیل شده و به نام علم امور بنیادها و سازمان‌ها اشتهار دارد و دارای اصول، مبانی، تئوری، محققان و نویسندگانی است. امروزه قلمرو فعالیت‌های سازمان‌ها و بنیادهای خیریه از کشورها فراتر رفته و بعد جهانی پیدا کرده است، ولی متأسفانه کتابخانه اسلامی فاقد آثار تحقیقی قابل توجه در این زمینه است و آنچه از نشریات و آثار جمعیت‌ها و بنیادهای خیریه در کشورهای اسلامی در دسترس است، جنبه تحقیقی، آماری و پژوهشی کمتری دارد، این در حالی است که نگاهی به سابقه امور خیریه و نیکوکاری در جوامع اسلامی خبر از بایسته‌های دیگری در این زمینه به ما می‌دهد.

امروزه به‌رغم اینکه علم بنیادهای خیریه یکی از رشته‌های تحصیلات در سطح بین‌المللی است و موسسه‌های جهانی نظیر بانک جهانی و مراکز مطالعاتی دانشگاه‌ها، اقدام به تحقیق درباره بنیادهای امور خیریه به‌طور دقیق و گسترده کرده‌اند، ولی کشورهای اسلامی از جمله ایران جز بررسی‌ها و تحقیقاتی که عمدتاً از بعد جامعه‌شناسی در دانشگاه‌های ایران مرسوم بوده، فراتر نرفته‌اند.

این نشان از ضعف در عملکرد اطلاع‌رسانی و برنامه‌ریزی است و بنابراین بسیاری از محققان با کمبود منابع و کتب و گزارش‌های تحقیقی در این زمینه روبه‌رو می‌شوند. در واقع نهادهای خیریه در ایران هنوز جایگاه رسمی خود را در سیستم سیاسی و اجتماعی ایران به درستی پیدا نکرده‌اند و این چنین است که برنامه‌ریزی رسمی و پشتوانه محکمی برای این نهادهای وجود نداشته و ندارد.

خیریه‌ها در ایران یک پتانسیل عظیم ولی دور از دسترس هستند. پتانسیلی که برنامه‌ای رسمی برای آنها وجود نداشته و ندارد. در واقع طبق تعاریفی که برای این نهاد چه در تحقیقات داخلی و چه در تحقیقات بین‌المللی ذکر شده، سمن‌ها در کشور ما سامان ندارند.

غیردولتی بودن، غیرانتفاعی بودن، تمایل به استقلال؛ غیرسیاسی بودن و خودجوشی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که در تعریف سمن‌های خیریه به آن اشاره شده اما در برخی از موارد ما چنین مشخصه‌هایی را نمی‌بینیم.

مهم‌تر از این مشخصه‌ها، کارکردهایی است که به سبب ناتوانی در هماهنگی این خیریه‌ها و امکانات‌دهی به آنان، مغفول مانده است. اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی عمومی، جلب مشارکت مردمی یا بسیج عمومی، ایجاد و گسترش و تقویت هماهنگی بین دولت و مردم، گسترش نظارت عمومی، ارزیابی فعالیت‌ها، افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع از مهم‌ترین کارکردهای علمی خیریه‌ها هستند که در جامعه ما شاهد بروز و ظهور آنها نیستیم. ▶

قلعه‌نویی که خودش هم محبوبیت سابق را نزد هواداران استقلال ندارد این بار با نباختن در آزادی، هواداران را مقابل سرمربی روی نیمکت استقلال قرار داد. استقلالی‌ها منصوریان را نمی‌خواستند. انگار او بالاخره این را فهمید و از استقلال رفت.

هم پایان تلخ، هم تلخی بی پایان

منصوریان از استقلال رفت

تیتریک



این مربی جوان فصل را به بدترین شکل ممکن شروع کرده تا هیأت مدیره باشگاه دست به کار شود و از چند هفته پیش به شایعه برکناری منصوریان دامن بزند. اظهار نظر زمانی از اعضای هیأت مدیره استقلال در مورد فرصت دادن به علیرضا منصوریان برای دو بازی و تأیید افتخاری، مدیرعامل این باشگاه مبنی بر تحقیقات مدیریت استقلال روی کادرفنی آتی این تیم، نشان می‌دهد که مدیریت باشگاه استقلال دیگر اعتماد چندانی به منصوریان ندارد و بدین ترتیب ادامه کار این مربی در استقلال را با دشواری‌هایی روبه‌رو خواهد ساخت. این عدم اعتماد به منصوریان باعث خواهد شد تا بخش زیادی از انرژی این مربی صرف مسائلی شود که به نفع باشگاه نیست و همچنین باعث کاهش تمرکز او شود.

با شرایطی که مدیران استقلال برای منصوریان تعیین کرده‌اند، هر آن ممکن است که آنها صندلی مربیگری را از زیر پای منصوریان کشیده و آن را به شخص دیگری تعارف کنند. این بی‌اعتمادی به منصوریان و دادن اولتیماتوم به او چیزی جز کش‌دار کردن بحران روی نیمکت این تیم نیست. عده‌ای معتقدند این اولتیماتوم یک رفتار غیر حرفه‌ای از سوی مدیران استقلال بود که تیم خود را در لبه پرتگاه قرار دادند. عدم اعتماد به منصوریان، باعث شد که این مربی نتواند با خیالی آسوده کار خود را در

❖ نفت تهران در لیگ پانزدهم حرفه‌ای

منصوریان در بازی اول نفت سال ۹۴ با ۳ مساوی و ۲ باخت و ۵ گل زده و ۷ گل خورده در رتبه پانزدهم قرار گرفته و در پایان نیم فصل اول با ۲۲ امتیاز به رتبه هشتم صعود کرده و البته در پایان هم در لیگ این سال پنجم شد.

❖ استقلال در لیگ شانزدهم حرفه‌ای

منصوریان با سه تساوی و ۲ باخت در بازی اول، ۵ گل زده و ۷ گل خورده با تیمش داشت، در ادامه با ۲۲ امتیاز تا رتبه هفتم در پایان نیم فصل اول رشد کرد. او در پایان لیگ این سال با ۳۵ امتیاز در نیم فصل دوم و کسب عنوان قهرمانی این نیم فصل خودش را تا رتبه دوم مسابقات بالا کشید.

با این حال خیلی‌ها امروز معتقدند منصوریان این بار شرایط متفاوتی را دنبال می‌کند. این بار نه بدشانسی که این مربی جوان در مخمصه گرفتار شده است، نتایج ضعیف او از یک طرف و نارضایتی مدیران باشگاه استقلال از سویی دیگر باعث شده تا منصوریان روزهای سختی را پشت سر بگذارد. معمولاً در چنین مواقعی بازیکنان و هواداران در کنار مربی قرار می‌گیرند. از او حمایت می‌کنند تا بتواند شرایط تیمش را تغییر دهد اما این بار نه بازیکنان که هواداران نیز با منصوریان همسو نیستند.

بهرتر است با نتایج تیم‌های منصوریان شروع کنیم؛ آنجا که آمار می‌گوید او هیچ وقت به عنوان سرمربی شروع‌های خوبی در لیگ فوتبال ایران نداشته است.

آمار نه چندان خوب نفت و استقلال تحت نظر منصوریان در پنج هفته ابتدایی مسابقات فوتبال لیگ برتر و سپس عملکرد خوب او در پایان مسابقات، ویژگی همیشگی منصوریان در سمت سرمربی است. به این نتایج دقت کنید:

* پاس همدان در لیگ نهم حرفه‌ای
* ۵ بازی یک برد، یک مساوی و ۳ باخت، ۵ گل زده و ۸ گل خورده و ۴ امتیاز
منصوریان در ادامه کار در تیم پاس نبود تا بدانیم در این فصل بین آغاز نه چندان قدر او و ادامه کارش چه تناسبی وجود دارد.

❖ نفت تهران در لیگ چهاردهم حرفه‌ای

منصوریان در نفت سال ۹۳ در ۵ بازی اول با ۲ برد یک مساوی و ۲ باخت ۸ گل زده و ۶ گل خورده با ۷ امتیاز در رده هفتم قرار داشت، او در نیم فصل اول با ۲۷ امتیاز به رتبه دوم رسیده و در پایان با امتیاز عالی ۵۸ امتیاز سوم شد، در حالی که با تیم اول یک امتیاز فاصله داشت.

سرنوشت افتخاری

شمارش معکوس برای مدیرعامل استقلال آغاز شده است؟



نزدیک تیم ملی

برانکو تبدیل به مربی محبوب ایرانی‌ها شده است



یک نابغه معمولی

مردی که با ما رشد کرد

استقلال ادامه دهد. قدیمی‌های این باشگاه می‌گویند اولتیماتوم نه، مدیران باید تکلیف نیمکت را به‌طور قطعی مشخص می‌کردند. آنها یا می‌بایست منصوریان را اخراج می‌کردند یا قویا او را مورد حمایت قرار می‌دادند. معلوم نیست منصوریان با این شرایط چگونه می‌خواهد به کار خود در استقلال ادامه دهد. از این به بعد، بردن، وظیفه بدیهی او در استقلال است و یک باخت می‌تواند تمام داشته‌های او در استقلال را به باد دهد. به فرض که منصوریان چند بازی آینده استقلال را با پیروزی پشت سر بگذارد، آیا باز هم برای این مربی اولتیماتوم جدیدی تعیین خواهد شد؟ آیا قرار است به محض اولین باخت دوباره جلسات هیات مدیره تشکیل شود و وضعیت مربیگری در استقلال را در هاله‌ای از ابهام و در سایه شایعات رسانه‌ای پیش ببرند؟ برای اینکه استقلال بتواند روند نتایج ضعیف ابتدای فصل را تغییر دهد، نیاز به تصمیم‌گیری قاطع در سطوح مدیریتی دارد. عادت دادن استقلال به عدم قطعیت‌هایی از نوع اولتیماتوم شش امتیازی به منصوریان باعث می‌شود تا این تیم نه از نظر فنی و نه از نظر روحی نتواند فرم و شکل ثابتی به خود بگیرد. تجربیات لیگ‌های قبل در مورد دو تیم استقلال و پرسپولیس نشان داده که هر گاه این دو تیم لیگ را بد شروع کرده‌اند و مدیریت این باشگاه‌ها نتوانسته تصمیمی قاطع در مورد نیمکت تیم بگیرد، نتایج سینوسی تا انتهای فصل ادامه دارد و خبری از ثبات در نتیجه‌گیری موفق نخواهد بود. برعکس هرگاه قاطعانه از مربیان خود حمایت کرده‌اند، موفق شده‌اند روند نتایج تیم را تغییر دهند. استقلال با قلعه‌نویی در لیگ هشتم و پرسپولیس با برانکو در لیگ پانزدهم شاهد این مدعا است.

اما آنچه امروز علیرضا منصوریان را به سوژه رسانه‌ها تبدیل کرده است صرفاً نتایج ضعیفی نیست که این مربی

با استقلال کسب کرده است. او رفتارهای عجیبی از خود نشان می‌دهد؛ عجیب و بی‌سابقه. او رفتارهای جدیدی نسبت به بسیاری از مربیان قبلی در استقلال و فوتبال ایران از خود به نمایش می‌گذارد. جلوی هواداران زانو می‌زند و به قلبش می‌کوبد. فریاد می‌زند و خودش را خالی می‌کند. برون‌ریزی می‌کند و بدون آنکه نگران پرستیژ خود باشد به صورت بزرگمایی شده فریاد می‌کشد و مشت‌هایش را گره می‌کند. در کنار زمین منصوریان کم‌مانده خودش به میدان برود، مدام فریاد می‌زند و کم‌مانده در کنار خط با هافبک‌های حریف کورس بیندازد.

اصولاً مربیان بر دو دسته‌اند، برخی از آنها روی نیمکت می‌نشینند یا اگر لب خط می‌آیند بسیار آرام هستند و خودشان را کنترل می‌کنند. نمونه این نوع مربیان که البته کمتر شده‌اند علی پروین بود. او در تمام سال‌های مربیگری روی نیمکت می‌نشست و از جایش تکان نمی‌خورد. تماشاگران فوتبال شاید تنها یک بار را به یاد بیاورند که پروین از جایش بلند شده باشد و آن هم دیدار پرسپولیس با پیکان بود که جلال مرادی داور مسابقه اسپک بازیکن حریف داخل محوطه جریمه را ندید و اعلام هت‌نکرد.

منصوریان اما در دسته دوم جا می‌گیرد، او بیشتر شبیه علی دایی است که خودش را خالی می‌کند اما دایی هم مقابل منصوریان بسیار درون‌گرا محسوب می‌شود. منصوریان در این مسیر پیشرو است و حتی در ابراز احساسات مثبت هم کم نمی‌گذارد.

برخی در این رابطه برچسب جوگیر شدن به منصوریان می‌زنند و می‌گویند او از زمانی که به استقلال آمده عوض شده است، با این وجود اما نمی‌توان این موضوع را خیلی جدی گرفت چون به هر حال نشستن روی نیمکت اتمی استقلال با نیمکت بی‌آزار و آرام نفت یا یکدیگر متفاوت هستند. با همه اینها منصوریان در کنار زمین

غوغایی دارد. او شاید به دلیل آرام و قرار نداشتن‌هایش به شدت دوربین‌ها را به سمت خود می‌کشاند اما چه کسی است که نداند این حرکات عجیب حتی برای هواداران استقلال هم دیگر قابل قبول نیست.

مخالفان علیرضا منصوریان می‌گویند او با این نوع رفتار نمی‌تواند در نهایت اقتدار مربی را در رختکن و کنار زمین ثابت کند. او آن قدر احساساتش را تخلیه می‌کند که نمی‌تواند شوک بدهد چون فریادهایش برای بازیکنان عادی می‌شود و این برای تغییرات لحظه‌ای یا در میان دو نیمه اتفاق خوبی نیست.

دو مورد از رفتارهای عجیب منصوریان که طی یک ماه اخیر مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت به واکنش‌های این مربی در بازی‌های استقلال برابر پدیده و پارس جنوبی جم برمی‌گردد. در بازی برابر پدیده قبل از آنکه داور بازی سوت پایان بازی را بزند منصوریان به سمت مهاجری رفت. دست در دست مربی حریف گذاشت و به او گفت در استقلال نمی‌ماند. اما تصمیمش را عملی نکرد. در بازی برابر پارس جنوبی جم هم پس از شکست و واکنش‌های خوبی نسبت به اعتراض هواداران استقلال نشان نداد. هواداران عصبانی استقلال پس از شکست تیم محبوب‌شان به سمت منصوریان طپری‌های آب معدنی را پرتاب کردند اما این مربی خرساز یکی از این بطری‌ها را برداشت و سر کشید. رفتاری که خشم هواداران استقلال را دو چندان کرد. منصوریان حالا با همه این رفتارها برای ماندن در استقلال امید به معجزه دارد. حالا بر سر نخواستن او دعا است. با این حال او با همه دعوای می‌کند که بماند. روحیه عجیبی است، نه؟ خبر آخر در مورد منصوریان اما این است که او پس از تساوی مقابل ذوب آهن از سمت خود استعفا کرد و درموت به‌طور موقت جانشین او شد. ▶

رفت که رفت

داستان بازیکن محبوبی که تماشاگران دیگر دوستش نداشتند

انرژی‌اش را صرف مسائل فنی تیمش کرد برنده شد. تیم او حتی برابر ذوب آهن عملکرد نسبتاً بهتری داشت. بازیکنانش توپ را بهتر به گردش در می‌آوردند و یکدیگر را خوب می‌دیدند. وقتی به گل رسیدند تیم قلعه‌نویی گیج شده بود. بنابراین آنها حتی فرصت داشتند که گل‌های بیشتری به ثمر برسانند. اما نه. انگار استقلال مشکل دارد. یک مشکل اساسی. این تیم روح برنده ندارد و ماجرا وقتی دردناک‌تر می‌شود که بپذیریم منصوریان مربی این کار نیست؛ اینکه تیمش را برای حمله و حمله و حمله تا رسیدن به پیروزی آماده کند. البته او ظاهراً در بخشی که مربوط به هیجانات است عملکرد قابل تاملی دارد اما مربیگری آن هم در لیگی که پرسپولیس با همه آمادگی و اوجش یک پله پایین‌تر از پارس جنوبی جم قرار گرفته، انگار به چیزی فراتر از شور و هیجان نیاز دارد. بنابراین فرق مربیانی چون برانکو و منصوریان در اینجا بیشتر نمایان می‌شود. وقتی برانکو به پرسپولیس آمد برای رسیدن به موفقیت‌های کوچک و بزرگ برنامه‌ریزی کرد. هدف گذاری داشت و طبق برنامه پیش رفت اما منصوریان با وجود همه هزینه‌های سنگینی



مهدی ربوשה

دبیر گروه ورزش

شاید برد مقابل امیر قلعه‌نویی همان چیزی بود که منصوریان از هفته پیش به دنبالش بود. او پس از شکست‌های متوالی و روبرو شدن با فشار انتقادها نه تنها میدان را برای رقبایش خالی نکرد، بلکه با کنار زدن مهدی رحمتی و مجتبی جباری و البته علی چینی دوست نزدیکش در کادرفنی سعی کرد بازی برکناری را به زمین ستاره‌های تیمش بیندازد. اما نه. این بازی خوبی نبود. قشنگ نبود. منصوریان باید قبل از کنار زدن دیگران خودش را کنار بزند. از همان خودی حرف می‌زنم که خیلی به خودنمایی علاقه‌مند است. همان خودی که چشم از دوربین‌ها بر نمی‌دارد؛ حتی در اوج بحران! علیرضا منصوریان هر گاه از رفتارهای عجیب و غریبش فاصله گرفت و بیشتر

که به باشگاه استقلال تحمیل کرد، نه طرحی برای موفقیت داشت و نه برنامه‌ای که بتواند روی اجرای شدنش حساب باز کند. حالا منصوریان بیش از هر صدای دیگری صدای هوادارانی را می‌شنود که درب‌های خروج را به او نشان می‌دهند. آنها عصبانی‌اند. درست مثل بازیکنان علیمصور که گمان می‌کنند با آنها در مواقعی بنا به مصلحت‌هایی بازی‌هایی صورت گرفته است و از قرار معلوم همه این بازی‌ها به خاطر ابقای یک نفر بوده است. منصوریان امروز در استقلال حرفی برای گفتن ندارد. او که فصل گذشته بعد از پیروزی در دربی و موفقیت در بقیه بازی‌های لیگ همچنان محبوب هواداران باقی ماند در این فصل شاید حتی این فرصت را نداشته باشد که به دربی برسد. بهترین اتفاق برای او شکست دادن قلعه‌نویی بود که البته زور شاگرد به استاد نرسید. قلعه‌نویی که خودش هم محبوبیت سابق را نزد هواداران استقلال ندارد این بار با ناخشنود آزادی، هواداران را مقابل سرمربی روی نیمکت استقلال قرار داد. استقلالی‌ها منصوریان را نمی‌خواهند. کاش خودش این مهم را بداند. برد، بیاورد. با تجربه‌تر شود و آن وقت برگردد. شاید در صورت ماندن او به نسخه جدیدی از ناصر حجازی تبدیل شود. هر چند او هرگز نمی‌تواند به اندازه مرحوم حجازی محبوب قلب استقلالی‌ها باشد اما شاید در صورت اصرار بر ماندن همان سرنوشت شوم حرفه‌ای که نصیب حجازی شد دامن علیمصور را هم بگیرد. بهتر است بروید آقای منصوریان. ▶



سرنوشت افتخاری

شمارش معکوس برای مدیرعامل استقلال آغاز شده است؟

برخی آقایان در دفتر ریاست جمهوری و آقای جهانگیری و پیشنهاداتی که آنها می‌دهند مصلحت استقلال را فدای روابط پشت پرده کنند. آقای سلطانی فر شما باید منفعت میلیون‌ها هوادار را در نظر بگیرید. شما وزیر هستید. چرا اجازه می‌دهید برخی به شما ی وزیر فشار بیاورند و نتوانید برای استقلال تصمیم درست بگیرید؟»

مرد خبرساز آبی‌ها که البته علاقه خاصی دارد که به تیر اول روزنامه‌های ورزشی تبدیل شود، انتقادهایش را این گونه ادامه داد: «کم‌کم به این باور نزدیک می‌شوم که برخی مسئولان وزارت ورزش رنگی فکر می‌کنند و نمی‌گذارند استقلال نفس بکشد که اگر این طور باشد ما ساکت نمی‌نشینیم، حتی اگر شده به دفتر ریاست جمهوری می‌رویم یا مقابل مجلس تحصن می‌کنیم. من از اینکه می‌بینم جوانان جلوی من را در خیابان می‌گیرند و گریه می‌کنند، دلم کباب می‌شود. چه کسی باید به مسائل استقلال رسیدگی کند؟ آقایان این قدر از بدهی صحبت نکنید، اگر از عهده بدهی‌های این باشگاه برنمی‌آید بروید. این باشگاه سال‌ها به همین شکل اداره شده است. ما هم با این شرایط تیم را سرپا نگه داشته‌ایم. خلاصه کلام از این وضعیت خیلی ناراحتم. از وزیر ورزش این انتظار را نداشته‌ام. او نباید تحت فشار برخی افراد باشد. او باید منفعت استقلال را در نظر بگیرد و این تیم را نجات دهد.»

این اتهام اما خیلی زود واکنش‌های متفاوتی را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به خصوص اینستاگرام باعث شد. تا جایی که دفتر معاون اول رئیس‌جمهور ضمن تکذیب شایعات و برخی ادعاها مبنی بر دخالت این دفتر در امور داخلی باشگاه‌های ورزشی تاکید کرد: «سیاست اصولی دولت تدبیر و امید حمایت از رشته‌های مختلف ورزشی از جمله ورزش فوتبال به عنوان یک سرمایه اجتماعی است.» در این تکذیبیه آمد:

«در پی طرح برخی ادعاها و شایعات در روزهای اخیر در رسانه‌ها به‌ویژه فضای مجازی؛ دفتر معاون اول رئیس‌جمهور در عین تاکید بر عدم مداخله در امور داخلی باشگاه‌های ورزشی و تکذیب این دست از ادعاها اعلام می‌نماید اساساً دخالت در امور داخلی باشگاه‌های ورزشی هیچ‌سختیتی با شرح وظایف این دفتر ندارد. این دفتر در چارچوب سیاست اصولی دولت حمایت از بخش ورزش کشور و رشته‌های ورزشی مختلف را وظیفه خود می‌داند و در این راستا از هیچ‌گونه کمکی دریغ نخواهد کرد.»

برنامه ۹۰ دوشنبه شب هفته گذشته با حضور مدیرعامل استقلال حواشی و نکات زیادی داشت؛ اما در این میان واکنش‌های منفعلانه مدیرعامل استقلال شاید نکته فراموش شده حضور افتخاری برابر دوربین‌های تلویزیونی بود.

سایت ورزش سه در نقد رفتار منفعلانه افتخاری می‌نویسد: «مدیرعامل استقلالی‌ها در حساس‌ترین شرایط در برنامه ۹۰ حاضر شد و در دقایقی تلخ که عضو هیات مدیره، سرمربی و کاپیتان این تیم در حال افشاکری علیه یکدیگر بودند، به تماشای اتفاقات پرداخت. رفتارهای افتخاری در برنامه ۹۰ آینه تمام‌نمایی از ۱۳ ماه حضور او در استقلال بود و سند دیگری برای «بی‌عملی» مدیرعامل آبی‌ها به‌شمار می‌رود.

این بی‌عملی اما در کارنامه افتخاری موضوعی همیشگی است. مدیرعامل استقلال در بحران بسته شدن پنجره نقل و انتقالاتی آبی‌ها هیچ واکنشی انجام نداد و تنها نظاره‌گر بخت و اقبال بود که با استفاده از جوانان نصیب آبی‌ها شد تا در نیم‌فصل دوم از بحران فرار کنند. او نه تنها به استعفا عقیده‌ای نداشت، بلکه حتی شاهد توییح یا جریمه‌ای از سوی او برای عاملان این اتفاق نبودیم.

فاصله داشت. افتخاری ۴ سال ریاست کمیته فوتسال را بر عهده داشت. دورانی که باعث مخالف خوانی خیلی‌ها شد. مخالفانی که وقتی افتخاری در هفدهم مرداد ۹۵ به عنوان سرپرست باشگاه استقلال معرفی شد چشم‌های خود را از فرط تعجب گرد کردند؛ چرا؟ هیچ کس پاسخی برای این انتخاب نداشت. اما آنچه مسلم بود حمایت بی‌شائبه وزارت ورزش از این گزینه بود. معمایی که سر بسته باقی ماند تا نهایتاً نتایج ضعیف و در عین حال بی‌سابقه تیم علیرضا منصوریان قفل آن را بشکند. آنجا که علی فتح‌الله‌زاده، مدیرعامل اسبق باشگاه استقلال هفته گذشته در گفت‌وگویی جنجالی پای معاون اول رئیس‌جمهوری را به بحران استقلال کشید و خطاب به وزیر ورزش گفت: «استقلال میلیون‌ها هوادار دارد و واقعا از سلطانی فر انتظار نداشتیم که به خاطر رفت و آمد

اوضاع مدیریتی در باشگاه استقلال آن قدر بحرانی است که اعضای هیات مدیره مقابل مدیرعامل دست به افشاکری می‌زنند و مدیرعامل علیه هیات مدیره؛ همه علیه یکی و یکی علیه همه. جدایی قریب به هم به این بحران اضافه کنید. رئیس هیات مدیره که چندی پیش از سمت خود کناره‌گیری کرد تا از جنجال و حاشیه در استقلال فرار کرده باشد؛ فراری به موقع به بهانه نبود ساختار مناسب در باشگاه استقلال. اما چه کسی است که نداند قریب پس از اختلافات متعددی که با افتخاری پیدا کرد عطاء استقلال را به تقایش بخشید. اتفاقا عمده دلیل بحران امروز استقلال را محصول خونسردی بیش از حد همین مردم می‌دانند؛ سیدرضا افتخاری. مردی که از فوتسال به فوتبال آمد و به اندازه همه تفاوت‌هایی که فوتسال و فوتبال دارد از مدیرعامل ایده‌آل آبی‌ها

به نظر می‌رسد افتخاری هرگاه با انتقادی جدی روبه‌رو می‌شود به اوضاع بد مالی در باشگاه استقلال اشاره می‌کند. این افراکنی بیش از هر چیز دیگری هواداران استقلال را عصبانی کرده است. آنها از این مدیر خونسرد انتظار دارند که در استقلال دست به تغییرات بزند. البته این انتظار به چند هفته پیش مربوط می‌شود و اصلا بعید نیست که حالا مطالبه هواداران استقلال تغییر و تحول در خود باشگاه استقلال است. جایی که به نظر می‌رسد وزیر ورزش باید دست به کار شود. پژمان راهبر در یادداشتی نسبت به اوضاع نابهنجار در باشگاه استقلال در سایت ورزش سه واکنش نشان داده است. او با اشاره به دعوای افشاکاری‌های مدیران باشگاه استقلال و کادرفنی علیه یکدیگر نوشته است: «این حقیقتی بود مهیب و تلخ که شاید ارزش کشف کردن نداشت. حقیقتی که در پس رویایی تلفنی سرمربی، مدیرعامل، کاپیتان و عضو هیات مدیره باشگاه به نمایش گذاشته شد؛ آدم‌های مهمی که در یک نمایش غیرقابل باور، در مدتی کوتاه پروبال هم را چیدند تا پای زشت طاووس بیرون بزنند و شب طرفداران میلیونی باشگاه بزرگ استقلال را خراب کند. آنها قطعاً صبح فردا را خشمگین آغاز خواهند کرد و در انتظار اخبار جدید خواهند ماند. خبری که اگر در آن نشانه‌هایی جدی از عملکردی نباشد عواقب سنگینی برای وزارت ورزش و رئیس مجمع باشگاه خواهد داشت؛ چرا که به قول نویسنده‌ای، این نمایش یک ساعته تلاشی برای رقم خوردن بزرگترین شکست تاریخ باشگاه استقلال بود. باشگاهی که بیش از هر چیز به گذشته و سنت و کلاس متفاوت اش افتخار می‌کند و آدم‌های بزرگ باسواد و شریفی مثل پورحیدری و حجازی را مایه تفاخر و سبیل خود می‌داند. برای آنها استقلال همیشه استقلال خواهد ماند؛ اما شب دروغ یقیناً از یاد هیچ کدام‌شان نخواهد رفت. بیایید نسبت به هویت و تاریخ این باشگاه بزرگ بی تفاوت نباشیم آقای وزیر! صادق که باشیم جماعت بزرگی از شما و بی‌عملی تان دلخور و اندوهگین‌اند. حالا که در کمال تاسف منتخبین شما در پیشگاه هواداران مردود شدند، این آخرین فرصت شماست که به آنها اثبات کنید که به ارزش‌های ورزشی و البته اجتماعی احترام می‌گذارید.»

با همه این نقدها به نظر می‌رسد قربانی بعدی در باشگاه استقلال علیرضا منصوریان است نه افتخاری. جایی که به نظر می‌رسد آقای مدیرعامل با توصیه‌های مقامات بلندپایه به صندلی ریاست در استقلال رسیده است و بعید به نظر می‌رسد به این سادگی‌ها کنار گذاشته شود. ►



عملکرد قابل دفاع مالی تنها نقطه کارنامه درخشان مدیری است که روزهای عجیبی با عدم قاطعیت او برای استقلال رقم خورده است

او خرداد ماه در حالی از شرایط استقلال ابراز رضایت می‌کرد که تصورش را هم نمی‌کرد که تیم منصوریان در لیگ امسال تا این حد ضعیف و دور از انتظار ظاهر شود. با این حال به نظر می‌رسد باشگاه استقلال از چند جهت دچار آسیب شده است:

- ۱- بدهی‌های گذشته داخلی
- ۲- مطالبات انباشته شده بازیکنان خارجی
- ۳- بدهی‌های کلان مالیاتی
- ۴- تأمین هزینه‌های جاری
- ۵- عدم دریافت حق پخش، حق بلیت فروشی و تبلیغات محیطی

افتخاری درباره این آسیب‌ها گفته است: «رقمی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان بدهی استقلال در زمان مدیریت من اتفاق نیفتاده است اما در این دوره مسئولیت، با تبعات سنگین آن مواجه شدیم. بسته شدن حساب بانکی، برداشت پول بازیکنان توسط سازمان مالیاتی از حساب باشگاه، اجبار به پرداخت و تسویه حساب با بازیکنانی که سال‌ها پیش به استقلال آمده بودند و بعضی از آنها با چند دقیقه بازی به کشورشان برگشته و ده‌ها صدها هزار دلار طلبکار شدند، در کنار پرداخت هزینه‌های فصل جاری و بازیکنانی که در ابتدای فصل جذب شده بودند، برخی طلب‌های داخلی را نیز پرداخت کردیم. با کمک وزیر محترم ورزش در بحث بدهی‌های مالیاتی به توافقاتی درباره نحوه پرداخت آن رسیدیم. برای اولین بار حداقل در سال‌های اخیر با همه مشکلات و کمبودها، قبل از پایان فصل ۸۰ درصد از تعهدات باشگاه در قبال بازیکنان و صد درصد برخی اعضای کادر را به آنها پرداخت کردیم.»

او اما به دلیل حذف استقلال از لیگ قهرمانان آسیا به شدت مورد انتقاد مدیران قبلی استقلال قرار گرفت. موضوعی که خودش اینگونه با آن روبه‌رو شد: «با وجود اینکه کسی تصور صعود استقلال از مرحله گروهی بازی‌های آسیایی را نداشت، با تلاش بازیکنان و مربیان، بهترین تیم ایرانی در پایان آن مرحله بودیم و تا یک هشتم نهایی نیز رفیقیم. استقلال السدا را شکست داد که بازیکنان بسیار مطرح و گران قیمتی دارد. تیم ما رفت و برگشت التعاون عربستان را شکست داد و بازیکنان جدیدی در این تیم به فوتبال ایران معرفی شدند که نسل آینده استقلال هستند و تا سال‌ها فوتبال ایران و استقلال را بیمه می‌کنند. اینجا باید به باخت استقلال مقابل العین اشاره کنم. جدا از نود ۴ بازیکن کلیدی و موثر که عملاً استقلال را خلع سلاح کرد، این نتیجه به هیچ وجه در شأن فوتبال ایران و استقلال نبود. بازیکنان و آقای منصوریان نیز بلافاصله بعد از این شکست عیب‌غیر عذرخواهی کردند. من هم مجدداً به نمایندگی از بازیکنان، کادرفنی و مدیریت باشگاه به هواداران که مهم‌ترین سرمایه استقلال و از مهم‌ترین عوامل نتیجه‌گیری در این فصل بودند، می‌گویم که همه از این موضوع ناراحت هستند و عذرخواهی می‌کنند و به دنبال آن هستند که با نتایج مطلوب و کسب افتخارات آینده، این مساله را پشت سر بگذارند و اگر این بازی و شرایطی که استقلال با دستان خالی در آن حضور داشت را کنار بگذاریم، هواداران فصل خوبی را به‌رغم همه مشکلات از استقلال دیدند که معتمد مهم‌ترین دلیل آن، آرامش و ثباتی بود که در استقلال پس از سال‌ها حاکم کردیم.

اما در همین دیدار با العین با رقبای مرحله گروهی، بازیکنانی بودند که رقم قرارداد آنها با کل بودجه استقلال برابری می‌کرد. ما باید به دنبال منابع پایدار درآمدی باشیم. این فصل هر زمان که مشغول برنامه‌ریزی برای اقدامات اساسی بودیم، یا با بدهی‌های خارجی یا طلبکاران داخلی یا اقدامات مالیات یا با پرداخت تعهدات به بازیکنان مواجه شدیم.»

مدیرعامل استقلال در پرونده درگیری کاپیتان و سرمربی نیز واکنش‌های منفعلانه‌ای داشت و هیچ قدمی برای حل این بحران برنداشت. افتخاری بعد از شکست سنگین و تاریخی برابر العین نیز چنین شرایطی را تجربه کرد و شاهد هیچ واکنشی از سوی او برای رسیدگی به این نتیجه نبودیم تا هواداران استقلال بیش از گذشته با خلق و خوی مدیرعامل جدید خود آشنا شوند.

هر چند در برنامه ۹۰ مشخص شد مدیرعامل آبی‌ها با تصمیمات منصوریان برای حضور فعال در نقل و انتقالات مخالف است؛ اما او در نقل و انتقالات نیز تصمیم‌گیری خاصی نداشت. پس از این اتفاقات او در واکنش به نتایج دور از انتظار استقلال نیز تنها نظاره‌گر بود تا بی‌عملی‌ها برنمدیرعامل کهنه کار استقلال باشد.

واکنش افتخاری به تمامی این بحران‌ها تنها انتشار بیانیه بوده است. بیانیه‌ای که روز سه‌شنبه هفته گذشته نیز از سوی او شاهد بودیم و دیدیم که مدیرعامل استقلال باز هم با انتشار یک بیانیه خواهان استقرار آرامش در تیم شد. رفتارهایی که این سوال را ایجاد می‌کند که اگر مدیرعامل باشگاه با انتشار بیانیه به دنبال پیش بردن کارهای استقلال است، چه فردی باید با تصمیم‌گیری سرنوشت این تیم را معلوم کند؟

عملکرد قابل دفاع مالی تنها نقطه کارنامه درخشان مدیری است که روزهای عجیبی با عدم قاطعیت او برای استقلال رقم خورده است.

با همه اینها اما افتخاری حامیانی هم دارد که با استناد به برخی اتفاقات یکی دو فصل اخیر سعی دارند عملکرد افتخاری را موفق نشان دهند. حامیان وی می‌گویند: «از میانه فصل گذشته که افتخاری به عنوان مدیرعامل استقلال انتخاب شد، تلاش‌های زیادی کرد تا وضعیت باشگاه بهتر شود اما هر بار که این تیم خوب نتیجه نگرفت، با انتقاد هواداران روبه‌رو شد که این امر چندان منصفانه نیست.» این عده معتقدند افتخاری نسبت به مدیران قبلی باشگاه استقلال نمودار عملکردی بهتری از خود به جای گذاشته است. چون فصل گذشته موفق شد ۸۰ درصد از مطالبات فصل قبل بازیکنان تیمش را پرداخت کند که این موضوع در تاریخ باشگاه استقلال بی‌سابقه بوده و تقریباً تمام بازیکنان از شرایط مالی‌شان در باشگاه راضی هستند. بازیکنان استقلال در سال‌های گذشته همیشه با مشکلات مالی باشگاه دست و پنجه نرم می‌کردند اما حالا موفق شده‌اند بخش عمده‌ای از مطالبات خود را دریافت کنند.

از طرف دیگر افتخاری در فصل نقل و انتقالات قرارداد ستاره‌هایی مثل امید ابراهیمی، امید نورافکن و مجید حسینی را به راحتی تمدید کرد و البته موفق شد بازیکنانی مثل پژمان منتظری، سجاد شهنازاده، حسن بیت‌سعید و داریوش شجاعیان و دیگر مهره‌های مدنظر منصوریان را جذب کند.»

با این حال رضا افتخاری این روزها نمی‌تواند به گذشته و صرفاً عملکردش در فصل نقل و انتقالات اکتفا کند؛ اتفاقی که اوایل تابستان امسال رخ داد تا افتخاری در بیانیه‌ای به‌طور مفصل خود را از اتهامات و سرزنش‌ها مبرا بداند.

او در بیانیه‌ای نوشت: «خوشبختانه با حمایت‌هایی که از کادرفنی شد و همت مربیان و بازیکنان و حمایت‌های هواداران عزیز، تیمی که در زمان حضور من در باشگاه در انتهای جدول قرار داشت، کار را با برد شیرین در دربی، نایب‌قهرمانی لیگ و کسب سهمیه آسیایی پایان برد. چیزی که برخی منتقدان که بعضاً استقلالی هم بودند، پیش‌بینی نمی‌کردند. البته نباید حمایت‌های آقای دکتر کوردزی و آقای دکتر سلطانی‌فر، وزیر محترم ورزش و جوانان را در این ثبات نادیده گرفت.»

دوباره در لیگ برتر احساس خطر کند. برانکو بار دیگر در موقعیتی مشابه قرار گرفته است.

او باید در هفته هفتم لیگ برتر، تیمش را به رقابتی که خودش علاقه‌مند است نام ال کلاسیکورا روی آن بگذارد، به مصاف سپاهان بفرستد و در صدد کسب روحیه و تثبیت و ارتقای جایگاه برآید. او البته ۵ روز بعد از این جدال در دیداری حساس به مصاف الهلال عربستان خواهد رفت. سرمربی کروات سرخپوشان باید اکنون ضمن در نظر گرفتن شرایط بازی با سپاهان که می‌تواند مصدومیت و خستگی را برای شاگردانش در پی داشته باشد، از هدف کسب موفقیت بازماند. حفظ انرژی و مهره‌های شاخص اتفاقی است که برانکو برای دیدار مقابل الهلال عربستان به آن نگاه ویژه دارد و البته نمی‌خواهد اتفاق دیدار برابر پیکان بار دیگر برای تیمش رقم بخورد و مقابل زلاتکو کرانچار و شاگردانش شکست بخورد.

اما آنچه که در مورد برانکو قابل توجه است تغییرات این مربی است. او تغییر کرده است. برانکو نسبت به دوره نخست حضورش در فوتبال ایران که مسئولیت تیم ملی فوتبال ایران را بر عهده داشت تغییر کرده و این تفاوت‌ها کاملاً مشهود است. زمانی که سرمربی تیم ملی فوتبال ایران بود خیلی کم پیش می‌آمد که انتقادی را بپذیرد. او یک مربی کروات بود که به اندازه سختکوشی‌اش برابر منتقدانش مقاومت می‌کرد و اساساً گارد بسته‌ای داشت. البته این روحیه به‌طور کلی در ایوانکوویچ از بین نرفته است اما چه کسی است که نداند او تا حد زیادی نسبت به برانکو تیم ملی تغییر کرده است. بنابراین به اندازه مقطعی که سرمربی تیم ملی بود مقابل مخالفانش گارد نمی‌گیرد و همه نقدها را مغرضانه نمی‌خواند. به این اظهارات برانکو دقت کنید: او بعد از شکست برابر پیکان گفته است: «ما ۵ امتیاز خانگی را مقابل سپاه جامگان (۲ امتیاز) و مقابل پیکان (۳ امتیاز) از دست داده‌ایم. این موضوع خوشحال‌کننده‌ای نیست. می‌دانیم که انتظارات از ما هر روز بیشتر می‌شود اما این را هم باید بدانیم که تکرار نتایج خوب کار سختی است. لیگ برتر شبیه یک ماراتن است و مشخص است که مسابقات زیادی را پیش رویمان داریم. وظیفه ما این است که بیشتر کار کنیم و روز به روز آماده‌تر شویم.»

برانکو در بازگشت به فوتبال ایران نشان داده که تا چه حد از پختگی و تجربه لازم برای نشستن روی نیمکت سرمربیگری پرسپولیس برخوردار است. او مقابل رسانه و هوادار همواره رفتاری حرفه‌ای دارد. بنابراین طبیعی است که بعد از باخت تیمش اینگونه از هواداران پرسپولیس دلجویی کند: «لازم است یک بار دیگر از هواداران تشکر کنم. آنها ما را حمایت کردند و کنارمان بودند و باز هم در آخر بازی هم تشویق‌مان کردند. هواداران پرسپولیس یک بار دیگر نشان دادند بهترین هواداران هستند.»

سرمربی کروات پرسپولیس در پاسخ به این سوال که چرا پرسپولیس روی ضربات ایستگاهی، کرنرها و توپ‌های برگشتی ضعیف عمل کرد، گفت: «درست است در این مورد ضعف داشتیم و نتوانستیم توپ‌های برگشتی را تحت کنترل در بیاوریم. این مسائل در بعضی بازی‌ها پیش می‌آید. همه دیدند که بازیکان تلاش کردند اما چنین مسابقاتی هم در طول یک فصل پیش می‌آیند.

همه این اظهارنظرها نشان می‌دهد که این مربی کروات تا حدود زیادی پخته‌تر از قبل عمل می‌کند. نکته دیگری که در مورد رفتارهای برانکو جالب توجه است جنبه و جوش این مربی در کنار مستطیل سبز است. برانکو بر خلاف گذشته که بیشتر یک مربی زیادی آرام به نظر می‌رسید در دوران تازه مربیگری‌اش انگار شور و هیجان بیشتری هم برای کسب موفقیت دارد. او در بازی برابر الاهلی درست در لحظاتی که بازیکانش بعد از زدن گل دوم سر از پا نمی‌شناختند با جدیت و تعصبی حیرت‌انگیز با



نزدیک تیم ملی

برانکو تبدیل به مربی محبوب ایرانی‌ها شده است

اجازه ندادند برانکو در یک نیم فصل حیرت‌انگیز جام قهرمانی را هم کسب کند. بنابراین آقای ایوان باید یک فصل منتظر می‌ماند تا پرسپولیس به قهرمانی برسد. فصل گذشته آنها قهرمان شدند تا محبوبیت برانکو نزد هواداران پرسپولیس بیشتر شود اما نقطه عطف مربیگری برانکو را می‌توان در نتایجی که او با پرسپولیس در لیگ قهرمانان آسیا کسب کرده است جست‌وجو کرد. آنجا که او تیمش را در اوج آمادگی فیزیکی و جسمانی به مصاف الاهلی عربستان فرستاد تا پرسپولیس در بازی سرنوشت خود برای رسیدن به جمع ۴ تیم برتر آسیا الاهلی را با سه گل در هم بکوبد.

این پیروزی برانکو را نه محبوب پرسپولیسی‌ها که به چهره‌ای محبوب نزد مردم ایران تبدیل کرد اما او با همین تیم در مسابقات لیگ برتر راه سختی را پیش رو دارد. شاید دلیل همین دشواری بازی سخت را به تیم مجید جلالی باخت تا برانکو در خصوص از دست رفتن فرصت قهرمانی

برانکو ایوانکوویچ؛ حالا این مربی کروات یکی از محبوب‌ترین مربیان تاریخ باشگاه پرسپولیس است. او که زمانی سرمربیگری تیم ملی فوتبال ایران را بر عهده داشت و البته از سوی برخی منتقدانش یک مربی محافظه‌کار نامیده می‌شد پس از بازگشت به فوتبال ایران روی نیمکتی نشست که هوادارانش تشنه قهرمانی بودند؛ پرسپولیس. هواداران پرسپولیس قهرمانی رقیب را می‌دیدند و در نتیجه جز فتح جام انتظار دیگری از نفر اول کادر فنی تیم‌شان نداشتند. برانکو اما گذشته همین هواداران بود. یک مربی تلاشگر که کار کردن و کار کردن را در دستور کار خود و شاگردانش قرار داد.

نتایجی که برانکو از این سختکوشی به دست آورده است بسیار قابل تأمل است. او با پرسپولیس در طول یک‌ونیم فصل نتایج خوبی کسب کرد تا در هفته پایانی روی کاغذ حتی شانس قهرمانی هم داشته باشد اما استقلال خوزستان و سرمربی جوان و جاه‌طلب‌شان یعنی ویسی

یک نابغه معمولی

مردی که با ما رشد کرد



افشین خماند

روزنامه‌نگار

ساختن، او از آن دست معمارهاست که ترجیح می‌دهند با مصالح موجود بهترین بنای ممکن را بسازند، یعنی خیلی نیاز ندارند که بهترین مصالح را سفارش بدهند یا گران‌ترین‌های آنها، او به جای همه آن چیزهایی که وجود ندارد، فقط یک روش بلد است تا نواقص را رفع و رجوع کند، کار بیشتر و بیشتر... او تیم‌هایش را این گونه می‌سازد...

۴- تیم‌های برانکو ایوانکوویچ، یعنی لااقل تیم‌هایی که ما از او در ایران دیدیم یک خاصیت مشترک دارند، هم در تیم ملی و هم در تیم پرسپولیس، تیم‌های برانکو به بازیکنان این فرصت را می‌دهد تا ستاره شوند یا دیده شوند، بحث قیاس بر مبنای ارزش گذاری نداریم، بعضی مربی‌ها مثل کارلوس کی‌روش ترجیح می‌دهند خودشان ستاره تیمشان باشند، یعنی سرمربی آنچنان بر تیم سایه می‌افکند که بازیکنان کمتر به چشم می‌آیند، برخی از مربیان هم مثل برانکو ایوانکوویچ هستند، مربیانی که سعی می‌کنند به جای اینکه خودشان دیده شوند، اثرشان دیده شود، یعنی امضای مربی در جزئیات تیم است، هر دو نوع مربی می‌توانند موفق بشوند که شده‌اند اما خب با هم فرق می‌کنند، می‌توان به مربیان از جنس کی‌روش نام مربیان ستاره داد و به مربیانی از جنس برانکو لقب معمار... برانکو بستری می‌سازد که تمام بازیکنان تیمش ستاره باشند زمانی در تیم ملی علی دایی، علی کریمی، وحید هاشمیان، مهدی مهدوی کیا، فریدون زندی، جواد نکونام، حسین کعبی و... و حالا در پرسپولیس علیرضا بیرانوند، محمد انصاری، حسین ماهینی، جلال حسینی، کمال کامیابی‌نیا، فرشاد احمدزاده، محسن مسلمان، مهدی طارمی و... و تیم‌ساختن را از جز به کل شروع می‌کند، نفرت درست را در جای درست می‌گذارد و همین موضوع باعث می‌شود که همه تیمش ستاره باشند.

۵- آن زمان که برانکو در تیم ملی ایران بود، بعضی از منتقدان می‌گفتند که او ایرانی شده است، معنی این انتقاد این بود که او بیشتر از حد سازگار است و در قالبی فرو رفته که شبیه خود ماست اما حالا پس از این همه سال باید گفت که برانکو ایوانکوویچ در مقام تعریف ایرانی شده است، یعنی اینکه او آن قدر خوب فوتبال ایران را می‌شناسد، آن قدر خوب ضعف و قدرت فوتبال ما را خوب می‌شناسد که به راحتی می‌تواند بهترین عملکرد را داشته باشد، او حالا خیلی راحت می‌تواند مثل یک بازیکن ایرانی فکر کند و خواسته‌های او را بفهمد.

او فضای فوتبال ایران را بهتر از همه می‌شناسد و با توجه به امکانات برنامه‌ریزی می‌کند، برانکو اما سواد جهانی دارد، فوتبال روز جهان را می‌شناسد، این شناخت از فوتبال بومی ما را با این سواد تلفیق می‌کند تا تیمی موفق بسازد، هوش ذاتی و هنر کوچینگ که خودش را با تعویض‌های طلایی نشان می‌دهد از او یک سرمربی ایده‌آل برای ما می‌سازد... برانکو ایوانکوویچ نمی‌تواند یک ستاره فوتبال باشد، خودش هم این را می‌داند، برای همین است که ترجیح می‌دهد وارد حاشیه‌ها نشود، او مرد فوتبال است، فقط و فقط فوتبال، نه چیزی فراتر از آن... بدون فوتبال برانکو ایوانکوویچ یک آدم معمولی بود مثل خیلی از ماها اما وقتی به فوتبال، به ویژه فوتبال ایران متصل می‌شود، یک نابغه می‌بینیم... ▶

۲- میروسلاو بلاژوویچ آدم بسیار جالبی بود، وقتی حرف می‌زد می‌توانست همه آدم‌هایی که مخاطبش هستند را میخکوب کند، کلی حرف در آستین داشت که مثل بشکه باروت می‌مانست، برای یک نسل فوتبالی که همراه با او جام جهانی ۲۰۰۲ را با بردن ایرلند در خانه از دست دادند، او یک خاطره شیرین است، برای تیم خوبی که ساخته بود، برای جملاتی که سرمربی آن داشت اما... گذر زمان انگار روی حرف‌ها، حتی زیباترین آنها؛ حتی آتشین‌ترین آنها خاک فراموشی می‌ریزد و همه را خاکستر می‌کند، از پیروی دوست‌داشتنی ما هیچ یادگاری خاصی برای فوتبال مانمانده، نه نتایجی شاخص و درخشان، نه صعودی حماسی، حرف‌هایش هم همه دارند فراموش می‌شوند، از او شاید فقط و فقط یک یادگار داریم، همان مربی لاغر، کم‌حرف و عینکی که شبیه معلم‌های فیزیک می‌ماند، دستکاری بلاژوویچ او را پروفیسور فوتبال معرفی می‌کرد، دستکاری که آن زمان در حاشیه بود، دستکاری که ما با بزرگ شد و از استادش و اصولا همه کروات‌های بیشتر در فوتبال ایران ماندگار شد، او را اکنون به خوبی می‌شناسیم؛ برانکو ایوانکوویچ

۲- برانکو وقتی سرمربی تیم ملی ایران شد، اوضاع خیلی خوب نبود، تیم ملی به جام جهانی نرسیده بود، باید بلافاصله در بازی‌های آسیایی بوسان شرکت می‌کردیم، پیش از مسابقات علی کریمی، سرناهار بحثش شد و مسابقات را از دست داد، تست‌ها می‌گفتند که تیم ملی ایران نباید در این مسابقات شرکت کند، بعد از مسابقه اول بود که علی دایی هم به خاطر درگذشت پدرش به تهران برگشت، اما آن تیم قهرمان شد، همان قهرمانی شروع فصل تازه‌ای از فوتبال ایران بود، با یک نسل تازه، نسلی که می‌توان به نام نسل برانکو لقب داد. نسلی که روزهای شیرین زیادی داشت، قهرمانی در بوسان، سومی در جام ملت‌های آسیا، صعود به جام جهانی... و البته آن خاطره تلخ، آن جام جهانی پر از حاشیه؛ آن روزهایی که بازنگشتن، از آن روزهای رفتن بدون خدا حافظی... راه ما و برانکو از هم جدا شد، نه متوقف ماندیم، نه او در این فاصله ما پس از چند آزمون و خطا به کارلوس کی‌روش رسیدیم، نسلی تازه و افتخاراتی تازه، او هم دور دنیا را گشت، در کرواسی، چین و عربستان قهرمان شد تا... دست روزگار ما را دوباره به هم رساند، این بار در پرسپولیس...

۳- برانکو وقتی سرمربی پرسپولیس شد، اوضاع خیلی خوب نبود، دوران درخشان چندان درخشان نبود، تیم هم در ابتدا نمی‌توانست نتایج خوبی کسب کند اما رفته‌رفته اعتمادها جلب شد تا یکی از بهترین تیم‌های تاریخ فوتبال ایران شکل بگیرد، برای اینکه به آنچه برانکو در پرسپولیس انجام داده است، آسان‌تر برسیم، باید به دورانی برگردیم که سرمربی تیم ملی شد، او در زمان تیم ملی هم به جای اینکه غر بزند، به جای اینکه نمایش بدهد، به جای اینکه گلايه کند، شروع کرد به کاری که باید می‌کرد، یعنی در سکوت شروع کرد به

برخی از بازیکنانش صحبت‌های فنی را در میان می‌گذاشت گویی تیمش هنوز در آستانه حذف است تا جایی که بعد از گل سوم پرسپولیس او را آرام‌تر دیدیم. بنابراین برانکو تغییر کرده است؛ تغییری مثبت که به درد پرسپولیس‌ها هم می‌خورد.

همه اتفاقاتی که برای پرسپولیس طی فصل‌های اخیر رخ داده باعث شده است تا عملکرد ویژه ایوانکوویچ بیشتر مورد بررسی قرار بگیرد. او در اولین کنفرانس پیش از شروع فصل شانزدهم با یادآوری رقابت‌های مهم پیش‌رو با اعلام اینکه تیمش قهرمانی در لیگ برتر، جام حذفی و لیگ قهرمانان آسیا را نشانه گرفته است همه خبرنگاران حاضر را در سکوت فرو برد تا تنها یک نفر بار دیگر از او بپرسد: منظورتان لیگ قهرمانان آسیا در این فصل است؟ که البته با پاسخ دوباره و این بار قاطعانه‌تر او همراه بود که «بله، من و تیم سه هدف در فصل جدید پیش‌رو داریم که یکی از آنها کسب قهرمانی آسیاست.»

هر چند برانکو ایوانکوویچ در ادامه با توجه به غیبت ملی‌پوشانش و تصمیمی اشتباه برای حضور در جام حذفی از دور این رقابت‌ها با شکستی بزرگی با حذف مقابل قشقایی شیراز کنار رفت تا یکی از وعده‌های او نافرجام بماند و این اتفاق دلیلی شود که دیگر کسی انتظار برآورده شدن دیگر وعده‌هایش را هم نداشته باشد. برانکو ایوانکوویچ اما در پایان فصل گذشته تیمش را به قهرمانی رساند و در لیگ قهرمانان و در گروه مرگ این رقابت‌ها به دور بعدی راه یافت.

او در ادامه هم بی‌توجه به محرومیت تماشاگران بازی با الخویای قطر را هم پشت سر گذاشت تا تنها تیم ایرانی حاضر در مرحله یک‌چهارم باشد. کسب تساوی ۲-۲ مقابل الاهلی عربستان اما به نظر می‌رسد کار او و وعده‌اش را به پایان رسانده باشد اما یک بازگشت فوق‌العاده و ۱۰ نفره نشان داد تا او روی حرف و وعده خود همچنان پابرجاست. اکنون پرسپولیس در بهترین حضور خود در لیگ قهرمانان آسیا قرار دارد، حضور در جمع چهار تیم برتر که تا پیش از این هرگز آن را تجربه نکرده بود و این موفقیت را بیش از هر چیز مدیون تلاش و سخت‌کوشی سرمربی با سابقه خود یعنی برانکو ایوانکوویچ است.

برانکو ایوانکوویچ برای دستیابی به این موقعیت اما نه متکی بر شانس بلکه تنها بر پایه اعتماد به بازیکنان و استراتژی تاکتیکی موفق خود به آن دست یافت. جایی که او برخلاف فصول گذشته این بار نیمکتی در اختیار دارد که می‌تواند در هر زمانی نتیجه را به سود خود بازگرداند و مهم‌تر اینکه هنر استفاده از بازیکنانش را به خوبی بلد است. برانکو ایوانکوویچ در ادامه راه مربیگری خود در فوتبال ایران به چه هدف‌هایی می‌اندیشد؟ چه کسی است که نداند برانکو پس از موفقیت با پرسپولیس نیم‌نگاهی هم به تیم ملی خواهد داشت جایی که دیر یا زود کارلوس کی‌روش از نیمکت آن جدا خواهد شد. به خصوص اینکه نزدیکان برانکو ایوانکوویچ به شدت روی وجه تمایز شخصیتی این دو مربی مانور می‌دهند و آقای ایوان را آلترناتیو مناسبی برای جانشینی کارلوس کی‌روش بر می‌شمرد. هر چه هست فعلا مربی کروات سهم پرسپولیس‌ها شده و این از خوش‌شانسی سرخ‌های پایتخت است که برانکو در اوج پختگی و تجربه سرمربیگری پرسپولیس را برای ادامه فعالیت خود انتخاب کرده است. اگر برانکو بتواند پرسپولیس را به فینال آسیا برده و احیاناً این تیم پرطردار فوتبال ایران را به عنوان قهرمانی آسیا برساند بی‌تردید شرایط برای دشمن شماره یک او یعنی کی‌روش سخت خواهد شد. برانکو اما نشان داده که می‌تواند با خونسردی‌ای که همواره از او سراغ داریم به چنین آلترناتیو خطرناکی تبدیل شود؛ البته با سبک خودش؛ آرام، مصمم و البته خوش‌شانس. ▶



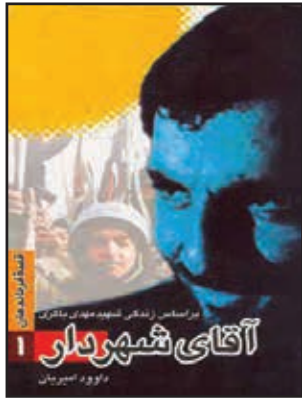
مردان بی ادعا

آشنایی با فرماندهان شهید دفاع مقدس

هفتم مهر سال ۶۰ بر اثر سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ ارتش جمهوری اسلامی ایران در تهران جمعی از فرزندان این مرز و بوم به شهادت می‌رسند. مسافران این هواپیما سرداران رشید اسلام سرتیپ سیدموسی نامجو وزیر دفاع، یوسف کلاهدوز، قائم مقام سپاه، سرتیپ جواد فکوری، مشاور جانشین رئیس ستاد مشترک، سرلشکر ولی الله فلاحي، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش و محمدعلی جهان آرا، فرمانده سپاه خرمشهر به همراه دهها تن از مجروحان جنگ بودند. فرماندهان رده بالای ارتش و سپاه که برای ارائه گزارش عملیات موفقیت آمیز ثامن الائمه به امام راحل، عازم تهران بودند در این سانحه به شهادت رسیدند. با پیش نهاد بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، هفتم مهرماه، روز شهادت امیران و سرداران ارتش و سپاه به نام روز بزرگداشت فرماندهان شهید دفاع مقدس نام گذاری شده و امروز فرصتی است تا به نقش ویژه فرماندهان دوران دفاع مقدس در پیشبرد جنگ پرداخته شود. فرماندهانی که به رغم جوان بودنشان نقش هدایتگرانه ای در عملیات های سخت داشتند. به همین بهانه ساده به معرفی ۷ کتاب درباره ۷ فرمانده رشید جنگ می پردازیم تا به آشنایی بیشتر در این زمینه کمکی کوچک کرده باشیم.

به روایت همت

کتاب «به روایت همت» در برگزیده سی و دو درس- گفتار برگزیده از سخنرانی ها، مصاحبه ها و بیاناتی است که در ابتدای عملیات ها برای توجیه گروه ها از سوی شهید همت در حد فاصل بهار ۱۳۵۹ تا زمستان ۱۳۶۲ ارائه می شده است که طی یک روند پژوهشی توسط حسین بهزاد جمع آوری شده است. تا کنون کتاب های بسیاری درباره شهید همت منتشر شده که اغلب آنها خاطرات همزمان، خانواده و دوستان درباره وی بوده است، اما در این کتاب حسین بهزاد افکار، آرمان ها و عقاید شهید همت را از خلال سخنان خود شهید به مخاطب شناسانده است.



است. این کتاب ۸۷ صفحه ای در اولین بخش خود با عنوان تولد یک پروانه به تشریح خلاصه ای از سیر کلی زندگانی شهید مهدی باکری می پردازد. مهدی باکری فرمانده لشکر عاشورا است و از این جهت در اولین کتاب قصه فرماندهان به زندگانی او پرداخته شده است. در بخش دوم این کتاب به ماجرای دوران کودکی مهدی اشاره می کند. ایوب دوست دبستانی مهدی بضاعت مالی اندکی دارد و نمی تواند در سرمای زمستان لباس گرم مناسب تهیه کند از این جهت مهدی هم به خاطر دوستش لباس گرم نمی پوشد. پدر و مادر مهدی برای متقاعد کردن او از ترفند جالبی استفاده می کنند و با خریداری دو کاپشن به دو دانش آموز ممتاز یعنی ایوب و مهدی به واسطه مدرسه جایزه می دهند. حکایت های زیبا بر اساس سیر زندگانی مهدی باکری در این کتاب روایت می شود، دو حکایت بعدی مربوط به مبارزات مهدی و برادرش حمید علیه رژیم طاغوت است.

مسیح کردستان

«محمد، مسیح کردستان» به صورت زندگینامه داستانی درباره شهید محمد بروجردی نوشته شده است. وی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنگ تحمیلی بود که توانست با حسن برخورد و ابتکار عمل هایی که داشت، کنترل منطقه کردستان را به ایران بازگرداند. از این رو، وی را مسیح کردستان می نامند. نصرت الله محمودزاده نویسنده کتاب، این اثر را در قالب زندگینامه داستانی در ۷۱۲ صفحه به نگارش درآورده است. این کتاب کامل ترین کتاب در طول سال های گذشته درباره ابعاد زندگی شهید بروجردی است که به ابعاد مختلف جنگ در کردستان و چگونگی پرورش افراد شاخص دفاع مقدس توسط شهید بروجردی می پردازد. این کتاب می کوشد به نحوه مبارزات قبل از انقلاب شهید بروجردی و مبارزه با کومله ها و دموکرات ها و نحوه جای گرفتن شخصیت شهید بروجردی در قلب مردم کرد بپردازد.

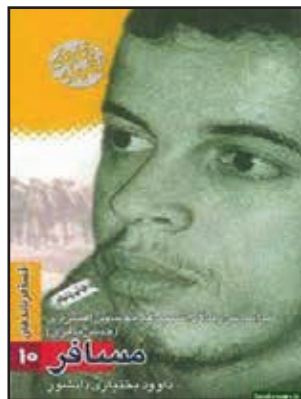
مؤلف این کتاب را با رجوع به آرشیوهای مدارک دیداری، شنیداری و مکتوب موسسه حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه محمد رسول الله (ص)، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و چندین مآخذ آرشیوی دیگر فراهم آورده است.

خرمشهر، کو جهان آرا

افراد زیادی درباره شهیدان حرف می زنند و خاطراتشان را درباره آنها به زبان می آورند، اما ممکن است همیشه این گفته ها و خاطرات جذاب نباشد؛ ولی وقتی یکی از نزدیکان شهید روایتگر زندگی او شود، مرور خاطرات وی، بسیار جذاب تر، خواندنی تر و شیواتر خواهد بود. در کتاب «خرمشهر کو جهان آرا؟» صغری کبری نژاد، همسر این سردار مقاوم و نامدار خرمشهر درباره او حرف می زند و از خاطرات آشنایی تا ازدواجشان می گوید. اکبر نژاد در این گفت و گو که با «هدایت الله بهبودی» و «مرتضی سرهنگی» انجام شده، با اشاره به فعالیت های قبل از انقلاب خود، تجربه های زندان و آشنایی با جهان آرا، ابعاد شخصیتی، فعالیت ها، دلمشغولی ها، حضور جهان آرا در جبهه های جنگ و در نهایت، شهادت او را روایت می کند. همسر شهید درباره دیدگاه های سیاسی او، واکنش هایش در برابر رفتارها و خواسته های بنی صدر، نگاهش به جنگ و جانفشانی هایش هم حرف می زند. کتاب در قالب یک مصاحبه منتشر شده است. سئوالات دقیق مصاحبه کنندگان، ریزی آنها نسبت به مسائل مختلف و پاسخ های دقیق مصاحبه شونده این کتاب را تبدیل به اثری موفق و خواندنی کرده است.

آقای شهیدوار

آقای شهیدوار عنوان اولین کتاب از سری مجموعه قصه فرماندهان است که بر اساس زندگی «شهید مهدی باکری» تنظیم یافته است. کتاب حاضر در قالب ۱۱ بخش به توصیف داستان وار زندگی «شهید باکری» پرداخته



✦ حماسه عشق و عرفان

حماسه عشق و عرفان از دست نوشته های شهید چمران است که توسط مهندس مهدی چمران جمع آوری و تدوین شده است. آنچه در این مجموعه گردآوری شده عموماً از دست نگاشته های شهید چمران در دوران بستری پس از واقعه سوسنگرد و زخمی شدن اوست که فرصت بیشتری برای نگارش به دست آورده بود؛ گرچه ممکن است از سایر دست نگاشته ها نیز استفاده شده باشد. بخش اعظم نگاشته ها در مورد انقلاب اسلامی و چگونگی انقلابی بودن و بخش مهم دیگری پیرامون موضوع جنگ تحمیلی است. نوشته های زیادی هم مباحث عرفانی، فلسفی، سیاسی و هنری و تعدادی از دست نگاشته ها در ارتباط با شهدای بزرگوار است. در این کتاب از هر دری سخن گفته شده و مجموعه ای گیرا، جذاب و آموزنده و عبرت انگیز فراروی خواننده قرار می دهد.

✦ مسافر

مسافر، کتابی با نثر بسیار ساده و به صورت داستان است که در آن نویسنده، زندگی شهید باقری را از آغاز با زبان خود با توصیف حالات و رفتار و با نحوه تولد وی آغاز کرده و به صورت داستان، سرگذشت زندگی این شهید بزرگوار را بیان می کند. در واقع وقایع مهم زندگی ایشان به قلم نویسنده به صورت داستان - نه نقل خاطره - نوشته شده و در پایان نیز نحوه شهادت ایشان به همان نحو بازگو شده است: «... مرد چمباته زده جلوی در مسجد نشسته است و غرق در فکر، ریش را می خاراند. با دیدن بچه ها که دوره اش کرده اند، لبش کرده از جا کنده می شود. چهره اش خسته و درمانده است، لولش ریزریز می لرزد... من... یک امشب را اینجا می مانم... صبح، بعد از نماز می روم. غلامحسین یک قدم جلو می رود و به صورت مردل می زند - غریبی؟ - آره... مسافرم ساک و وسایلم را گم کرده ام. دل آسمان منفجر می شود و رعدی آن را به دو نیم می کند. چند تا از بچه ها می دوند داخل مسجد، مرد سر جایش پا به پا می شود. غلامحسین دست روی شانه مرد می گذارد، می رویم خانه ما... گرم تر از اینجاست.

✦ ناگفته های جنگ

کتاب ناگفته های جنگ؛ حرف ها و خاطره هایی از زبان مرد بزرگ روزهای جنگ، شهید علی صیادشیرازی. این خاطرات سال ها پیش و در روزهای پایانی جنگ تحمیلی توسط حجت الاسلام سعید فخرزاده ضبط شده و سپس از سوی احمد دهقان تدوین و با تجربه هایی در داستان نویسی حوزه دفاع مقدس به خوبی آمیخته شده اند. از نقاط قوت کتاب می توان به شیوه داستان گونه تدوین کتاب اشاره کرد. این شیوه متفاوت و زیبا به گونه ای پیش می رود که چنانچه مخاطب آگاه و مطلع نباشد و نداند آنچه را که می خواند، گفتارهای یک فرمانده جنگی است، خود

را در برابر یک اثر داستانی بسیار قدرتمند می یابد و با هیجان از ناآگاهی نسبت به پایان آن، کتاب را ورق می زند. می توان گفت این کتاب در بردارنده فعالیت ها و اقدامات درخشان شهید سپهبد علی صیادشیرازی در روزگار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین زمان جنگ تحمیلی است. از آنجا که در این کتاب شیوه های دقیق فرماندهی او در جنگ و همچنین اقداماتی که برای پیشروی رزمندگان کشورمان انجام می دهد هم بیان شده، اثری فاخر، ارزشمند و درخور توجه از کار در آمده است.

✦ ققنوس فاتح

کتاب «ققنوس فاتح» نوشته گل علی بابایی، روایت شفاهی از سرگذشت سراسر ایثار و بیکار دانشجوی شهید محسن وزوایی است. محسن وزوایی، در پنجم مرداد ماه سال ۱۳۳۹ در محله نظام آباد تهران دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۵۸ هم زمان با کار تبلیغاتی در جمع دانشجویان پیرو خط امام، بلافاصله با تشکیل سپاه به پاسداران پیوست. در دوره ای فشرده، آموزش های چریکی را در سپاه آموخت. او مدتی در سپاه به عنوان فرمانده مخابرات انجام وظیفه کرده، سپس سرپرستی واحد اطلاعات- عملیات را به عهده گرفت. همان دانشجوی انقلابی که مصاحبه هایش در مورد دانشجویان پیرو خط امام با صلابتی که در سیمایش بود، در رسانه های غربی بازتاب داده می شد. او وقتی شهید شد فقط ۲۲ سال سن داشت اما دلاوری های زیادی را در کارنامه رزمندگی اش ثبت کرده بود. فرماندهی گردان «حبیب بن مظاهر» و تیپ تازه تأسیس «محمد رسول الله (ص)» و فرماندهی «تیپ ۱۰ سیدالشهداء» و... به نام محسن وزوایی خوش درخشید. او سرانجام در دهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱، در هنگام هدایت نیروهای تحت امر خود، بر اثر اصابت گلوله و ترکش به شهادت رسید.

✦ پرواز تا بی نهایت

سرلشکر شهید عباس بابایی یکی از باوفاترین خلبانان نیروی هوایی جمهوری اسلامی خصوصیت بارزش همیشه در صحنه بودنش بود. حتی او با آنکه معاون عملیاتی فرماندهی نیروی هوایی بود اما همیشه در میدان های جنگ حضور داشت. کتاب پرواز تا بی نهایت یادنامه ای از آن شهید بزرگوار حاصل مصاحبه با ۲۰۰ نفر از خانواده، دوستان، همزمان و... عباس بابایی است که در سه بخش کودکی تا انقلاب، انقلاب تا رشادت و رشادت تا شهادت نگاشته شده است. کتاب پرواز تا بی نهایت تلاشی است پیرامون زندگی خلبان شهید، بزرگمردی که در مکتب شهادت پرورش یافت. او که خلبان شدنش را در آمریکا و با آن شرایط سختی که در کتاب آمده عنایت خداوند می داند. همه کتاب گواهی بر سادگی، بی ریا بودن، مؤمن بودن و تلاش شبانه روزی او است. این کتاب در سه فصل «کودکی تا انقلاب»، «انقلاب تا رشادت» و «رشادت تا شهادت»

به زندگانی، رشادت ها و محسنات اخلاقی شهید بابایی، اعم از تواضع، دینداری، بی ریا و... از زبان همسر، مادر، نزدیکان و همکاران نظامی و غیرنظامی می پردازد. از ویژگی های برجسته کتاب یاد شده، موجز و مفید بودن حکایت های متن است که مخاطب را با تنوع روبه رو می کند

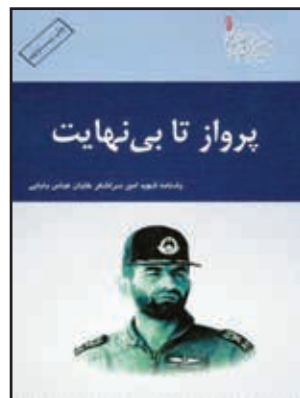
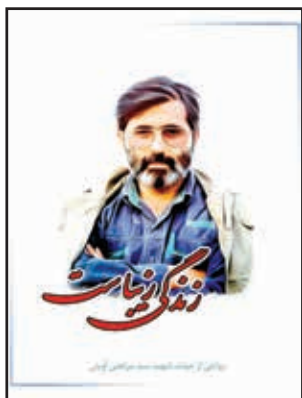
✦ نیمه پنهان ماه

کتاب نیمه پنهان ماه ۵ روایتی خواندنی است از شهید زین الدین که منیره ارمغان همسر شهید از وی حکایت می کند. مهدی زین الدین ۱۸ مهر ماه سال ۱۳۳۸ متولد شد و در ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۱ با منیره ارمغان ازدواج کرد و در ۲۷ آبان سال ۱۳۶۳ به شهادت رسید. ماجرای این کتاب دوران سه سال زندگی مشترک آن ها را در سال های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به نقل از منیره ارمغان در بر می گیرد. نویسنده در آغاز کتاب برداشت خود از زندگی مشترک آن ها را اینگونه بازگو می کند: «زندگی با مهدی برای او یک خواب بود؛ خوابی کوتاه و شیرین. در بعد از ظهر بلند تابستان جنگ. فقط خاطره هایش، آن چیزی هایی که آدم ها بعد از یادش می افتند و حسرتش را می خورند باقی مانده بود. شاید هم همه این مدت خواب او را می دیده. از آن خواب هایی که وقتی آدم می بیند توی خواب هم می خندد. خوابی غیر منتظره. خواب زندگی با یک فرشته.»

✦ زندگی زیباست

کتاب «زندگی زیباست» مفصل ترین کتاب درباره حیات شهید آوینی است با روایتی داستانی و مستند که در آن نویسنده با استفاده از خاطرات و گفتگوهای غالب افرادی که با این اندیشمند و هنرمند برجسته انقلاب اسلامی مرتبط بودند، زوایای مختلف زندگی او را به مخاطب می شناساند. در بخشی از مقدمه نویسنده می خوانیم: «جدا از خاطرات دور کودکی و فیلم های روایت فتحی که شب جمعه ها همه را میخ کوب تلویزیون می کرد و از شان اشک می گرفت، جدا از چهره گیرای مرتضی آوینی که از نوجوانی ما را شیفته خود کرده، جدا از آینه جادوی او که فتح باب همه ما بوده است در ورود به هنر انقلابی، جدا از موسیقی سحر آمیز روایت فتح که با تمام سادگی اش دل انسان را می لرزاند، آنچه به طور مشخص به این کتاب مربوط می شود را اسفند ۱۳۹۰ شروع کردم...»

این کتاب بنا بر گفته سید عباس سید ابراهیمی، نویسنده این اثر با هدف انجام یک تحقیق کوتاه در مورد شخصیت فکری و فرهنگی مرتضی آوینی در دست تالیف قرار گرفت و برای انجام این تحقیق بود که وی متوجه شد تاکنون کتابی که مبتنی بر یک تحقیق جامع همه زندگی آوینی را بررسی کرده باشد، وجود ندارد و همین مساله انگیزه وی شد تا این کتاب را از یک پژوهش ساده مبدل به یک زندگی نامه داستانی مستند کند.



نفس اسکار

نماینده ایران معرفی شد



«با انجام مباحث نهایی و بررسی‌های کلی درباره چهار فیلم فهرست نهایی، این هیات با اکثریت آرا، فیلم «نفس»، ساخته نرگس آبیاری، را برای نمایندگی سینمای ایران در رقابت اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان انتخاب کرد. اعضای هیات، امید دارند فیلم برگزیده بتواند با پشتیبانی تمامی مراکز تاثیرگذار فرهنگی کشور، نمودی دیگر از ظرفیت‌های سینمای نوین ایران را به طیفی گسترده‌تر از مخاطبان بین‌المللی بشناساند.» این جملات از امیر اسفندیاری، سخنگوی هیات معرفی فیلم ایرانی به معنای پایان یک سؤال بود که همه ساله در حوالی این زمان پرسیده می‌شود: جواب امسال نفس ساخته نرگس آبیاری است. در ۲۶ شهریور بود که لیستی شامل ۱۰ فیلم که کاندیدای این انتخاب شده بودند، اعلام شد. در این فهرست اسم فیلم‌های «برادرم خسرو» ساخته آقای احسان بیگلری، «بیست و یک روز بعد» ساخته سیدمحمد رضا خردمندان، «خانه‌ای در خیابان چهل و یکم» ساخته آقای حمید رضا قربانی، «رگ خواب» ساخته آقای حمید نعمت‌الله، «لاک قرمز» ساخته سیدجمال سیدحاتمی، «ماجرای نیمروز» ساخته آقای محمدحسین مهدویان، «مالاریا» ساخته آقای پرویز شهبازی، «نفس» ساخته خانم نرگس آبیاری، «وارونگی» ساخته آقای بهنام بهزادی و «ویلاهای» ساخته خانم منیر قیدی به چشم می‌خورد و در نهایت این نفس بود که به اسکار رسید، اولین فیلم از ایران با یک کارگردان خانم...

سینمای ایران درحالی «نفس» را به عنوان نماینده خود به اسکار ۲۰۱۸ معرفی می‌کند که سال قبل اصغر فرهادی موفق شد در بخش بهترین فیلم خارجی‌زبان برنده اسکار شود و تعداد اسکارهای خود و ایران را به عدد دو برساند. درواقع باتوجه به آن اتفاق، به نوعی آبیاری باید از عنوان قهرمانی فرهادی در دوره پیشین دفاع کند. البته سال‌ها قبل مجید مجیدی، دیگر کارگردان جهانی کشورمان هم توانسته بود با «پچه‌های آسمان» در میان نامزدهای نهایی اسکار این بخش قرار بگیرد.

یک انتخاب خوب

به نظر می‌رسد «نفس» میان فیلم‌های موجود بهترین گزینه برای معرفی به اسکار باشد؛ اول اینکه فیلم در این چند وقت به اندازه کافی حضورهای جشنواره‌ای در دنیا داشته و نام و آوازه آن تا حدودی به اعضای آکادمی اسکار هم رسیده است؛ هرچند برای موفقیت و پیروزی در اسکار نیاز به تبلیغات و پشتوانه رسانه‌ای بسیار محکم‌تری

واجد شایستگی بودند. بااین حال نمی‌توانم خوشحالی خودم را پنهان کنم و خدا را شاکرم که فیلم «نفس» در چنین موقعیتی قرار گرفت. از سوی دیگر امسال فیلم یک کارگردان زن به اسکار معرفی شده و این اتفاق مبارکی است.»

آبیاری درباره فیلم نفس و موفقیت احتمالی آن هم می‌گوید: «این فیلم در ستایش تخیل و صلح است، همه ما در برهه‌ای از زندگی خود رویاها و تخیلاتی داشته‌ایم از همین رو ما در این فیلم رویاهای یک کودک را پی می‌گیریم که ۲ اتفاق بزرگ اجتماعی و سیاسی در زندگی خود می‌بیند و نگاه بی‌طرفانه و بدون قضاوتی به این موضوع دارد که ما با او در این فیلم جلو می‌رویم، اما به یکباره در پی وقوع جنگ آرزوهای کودک به خاکستر تبدیل می‌شود؛ کودکی که می‌توانست مهره مهمی برای زندگی خود و کشورش باشد اما به ناگهان آرزوهای او زیر آوارها می‌ماند بنابراین «نفس» در ستایش صلح است. باتوجه به اینکه «فروشنده» آقای اصغر فرهادی سال گذشته جایزه اسکار را کسب کرد و اینکه رقابت در این عرصه کار سختی است امیدوارم بتوانیم موفق باشیم، اما بردن چنین جایزه‌ای تنها در گرو ساخت یک فیلم خوب نیست و اتفاقات دیگری هم برای آن لازم است برای مثال ارکان‌های خارجی و داشتن کمپانی خوب خارجی هم نیاز است.»

درباره فیلم

فیلم «نفس» سومین اثر سینمایی بلند نرگس آبیاری است. آبیاری سال ۹۲ با «شیار ۱۴۳» به جشنواره فیلم فجر آمد و توانست جایزه ویژه هیات داوران سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر را از آن خود کند و پس از آن نفس را ساخت. «نفس» قصه زندگی یک خانواده بین سال‌های ۵۷ تا ۶۲ است. «نفس» روایتی است از زندگی چهار کودک با نام‌های بهار، نادر، کمال و مریم؛ کودکانی که به همراه پدرشان غفور و مادر بزرگ خود در دهه ۵۰ خورشیدی نفس می‌کشند! دنیای این کودکان، دنیایی است پر از رویاهای زیبای کودکانه که قرار است رنگ حقیقت به خود بگیرد. این فیلم که تلفیقی از رئال و انیمیشن است، داستان دخترچه‌ای را روایت می‌کند که در تخیلاتش هم سیر می‌کند و تخیلات او در فیلم به صورت انیمیشن به نمایش درآمده است. داستان فیلم نرگس آبیاری پیرامون دخترچه‌ای به نام «بهار» است که در خانواده‌ای با اصالت یزدی در کرج زندگی می‌کند. روایت فیلم با محوریت شخصیت بهار پیش می‌رود و نریشن دخترچه با لحنی صمیمی در سراسر فیلم شنیده می‌شود. داستان که در زمان پیش از انقلاب آغاز می‌شود با فرازونشیب‌های روزهای انقلاب جلو رفته و در بستر حوادث انقلاب زندگی خانواده بهار را با جزئیاتی که تماما از چشم و روایت بهار تصویر می‌شود جلو می‌برد. شخصیت‌های فیلم به خاطر ارتباط خانوادگی نزدیک با شخصیت بهار دارای جذابیت و صمیمیت خاصی هستند، به خصوص اینکه بازی گروه بازیگران فیلم به دلپذیر بودن آنها کمک کرده است. شخصیت «ننه‌آقا» با بازی خیره‌کننده «پانته‌آ پناهی‌ها» نامادری پدر خانواده است که با سختگیری‌ها و حساسیت‌های بیجا و گاه بیجایش عرصه را برای سلطنت‌ها و کنجکاوای بهار تنگ می‌کند. می‌توان فیلم نفس نرگس آبیاری را فیلمی کودکانه دانست که در بستر حوادث انقلاب و دفاع مقدس به زیبایی و صمیمیت هرچه تمام‌تر بیان شده و مخاطب را با دغدغه‌ها و رویاهای کودکانه دخترچه‌ای کنجکاو و جست‌وجوگر همراه می‌کند تا همراه با فرازونشیب‌های زندگی کودکانه او بلوغ کشوری ملتبه و عبور از انقلابی فرهنگی و مذهبی نیز مرور شود.

در جهان به‌ویژه در آمریکاست. دیگر اینکه حضور شیرین یک دخترچه به نام بهار نوروزی که به شکلی بامزه راوی قصه پرفرازونشیب زندگی خود و خانواده‌اش است، می‌تواند مخاطبان جهانی را با شخصیت و فیلم همراه کند. ضمن اینکه وجوه پررنگ انسانی و عاطفی در فیلم به‌عنوان مفاهیمی جهانشمول می‌تواند نقش موثری در این همراهی داشته باشد. انیمیشن‌های «نفس» و آن بخش تخیلات بهار هم از ویژگی‌های تمایز این اثر در میان فیلم‌های ارسالی به اسکار است و احتمالاً خوشایند برخی اعضای اسکار باشد. کمال تبریزی، عضو هیات انتخاب سینمای ایران برای معرفی فیلم به اسکار با اشاره به دلایل مختلف انتخاب فیلم «نفس» گفته است: «همه فیلم‌ها و اجدارزش‌های خود بوده و فیلم‌های خوبی هستند اما فیلم «نفس» چند ویژگی دارد؛ از جمله اینکه باتوجه به موضوع فیلم و نوع روایت‌اش مخاطب غیر ایرانی را بیشتر جذب می‌کند و برای آنها تازگی دارد و تصویر متفاوتی از ایران ارائه می‌دهد. نکته بعدی این بود که برای اولین بار یک بانوی فیلمساز ایرانی، فیلمش به آکادمی اسکار معرفی می‌شود و این ممکن است در قضاوت نهایی تاثیر داشته باشد.»

رضا کیانیان یکی از دیگر از اعضای هیات انتخاب اعتقاد دارد: «این فیلم به نظر ما روایت جذاب و خوبی داشت و در بین دیگر فیلم‌ها از امتیازاتی برخوردار است که می‌تواند برای آمریکایی‌ها نیز جذاب باشد. البته فیلم «مالاریا» هم که در کنار «نفس» جزو دو گزینه نهایی بود، جذابیت‌های خاص خود را دارد و کارگردان با سه نوع حرکت و دو نوع دوربین توانسته به شیوه روایتی منحصر به فرد دست یابد و آنچه را می‌خواهد به خوبی بازگو کند ولی در آخر نظرات مثبت‌تری که نسبت به «نفس» وجود داشت، باعث شد اکثریت آرا «نفس» را انتخاب کنند.»

واکنش کارگردان

نرگس آبیاری، کارگردان «نفس» که به عنوان نماینده ایران در اسکار انتخاب شده است از اینکه به نقش زنان در سینمای ایران بیشتر توجه شده است ابراز خرسندی کرد: «انتخاب فیلم «نفس» به عنوان نماینده سینمای ایران برای خودم اتفاق بسیار خوبی است و افتخار می‌کنم که این فیلم از سوی اعضای محترم هیات، انتخاب و معرفی شد، هرچند معتقدم فیلم «نفس» تنها فیلم شایسته سال گذشته سینمای ایران نیست و معتقدم تمامی ۱۰ فیلم معرفی شده در سال گذشته تاکنون افتخارآفرین و هر یک

دو پادشاه و یک پناستی

دردسرهای ستاره داشتن برای پاری سن ژرمن

پاری سن ژرمن اکنون آن روی سکه ستاره داشتن را هم چشید، این تیم که در فصل نقل و انتقالات پرصفرترین چک‌های تاریخ را امضا کرد تا یکی از پرهزینه‌ترین تیم‌های تاریخ فرانسه و شاید اروپا را داشته باشد، شاید تصورش را هم نمی کرد که دردسرهایش بر سر یک ضربه پناستی آغاز شود. پارسی‌ها در هفته ششم از لو شامپیون لیون را با ۲ گل شکست دادند تا ششمین برد متوالی آنها در لیگ فرانسه هم ثبت شود. نکته جالب توجه در این بازی جرو بحثی بود که بین دو مهاجم پی‌اس‌جی اتفاق افتاد. داور بازی در دقیقه ۷۹ به سود میزبان پارسی یک پناستی اعلام کرد؛ پناستی ای که تبدیل شدنش به گل می توانست خیال شاگردان اوناوی امری را از بابت کسب پیروزی آسوده کند. نیمار و کاوانی هر دو به سمت توپ رفتند و با وجود تلاش ستاره برزیلی به متقاعد کردن هم تیمی اروگوتی خود، او اجازه‌زدن این ضربه را به ستاره سابق بارسلونا نداد و نیمار با چهره‌ای در هم از نقطه پناستی دور شد. به این ترتیب کاوانی ضربه را زد اما دروازه‌بان حریف به کمک تیر افقی دروازه آن را مهار کرد. با وجود آنکه اوناوی امری، سرمربی این تیم کاوانی را به عنوان پناستی زن اول تیمش معرفی کرده، اتفاق یکشنبه شب سومین باری بود که میان دو مهاجم PSG برای زدن پناستی کشمکش رخ داد و نکته‌ای که آن را جالب‌تر می کرد، اتفاقی بود که دقایقی قبل از این ماجرا رخ داد. پیش از این پناستی داور در منطقه‌ای خطرناک یک ضربه ایستگاهی به سود پارسی‌ها اعلام کرد که کاوانی قصد داشت آن را بزند اما دنی آلوز، دفاع راست

حتی خود ادیسون کاوانی هم سعی دارد ماجرا را تکذیب کند و به نوعی از این حاشیه دوری کند، او به یک شبکه رادیویی اروگوتی‌ای گفت: «این چیزهایی است که کاربران توئیتر به آن علاقه دارند. من نمی دانم که چرا آنها، این داستان‌ها را می سازند. واقعیت این است که این چیزهای طبیعی است که در فوتبال رخ می دهد. آن وقتی با برادر صحت می کردم، این ماجرا را شنیدم؛ اینکه من اجازه ندادم نیمار پناستی بزند یا اینکه با او مشکل دارم. واقعیت این است که مشکلی وجود ندارد. نیمار تازه به اینجا آمده و مطمئناً چیزهای بیشتری از او خواهیم دید. همانطور که از ابتدا گفتم، همه‌ما می خواهیم که او به بهترین شکل تطبیق پیدا کند. فکر می کنم او خیلی زود در تیم جامی افتد.»

اما روایت روزنامه اکسپرت متفاوت است، این روزنامه



فرانسوی در گزارشی نوشت: «درگیری این دو بازیکن به رختکن تیم هم کشیده شده است. پس از بازی، کاوانی که از اقدامات نیمار عصبانی بوده به فوق ستاره برزیلی نزدیک می شود و به او با صدای بلند اعتراض می کند. انتقادهای ادامه دار کاوانی با واکنش نیمار همراه می شود و در حالی که دو بازیکن می رفتند تا با هم دست به یقه شوند، تیآگو سیلوا به ماجرا ورود پیدا کرد و دو بازیکن را از یکدیگر جدا می کند. گرچه به نظر نمی رسد اختلافاتی که میان این دو ستاره وجود دارد، به این زودی به پایان برسد.» این درگیری آن قدر آشکار است که نیمار، کاوانی را در اینستاگرام دیگر دنبال نمی کند. این ماجرا می تواند ادامه داشته باشد، به هر حال ستاره‌ها وقتی دور هم جمع می شوند، فقط با رقیبان خارج از باشگاه مبارزه نمی کنند، آنها در درون باشگاه هم رقیبانی دارند؛ رقیبانی که سدره آنها برای موفقیت مالی و معنوی بیشتر هستند، آنها نمی خواهند کمتر دیده شوند، مدیران

برزیلی PSG با ننگه داشتن توپ به هم تیمی اروگوتی خود اجازه‌زدن این ضربه را نداد. آلوز توپ را در اختیار دوست قدیمی و هم وطنش نیمار گذاشت اما او هم از این موقعیت بهره‌ای نبرد. به نظر می رسد دنی آلوز هم از رفتار کاوانی در برخورد با نیمار چندان دل خوشی ندارد و با حرکتش در بازی یکشنبه شب حمایتش را از هم تیمی هم وطنش نشان داد و احتمالاً اوضاع را تا حدودی بدتر هم کرد. هرچند این مدافع برزیلی در پایان این بازی این روایت را که از تصاویر تلویزیونی برداشت می شد، تکذیب کرد و گفت: «توپ را گرفتم که خودم بزنم. من روی ضربات ایستگاهی تبحر دارم و گل‌های خوبی زده‌ام. شرایط خوبی بر بازی حاکم نبود و من احساس مسئولیت کردم که ضربه را بزنم اما با بدشانسی من، این نیمار بود که توپ را گرفت و در نهایت نتوانستم ضربه را بزنم. هیچ هدفی پشت گرفتن توپ از کاوانی نبود و تنها می خواستم آن ضربه را خودم بزنم.»

پیشخوان جهانی

قطری حالا این مساله را خوب دانسته...
نیمار که در بارسا و با حضور لیونل مسی و لوئیس سوارز، پذیرفته بود که باید برای زدن ضربات آزاد و پناستی‌ها، با این دو ستاره به توافق برسد، به نظر می رسد در پاری سن ژرمن خود را ستاره اصلی تیم می داند و این برای کاوانی که پنجمین فصل حضورش در پارک دو پرنس را پشت سر می گذارد، پذیرفتنی نیست. کاوانی مدت‌ها در پی اس‌جی زیر سایه زلاتان بود و حاضر نیست در مقابل نیمار که تنها چند هفته از حضورش در پی اس‌جی می گذرد، کوتاه بیاید. نزدیکان کاوانی در جمع‌های خصوصی به وجود اختلاف بین این دو اشاره می کنند. یکی از آنها به روزنامه پاریزین می گوید: «اولویت پاری سن ژرمن چیست؟ نیمار توپ طلا ببرد یا تیم قهرمان لیگ قهرمانان شود؟» علاوه بر اهداف فردی نیمار، ماتادور به نقل از اکسپرت از رفتار او و دنی آلوز ناراحت است؛ دو بازیکن تازه‌واردی که در همین زمان کم نقش مهمی در رختکن تیم پیدا کرده‌اند.

از طرف دیگر کاوانی در صورت کسب عنوان آقای گل بر اساس قراردادش پاداشی یک میلیون یورویی دریافت می کند و این هم می تواند انگیزه او برای زدن ضربات پناستی را توجیه کند. البته نمی توان گفت که انگیزه‌های مالی ریشه اصلی اختلاف این دو بازیکن ثروتمند باشد. ماجرا حتی می تواند ابعاد بزرگتری به خود بگیرد، به عنوان مثال نشریه اسپورت ادعا کرد که نیمار از ناصر الخلیفی رئیس متمول این باشگاه خواسته تا مقدمات فروش ادیسون کاوانی، ستاره اروگوتی‌ای و گلزن پی‌اس‌جی را فراهم سازد تا او تبدیل به مرد اول این تیم در میدان شود. این اتفاق، زنگ خطر بزرگی برای اوناوی امری به صدا درآورده است؛ چه اینکه اگر او نتواند این حاشیه‌ها را جمع کند، تمام ریخت و پاش مدیران پارسی در تابستان، به دشمن اصلی این تیم تبدیل خواهد شد. سرمربی پاری ترجیح می دهد ستارگان تیمش خوششان ماجرا را جمع کنند: «پناستی‌ها را افراد معذوری می زنند، یکی کاوانی و یکی نیمار. آنها باید مثل دو انسان با شخصیت با هم به توافق برسند. ما باید در بین خود بر سر زدن پناستی‌ها به توافق برسیم، زیرا فکر می کنم هر دو قابلیت زدن پناستی را دارند و من از هر دو می خواهم روی این موضوع کار کنند. اگر هیچ توافقی حاصل نشد، من تصمیم می گیرم، نمی خواهم این مشکل ادامه پیدا کند.» واکنش ناصر الخلیفی هم در نوع خودش جالب بود، مالک قطری باشگاه پاری سن ژرمن معتقد است که دو ستاره این تیم در لحظه پناستی به المپیک لیون نباید با هم درگیر می شدند و بهتر بود به مربی خود توجه می کردند. در حال از دید ناصر الخلیفی حق با نیمار بوده و بهتر بود نیمار این ضربه پناستی را به ثمر می رساند.



گزارش تایم از توفان‌های آمریکا و راه مقابله با آن



اکونومیست از مبارزه با سرطان می گوید



یواس ای تو دی از دیوار بین آمریکا و مکزیک



مدیرعامل بانک انصار:

حاتم کارت؛ طرحی در راستای حمایت از تولید و مصرف کالای ایرانی

چهل و چهارمین فروشگاه زنجیره‌ای تاک با حضور دکتر ابراهیمی و تنی چند از معاونین و مدیران کل بانک انصار افتتاح شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات؛ دکتر آیت‌الله ابراهیمی، مدیرعامل بانک انصار، در آیین افتتاحیه این فروشگاه با تأکید بر لزوم اهتمام ملی در تحقق شعار «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال» و عملیاتی کردن محورهای ۱۰ گانه مقام معظم رهبری گفت: «اجرای کردن طرح‌هایی مانند طرح حاتم، به منظور تقویت نظام تولید داخلی، توسعه ظرفیت‌های بومی و رونق بخشی به بازار فروش کالاهای ایرانی صورت می‌گیرد و فرصت‌های مناسبی را برای ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند.

دکتر ابراهیمی، در این آیین، طرح حاتم و حمایت از تولید و فروش کالای ایرانی را از اقدامات موثر بانک انصار در راستای توسعه اقتصاد مقاومتی دانست و گفت: «یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور، فقدان الگوی مصرف مناسب برای جامعه است و مردم باید به سمت مصرف بهینه کالاهای داخلی هدایت و ترغیب شوند.»

مدیرعامل بانک انصار بیان داشت: «در شرایط کنونی، تولیدکنندگان مسئولیت بسیار بزرگی را برعهده دارند و بانک انصار به منظور جبران زحمات آنان، با ایجاد کارت حاتم، به صورت مستقیم، زمینه خرید کالاهای ایرانی را فراهم کرده تا بدون واسطه، پول و اعتبار مورد نیاز به دست تولیدکننده ایرانی برسد. وی افزود: «این درحالی است که این بانک در راستای اجرای طرح حاتم، سود و سهمی را برای خود در نظر نگرفته است.»

دکتر ابراهیمی احیای فرایندهای تولید در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی را گامی جدی برای آغاز رونق بخشی به تولید داخلی قلمداد و تأکید کرد: «حمایت از تولید داخلی نیازمند عزم ملی بوده و استمرار آن می‌تواند رونق اقتصادی کشور را میسر کند.»

مدیرعامل بانک انصار تصریح کرد: «تلاش جدی برای اجرای شدن طرح‌های تسهیلاتی نظیر طرح حاتم، صورت گرفته است و در این راستا بانک انصار با پیش‌بینی‌های لازم، ۱۰۰۰ الی ۲۰۰۰ میلیارد تومان را در قالب یک محصول و طرح پیوسته، از مهرماه وارد چرخه اقتصادی خانواده‌ها می‌کند.»

آقای چمک رئیس هیات مدیره شرکت تعاونی کارکنان بانک انصار نیز در حاشیه این افتتاحیه گفت: «یکی از شاخص‌های مطرح شده در طرح تحول بانک انصار، تدوین دو استراتژی حمایت از تولید ملی و کارآفرینی است که بر پایه ترویج مصرف کالاهای داخلی صورت گرفته است.

وی با بیان اینکه این طرح در راستای ترویج مصرف کالاهای داخلی و پرهیز از مصرف کالاهای مشابه خارجی تدوین شده و طرحی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی به‌شمار می‌آید، افزود: «آن‌شاءالله در نظر داریم با تقویت این طرح به اقشار آسیب‌پذیر کمک کرده تا تولیدکننده و مصرف‌کننده کالاهای ایرانی در یک بستر مناسب تولید و مصرف قرار گیرند و در عین حال، زیر ساخت‌های اشتغال جوانان، حمایت از تولید داخلی و فروش کالای ایرانی ایجاد شود.»

براساس این گزارش، بانک انصار در اجرای این طرح، نسبت به انعقاد قرارداد با شرکت‌های تولید لوازم خانگی داخلی در قالب طرحی به نام حاتم (حمایت از تولید ملی) اقدام کرده تا ضمن تحقق فرمایشات مقام معظم رهبری، نسبت به توسعه عقد مباحه، کمک به اقشار کم‌درآمد و ترویج فرهنگ استفاده از تولیدات داخلی، اقدام شایسته به عمل آید.

شایان ذکر است که جزییات مربوط به ویژگی‌های طرح، نحوه ثبت نام، مراحل و چگونگی برخورداری اقشار مختلف از مزایای این طرح، در سامانه ویژه طرح حاتم در سایت بانک انصار به نشانی www.ansarbank.com تشریح شده است.